



Ketabton.com



ایستادگانه
تفهم و بصیرت

نی
پیشانی
مقد داشت؟

سواران

خلق افغانستان طی محفلی بعد از ظهر اول حوت
 بابا نیه د ستگیر پنجشیری عضو پوری
 سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
 افغانستان و عضو شورای انقلابی جمهوری
 دموکراتیک افغانستان در انستیتوت پولی تخنیک
 افتتاح شد .

• • •

فیض محمد وزیر امور سرحدات ساعت
 ۱۱ قبل از ظهر اول حوت در دفتر کسارش
 باتون کوانگ کوشارو دافیر سفارت کبرای
 جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات تعارفی
 بعمل آورد .

وهنگذا فضل الرحیم مومند وزیر زراعت
 و اصلاحات ارضی بعد از ظهر اول حوت در دفتر
 کارش باتون کوانگ کوشارو دافیر سفارت
 کبرای جمهوریت سوسیالیستی ویتنام ملاقات
 تعارفی بعمل آورد .

• • •

پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی
 طباعتی و فروش کتب شام سی دلو بین وزارت
 اطلاعات و کلتور و کمیته دولتی اتحاد شوروی
 در امور نشراتی، طباعتی و فروش کتب در کابل
 عقد شد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
 میدهد از طرف شاه محمد دوست وزیر امور
 خارجه تلگرام تبریکه به مناسبت تفسر
 چلانتاب نگون کونج بحیث وزیر امور
 خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام به هانوی
 مخابره گردیده است .



بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای انقلابی و صدراعظم هنگامیکه هیات سازمان عفو
 بین المللی را برای ملاقات در مقر شورای انقلابی پذیرفتند

به مناسبت انتخاب چلانتاب ادوارد گریک
 بحیث منشی اول کمیته مرکزی حزب متحد
 کارگری پولند به وارسا مخابره گردیده
 است .

• • •

اسدالله سروری عضو پوری سیاسی کمیته
 مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،
 معاون شورای انقلابی و معاون صدراعظم شام
 ۲۵ دلو از مزار شریف به کابل بازگشت .
 اسدالله سروری باتفاق شیرجان مزدوریار

وزیر ترانسپورت و توریسم و مگرمن نظر محمد
 قوماندان عمومی قوای هوایی و مدافعه هوایی
 برای بازدید از بنادر مربوط ولایت بلخ به
 تاریخ بیست دلو به مزار شریف رفته بود .

• • •

فا کو لته ژورنالیزم وابسته به انستیتوت
 علوم اجتماعی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک

رفیق کیمال سونگ منشی عمومی کمیته
 مرکزی حزب کارگر کوریا و رئیس جمهور
 جمهوری دموکراتیک خلق کوریا به مناسبت
 انتخاب شان بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
 شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
 افغانستان طی پیام جوابیه یی مقابلتا اسراز
 یقین نمودند که مناسبات دوستی و همکاری
 بین خلقهای هر دو کشور از طریق مبارزات
 شان بر ضد امپریالیزم وارتجاع بین المللی
 بیش از پیش انکشاف می یابد .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
 میدهد از طرف بیرک کارمل منشی عمومی

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق
 افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم
 جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه

اختصار وقایع مهم

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان رییس
 شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
 افغانستان ساعت سه و نیم بعد از ظهر ۲۵ دلو
 هیات سازمان عفو بین المللی را در مقر
 شورای انقلابی پذیرفتند .

در جریان این ملاقات با اعضای هیات که
 شامل ممتاز سوسل و ایران تیرلینون می
 باشند این اطمینان بوجود آمد که اساسات
 حقوق بشر در افغانستان پس از مرحله نوین
 انقلاب نور بکلی احیا گردیده است .

• • •

جلسه شورای وزیران تحت ریاست بیرک
 کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب
 دموکراتیک خلق افغانستان رییس شورای
 انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک

افغانستان روز ۲۷ دلو از ساعت پنج عصر
 تا هشت شب در مقر شورای انقلابی دایر
 گردید .

• • •

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
 شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
 افغانستان ساعت چهار و چهل و پنج دقیقه عصر
 ۲۶ دلو هیات جبهه مردم برای آزادی فلسطین
 را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات
 پذیرفتند .

• • •

مدیریت اطلاعات و وزارت امور خارجه خبر
 میدهد بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی
 حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
 شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک
 افغانستان ضمن تشکر صمیمانه از پیام تبریک



مجید سربلند و ایوان کاروفکین هنگام امضای پروتوکول همکاری در ساحه نشراتی و طباعتی
 و فروش کتب بین وزارت اطلاعات و کلتور و کمیته دوستی اتحاد شوروی در امور نشراتی



راه‌ما، راه‌حق و بمنزل رسیدنی است

د نړیوال پیوستون په ټینګښت کې د مسلمانانو ترمنځ د تماسو او اهمیت .

مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور .

پخپل پک آینده بهتر برای تمام اطفال .

فعالیت های خرابکارانه و طرح نقشه های تهاجمی ایالات متحده، توازن قوا را در جهان برهم میزند .

باج - پولند داستان .

نگاهی بر رباعیات خیام .

په آسیا او افریقا کی دپاداری نظامونه .

چگونه مبارزه با حصادات آدمیزاد را مصونیت می بخشد .

نجات از چنگال دژخیمان طاعون .

دایوری از لیلان قره قل افغانی .

مشکل بحران انرژی در جهان .

روی جلد تیمهای قهرمان ورزشی تعلیم و تربیه که در مسابقات اخیر جامهای قهرمانی را حاصل نموده اند .

پشتی اخیر یکی از شاگردان لیسه زرغونه دادر لباس مقبول صفحات مر کزی کشور می نمایاند .

عکس متن دختر زیبای افغانی را مصروف گل دوزی نشان میدهد .

«عکاسی باختر آژانس»

و برخی از ساختمانهای زیبای آنرا که باخون و گوشت مردم زحمتکش، ساخته شده است، با عملیات تخریبکارانه به آتش کشیدند، چه کسانی بوده اند که عراده ها و دوکانهای مردم را طعمه حریق نمودند؟ وجه کسانی بوده که میخواهند مریضمان را در حالت بی دوايي، اطفال را در حالت بی شیري و ساکنان شهر را در حالت گرسنگي با انتظار مرگ نشانند؟

پاسخ واضح است که اینها نه تنها دشمنان خلق افغانستان بلکه دشمنان بشریت اند و این قاتلان حرفه‌یی که از گوشت انسان تغذیه میکنند از جانب گردانندگان ماشین های جنگی امپریالیزم، مأمور قتل خلق بیگناه شده بودند. آنها با حساب غلط شان بر خورده انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان را دال بر ضعف آن نمود، و اعلامیه های مکرر دولت را مبنی بر رعایت آزادی های دموکراتیک مردم نادیده گرفتند اما سرانجام چنانکه با داران شان بارها در برابر مردم ما برانو در آمده اند، این ریزه خوران آنها بار دیگر بر شکست ننگین توطئه گران و آشوبگران امپریالیستی و ارتجاعی شان افزودند و لکه ننگ دیگر بر جبین دشمنان بشریت کوبیدند.

ما چنانچه بارها حقانیت انقلاب خود را در عمل ثابت نموده ایم با باتکدرسا اعلام میداریم که راه ما حق است، ما بدون هراسی به پیش میرویم و به این ایمان داریم که حق بر باطل پیروز شدنیست.

زنده باد افغانستان
مرگ بر دشمنان وطن

«کارگران و دهقانان زحمتکش!
کاسبان و تاجران افغانستان!
از شما و از هر فرد وطنپرست کشور دعوت می نمایم در هر جایکه هستید سر بلند و باغور و عطش، کار های تانرا انجام دهید، برای انتقال و عرضه اجناس و مواد لازمه که برادران و خواهران، پدران و مادران و اولادهای شما سخت ضرورت دارند صمیمانه و فداکارانه کمک و مساعدت کنید، به تبلیغات خائنانه و دروغ های دشمنان افغانستان گوش فرا ندهید و فریب نخورید. دولت مصونیت، امنیت و آزادیهای شما را تامین و تضمین خواهد کرد.»
«بیرک کارمل»

شنبه ۴ حوت ۱۳۵۸، ۲۳ فبروری ۱۹۸۰

خدمتزلت می برد و رضایت خبیثانه ولینعمتانش را غنیمت شمرده و با لا تر از هر چه میداند حتی از کرامت و شرف انسانی!

پس تصادفی نیست که امپریالیزم جهانخواز امریکا، امپریالیزم محیل و مزور انگلیسی شتونیزم بکن، قلاعه ارتجاع منطقه خصوصاً ارتجاع نظامی پاکستان و صیونیزم اسرائیل را در دست گرفته، گاهی بجان خلق رنج کشیده

افغانستان و زمانی هم بجان خلق آواره و بیگناه فلسطین میاندازند.

مردم ستم دیده ماکه پس از تحمل قرنهای رنج وید بختی، با پیروزی انقلاب شکوهمند نوردنچیر های اسارت را شکستند و با امیدواری کامل بسوی فردا های شگوفان مستگیر شدند یکبار دیگر در پنجه بیداد امین خود کسام گیر ماندند، چه غذاهای که ندیدند و چه رنجهای که نکشیدند. ولی با یورش بر ایمان ششم جلدی که امین سفاک و باندد بی باک آن به کینر اعمال ضد انسانی شان رسیدند، آقای کارتر و متحدینش به سوگت امین نشستند و به عنوان اینکه حفظ الله، «امین» شان بود خود را مستحق مداخله در امور داخلی افغانستان میدانند!

چنانچه واقعه سوم حوت شهر کابل بار دیگر پرده جنایات شوم امپریالیزم امریکا و دستیارانش را از هم درید و چهره شوم و سبطانی این جنایتکاران تاریخ را به همشهریان کابل و همه هموطنان علانید یده ما نمایان ساخت.

بیاید به بنیم که چه کسانی حادثه روز سوم حوت را در شهر کابل بار آوردند

هموطنان شریف و آزادی پسند ما و خلقهای سراسر جهان بخوبی میداند که ارتجاع و امپریالیزم، دشمنان آشتی نا پذیر و شناخته شده بشریت بوده و همواره در تلاش اند تا راه های رفاه و ترقی را بر مردم سد نمایند، زیرا آنها در پیشرفت و ارتقای خلق بسوی افق های درخشان زندگی، نابودی حتمی خود را می بینند.

این فزندان بی مروت که بقای شانرا در ظلمات جستجو می کنند از نور و روشنائی در هراسند و این خفا شان خون آشام با نوار زرین خورشید انقلابات مردمی که گر مایخی زندگی خلقهای رنج دیده می باشد از اصل وریشه در تضادد بناء با آن سر مخاصمت را در پیش گرفته و لوجوانه در برابر آن قرار میگیرند.

از همینجاست که امپریالیزم جهانی به سرمداری امپریالیزم جنایتکار امریکا با شونیزم جنی در تبهانی بار تجاع بین المللی و ارتجاع سیاه داخلی در یک جبهه نامقدس بر ضد انقلاب شکوهمند نور بالاخص در برابر مرحله نوین تکامل تاریخی شش جلدی آن که نماینده راستین و چاکر گوش فرمان شان امین خونخوار را سرنگون ساخت خشمناک گردیدند و با تلاش های مذبحخانه و دیوانه وار باعمال خائنه دست می زنند.

ارتجاع و امپریالیزم که متضمن بقای یکدیگرند و در تاراج هستی خلقها دست شریک دارند از بدیهاست که بکار برد حیل و نیرنگهای گوناگون هست و بود مستغفین جهان را دست بردمی زنند و با آنکه ارتجاع را درین جیا ولها چندان چیزی هم نمیرسد و با اصطلاح از «گاو غدودی» را نصیب میگردد مگر با انهم از خوشی

د مسلمانانو تر منځ د تماسو نو اهمیت

په ۱۹۸۰ کال کې د شوروی اتحاد

د مسلمانانو د مهمو پروگرامونو

پس منظر

دی د مسلمانانو د دغو څلور پوړۍ
دو نو چارې تنظیموي .
د دغو مو سسې دجوړېدو مهم
هدف دادی چې د شوروی اتحاد
مسلمانانو اود نړۍ د بهرنیو هیوادود
مسلمانانو تر منځ بین المللی اړیکه

هادی اعظم الا کبر د شو روی
سوسیالیستی جما هیرو د اتحاد
د مسلمانانو داسلامی ټولنې د نړۍ
والو اړیکو درئیس مرستیال په دی
ورو ستیو وختو نو کی د مسلمانانو
تر منځ د مستقیمو تماسو نو او په
یو زرو نېه سوه اتیا ویم کال کې د
شو روی اتحاد د مسلمانانو د مهمو
پروگرامونو د پس منظر په
باب دنو وستې پر سې دا ژبا نسې له
استاذی سره یوه اختصا صی مرکه
کړې چې دادی دلته یې وړاندې کوو:
پو نېسته :

که لطفاً د شو روی سو سیالیستی
جما هیرو د اتحاد دنړیوالو تماسونو
اود هغه نقش په باب چې ستا سو
خانکه یې پکې لوړوی لږ څه معلومات
راکړی !
خواب :

د خا وری دېرا خوا لی اوجغرا-
فیا یې مو قعیت له مخی د مسلمانانو
څلور پوړۍ دو نه په شو روی اتحاد
کې جوړ اوتا سیسې شوی دی. لو-
مړی پوړۍ دمر کزی آسیا او قزا-
قستان د پوړۍ څخه عبا رتدی.
دو هم او دریم پوړۍ د نه دشمالی
کاکا سو پس دوترا نسکاو کا سیالیا
پوړۍ نه دی په داسی حال کې چې
په څلورم پوړۍ کې د سالیسیس
شامله ده . تر کومې اندازې چې
په مذهبی فعالیتونو پوړۍ اړه
لری دغه څلور واړه پوړۍ نه خپلې
مذهبی چارې په مستقل او خا-
نګړی توګه تر سره کوی. د شوروی
اتحاد د مسلمانانو د بین المللی
اړیکو ټولنه چې مشر یې مفتی ضیا-
الدین خان ابن احسان بابا خان

یکې او مستقیم تماسونه ټینګ او
پیاوړې کړی . دغه ټولنه وظیفه
لری چې د شو روی اتحاد مسلمانانو
د پاره بهرنی سفرونه تنظیم کاندې
ددغې موسسې بله وظیفه داده چې
شو روی اتحاد ته د بهرنیو هیوادود
مسلمانانو درا تګ په وختو نو
کې د هغوی داوسیدو د پاره لازمی
آسانتیا وی برا بری کړی . همدا
رنګه په مرکزی آسیا او د شو روی
اتحاد په نورو سیمو کې داسلامی
مرکزونو او تاریخی آثارو د کتنې
د پاره د آسانتیا و برا بر ول ددغې
موسسې یوه مهمه وظیفه تشکیلوی.
ددغه اصل له مخی د شو روی اتحاد
د بیلایلو برخو مسلمانانو کو لای
شی چې د ذکر شوی موسسې په
مرسته او همکارۍ دکال په بیلایلو
بیلو موسمونو کې د اسلامي



د شوروی اتحاد مسلمانان د دیني کتابونو او اسلامي آثارو د خپرلو په حال کې

مرکزو نوڅخه کتنه وکړی او تاریخی
آثار له نژدې څخه وګوري .

ددغه حقیقت دپه نظر کې نیولو
سره چې د شو روی اتحاد دمر کزی
آسیا اود قزا قستان د پاره د مسلمان-
انو پوړۍ دنړۍ دغه دپاسه او یا
هیوادو نو سره په تماس کې دی
هر څوک دا اټکل کو لای شی چې د
شوروی اتحاد ټولو څلور ګو نو
اسلامی پوړۍ نو نړیوال تماسونه
څو مړه اوبه څخه ډول تنظیم او ارز-
یابی کړی .

په پورتنيو ټکو علاوه باید وویل
شی چې د شو روی اتحاد د مسلمان-
انو دنړیوالو تماسو نو ټولنه هر
کال داسلامی تعلیماتو په بساب
دمعلو ماتو د پراخو لو د پاره د هغه
هیواد یوزیات زده کوونکي او محصلین
دلور و زده کړو په غرض بهر نیو
هیوادو نو ته استوی . تر اوسه پور
ددغې اړتیا طی موسسې له لاری
څخه یوزیات شمیر څوان زده کوو-
نکې او محصلین المغرب ، سور یی ،
اردن ، لیبیا اود ځینو نورو هیوادونو
ته استول شویدی .

دغه څوان محصلین په بهرنیو
اسلامی هیوادونو کې دمعلو ماتو
د پراخو لو او لوړو زده کړو له
پای ته رسیدلو څخه وروسته
بیرته شوروی اتحاد ته را ستنږی
اوبه پراخا ، تا شکند او نو رو
اسلامی مدرسو او مرکزونو
کې په تدریس بوختیږی .

د شو روی سو سیالیستی جما-
هیرو اتحاد مسلمانانو په دوه اړ-
خیزو تماسونو سر پیره دیو زیات
شمیر نورو فعالیتونو سره هم
سر اوکار لری . په پخوا نیو کلونو
کې د شو روی اتحاد د مسلمانانو
د پوړۍ له خوا یو زیات شمیر نړۍ-
وال کنفرانسونه تنظیم او پرانستل
شویدی او په هغو کې د آسیا ، افر-
یقا او منځنی ختیځ له هیوادونو
څخه یوزیات شمیر اسلامي مشرانو
برخه اخستی ده . د ۱۹۷۰ او ۱۹۷۳
کلونو په اوږدو کې د فلسطیني
عربي وګړو د دایمي په ملا تړن
اسلامی هیوادونو یوه نړیواله
جرګه په شو روی اتحاد کې جوړه
شوه . په دغه جرګه کې د عربی
وګړو د حقه حقو قو داغا دی اودغه
راز د فلسطین ولسونو دخاوری او
ملی حاکمیت د تضمین او بیرته
اغا ده کیدو سره نړیوال پیو ستون
څرګند او داسرا ټیلی تیری کوونکو



دوشنبې دښار په یوه جومات کې داسلامی تبلیغاتو یوه څڼه

په څه ډول دی ؟

ځواب :

په دوشنبه کې دتیر کال داسلامی سمپو زیم دجوړیدو په تعقیب او دوام ټاکل شوی ده چې د ۱۹۸۰ کال دسپتامبر په میاشت کې دتاسکند په ښار کې داسلامی هیوادو نو داستا زو په گډون یو نړیوال کنفرانس جوړېږي. همدا رنگه تجویز نیول شوی دی چې په روان کال کې هم دهجرت دمراسمو دنما نڅلو په باب ستړی غوښتنې جوړېږي.

پوښتنه :

آیا ستا سو په عقیده دالمپیک دبین المللی لو بو دانسجام کمیسیون په چې دروان کال دجولای په میاشت کې په شو روی اتحاد کې جوړېږي پاتې په ۵۰ مخ کې

هیوادو داستا زو له خوا مقالی ولوستل شوی او کنفرانسو نه ورکړل شول. باید وویل شي چې په دغو ټولو کنفرانسو نو، سمپو-زیمو نو او میتنگونو کې دافغانستان عا لمانوالو پر رتبه استازو برخه واخسته. همدا رنگه په دغو ټولو کې دافغانستان ددمو کرا تیک جمهوریت په استازو علا وهد بنگله دیش، لیبیا، لبنان، هند، پاکستان، اندونیزیا، ایران، تونس، المغرب، مالی او ځینو نورو اسلامي هیوادو هم په ګډون کړي و.

پوښتنه :

په ۱۹۸۰ کال کې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو داتحاد مسلمانانو پلان ته او پروګرامونه

په وینا سره پرانستله شوه داسلامی هیوادو دحکو متو نو او مذ هبی مشرانو په نامه دوه ځانګړې پرېکړه لیکونه او ابلاغیه صادرې او تصویبې شوې. د ۱۹۷۷ کال په تاریخي اسلامي کنفرانس کې دټولو اسلامي هیوادو نو ترمنځ دګډو مرستو او ځواک خیزو همکاریو دارزښت او اهمیت په باب ټینګار وشو او د نړی دټولو اسلامي هیوادو نو څخه وغوښتل شول چې دنړی دملتو نو او بیلابیلو مذ هبو نو ترمنځ دښه نیت او غوره تفاهت هم اساساتو دپیا وړتیا اودغه راز دسولې او نړیوال امنیت دټینګښت دپاره سره یو مو ټی شي همدارنگه داسلامی هیوادو نو ترمنځ دزیاتو همکاریو دپیا وړتیا له پاره د ۱۹۷۹ کال څخه تر اوسه پورې په نو موړي هیوادو کې دغه لاندې کارونه تر سره شوي دي:

۱۹۷۹ کال داکتوبر په میاشت کې دشو روی اتحاد په ختیځو برخو کې دمسلمانانو دلو مړنی اسلامي ژور نال دخبریدو دلسمې کالیزې دمرا سمو دنما نڅلو په خاطر یوه ستره غونډه وشوه او په هغې کې دنړی دیو زیات شمیر اسلامي هیوادونما یندګانو او لوړ رتبه استازو برخه واخیسته. وروسته همدې کال دسپتامبر په میاشت کې دهجرت دخوار لسمې پیړۍ د شروع کیدو دنما نڅلو په مناسبت ددوشنبې په ښار کې دنړی داسلامي هیوادو دعا لمانو په ګډون یو سمپوزیم جوړ او ددغې ورځې په ارتباط دبرخي اخستو ونکی

مقاماتو څخه غوښتنه وشوه چې ددې ډول شوو سمپو څخه دې خپلې قواوې وپا سي. دغه راز په دغه جرګه کې ددې وګړو سره ددې ډول ما دی او معنوی مرستو دور کو لو وعده وشوه.

په ۱۹۷۴ کال کې د«ابو عبدالله محمد ابن اسمعيل البخاري» دزیریدو ۱۲۰۰ کالیزې مراسم په لوړه سو په شو روی اتحاد کې په ځای شول. په ۱۹۷۶ کال کې دنړی دبیلابیلو اسلامي هیوادو نو یو زیات شمیر مسلمانان دقزاقستان او مرکزي آسیا دپاره داسلامي بوردونو دجوړیدو دشلې کالیزې په مراسمو کې دبرخي اخستلو په غرض شو روی اتحاد ته راغلل.

همدا رنگه په هغه نړیواله جرګه کې چې ددایمی سولې په ټینګښت کې داسلامي هیوادو دمنځ هبی مشرانو دونهی اخستلو په باب په ۱۹۷۷ کال کې په مسکو کې وشوه دنړی څه دپاسه ۱۰۷ هیوادو نو څخه شپږ سوه پنځو س تنو استازو ګډون وکړ. په دغه ستره او تاریخي غونډه کې دنړی دخوار لسن اسلامي هیوادو نو څخه دپاسه سلو ټولور رتبه عالو او علمی شخصیتو نو داسلامي نړی دیووالې په باب وینا وکړې او خپلې مقالې ولوستلې.

په دغه غونډه کې چې دشو روی سو سیالیستی جما هیرو اتحاد دمسلمانانو دبوررد دمشر مفتی ضیاء الدین خان ابن احسان با با خان



دجومات خطیب په نړی کې دسولې او امنیت دټینګښت په باب لمونځ کوونکو ته دوینا کولو په حال کې

حق دارد که مناسک مذهبی‌شان را آزاد وبدون

ترس اجرا بدارند.

• در طول این دو ماه که از مرحله نوین انقلاب نور می گذرد، کدام يك از کار های دولت از نظر تان چشمگیر است ؟

من بصفت يك زن وتلقیه خود میدانم که بگویم محترم شمردن به حقوق زن یکی از کار های پرارزش دولت ما است که بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب نور جابه عمل پوشیده است بنظر من در طول این مدت کوتاه کار های بس بزرگی انجام شده ودر آینده نیز انجام خواهد شد ولی باید این نکته را روشن سازم که آزاد شدن زندانیان سیاسی یکی از اقدام های پراجسموری دموکراتیک افغانستان است که ملیون ها خانواده را از سرگردانی وبلا تکلیفی نجات داده اند .

مسترد نمودن جایگاه های مردم که از طرف امین وباندوی به ناحق وبدون کسدام دلیل وبرهان ضبط گردیده بودیکی دیگر از کار های مهم وپرازشی دولت ما است .

• • •

سالم جان را که از ولسوالی تگاب مربوط ولایت پروان است دریکی ازشفاخانه ها می بینیم، او که در زیر بغلش عکس های رادیوگرافی شده از شش وقلبش دارد، بخاطر تداوی خویش از زادگاهی به کابل آمده تاتحت تداوی قرار گیرد .

آزش می پرسیم که چند وقت است مریض هستی؟ میگوید :



فوزیه امیری باعده از همکاریاش در مورد دست آوردهای مرحله نوین تکامل انقلاب نور نظر میدهند

مرحله نوین تکامل انقلاب نور

ونظر دهی مردم در مورد آن

من از مدت ها مریض هستم شاید دوسه سال میشود ولی در طول این مدت هرگز تداوی نندم، بارها به کابل آمدم ولی موفق نمیشدم که داکتر رایبیم، اگر احیانا موفق میشدم که داکتر رایبیم از هوا خبری نبود ، من آنقدر مریض نبودم که اکنون هستم و علت آن اینستکه بعضی از داکتر ها به من میگفتند که امروز بیا، وسپا همین امروز وسپا باعث شد که مریضی ام شدت بیابد تا اینکه بکلی مرا از پا انداخت .

• علت این امروز وسپای دوکتوران چه بود وچرا برایشان تگنی که زیاد تکلیف داری ؟

می خندد، خنده تلخ، لبان او را از هم باز میکند و میگوید : برادر آبا جرئت داشتم که این حرف را به آنها بزنم ، اگر کوچکترین حرفی میزد شاید سرحدم به زندان پلچرخ میکشید ... وآن وقت است که خدا به یاری ام رسید دیگر امیدی نبود .

خوب حالا چه فکر میکنی ، آیا تداوی شده ای ؟ به عکس های زیر بغلش و به کاغذ های که در دست دارد نگاه میکند و میگوید : بلی، شما هم میتوانید این ها را مشاهده کنید ، مدت کوتاهی است که بکابل آمدم ، زیرا هه میگفتند که پس از مرحله نوین تکامل

روز گار بندی در زندان پلچرخ و دیگر زندان ها بطور بود وجه بروزگار آنها میگشت . این همه مطالب بی شمار که از طرف امین وامینی ها بر مردم بی چاره وی پناه ماتحیل میشد زندگی را آنقدر برآنان تنگ ساخته بود که مرگ هزار بار بهتر بود از آن زندگی که آنان داشتند .

ما هم دست کمی از زندانیان نداشتیم اگر چه ظاهرا آزاد بودیم ولی حقیقتش این بود که خود کشور ما به زندانی بزرگی مبدل شده بود، زیرا نه میتوانستیم حرف حق را بزنیم و نه میتوانستیم خانه دوستی و آشنایی برویم بدین تریب زندگانی که ما داشتیم چه ارزشی داشت آیا آنقدر تحقیر و خورد شدن را مستوجب بودیم ؟ چه گناهی داشتیم که نمیتوانستیم آزاد زندگی کنیم ؟ ولی جواب این سوال خیلی ساده بود و آن اینکه امین وباندوی آزادی خود را در بندگی دیگران میدانستند . آزادی مذهب که حق مسلم هر مومن ومسلمان است در زمان امین سخت تحت تحدید قرار داشت ، چنانچه بسیاری از کسان ما که برای ادای نماز به مسجد می رفتند امیدی نداشتند که دو باره به خانه پس از ادای نماز برگردند .

اما امروز خوشبختانه هر فرد این خاک

بیکار حق بر ناحق ویکار مظلوم با ظالم بود و خوشبختانه با استقبال بی سابقه تمام مردم رنجیده وفهمیده ما قرار گرفت و به پیروزی رسید ، امروز همه بدون هیچگونه تبعیض وامتیازی میتوانند آزاد زندگی کنند، آزاد حرف بزنند و آزاد به مناسک مذهبی خود بپردازند . این است معنی عدالت و دموکراسی .

در زمان امین بسیاری از وطنداران ما یابندی بودند ویا بشکل از اشکال مورد آزار واذیت باندوی قرار میگرفتند، شما و خانواده شما در آن وقت چه حال داشتید ؟ بلی این درست است که هیچکس هیچ خانواده نبود که از شر ظلم وشکنجه امین وباندوی در امان بوده باشد . من هم مانند هزاران وملیون ها خانواده دیگر بی داغ نماندم . قصه از این قرار است :

روز هفتم ماه مبارک رمضان بود که دامادم را بردند وندانستیم که کجا بردند و برای چه بردند . ولی يك چیز مسلم بود که او در زندان است . اما اینکه چه شکنجه ودردی را تحمل میکند خدا میدانست . هنوز شش ماه از ازدواج شان نگذشته بود که روانه زندان مخوف پلچرخ شده بود وشما و همه هموطنان خوب میدانند که

ای هموطن وقتی که این سطور را میخوانی بدون شك ، به این گفته ها وسخنان که از دهان این هموطنان مایرون میشود بساور وایمان داری ، میدانی که این ها همه حقیقت است و هیچگونه مبالغه ای در آن دیده نمیشود ... به چند نقطه شهر میروم با چند همشهری و هم وطن به صحبت میشوم از این هموطنان در مورد مرحله نوین تکامل انقلاب نور می پرسیم ، وجواب های میگیرم . جواب های که از قلب وضمیر آنان بر خاسته است و همه اش حقیقت است .

اولین مخاطبم زنی است با مو های جوگندمی که مو های سپیدش گذار عمر شرافتمندانه اش را نشان میدهد . آزش می خواهم که خود را معرفی نماید، میگوید :

نام آصفه اکبر است ومستحضردر شعبه تابلت سازی دیوی نمبر يك میباشم . زندگی امروزی تان را بادوماه قبل چگونه مقایسه میکنید ؟

در گذشته مخصوصا در دوره حکمرمایی امین وباندوی زندگی اکثر هموطنان ماشیه به زندانیانی بود که نه حق داشتند حرف بزنند و نه میتوانستند آزادانه صحبت کنند . با چنین شرایط بود که مردم ستم دیده ما روز های سخت را میگذاشتند ولی حالا ، مخصوصا پس از روز تاریخی یعنی ششم جدی که

هر کس خواسته باشد آنرا از شس سلب نماید در حقیقت پشت پا به حقوق فردی و بشری زده است که این کارها و اعمال از طرف امین و باند سیاه کارش جز برنامه های همیشگی اش بود.

امروز در پرتو مرحله نوین تکامل انقلاب نور چه کارگر است چه دهقان، چه مأمور است چه کاسب همه و همه یکسان بدون در نظر داشت رنگ، قبیله و قومیت از آزادی یکسان بر خوردارند. این همه طبقات و اقشار جامعه ما که در گذشته حتی حق حرف زدن را نداشتند چه به این که نظر بدهند یا انتقاد نمایند، اما امروز به برکت همین عدالت واقعی و اجتماعی است که مردم ما آزادانه نظر میدهند و این نظردهی آنها از طرف دولت ما پذیرفته میشود. البته مردم ما این انصاف را دارند که در خواست های شان چیزی را از دولت و حکومت مردمی شان توقع نمایند که اجرا و عمل آن در خور امکان و قدرت دولت باشد.

مردم ما نباید از دولت خویش معجزه توقع داشته باشند، این همه پسمانی را که میراث شوم گذشته است نمیتوان در مدت کوتاهی از میان برداشت، وقت و زمان می خواهد تا خواسته های مردم ما برآورده شود. یک چیز باید ایمان داشته باشیم و آن آنکه هرچه از طرف دولت وعده داده میشود به آن عمل میگردد.

هنوز ما برای ساختن یک افغانستان آباد و معمور کارهای زیادی در پیش رو داریم و باید در امر اعمار آن مردم با عشق و علاقه فراوان کار نمائیم، عرق ریزند و با تلاش هر چه بیشتر باعث تسریع کارها در امر اعمار افغانستان نوین گردند. کارهای که در طول این مدت کوتاه صورت گرفته از نظر شما بیشتر کدام چشمگیر تر است؟

بقیه در صفحه ۵۷

بلند دولتی می بود و بورس های تحصیلی هم یکی از امتیازهای بود که دولت به جوانان که واجد شرایط می بودند می داد اما این جانی به آنانی داده میشد که صاحب قدرت بودند و ولی خواستار نه امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که هزاران جوان مابدون هیچگونه تفاوتی وبدون هیچگونه امتیاز و تبعیضی نظریه خواهش واستعدادشان به پوهنخی های مورد علاقه شان کامیاب شده و جذب گردیده اند. و آن عده دیگر که مستحق بورس شناخته شده اند بدون شویش و ناراحتی به تحصیل خویش می پردازند اینست معنی عدالت و مساوات و برابری پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور که در کشور خود مشاهده میکنیم.

فوزیه امیری آمر شعبه تربیت سازی و لایچر سازی در باره دست آورد های ششم جدی که مرحله تازه در زندگی و حیات مردم ما وارد آورده است چنین نظر دارد:

وقتی که گذشته را با حال مقایسه میکنیم درمی یابیم که چقدر بهبودی های در همین مدت کوتاه نصیب مردم و خلق زحمتکش ما شده است. در گذشته که جز حرف چیزی وجود نداشت و همیشه تبلیغات بود و پس ولی حالا در همه ساحات زندگی عمل وجود دارد پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور، چیزیکه به مردم گفته میشود وعده داده میشود به آن عمل میگردد و این خیلی مهم است برای کشور ما و برای مردم ما که زیاد حرف شنیده اند ولی عملی ندیده اند. مهمترین دست آورد های مرحله نویسن تکامل انقلاب نور آزادی است، آزادی یا این پدیده که هر انسان به آن ضرورت دارد، همانطوریکه به غذا، لباس و غیره احتیاج دارد به آزادی نیز ضرورت و احتیاج مبسوم دارد.

آزادی حق فردی هر انسان است و اگر



محمدانور یوسفی

امروز در روشنی این تحول تازه است که جوانان ما احساس میکنند که آزاداندو آزادی را بصورت واقعی آن می بینند و لمس میکنند. جذب شدن بر سابقه شاگردان معارف به پوهنتون و دیگر موسسات تعلیمی یکی از کارهای با ارزش و درخور ستایش دولت ما است. در گذشته تنها جانی کامیابی را کسانی داشتند که صاحب قدرت و نفوذ بودند، پدرشان یا یکرا ز منسوبین شان صاحب منصب

انقلاب نور همه کارها به فوریت اجرا میگردد، و راستی که چنین بود، یک هفته قبل از وطنم به کابل آمدم در ظرف یک هفته تمام معاینات طبی ام تکمیل و مرصم تشخیص گردید و حالا مبروم که دوی خود را بگیرم. خداوند دولت کنونی ما را حفظ کند و در پناهی خود داشته باشد.

جوانی که خود را محمدانور یوسفی معرفی میکند و از لایسه شیرشاه سوری فارغ شده در باره مرحله نوین تکامل انقلاب نور چنین ابراز نظر میکند:

اگر چه حرف های زیادی است که باید گفته شود ولی من می خواهم از دیدگاه یک محصل مرحله نوین تکامل انقلاب نور را برایتان تشریح کنم:

مرحله نوین تکامل انقلاب نور در وقتی به پیروزی رسید که جوانان ما مخصوصاً محصلین و متعلمین در بدترین شرایط زندگی قرار داشته البته باید این نکته اضافه شود که دیگر اقشار و طبقات مردم کشور ما که چه حال داشتند و چگونه زندگی را برایشان سخت میگذشت موضوع جدا گانه است. و می خواهم تنها در مورد قشر جوان مملکت که بزرگترین سرمایه یک مملکت را تشکیل میدهد صحبت کنم: بلی جوانان مادر دوره امین و بانروی در شرایطی قرار داشتند که یا بایست جوانان ما در زندان های مخوف و آن هم در زیر هزاران نوع شکنجه های روحی و جسمی قرار می گرفتند و می مردند یا به پست ترین اعمال انسانی تن میدادند.

این بود وضع جوانان مادر زمان امین و باند جنایتکاری. ولی حالا مخصوصاً پس از مرحله نوین تکامل انقلاب نور زندگی تازه آغاز کرده اند، زندگی که واقعا درخور یک جوان است.



سالم خان که ماه ها برای تداوی اش بکابل می آمد ولی تداوی نمیشد اما حالا ...



آصفه اکبر، او با احساس خاصی حرف می زند



اطفال در کودکانها کارهای هنری می آموزند

از منابع خارجی

ترجمه: پوهنمل دوکتور سید حسام (مل)

بخاطر یک آینده بهتر برای تمام اطفال

سال ۱۹۷۹ که توسط مجمع عمومی ملل متحد بنام سال طفل اعلام شده بود، پایان یافت (نیکولای تخونوف) کاندید بوروی سیاسی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و معاون اول رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، به حیث رئیس کمیسیون سال بین المللی طفل، تعیین شده بود در یک مصاحبه اش با خبرنگار مجله (لیتراتور نایا) راجع به توجه زیاد کشورشورا به نسل آینده اشاره نموده بجواب سوالات او چنین پاسخ داد:

اهداف سال بین المللی طفل از چه قرار است؟

هدف عمده از سال بین المللی طفل معطوف ساختن توجه مقامات دولتی و عموم جهانیان بمنظور بهبود وضع اطفال است. که یکی از

پرابلمهای مهم اجتماعی بشمار میرود. مطابق دایور صندوق بین المللی طفل صدها میلیون اطفال در جهان غیر سوسیالیستی در فقر و گرسنگی حیات بسر می برند. و در حدود (۲۵۰) میلیون طفل در سراسر جهان از باعث سوتغذی و فقدان مواد غذایی مصاب امراض گوناگون میباشند.

قرار دایور صحنه حیات اجراییه (پان امریکن) هفت ونیم میلیون طفل در کشور های امریکای لاتین در دهه گذشته از کمی توجه طبی حیات شان را به شکلی از اشکال از دست داده اند.

در دنیای امروزه مجموعا (۳۰۰) میلیون طفل که بسن هفت سالگی رسیده اند، نسبت معاذیر اقتصادی نتوانستند شامل مکتب شوند، غربت و فقر اکثر والدین را واداشته که اطفال شان را بکارهای مزدوری بگمارند، مطابق دایور سازمان بین المللی کار و کارگر در حدود (۵۴)

ملیون طفل در قید حیات اند، که ازین جمله صدها هزار طفل بین سنین هشت و پانزده سالگی بمنظور بدست آوردن یک مزد ناچیز به انجام کار های شاقه که ساعت کار روزانه شان دو یا دوازده ساعت میباشد دست به گریبان اند.

بمنظور فراهم آوری فضای سالم زیست ضرور است که برای امر صلح و امنیت بین المللی مبارزه خستگی ناپذیر نمود. زیرا اطفال محتاج

صلح و آرامش اند. و همین صلح و آرامش است که برای اطفال خوشی و سعادت بارمی آورد.

فضای مذکور امکانات بهتر را برای آموزش و پرورش تدارک می بیند.

سال بین المللی طفل نظریات عامه جهانیان را در مبارزه به مقابل تسلیحات بسیج میسازد و در زمینه همه نیروهای صلح دو ست خواهان

تجدید تجهیزات نظامی بوده، مبلغ پولی را که مصرف تجهیزات نظامی می نمایند، بهتر خواهد بود که برای احتیاجات اجتماعی بشمول بهتر

ساختن زمینه رشد اطفال بمصرف رسد. پیاده کردن این امریک پلاتفورم مشترک نیروهای

همه خلفا را با وجود اختلافات سیاسی شان خواهان است.

شما در مورد وضع اطفال در اتحاد شوروی چه میگویید؟

دولت شورا ها کلیه امکانات را برای بهبود صحت و خوشی نسل آینده آماده ساخته است.

و در قانون اساسی اتحاد شوروی در مورد حمایت طفل و مادر بصراحت ماده ای جداگانه به تذکر رفته است.

در سال (۱۹۷۸) بوجهیکه برای اعصار و ساختمانهای کودکان ها، اطاقهای رهایش اطفال، کمپ های جوانان، سربازان، و دیگر

مراکز بمصرف رسیده بالغ به پانزده هزار و یک میلیون روبل میگردد.

که ۶۰ فیصد بودجه برای آموزش جمعی بمصرف میرسد. علاوه در حدود (۱۸۰) میلیون روبل

همه ساله مصرف هائش اموزان دوره ثانوی میگردد. بالاتر از (۵۰۰) روبل برای یک طفل شیر خوار و زیاد تر از (۴۵۰) روبل مصرف طفل

در کودکانها مادر میباشند. که ۸۰ فیصد این مصارف از بودجه دولت تمویل میگردد.

مادر کشور خودیش از (۱۲۰) هزارانستیتوت های قبل از مکتب داریم که برای (۱۳) میلیون

طفل محل ارایش دارد. در سال پنج ساله جاری از (۲۵۰۰) تا (۳۰۰۰) کودکان و شیر خوار ها در هر سال تحت ساختمان و اعمار است.

در هر تابستان اطفال قبل از مکتب برای خوش گذرانی و تفریح، خارج از شهر درین دهات و مکاتب خورد سالان و در کمپ های جوانان سر- باز زندگی می نمایند.

در کشور شورا ها برای باز بررسی صحنه و خوش گذرانی اطفال مراکز عمده وجود دارد، که این مراکز زیاد تر از یک ونیم میلیون طفل را

اعم از خورد سالان و نو جوانان همه ساله می پذیرد و برای شان وسایل راحتی و تفریحی را فراهم میسازد.

مسایل راحتی و محل رهایش برای تمام اطفال از طرف دولت شورا ها به صورت رایگان در دست تهیه است.

این مصارف فوق از صندوق امنیت جمعی پرداخته میشود. و هم برای آن اطفال که در حال سیاحت و مسافرت اند، موسسه مذکور ۵۰ فیصد در وسایل ترانسپورتی شان تنزیل بوجود می آورد.

همه سناتوریم ها، اسراحت ماه ها و هتل هادر روزهای رخصتی بروی اطفال والدین آنها باز بوده و در مراکز مذکور لحظات خوش زندگی خود را می گذرانند. قرار دایور و تفریح در مراکز فوق همه ساله تا (۴۰۰) هزار طفل استراحت مینمایند.

سیاحت های فامیلی در اتحاد شوروی کاملاً عام است. در سال ۱۹۷۹ تقریباً یک میلیون طفل با والدین شان سیاحت های توریستیک نموده اند. در تریه و آموزش و پرورش اطفال نمایشگاه های مختلف از قبیل، سرکس ها، باله خانه ها، درام ها و دیگر وسایل تربیوی وجود دارد، که همگی این نمایشگاه هادر تریه سالم اطفال نقش قاطع دارد.

و به همین منظور است که دولت شورا ها وسایل سرگرم کننده را در اکتاف و گموش های متعدد کشور تهیه می نماید.

همه ساله که در اتحاد شوروی هفته های بنام هفته جوانان - کتاب - موزیک - سینما - تیاتر برگزار میگردد و میلیون ها طفل ملاقات های پیهم با نویسندگان - کمپوزرها - موسیقی دانان، و اکتورس ها می نمایند.

شورای اتحادیه های محلی و لیک کمونیستی و سازمانهای سپورتی در جنوب اند، تا یک تعداد زیاد اطفال را در فعالیت های فزینی و سپورتی جذب و داخل این سازمانها میسازند.

در سال ۱۹۷۸ در اتحاد جماهیر شوروی تقریباً (۷) هزار اطفال شامل مکاتب سپورتی گردیدند که به این ترتیب تعداد ورزشکاران در اتحاد شوروی قریب به دو میلیون میرسد. علاوه در نظر است که بین سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۰ تقریب (۲۷۰) مکاتب ورزش و سپورت جدیداً تاسیس شود.

بقیه در صفحه ۵۷



اطفال حین بازی و ساعت تیری در کودکانها

فعالیت‌های خرابکارانه و طرح نقشه‌های تهاجمی ایالات متحده تو از ن قوار ادر جهان بر هم میزند

خلق‌های سرا سر جهان خا طرات بسیار تلخ و نا گوار جنگ جهانی دوم را ، فجایع آدم کشی ، کوره‌های آدم سوزی ، گسیل داشتن اسرای جنگی به اردوگاه‌های کار اجباری بمبارد ما نها و خرابی های پیشماری که این جنگ خا نما نسوز بر خلق‌های اروپا تحمیل کرد و میلیو نها انسان فدای هوا و موس و خوا هشات شیطان ی امپریا لیزم جها نی و نیرو های جنگ طلب و در را سس آن فدای خوا هشات دو زخی و آرماتهای سیاه نا زیسم و آلمان و فاشیسم ایتالیا گرد ید ند. هنوز آن خا طرات نا گوار که دل‌های آدمیان را بر قست میا ورد و وجدان آدمی را تکان می دهد از خا طره ها فرا مو شش نشده است. بعد از جنگ جها نی دوم که قوای متفقین بر نیرو های اهریمنی متحد ین فایق آمدند. امپریا لیسم جهانی و در را سس آن امپریا لیسم ایالات متحده امریکا در صدد آن شد تا منا بع بیشتری بفرس تحصیل منافع آزمندا نه جها نخوا ران امپریا لیستی فرا هم آورده و بیش از پیش کشور های جدا گانه را یا به شکل مستقیم و یا غیر مستقیم در اسارت خویش نگهدا شته و این کشور ها را مبدل به مناطقی تهیه مواد اولیه و تهیه و فرا هم آوری مواد خام برای خویش مبدل سازد، همان شد که استعمار را بشکل نوو باظا هر آراسته و پیراسته درایسن کشور ها گسیل دا شت و با وجود اینکه با ایجاد حکومتات ضد ملی و ضد دموکراتیک بر ارا ده اکثریت خلق‌های کشور های نا مبرده مسلط گرد یده و بر سر نو شت آنها حا کمیت دارد ، باز هم خا ثنا نه و با دیده درایی از عدل و تقوی ، از ایجاد حکومت مردمی ، از دموکراسی ، از آزادی (!) و... داد میزند، این دیگر صاف و پاک فریب خلق است ، داستان نا پاک امپریا لیستان

دیگر بخون صدها هزار و میلیو نها انسان شریف آسیا ، افریقا و امریکای لاتین آلوده است ، ما شین جنگی ایالات متحده امریکا درویتنام قهرمان ، در شرق میانه ، در آنکولا مو ز نبیق و سایر کشورهای جهان کشتگان بیشمار ی از خود بجا گذا شته است. خلق‌های مبارز و شجاع جهان این کشتار ها و آن قربانی ها را هرگز فراموش نمی نمایند ، حالا دیگر وقت آن رسیده که خلق‌های رزمنده جهان در مجموع به امپریا لیزم و کلیه متحد این ناپاک و منحطش یورش برده و با ضربات کوبنده شا لوده امپریا لیزم جهانی را در هم ریخته و بر خرابه های استعمار رنگ و روغن زده یعنی استعمار جد ید شا لوده و اساس زنده گی نو ین و مترقی ، آزاد و شگرفان را بنا نهند .

در این ا و خرایالات متحده امریکا تصمیم گرفته است تا سیستم های جدید اسلحه ذروی را در کشورهای عضو نا تو تمرکز دهد ، این تصمیم ایالات متحده امریکا بخودی خود علیه دیتانت بوده و توا زن قوار ادر ارو پا بر هم می زند. در حقیقت عال ملین و گردا نندگان ما شین آدم کشی امپریا لیسم سخت در تلاشی بوده و در این زمینه ت لاشها و فعالیت های تب آلودی را انجام میدهند ، با وجود چنین حالتی که پلانها و نقشه های نا توهمه و همه متوجه تشدید تسلیحات ذروی است ، به شکل بیشتر ما نه و در عین حال بسیار ظریفانه موضوع مذاکره با اتحاد شوروی و مساله تحدید سلاح های اتومی را به پیش می کشد . این دیگر واضح و آشکار است که چنین نقشه های محیلا نه و شیطان ی نه مورد قبول خلق‌های جهان قرار میگیرد و نه مورد قبول کشورها

بیکه به استقلال ملی ، حاکمیت ملی ، و تمامیت ارضی خویش دلبسته و علاقمند ند . ایالات متحده امریکا بدون در نظر داشت ارا ده رزمنده خلقها و خلاف ادعای محافل انقلابی و کشور های مترقی به خصوص خلاف اعتراضات پیهم خلق‌های ارو پا در این اوا خسر مرمی های تهاجمی و کروزو پرشنگ را در ارو پای غربی بجا نموده است ، این عمل جنگ طلبانه و خلاف روحیه مقررات بین المللی و خلاف قرار داد ها بین اتحاد شو روی و اضلاع متحده امریکا در مورد تحدید سلاح تهاجمی است که واقعا چنین اعمال و چنین کوششهای شیطان ی بخودی خود اصل دیتانت را مورد مخا طره جدی قرار میدهد این تصمیم اضلاع متحده امریکا در کنار تصامیم دیگری که درایسن زمینه اتخاذ گرد یده است بیش از پیش ما هیت جنگ طلبان و خصلت عمده فعالیت های امپریا لیزم ایالات متحده امریکا را بر ملا میا زد اکنون که امپریا لیسم اضلاع متحده امریکا بر مرگ نیرو های هوادار جنگ و غارتگری خلقها اشک تماش میا رزد متحد ین هم پیمان نش در جهان ، جبهه نا مقدسی را تشکیل داده و با این اتحاد نا مقدس بر ضد نیرو های ترقیخواه جهان و به کمک همه جا نیه دستگاه مرکزی جاسوسی امریکا و سیاه نقشه های محیلا نه و غارتگری نه ای را سازمان بخشیده و سیلی از دلار امریکایی و پوند انگلیسی در این راه یعنی در راه تطبیق این نقشه ها به کشور های مورد نظر سرا زیر میشود . نا تو چندی قبل تصمیم گرفت تا در خاک ها لند سلاح جد ید و مدرن خویش را جابجا نماید کشور ها لند در این مورد یعنی در

مورد وا گزاری يك قسمت خاک خویش به منظور جا بجا کردن سلاح های پیمان نا تو تا حال موا فقه نموده است و نیز اعضای دیگر پیمان اتلان تیک شما لی به شکل صریح و آشکارا از این اقدام تجا وز کارانه ایالات متحده امریکا و تصمیم نا تو در زمینه یاد شده جدا انتقاد کردند ، چنین حالتی در بین اعضای پیمان اتلان تیک شما لی موجب نا رضا یتی اعضای پیمان گرد یده و آنها را به تلا شهای مذبحوحانه ای متوسل کرده است .

از آنجا ئیکه سیاست صلحدو ستانه کشور های مترقی همیشه و در همه جا و در کلیه ادوات تاریخی بخصوص در نیم قرن اخیر ما نع بزرگی برای تطبیق نقشه های امریما نه جنگ افرو زان امپریا لیستی بوده و همیشه با فعالیت های دامنه دار و وسیع و بزرگی که کشور های صلحدوست انجام می دهند ، توا زن قوا را حفظ نموده و بر ضد نقشه های تجا وزکارانه و علیه فعالیت های محیلا نه و نقشه های تعرضی امپریا لیسم و در را سس آن بر ضد نقشه های تجا وزکارانه ایالات متحده و محافل ارتجاعی در ارو پا کشور های نامبرده همیشه در صدد آن بوده تا در راه تحدید سلاحهای اتومی تهاجمی و توریست و تولید سلاح های مرگبار مجاهدات پیگیر نمایند .

ایالات متحده امریکا و بخصوص محافل جنگ طلب اروپای غربی سخت در تلاش اند تا بدوره جنگ سرد دوباره عودت نموده و مقدمات پیدا یش و ایجاد برخوردهای گرم نظامی را فرا هم آورد ، در حالیکه پرو-بقیه در صفحه ۵۶

نگاهی به اوضاع شرق میانه

پالیسی صهیونیستی اسرائیل خطر بزرگی در راه تحقق صلح و دیتانت



یکی از طیارات اسرائیلی که همواره با بمباردهای خائنانه و خشونت خلق فلسطین را بکشتن و خون می‌کشد.

بی رحمانه زندانی می‌شوند و با بوسیله شیوه های فاشیستی مجازات و شکنجه می‌شوند. وضع مالیات های نو و کمرشکن ، اخراج اعراب از مناطق اشغالی ویران کردن خانه های آنها، و یا قتل عام ها و گلوله باری به اجتماعات خلق های اعراب باشند مناطق اشغالی همچنان ادامه دارد .

ولی علی‌رغم این همه اعمال وحشتناک لحظه‌ای هم مبارزات دلبانه خلق فلسطین خاموش نشده است. بلکه آن متبورانه برای کسب حقوق ملی و طبیعی خود مبارزه نماید. و برای احقاق حقوق خود یگانه شیوه مبارزه انقلابی و مسلحانه پذیرفته اند.

روز بیست و ششم مارچ که روز ۱ مضافی معاهده نام‌نهاد جداگانه (معاهده صلح) بین مصر و اسرائیل بود ، در مناطق اشغالی این روز منجبت روز غزا داری اعلام گردید و تظاهرات و اعتراضات دامنه دار و وسیعی در تمام جهان عرب بشمول مصر صورت گرفت به مناسبت اظهار اعتراض و نفرت علیه دسایس ارتجاع حاکمه اسرائیلی و امپریالیزم و رژیم سادات باشندگان مناطق اشغالی در نوار غزه بتا ریخ (۲۷) دسمبر کنفرانس را تشکیل دادند شرکت کنندگان این کنفرانس نامه را به کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین فرستادند و در طی این نامه سازش های مصر و اسرائیل بشدت تبیح شده بود . همچنان اشتراک کنندگان این کنفرانس به وضاحت اعلام داشتند که آنها از هیچ گونه مساعی بغاظر طرد استیلا غارتگران امپریالیزم و صهیونیزم اسرائیل اعمال می‌گردد همچنان سلسله چنین کنفرانس ها در بیت المقدس ، و شهر های نابلس ، الخلیل ، و مالا و غیره ادامه یافت . در تمام این کنفرانس ها که به اشتراک هزاران نماینده خلق های فلسطین انعقاد یافت از داعیه برحق خلق فلسطین پشتیبانی عمیق بعمل آمد . شاملین این کنفرانس ها همچنان دفاع بی‌دریغ خود را از سازمان آزادی فلسطینی (پ.ل.ا) و اسرائیل را داشتند.

در طی این کنفرانس سازمان آزادی بخش فلسطین یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق های فلسطین خوانده شد و از همه کشور های اشتراک کننده این کنفرانس تقاضا به عمل آمد تا از مبارزات سازمان آزادی بخش فلسطین پشتیبانی نماید .

به همه جهانیان مسلم است که سازمان آزادی بخش فلسطین که متشکل از وطن پرست ترین انقلابیون فلسطین می باشد . همواری بغاظر کسب حقوق انسانی خود بنا روحیه انقلابی مبارزه نموده اند . این سازمان پنجسال قبل در سال (۱۹۷۴) در کنفرانس رباط که به اشتراک سران همه کشور های عربی صورت گرفت یگانه نماینده واقعی و قانونی خلق فلسطین پنداشته شد . این سازمان ضرورت تحکیم مناسبات همه جانبه خود را با کشور های سوسیالیستی ، غیرمسلک و کشور های مترقی اسلامی اعلام داشته است .

بقیه در صفحه ۲۱



اسرائیل جز از گلوله ها و مرمی چیز دیگری نمی شناسد.

منطقه شرق میانه از دیر زمانست که در صدر مناطق متشنج جهان قرار دارد. مضافات شرق میانه در ظرف سی سال چهار بار مبدل به صحنه های خونین نبرد ها و ترازیدی المانک جنگ ها گردید. ولی این ترازیدی بعد از سفر سادات به بیت المقدس در سال (۱۹۷۷) منطقه شرق میانه را در حالت انفجار قرار داد . که در هر لحظه امکان خطر جنگ دیگر را احیای نماید در اثر اعمال ، نفوذ و فشار صهیونیستان اسرائیل یکونیم میلیون فلسطینی از مناطق آبایی خود جبرا رانده شدند . و آنده از خلق های عرب فلسطین که در مناطق اشغالی باقی ماندند هیچگاه خود را در خانه های خود نمی بینند. بلکه خویشان را در زندان و شکنجه گاه رژیم فاشیستی اسرائیل ملاحظه می‌نمایند . سالانه بیش از چهل هزار فلسطینی در تحت محیط اعراب و فشار در مناطق اشغالی مجبور به مهاجرت می‌شوند .

قوای تجاوز کار نظامی اسرائیل در مناطق اشغالی عربی بخصوص بعد از طرح دسیسه ها و پلان های مبنی بر اعطای (آزادی داخلی) و تلاش های مذبحانه ارتجاع مصر و ارتجاع حاکمه اسرائیل که آنها تحت نام (مساعی برای صلح) میخوانند حالت تشنج و تضییق را بکلی حاد نموده است. سازش ها و پالیسی خائنه رژیم سادات که بی شرمانه خود را در آستان امپریالیزم بین المللی انداخت و بر ضد سیر تاریخ و نیات خلق های آزادی خواه مصر و خلق های عرب اوضاع شرق میانه را هنوز هم مغتنق نموده است و امکان هر نوع حل عادلانه داعیه فلسطین و برابرلم های شرق رویدادها و حوادث جاری در شرق میانه بطور بارزی نشان می‌دهد که این تلاش های مصر و اسرائیل کماکان به ناکامی مواجه گردیده است. معاهده ننگین و نام نهاد کمپ دیوید که در ماه دسمبر سال گذشته به امضا رسید نیز زنجیرهای اسارت و وحشت صهیونیزم اسرائیل را در مناطق اشغالی و بطور اعم در قسبات غربی رود اردن و نوار غزه محکم تر و سفت تر ساخت و هدف اساسی این معاهده ننگین قانونی ساختن اشغال خاکهای عربی و ادامه نظارت و کنترل مستقیم مناطق مذکور در تحت حاکمیت اسرائیل بمانند بیت المقدس شرقی می باشد .

تجاوز کاران اسرائیلی در مناطق اشغالی از باشندگان عرب هر نوع آزادی فرهنگی ، دینی و سلب نموده است . کسانی که علیه محیط رعب و وحشت اعتراض می‌نمایند بدون اخطار قبلی صورت گرفت .

عجب ساده ژوند یی در لود. د ژوند د نیمګړي تیاو په نړۍ کې یی بیا هم په خپل ژوند شکر و نه ایستل د صداقت په انګېرې یعنی د طبیعت په لمن کې لوی شوی محمد عمر — د سپیڅلي زړه خاوند وه. دده دینې نه داسې ښکارېده چې تا به ویل خاص بزرګ دی.

محمد عمر کوچنی د ژمی په موسم کې به یی د هسکو غرو نو دسرنه تو دو سیمو ته کډی کولی دی به همیشه په خپله دود و هلی شپې کې داسې تا و وه چې دوه سترګې به ترې ښکارېدې لې لور و نه او رو ښانه قواره یی در لوده، دمخ چوکاټ یی ډیر ښکلی وه. د طبیعت په لو به غیر کې داسې لوی شوی وه چې غټ او قوي اندامونه یی لکه دشتي پهلوان دورایه ښکارېده. ده به همیشه خپلې تورې کیردې د ژمی به موسم کې د ناو کی غره په

دی صحنې څخه زیات خوند اخست. گلي. دمحمد عمر کوچنی ښځه وه چې ددی ښکلی او سپین بدن به به شلید لو جا مو کی داسې ښکارېده چې تا به ویل سپوږمۍ خپلې شغلې دوریځي څخه را بیرون کړی، دی به د کور کار کاوه و لی کله کله به ژوندی ته تلل او دواړو ښی به یی په سر سپیره میره به خپلې تورې کیردې ته را ننو ته، دی آرام نه در لود، سترې ستومانه بدن یی په ډیرو کارو کې لکه مز یی داسې کیدل چې پښی به تنیا کی شوی وی دچاو دو نونه به یی وینی بهیدي، خو بدغه حال یی هم شکر کاوه.

یوه خبره چې دیا دونی ورده هغه دا چې به ژوند کی ترې ډیره بده خاطره در لوده هغه دباچ مسئله وه. دا به ډیرو ته معلومه وی چې باچ

یو لنډ داستان

دشپسوار (سنگروال) لیکنه

باج

لمن کی پلنولی دمپرو بچیانو چی وری یی بو لی دکیږ دیو شاوخوا رمباری وهلی. چی دی آوازو به دلوړو غرو نو په زړو کی انګا زی جوړو لی. رنگین طبیعت په خپله ارته لمن کی دسڅا لایې وهلی دشو ورځو میلمانه کو چنیان یی خو — شحاله ساتل.

دناو کی غره کی وابنه ډیر و دده دما لو نو گذاره پری کیده. ددی غره په بیخ کی یوه لویه چینه چی (شوناو یی) ورته ویل مو جوده وه. ډیری خوږی او به یی در لودی. کله به چی محمد عمر کو چی خپله رمه دغر ه څخه راښکته کړه دلر گیو گیږی به یی هم په شاوه چی دچینی خوا ته به راغی دخپلی ملا څخه به یی خپله روزی راخلاصه کړه او داو بو تر څنګه به کښیناست د جواړی غټی مړی پسی به یی داو بوغړپ کاوه رمنی به هم دخپری دونو پانی خړبو لی. او محمد عمر کو چی به له

دزړو فیوډا لی منا سبا تو یوه بسی پته او کر غیر نه پینه ده چی بی وزلو کو چیانو به په ډیره بیرحمی باندی مضمو له.

محمد عمر کو چی هم پسی بد مر غی نارو غی باندی په ټول ژوند کی اخته وه هغه دا چی ده به دناوکی غره په لمن کی واړول، نو یو څه کړت او یو سیر لی به دباچ په نوم دسیږی لوی خان ته ور وې خو بیا هم دی پدی سو غات دکال تر پایه نه خلاصیده محمد عمر کو چی مجبور وه چی یوڅه نقدی پیسی هم ورکړی.

عجبه خولا داو ه چی یو ورځ سهار وختی محمد عمر کو چی خپله رمه غره ته بو تلل او گلي توپ یی په توره کیر دی کی چی دو پی تری پو رته کیدی. دنغری خواکی حیرانه بیرانه ناسته وه چی شاه ولی خان خپل (نو کر) ورو لیږه چی دمحمد عمر کو چی نه دباچ پیسی تر لاسه

کړی. که څه هم (دخان نو کر) دعاظفی خاوند وه و لی مجبور وه چی دخان بیرحمه پیغام ورسوی نوکر پداسی حال کی دکیږ دی خوا ته ورسیده چی گلي توپ لاس ترزنی ناسته او دغره سر ته گوری. اوپه زړه کی داسی ور تیریدل چی ددی خاوند به په ازغو سو ری سو ری نن دکوم

تیکی به څنګ کی تکیه وهلی و ی اودخپلی رمی خارنه به کوی. چی دشاو ولی خان مزدور ور ناری کړی وگلي توپ یی. گلي توپ یی تاته وایم گلي توپ یی دغمونو دکر داب نه سر راپور ته کړ او په ډیره حیرانه خبره یی ور ته وویل: خویه خیر ت دی. دخان مزدور دپټکو داستا ن ورته و غوړوه او دخان دقهر جنسو ستر گو پیښی یی و کړی او دخان بیرحمه عادتو ته یی یو دبل پسی ورته وویل او په پای کی یی ور ته ښکاره کړه چی خان دباچ پیسی غواړی. پیسی غواړی وا در ویده که نه؟

گلي توپ یی ډیری نا امیدي لیدلی وی. دی اولادنه در لود. بسی کسه وه د ژوند ټو لی ستر تیاوی پدی خوار کی تیریدی. ددی تن دډیرو محرو میتو د گذار نښه وه. خو دباچ غم دبی کوری غم دشمکی دنه در لود لو غم ددی به زړه هغه گذار وه چی دا به یی. کله کله به خوب کی ویرو له. یو ځل بیا یی دباچ ترڅه خاطره په زړه شوه او د خان نو کر ته یی په ډیری عاجزی چی ساره اوسیلی یی دخو لی نه غیري ارادی پور ته کیدل داڅکه چی دا له اوسیلو سره عادت شو یوه وو یل: بچی زما خاوند غرته زمه وړی ده دشپي که راغی زه به ور ته وایم، تادی خدای لوی کړی ته ډیر ښه هلك یی.

دخان نو کر نرم زړه در لودپه خواری گلي توپ یی زړه وسو دهغی نا امید یو یو ځل مزدور هم خپل ترڅه ژوند ته متو چی کړخپلی بد بختی یی دگلي توپ یی په بدبختیو کی ولټو لی، خوبیا هم نوکر ورته وویل چی گلي توپ یی محمد عمراما ته زما له خوا عذر و کړه چی لماڅخه خفه نه شی زه مجبور یم چی دخان دبیاکله پټکو نه هر چا ته کیسی وکړم.

نه څو په. زه پدی پوهیږم ته هم زمونږ غونډی خوار کی یی ستا په مخکی هم دبیر حموسپیرو تقمی دورایه معلو میری.

گلي توپ یی بیر ته خپلی غمجنی کیر دی ته ننو ته او مزدور تری رخصت شو. خان پداسی حال کی چی ستر گی یی بټی ختلی وی دلاری بخاری کاوه چی په مز دور یی سترگی ونښتی غږ یی پری وکړ. چی وهلکه څنګه شو. مزدور پداسی حال کی چی سایي سترې سترې کیده په وارخطایی ور ته وویل چی محمد عمر کو چی غرته رمه بیو لی وه کو رکی نه وه. (خبره یی په خو له کسی وچوی) خان هیڅکله چا په خندانده لیدلی بیا یی په ډیر غضب وویل چی هلکه نور هلکان هم درسره ملګری کړه نن ماز دیگر به حتمی رمی څخه خو سیر لی راپیلوی هو دا کار به حتمی کیری. تا ته وایم وهلکه پوه شوی کنه؟ ددی عمل به دا جزاوی محمد عمر کو چی دغره دلوړو څوکو څخه خپله رمه راګوزه کړه اودلرگیو گیږی یی هم په شاوه دشوکارو لاسو او پښو نه یی غوټی غوټی و ینی په چاو دو کی ښکاریدي را روان و ه گوری چی دخوږ نه خو تنه در می خوا ته را روانی دی چی نژ دی شو گوری چی دخان نا حقه کوټ والیانو دده په رمی باندی حمله وکړه. په شمیر اوه خاوری یی درمی څخه را بیل کړ. محمد عمر کوچنی چی خومره ناری ووهلی او دخپلی گناه دمعلو مو لو پو ښتنه یی گو له غوړونه پری کاته شول. چو یی چو پتیا هیڅ ځواب نه ورکاوه.

خو پس دیوه وخت نه ددی دمینځ نه داسی آواز راږو رته شو. (باچ — باچ او باچ) دا آواز ونه پورته کیدل درمی نه بیل شوو سیرلیو هم دجدایی رمباری وهلی دشپي تیاری هم دمحمد عمر کو چی ستر گی پټی کړی او په مات زړه کیر دی خواته را روان شو.

څه به درته وایم هغه دغم شپه په محمد عمر کوچنی او گلي توپ یی دومره اوږده شوه چی تا به و یل کال دی.

خو لنډه دا چی ډیری دارنګه ناوړه پیښی په ټول ژوندکی پری راغلی وی. غم خپلو زړونو به گاللی چاره نوه وایی چی د وخت غو ښتنی دمرګ غوښتنی دی خو دهر وخت غوښتنی دمرګ غوښتنی نه دی وختونه فرق لری. په ځینی وختو کی د ژوند غو ښتنی هم پر تی وی رښتیا وختونه بد لیږی. غو ښتنی چاته انتظار نه باسی هو پدی ارمان بقیه در صفحه ۵۰

غ، حضرت

نگاهی بر رباعیات خیام

سنت گرانی مذهبی منسوب کرده اند
خلاصه هر کسی به اندازه بر داشت و
توانائی فیهش در باره رباعیات خیام چیزی
گفته اند و چیزی نوشته .

اما آنچه را که به یقین و بدون تعصب و
کینه و مجزای از هرگونه کج بحثی و کج
فهمی از رباعیات خیام بدر آورد آن خوا
هد بود که روش خیام و طرز دید وی در بیان
اندیشه و افکار، روش مردان بزرگ و آزاده
گیتی است . اگر چه به این طرز دید در
باره خیام از دیر باز به این سو متعصبین به
طعن و غضب دیده اند . بر مقام آزاد گسی
و آزاده اندیشی ، زیبایی بیان و سلامت
و صراحت کلامش چشم پوشی عمدی روا
داشته و بران رشک برده اند . و نه ربا عیات
فارسی این گوینده درد شناس ، از گو
نرین همه آنها ئی است که تا حال سروده
شده است .

شکی نیست که قلب خیام از عشق پرورده
گارش و احساس حسن جمال مظاهر کائنات
مملو نبوده باشد و این هم پرواضح است
که خیام ادیبی است دارای کمالات صورت
معنوی که رباعیات زیبا و شیکارهای
ادبی بی نظیر او می یابد این مدعا است
اما آنچه درین میان قابل و تامل بیشتر
عیا شد آنست که آیا میتوان خیام را صرف
یک شاعر متصوف و یک واعظ این دانست و همه
آنچه را که وی سروده است به نوعی از انحاء
متکی و پیوست به معنویات آن
برشمردیم هر تعادل عارفانه اگر بدین
گونه در مورد وی انجام پذیرد چشم پوشی
خواهد بود به آنچه که در خود چنین
شخصیت است .

از رباعیات متعددی خیام چنین پیدا ست
که وی همزمان با آنچه که سالک تصوفی
ایجاب مینماید ، دانشمند آزاده یسی-
است که خود را دریند هیچگو نه او هام
نمی اندازد .

و این مطلب از رباعیات موصوف به
وضوح پیدا است :

چون عهده نمی شود کسی فردا را

حالی خوشدار این دل پر سودا را

می نوش به ماهتاب ای ماه که مساه

بسیار بتابد و نیابد ما را

• • • • •

اکنون که گل سعادت بر بار است

دست تو زجام می چرا یکسار است

می خور که زمانه دشمن غدار است

دریا فتن روز چنین دشوار است

• • • • •

امروز ترا دسترس فردا نیست

و اندیشه فردات بجز سودا نیست

ضایع مکن ار دلت شیدا نیست

کاین باقی عمر را بیا پیدا نیست

• • • • •

خیام با آنکه عمری در تحقیق جهان مسا
فوق تصور انسان مغری نبود ، در مورد
جهان هستی هم تا آنجا که فیهش اجسازه
مید ادبی خبر نبود ، و چنانچه از تحقیقات
دقیق در مورد آثار وی واضح میشود که نه

تنها او ادیب متصوف بلکه دانشمند ، حکیم
و ریاضی دان و مصلح بزرگ زمان خود
بود . وی در مورد اینکه وایا سر انجاش
بکجا خواهد رسید میگوید عاقبت انسان
پس از مرگ چه خواهد بود .

تا چند زلم بروی دریا ها خشت

ببزار شدم زبست برستان کشت

خیام که گفت دوزخی خواهد بود

که رفت بدوزخ و که آمد بهشت

• • • • •

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست

نشان به امید شک همه عمر نشست

هان تانه نیم جام می از کف دست

در بیخبری مرده عشیار و چه مست

• • • • •

ای آمده از عالم رو حانی گفت

حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت

می خور چو ندانی از کجا آمده

خوش باش ندانی بکجا خواهی رفت

• • • • •

و در مورد اینکه آنچه در دست است

با ید حساب نبود نه آنچه که وعده داده

شده رباعیات زیاد دارد که بطور نمونه

بذکرش می پردازیم .

گویند کسان بهشت با حور خوشست

من میگویم آب انگور خوشست

این نقد بگیرد دست از آن نمیه بدار

که آواز دهل شنیدن از دور خوشست

• • • • •

من هیچ ندانم که مرا آنکه سرشت

از اهل بهشت گردید یا دوزخ زشت

جامی و بنی بر بنی بر لب کشت

این هر سه مرا نقد و ترانسیه بهشت

• • • • •

گویند بهشت و حور و کولر باشد

جوی می و شیر و شهد و شکر باشد

پرکن قدح باد مویر دستم نه

نقدی دهر از نمیه خوشتر باشد

• • • • •

در دهر چو آواز گل تازه دهند

فرمای بتا که می به اندازه دهند

از حور و قصور و زینت و دوزخ

فارغ بشنیدن که آن هر آوازه دهند

• • • • •

آنانکه تصوف را بر میگزینند و به آن

گرویده میگردند از مرگ هراسی بسند

را نمیدهند نه تنها از مرگ هراسی ندارند

بلکه مرگ را عایه خوشی میداند و به

عقیدت اینکه به اصل خوشی میداند و بخدای

نخود و صلت حاصل مینمایند شادان

مینمایند اما خیام در رباعیاتش از مرگ

هراسی را بیان میکند و عمر دست داشته

را غنیمت میشمارد :

این قافله عمر عجب میگذرد

در یابدمی که با طرب میگذرد

ساقی غم فرمای حرفان چه خوری

پیش آر پیاله را که شب میگذرد

• • • • •

زان پیش که بر صورت شبیخون آرند

فرمای که تا باد گلگون آرند

توانزه ئی ای غافل تا دان که ترا

در خلأ نهند و باز بیرون آرند

• • • • •

روزی که گذشت هیچ ازو یسار مکن
فر داکه نیامده است فریاد مکن
بسر نامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمری بر باد مکن

ای کاش که جای آر میدن بودی
یا این ره دور را رسیدن بسودی
کاش از بی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
پس از رباعیات خیام موید این بیان
آند که آنچه برای آدمی درید امکان
است همین هستی است و تا حد امکان و
توان از آن باید مستفید شد . و این بدان
معنی خواهد بود که خیام را از معتقدین
به جهان هستی میدانند . رفتگان ازین جهان
را به مسافران گم گشته و نا آمد نیسی
یکسان دانسته است .

افسوس که سرمایه زکف بیرون شد
وز دست اجل بسی جگه ها خون شد
کس نامد از آن جهان که برسیم از وی
که احوال مسافر آن دنیا چو شد

از جمله رفتگان ایمن راه دراز
باز آمده گیمت تابه ماگو ید راز
پس بر سر این دوراهه آرزو نیا ز
تا هیچ نمائی که نمی آبی بسا ز

و هم چنان در جای دیگری غم فردا را
نمی کرده و میگو ید :

ای دوست بیانا غم فردا نخوریم
وین یکدم عمر را غنیمت شعریم
فردا که ازین دیر فنا در گذریم
با هفت هزار سالکان سر بسریم

• • • • •
ای دل توبه اسرار معانی می
در نکته زیر کان دانا تر می
اینجا به می لعل بهشتی میساز
کأنجا که بهشت است و می یاله می

• • • • •
باری هم واعظان و ناصحان را که سخن
فرا تر از حد توان خویش میزند چنین
نکو ش می نماید :

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب قاریک نبردند بیرون
گفتند فسا نه و در خواب شدند

• • • • •

و در رباعی میفرماید :

در فصل بهار اگر بتی حور سرشت

یک ما غری می دهد بر لب کشت

هر چند به نزد عامه این با شد زشت

سگ به ذعن است اگر بر من نام بهشت

• • • • •

اما آنگاه که خود هم نمیتواند را هسی

به منزل بکشد فریاد میزند که :

قومی متفکرند اندر ره دیمن

قومی بگمان فتنه در راه یقین

میرسم از آنکه بانگ آید روزی

کای بیخبران راه نه آنست نه این

• • • • •

و به این ترتیب میرسیم بدان جایی

که صاحب نظران چه فرمایند و چه قضاوت

کنند که خیام بکجا میخواهد برسد .

• • • • •

بلکه هدف عمده آن تشخیص نحوه تحول اقلیم و نو سانات آن میباشد. طور مثال مقدار ریزش با را ن مربوط به برا حل مختلفه مهتا ب بوده و از قرا معلوم چا نس با ریدن آن در اواخر و اوایل ماه نسبت به اواسط آن زیاد تر است.

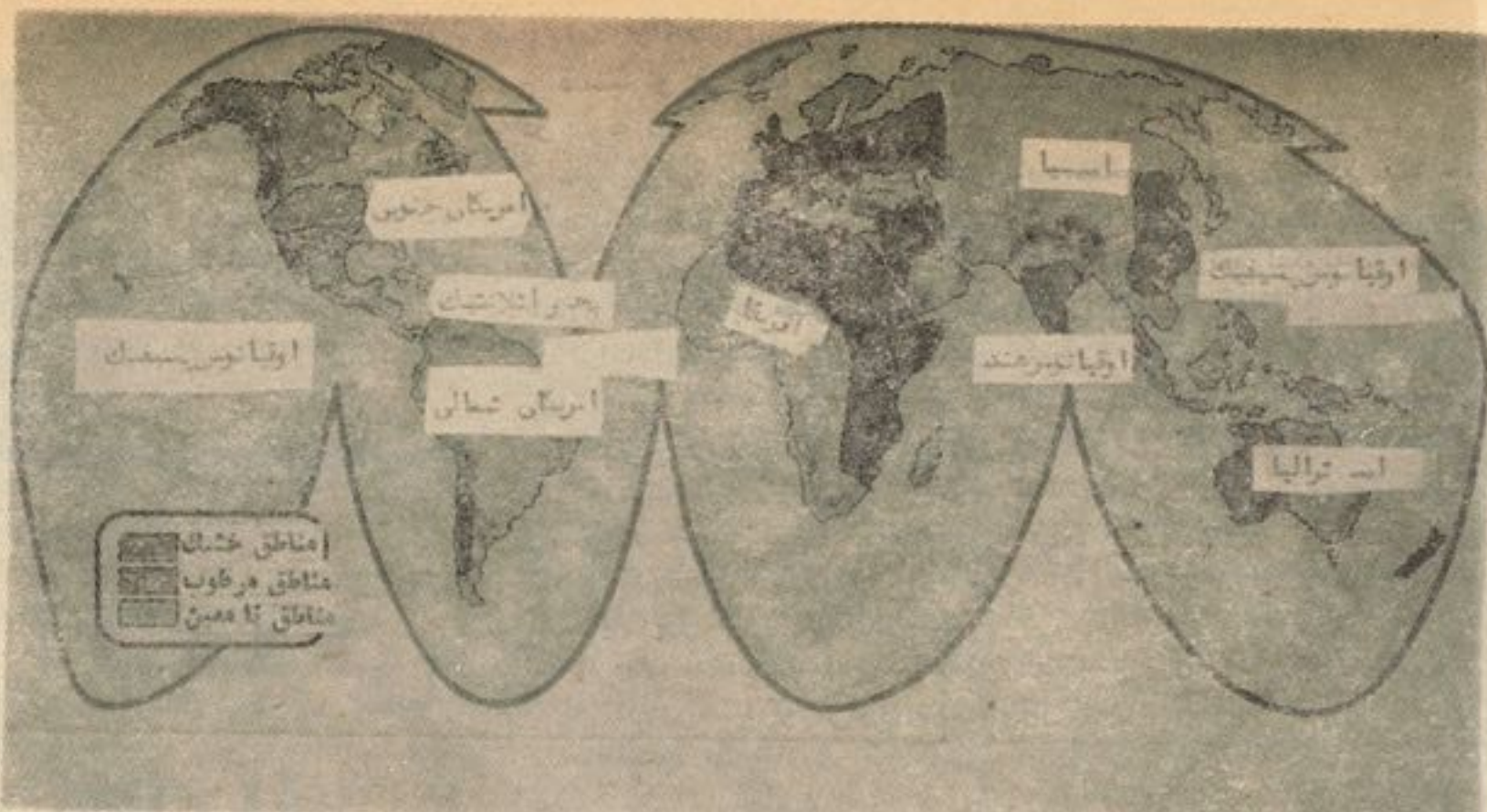
اما عطا لغات نشان مید هد که مهمترین منبع فعالیت های نوسانی آفتاب است. مدارک معتبری در لایرا قوار ایلتنو ن انگلستان بدست آمده مبنی بر اینکه اختلا لات در ریزش و تغییر زمین که با عت بر خوردن با امواج رادیویی میگر در مربوط به سایکل آفتاب است که در طول ۲۷ و نیم روز یکمرتبه با لای محور خود چرخیده و زمین بصورت بریودیکی در معرض اشعه آن قرار میگیرد این شعاعات باعث تولید اختلا لات درایونو سفیر زمین و تغییر فشار در اتموسفر گردیده و در نتیجه باعث تغییر سمت و وزن بساد میگر دد.

سایکل لکه های سطحی آفتاب :

مشهور ترین خاصیت بر یودیک آفتاب سایکل تقریبا یازده ساله شمسی است که در طول این مدت تعداد و درخشش این لکه های سطح آفتاب به حدا عظمی رسیده و دو باره تا بد میگر دند. تا یج مطالعات نشان دهنده آنست که و فوع خشکسالی بعد از گذشت دو سال از زمان ناپدید شدن نقاط فوق الذکر در یکدور در میان سایکل شمسی رخ مید هد زیرا

سمت ساحه مقناطیسی آفتاب ، که کنترول این نقاط است، بعد از تکمیل دو سایکل معکوس گردیده و بنا سمت مشخص و مدت ساحه مقناطیسی بعد از سیری شدن تقریبا ۲۲ سال دوباره بحالت اولی باز گشت میکند اما علت اینکه چرا ساحه مقناطیسی آفتاب و خشکسالی با هم مربوط اند هنوز معلوم نیست. تحقیقات اخیر نشان مید هد که آفتاب این سایکل یا زده ساله را بصورت

بقیه در صفحه ۵۶



ترجمه زلمی ذهاب

پیشگویی طویل المدت اوضاع جوی

گرم شدن هم ای جهان چه اثراتی در بر

خواهد داشت؟

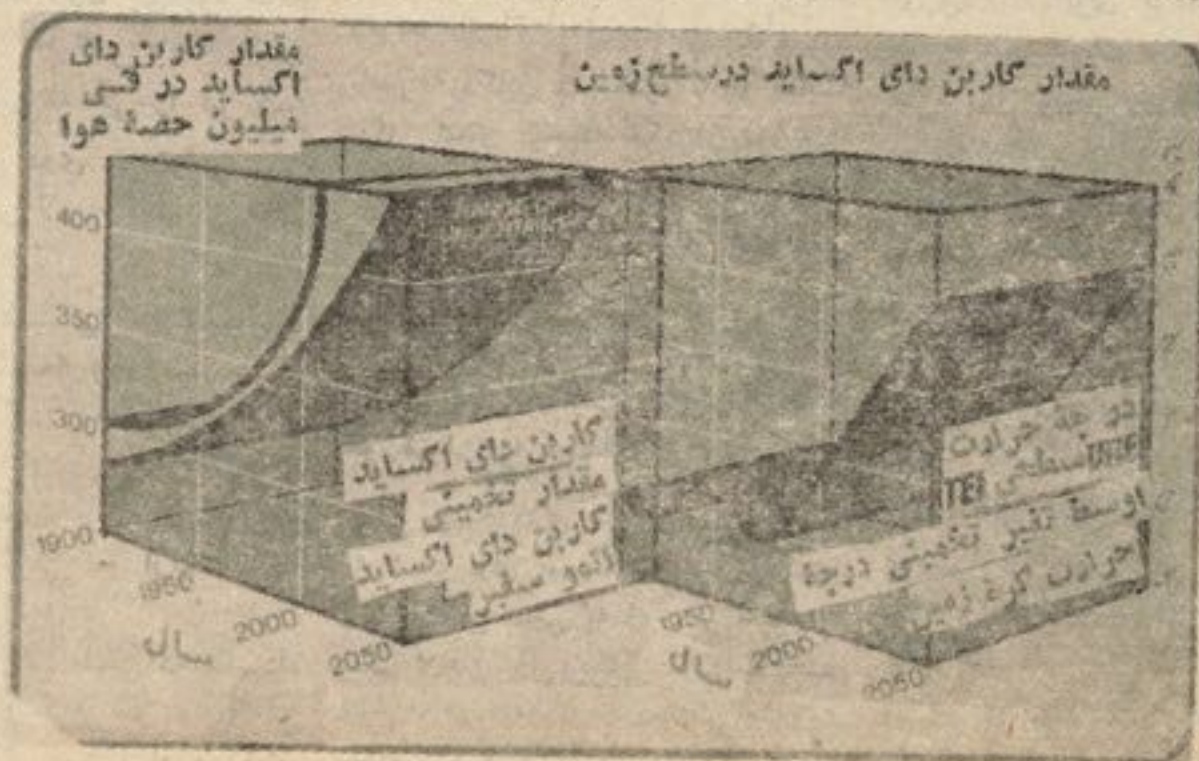
بدون شك پیشگویی های قصیرالمدت اوضاع جوی تا اندازه زیادی قرین بسه واقعیت بوده و با استفاده از احصایه های درجه حرارت ، شدت وزشی باد و فشار هوا که با کمک اقمار مصنوعی ، شعاعات هوا شناسی ، و کمپیوتر بدست آمده صحت پیشگویی اوضاع جوی برای دو روز ۸۵ فیصد بوده ولی صحت این رقم برای سه ماه به ۶۵ فیصد پائین میاید. اما پیشگویی های طویل المدت اقلیم تاویل دلمت مستلزم جزئیات دقیق نبوده

تحقیقات ملی ایالات متحده امریکا حاکی از آن است که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت ۳ درجه سانتیگراد معادل ۴ درجه فارنهایت نسبت به حالت فعلی ، در صورتیکه سوخت نفت و ذغال به عین تعداد دوام نماند ، بلند تر خواهد گردید. این از دید درجه حرارت تأثیر جدی بالای مناطق زراعتی میگذارد. البته این پیش بینی ها تا اندازه زیادی به اساس حد سیات صورت گرفته زیرا پیش بینی های طویل المدت اقلیم امر است مشکل.

برف باری ها و شدت سرمای سال ۱۹۷۷ در بعضی قسمت های امریکا شمالی این سوال را به میان آورده است که آیا هوای تابناک روبه سردی می رود؟ متخصصین علم هواشناسی که نحوه تحول هوا را در طول چندین دهه و یا قرن تحت آزمون قرار داده اند چنین نظر دارند که این تغییر اقلیم خیلی ها تا چیز بوده و نمیتوان از آن نتیجه گیری نمود. این نوع حوادث شمسی نشان دهنده تغییر دوره های جهان است.

اینکه این تغییرات بخواهد انجا مید هنوز معلوم نیست. اما یکتعداد زیاد متخصصین علم هواشناسی به ایمن منگوره اند که اتمو سفیر گرم میگردند نه سرد تر و دلیل عمده آن از دید روز افزون

گاز های رنگ و بوی کاربن دای اکساید میباشند. این گاز توسط نباتات جذب، از آنها تنها مقدار کمی به بیابان و وسیع از اثر سوختن نفت و ذغال به هوا بخش میگر دد این گاز در اتمو سفیر مانند آینه یک جا به اجرای عمل میباشند بدین معنی که این گاز اشعه آفتاب را بطرف زمین اجازه ورود داده ولی مانع انتشار حرارت سطح زمین در فضای خارج اتمو سفیر آن میگر دد چون مقدار کاربن دای اکساید اتموسفر بصورت مداوم روبه افزایش میباشند یکتعداد زیاد متخصصین مربوط فکر میکنند که این منبع تشخیص سبب گرم شدن همای جهان میگر دد. یکی از گزارشات مرکز



د(ان اوپ لینافسو شل
دیو لو پمپت) نومی کتابڅخه

د امین الله محک ژباړه

په آسیا او افریقا کې د بادارۍ نظامونه

دو همه بر څه

د بل خور وټکو دولتو نو تاریخي
دو لو نه یو د بل سره تو پیرلری
خو دټو لو ماهیت هما غه پر خوا-
ریکښانو باندی د یوه مفت خوره
اقلیت حکمرانی وه .

قبیلوی اتحاد یی :

قبیلوی اتحاد یی د دولت هغه
دیر لو مړنی شکل و او د پروباداری
(مړی والا) دو لټونو نوموړی مړ-
حله تیره کړیده .

گڼ شمیر لرو نکی او پیا وړی قبیلې
دټو موړی اتحاد دی زڼه جوړ ول .

باچا به دکلان د حکمرانانو څخه
ټاکل کیدی (پخپله حکمران به زیاتره

وخت دیوه جنگ افسر به حیث
انتخا بیدی) دباچا واک مورثی

و . دباچا د کلان ټول لوړ رتبه
رو حانیو نو ته هغه مهم او حساس
پوښتو نه (وظیفی) ورسپارل کیدل
خو قبیلې به د هغه موافقی له

مخې چی د دوی د مشرانو له خوا
به شوی وی یو ځای کیدی او کمز-

وری قبیلې به یی به زور تر خپلې
حکم لاندی را وستلی . داسی

دو لټو نو به داووزر دوجگر وله لاری
خپله سیمه از ټول . ځینی داسی

کو جنی قبیلې هم وی چی هیڅ ډول
دولت ته یی غاړه نه ایښو دل .

د تو لیدی وسایلو لړل ، دکار
به ټولنیز ساز ما نو کی د یسوی
طبقی رول د عایداتو بر څه او د
هغوی د گټو منابع هغه مشخصات
وه چی یوه طبقه به پیرنډل کیدل .
سر بیره پر دی طبقه د خلکو
یوه لو په ډله ده چی په اجتماعی
تولیدی کی د خپلې پلیکاه یعنی پر
تولیدی وسا یلو باندی دهغو دواک
چی معمولا دقانون له خوا په
رسمیت پیژندل شوی وه)

او همدا راز هغه رول چی یوه طبقه
یی د کار په اجتماعی ساز مان کی
لوړوی او له دی نه چی را تیر شو
دهغه گټی چی دوی یی دټولنیز
شتمنی څخه تر لاسه کوی له مخی
سره بیلیری .

طبقی داضا فی محصول
درا پیدا کیدو څخه وروسته
منځ ته راغلی . دا هغه مهال و چی
د تو لیدی قوا و وړاندی تګ و
انسان ته دا امکان برا بر کړ چی
دخپل ژوند د لومړنیو اړتیا وڅخه
زیات تو لید وکړی .

د ولت دحکمرانی طبقی دستگاه
وه . په استثمار گرو نظامو نو کی
دولت دطبقاتی ستم او مرئیان
کو لو دیوه پیرنډل شوی دستگاه
وه .

د آسیا او افریقا لو مړنی باداری دو لټونه :

دمړی لرو وټکو دو لټو نو
پیدا یښت د باداری نظام دتو لیدی
شکل دیربالتوب ښه وه . لومړنی
باداری دولتو نه په مصر ، دجله
او فرات (بین النهرین) په وادی
کی را څر گند شول . نو موړی
دو لټو نه دسو مړی ، اکدی او بابلی
امیرا طوری وی . دچین او هند
باداری دو لټو نه د میلاد څخه مخکی
د څلو رو څخه تر درو زرو کلو نو
کی اوپه اټور کی د دوهم زړ په
نیما یی کی منځ ته راغله . دا مهال
و چی دوړی آسیا په مرکزی دښت
کی د (هییتی) یوه پیاوړی امپراطوری
جوړه شول . (مینایی) امیرا طوری
چی یو لر غو نی عربی دولت و د
میلاد څخه مخکی پنځلسمه پیړی
د اوسنی یمن پر سیمه یی بنسټ
کښیښودل شو داو راتو (۲) باجهی
دمیلاد دمخه په اول زرم او په ماورای
قفقاز کی منځته را غله . دخوا رزم

پیا وړی پیا چهی په
منځنی آسیا کی دمیلاد دمخه

له اتمی څخه تر شپږ می پیړی
پوری څر گنده شوه . اوپه وروسته

کی یی خپل ځای د کوشان و امپرا-
طوری ته خوشی کړ دمیلاد د مخه

په اتمه پیړی کی ماوان اوورپسی
پاسان اودمیلاد د مخه شپږ مه پیړی

کی دایران په لوید یزکی مخ ته
را غله . د لر غونی یونان د باداری

دولت د میلاد څخه د مخه له اتمی
څخه تر شپږ می پیړی پوری او د

لر غونی روم د میلاد د مخه په شپږمه
پیړی کی منځ ته راغی . د مرکزی

او جنو بی امریکا باداری دولتو نه
کابو د(۱۵۰۰) څخه تر (۲۰۰) کا لو

پوری داسپانوی پرغلگرانو څخه
مخکی ظهور وکړ خودا کار (مایانو)

سره سر نه خو ری څکه دهغوی
دولت ژښت پخوا نی دی .

د بادارۍ استبدادی دولتونه :

قبیلوی اتحاد یی پخپله دولت نه
گڼل کیری او یوازی دهغه د پیدای-
ښت لومړی پړاو دی . د حکمران

نانو د تند ریجی واک د زیاتوالی اود
دولتی دستگاه د پیاوړتوب په

نتیجه کی قبیلوی اتحاد یواستبدادی
مړی لرو نکی دولت ته ټکا مل

وکړ او په آسیا ، افریقا او امر-
یکی کی د لر غو نو مړی لرو وټکو

دو لټو نو هغه معمول شوی شکل دی
دباداری دو لټو نو شکل
په تاریخی او اقتصادی شرا یطو

همدا راز په جغرافیایی محیط پوری اړه

لړل .

د استبدادی مړیتوب صفتو نه
او مشخصات د مړ جوده اسنا دو

څخه په لاس راغلی دی ، دمصریانو
یا پیرو سی اونور لیکونه پر تیگو

باندی د لر غو نو لیکوالانو اونورو
کسا نو خبرو نه چی پخپله گواهی

ورکوی ، ډول ډول حماسی ، شعرو-
نه او نور اسناد ټول د مطلب په

رسو ښانه کو لو کی را سره مرسته
کوی . دبابل باچا ، حمورابی

د قوا نینو مجموع په مړیتوب کی
د ژوند کو لو دخیږنی دپاره زیات

ارز ښت لری . دنوموړو قوانینو
متن دمیلاد څخه د مخه په اتلسمه

پیړی کی په پایتخت کی د یسوی
توری ډبري پرستون کیندل شوی دی

نو موړی د قوا نینو ډیره پخوانی
مجموعه ده چی موړ ته راپاتسی

شوی ده . دمړیتوب نظام د یوه
انسان له خوا دبل گټه خوړل یی

ښه توضیح کړیدی دحمورابی
د حکمرانی په وخت کی د بابلی

امپرا طوری دیوه باداری استبدادی
دولت نمونه وه او باچادمر کزی

دولت یو کر غیر نه حاکم و چی ټول
اجرای قانون نافذ ونکی ، قضا یی

او مذهبی واک یی در لود . دظالمی
باداری مسلطی ایدیالوژی د مشخصات

تو څخه یوه هم دا و چی باچا یی
لوی حکمران اودخمکی خدای گانه

او د هغه فرمان نازل شوی وهی
(وحی) بللی . باچا د حکومت کولو

دپاره د یوی پیچلی بیور کرا ټیکی
دستگاه څخه کار اخیستی . دمامو-

رینو یوه بر څه دمر کزی دستگاه
دبیلو بیلو شعبو متصدی وه

په داسی حال کی چی نور د باچا
دنما ینده په توگه پرمختللو ښارو

او ناحیو باندی حکمرانی کول .
په مړیتوب کی تولیدی روابط :

تو لیدی اړیکی دلته هم لکه
د تو لید پر وسا یلو باندی دخصو-

صی مالکیت دتولید په نور جریان
کی ، دطبقو اساس او دمحصولاتو

د توزیع شکلو نه په بر کی نیول .
مرئیان او باداران -

د حمورابی قوا نین نه یوازی
د تو لیدی اړیکو مشخصات په بین-

النهرین بلکی په عمومی ډول په
هر باداری دولت کی راته ښی .

دبا بلی دو لټ حاکمه قدرت وپو
او منځنیو بادارانو تشکیلات وه او

د حمورابی په قوانینو کی د دولت
او قوا نینو یو طبقاتی شکل له

ورا په څرگند شوی دی خپلی گټی
یی زیاتی ساتلی . د قوا نینو یوه

برخه دبادارانو له گټی څخه

میخا نیکی کار خانی جوړی شوی دلو یوډېرو د پور ته کو لو دپاره چی د مصر په اهرام کی ور څخه کار اخیستل شویدی یوه خانګړی میخا نیکی دستگاه اختراع شو .

داسیا او افریقا په او بو لکو لو سیستمو نو کی دوندو نو او ډنډ شوو او بو څخه ګټه اخیستل تر مر ئیتوب تر وخته د لومړنۍ تکنالوژی د وړاندی تکک نښه وه . داسوان بند چی د نیل پر سیند باندی ودان شو خورا لو په طرحه وه او دا ډول بند ونه او وندو نه چی دډېرو څخه جوړیدل دهماغه مهال د تکنالوژی نښی وی .خومره چی سو دا ګړی دسیند له لاری وړاندی تکک کاوه دبادی او پارووالا کښتیا نو ته اړتیا زیاتیده . لبنکری صنعت وړاندی تکک وکړ او په جګړو کی یی دجنگی ارا بو او جنگی کلا (ارک) څخه ډیره ګټه اخیستل کیدل . لبنکری کښتیا په وسلو باندی مجهزی شوی .

د تجار تی مال (کالا) مبادله :

په لومړنی اشترا کی نظام کی د مبادلی وړاندی تکک د ارزښت دیوه عمو می معیار په پیدا یښت سره پای ته ورسید . په بیلو بیلو سیمو کی مختلف شیان لکه خاروی ، پوټکی ، څرم او عاج د ارزښت دیوه ګډ معیار په تو ګه ټاکل شوی وه د مریتوب په نظام کی فلزا تو په تدریج سره دارزش دمعیار رول په غاړه واخیست . په اول کی اوسپنه او مس دادنده په غاړه اخیسته وه . چی په ورسته کی بیا سره زراوبیا سپین زر هم ور سره یوځای شول . پیسه دیوه بازار زښت ګډ معیار او مبادلی د وسیلی په تو ګه او یو خانګړی مال چی د نورو ټولو مالونو په مبادلی کی یی بر څه اخیستل ، په کار ولویدل په اوکی پیسه دمیلی په ډول وه او وروسته یی دسیکی شکل غوره کړ .

د تجارت وړاندی تکک دسو داګرو درا پیدا کیدو سبب شو ، دوی هغه خلک وه چی دتو لید په ساحه کی یی ګډون نه در لود او یوازی به یی دما لو نو په مبادلی او سو داګری سره لاسونه اړوه اوځنی محصولات به یی تر لاسه کول سودا ګران له یو ځای څخه وبل ځای ته تلل اوځنی وختو نه به یی هم لیری او اوږده واټنو نه وهل په دی ډول دتولنیز کار دریم ویش منځ ته راغی .

(نورید)

شرا یطو کی با دا ری دو لست کلان استثمار اود کلا ن غړی لکو لو دویا لواو کاریزو نوڅارنه کول چی دی کار ډله ایز انسانی کو ښښو نوته زیا ته اړه در لود دپخوا په شان یی کر نه کول خو اوس یی دمحصول زیاته بر څه با چااو سپاهیانوله لاسه کښل . د پاچا نماینده ګانو سملاسی داوبو شېکی او د کلان د غړو دما لیو او جر یمو سم تادیه کولو نظارت کاوه تولید ونکی یی په دی ډول دخپل کار د حاصل څخه یی برخه کول .

دلر غو نی مصر ، هند او چین او نورو هیوا دونو په استبداد ی مرئیتوب کی هم د دا ډول شرا یطو وجود د با داری دولت علاقه چی دکرنی داشترا کی ټو لنی په ساتلو کی یی لرل ورو ورو منځ پر کمزور تیا شول . پاچا په خپله ډیری ځمکی په واک کی لرلی او سمد لاسه به یی دټولنی په نور مخکو په غصبو لو سره پر خپل مالکیت زیا توالی را وستی . دسمی مخکو مرکز یست میند لی و اود دولت یوازی حکمران یعنی پاچا اړه در لودل دجګړو دلاری به یی وړا ندی تکک کاوه .

د آسیا یی او افریقا یی لر غو نو دولتو نو تولیدی قوا وی :

داسیا او افریقا لرغونی دو لتونو په پیدا یښت کی د تو لید وړاندی تکک دوام در لود . په کر نه دتولیدی او زارونو څخه ګټه اخیستل په بابل کی رواج ومو ند کاسبا نو به هم او زا رو نه جوړول . دحمورا بی قوا نینو په مجموعه کی هغه وخت په ډول ډول کسبو نه لکه بتایی ، او بدنه ، پښی ، ترکانی ، کښتیی جوړ ونه ، ودانی جوړ ونی اونورو نوم اخیستل شویدی .

په مصر کی هم کسبو نو وړاندی تکک وکړ او په ټول هیواد کی خلک داو بد لو سره بلد شول . داوبدلو افقی څر خو نو خپل ځای نسبتا بشپړ شوو عمودی څر خو نو ته خوشی کړ دمسکرا نو په کرو کی دڅر منی بنیو څخه اخستل پیل شول . یوی بشپړه شول اوښمښه جوړول یو خانګړی شغل سو او له دی نه وروسته به یی خښتیی هم په کرو کی پخو لی .

سر بیره پردی کاسبان خپلواک وه خومرئیان هغو کارو نو ته چی مهارت ته یی دو مره اړتیا لرل اوکراپ (سخت) به هم وه لکه ساختمانی کارو نه ، ګمارل کیدل . لومړنی

ور سیدی ، مقصر به یی یوازی جر یمه کړی که کوم موسکینو غلا کړی وای د لومړی ډلی د جر یمه په پر تله به یی خو چنده جر یمه تا دیه کول بیا چی کوم سړی مریی غلا کړ (چی دټولنی د اساس پر ضد یوجنا یت ګڼل کیدی) بیله دی څخه چی مقام یی په نظر کی ونیسی حکم یی دمر ګ و . هغه چی دپوره حقو څخه بر څخه لرل ، پردو ډلو شتمنو او بی وزلو ویشل کیدل . بی وزلان د دی دپاره چی خپل شتمن ژوند ته یایښت ور کړی او دومره څه پیدا کړی چی له مرګ په راوګر ځی مجبوره وه چی دشتمنو څخه پیسی وسایل او نور شیان پور کړی چاچی به خپل پور نه ور کاوه په بدل کی به یی مالو ته ور څخه اخیستل د کار طرز داسی و چی دیوالی (افلاس) شوی پور وړی (معمو لاد کورنی دغړو سره) به دیوه ټا کلی مودی دپاره مریی کاوه او په دی کار کی به د ژوند تر پایه پوری پاتی و . پر مرئیا نو باندی دسو داګری نوی شکل منځ ته را غی او هغه به داسی و چی چا به خپل ښار یان را نیول او هغوی به یی بیا هغو بادا را نو ته چی دکار قوی ته به اړو په اجاره ور کول .

د مرئیتوب په دولت کی اشترایی ټولنه :

څله په لر غو نی با بل کی زیات شمیر آزادو وګړو دمرئیا نو سره په څنګ کی ژوند کاوه ؟ دوی زیا تره دکلا نو غړی وه چی لومړنۍ اشترایی نظام ته یی منځ اړ ولی . د دولت منځته راتلو څخه مخکی په هغو مخکو کی چی د کر نی وړی او د سیندو نو دسیل له کبله څړو بی کیدی داو بو لکو لو یو پیچلی اوسا زمان لرونکی سیستم منځ ته راغی . که چیری مخکی او بو لکو لو شبکی د با دا را نو تر منځ ویشل شوی وای په پای کی داوبو لکولو سیستمونه ټکیدل اودکر هنی درا ټیټیدو سبب کیدی ځکه مرئیا نو دخپل کار له نتیجی څخه کو مه ګټه نه تر لاسه کول . له دی امله دولت پوه شوی و چی د کلان خو ندی کول ور ته ګټه لری . خدا نوره هغه پخوانی اشترایی ټولنه نه وه چی هلته هیڅوک نه استثما ریدل او یوه دټولو او ټولو دیوه په خاطر کار کاوه په دی نورو

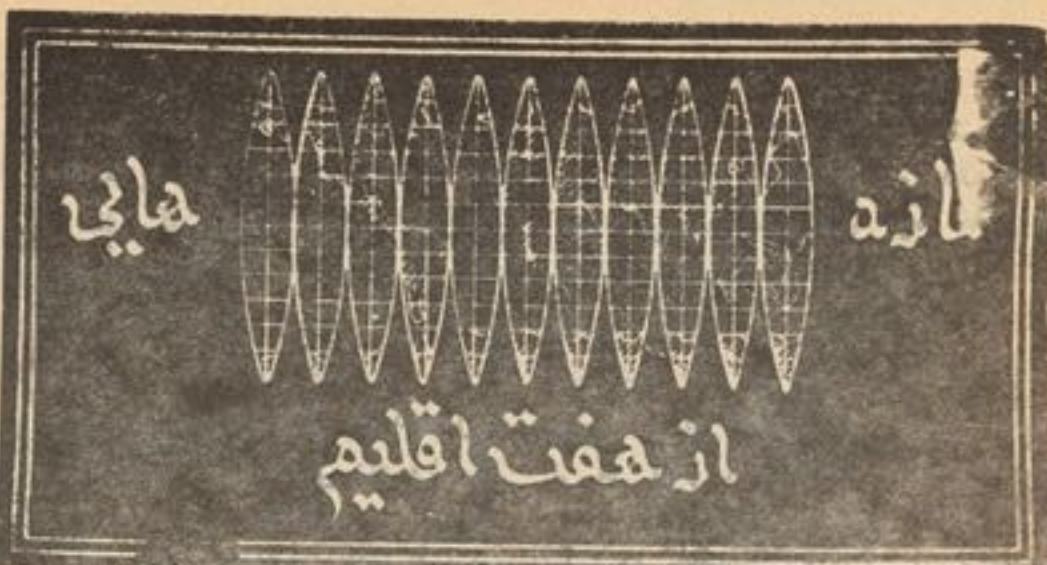
په مستقیمه یا غیر مستقیمه تو ګه ملاتړ کاوه . د قوا نینو سره سم چاچی به دیوه بل چا مریی دبدن کوم ځای خوږ کړ دهماغه مجازا تو چی څارو دپاره په نظر کی نیول شوی وه دجر یمی په تادیه کو لو مکلف و . هغه وخت چی به یی دبل چا مریی ووژ نی نا چا ره و چی خاوند ته یی بل مریی ورکړی دیوه مریی کو رنی په شمیر کی نه را تلل مرئیان یی په خپل واک سره پلورل یو او بل ته یی بخښل دنور مر ئیا نوسره بد لول اود میراث په شاتی له یوه څخه بل ته پاتی کیدل . کوم وخت چی چا دبادارا نو دشتمنی دساتلو دپاره دنافذ شوو قوا نینو څخه سر لغاوه په سخته جزا سره محکومیدل . چاچی به مریی غلا کړ او یا به یی تښتید لی مریی ته ځای ورکړ حکم یی دمرګ و . هر مریی د خپل خښتن یوه خانګړی نښه پر خپل بدن در لودل که کوم آزادسړی هغه نښه ورڅخه لیری کړی وای هغه ته هم سخته جزا ورکول کیدل . مرئیان دتولیدی وسا یلو څخه لاسه کوی دډیرو لومړی نیو انسا نی حقو څو څخه هم بی برخه وه .

په دی ډول ، بادارانو به دتو لید پر وسا یلو سر بیره زحمتکښان اومر ئیان هم پخپل شته کی را وستل چی دا دمرئیتوب نظام دتو لیدی روا بطو له خو یو نو څخه و .

بابلی ټولنی تجاوز کارا نه او بی پایه جګړی ، دمرئیا نو لاس ته وروستلو دپاره سر ته رسیدی آزاد وګړی به یی دهمدی لاری مر ئیان کول . دمرئیتوب په ډیرو دولتو نو کی دبا دارا نوحاکم قدرت دآزادو وګړو او کاسبا نو دوری شتمنی څخه هم صرفه نکول .

په با بل کی هم دغی وضعی په یو لږ تو پیر سره وجود در لود چی خپلوا کی وګړو په ډیر ژر خپله آزادی د لاسه ور کول اود مرئیا نو په لبنکر به ګډیدل .

دبا بل آزاد و وګړی پر دا سی ډلو چی د مدنی حقو څو څخه به پوره بر خور داره او داسی ډلی چی دحقو څو څخه به یی لږ بر څخه لرل او مسکینو بلل کیده ویشل شوی وه . څه وخت چی دلو مری ډلی وغړ و ته به چا تاوان ورساوه دیوه ګناه کارسړی په شانی به یی جزا لیدل . که چیری کوم مو سکینو ته به تا وان



ترجمه و تنظیم از : میرحسام الدین پرومند

با کیمیا و فزیک در جهت محو کامل سرطان

سرطان این مرض مدهش و جانکس و قه‌ور های سرطان‌ی پروبلم‌های زیادی برای متخصصین امراض سرطان‌ی ببار آورده است. برای این مرض علاج ناپذیر ، وزمانی هم امیدواری‌هایی درزه پنه پیدا میشود . گاهی از طریق بکار گرفتن مواد کیمیای برای محو این مرض متوسل میگرددند وزمانی هم به کمک فزیک میخواهند جلو پرور سرطان را از وجود انسانی بگیرند . درین او آخر دیده شده که از فزیک درجهت از بین بردن امراض سرطان‌ی بیشتر استفاده بعمل می‌آید.

در پنجاه سال اخیر تحقیقات دامنه داری برای نابودی کامل امراض سرطان‌ی وطرق درمان آن، صورت گرفته است . لکن بدین تازگی ها گزارش گردید که عناصر را دیو اکتیف برای تنظیم امور مربوط به ارگان‌های داخلی انسانی بخصوص قلب ، مغز، جگر و تریتش را ثابت و حتی حیث وقایع وجود را از امراض سرطان‌ی میتواند داشته باشد . گرچه اقوم موارد استعمال زیاد دارد که در پهلوی استفاده از انرژی آن بعضا بحیث وسایل تخریب از آن کار گرفته میشود . روی همین اصل با استفاده از فزیک اتومی، قوه‌های تخریبی اقوم در ارگان‌بسطوری بکار می‌بندند که زخم‌ها و تومورهای سرطان‌ی را به بعضی رسانیدن بدن ، از پیشروی آن در وجود باز میدارد . بدین مفهوم که در پهلوی طرق تداوی از طریق جراحی ، میشود نظریه

آزمایشات دقیق قه‌ور ها وزخم و علایم و اثرات سرطان‌ی را به کمک مواد اتومی از وجود دور ساخت و بطور حتم اشعه گاما و اشعه ایکس بکلی بی تاثیر نمیتواند باشد که مریضان زیادی را ازین طریق تحت مطالعه بار بار گرفته اند . اما متخصصین امراض سرطان‌ی مدعی اند که مقدار بکاربرد اشعه لازم تا آن حد کم بوده که با آن مقدار میشود بطور قطع زخم و قه‌ور های سرطان‌ی را علاج کرد چه اگر مقدار اشعه گاما یا هم ایکس زیاد گردد درینصورت مرگ زود به

سرانغ مریض مذکور می‌شاید از یترو تمام مریضانی که با اشعه ایکس و اشعه گاما تداوی گردیده اند، موقتی بوده و فقط چند روز بعد مرض پیشرفت زیادی نموده است، پس چه باید کرد، باید مقدار اشعه‌ها را بالا برد ؟ در آنصورت با تخریب انساج سرطان‌ی انساج سالم وجود نیز همزمان با آن تخریب میگردد . بهمانسان که پروتون‌ها و آیون‌ها قسمت‌های زخم را روشن میدارد عملیه‌های هستوی یعنی انرژی اقوم نیز بسوی انساج سرطان‌ی شتافته و بر قه‌ور ها حمله میکند و از بزرگی آنها لحظه به لحظه میکاهد.

در سال ۱۹۶۷ در یکی از استیتوت‌های طبی اروپا يك «اشعه پروتونی» برای اهداف درمانی بکار گرفته شد . همزمان با آن يك اشعه دیگر بنام اشعه پروتونی نوم کشف گردید و سومین اشعه پروتونی که بنام «اشعه درمانی» نیز یاد میگردد به کمک فزیک اتومی در سال ۱۹۷۴ از طرف استیتوت هستوی لیننگراد بدست آمد . یکنوع درمان دیگر امراض سرطان‌ی تو سط اشعه‌های مخصوصه‌ی که در تولید همچو اشعه درمانی از کیمیا و فزیک علمی المویه استفاده بعمل آمده، در جهت صحتیابی مبتلایان سرطان فعالیت میکند . گرچه از یکطرف کثرت امراض متعدد سرطان‌ی ، مایه نازاحتی بشر میگردد لکن با آنهم امیدواری‌های زیاد

کنونی از طرف اکادمی‌های امراض سرطان‌ی برای کشف طرق تداوی آن ایجاد گردیده است . از طرفی میتود‌های جدیدی که، در اثر حرکت پروتون‌های سریع اقوم در جسم مریض عمل میکند، نیز تدارك دیده شده است . اشعه‌های جدید که در نتیجه سه سال کار خستگی ناپذیر کشف گردیده علاوه اینکه امیدواری برای تداوی مبتلایان امراض سرطان می‌بخشد ، در شناخت نوعیت زخم، موقعیت تومور ها وزخم‌های سرطان‌ی در وجود تاریخ پیدایش، اندازه پیشرفت و رشد مرض، خاصیت‌های فردی مریض را نیز بر ماسلا

آن از سایر حصص وجود، میکوشد . روی این اصل بزرگ یعنی خدمت به تهرید - شونده‌گان امراض سرطان‌ی سیمیناری بسوی بین المللی در سال ۱۹۷۷ دایر و در آن سیمینار ندگان سیمینار پسرانمون تولید «بسته‌های پروتونی» تصمیماتی بعمل آوردند. در سیمینار که در مورد استفاده از اقوم دردوارو های کاملاً مدرن ضد سرطان‌ی بالشاری بعمل آمد اهل خبره ، فزیکدانان ، دکترینان، متخصصین کیمیا و انجینیران متعدد از کشور های سوسیالیستی ، اضلاع متحده ، سویدن و فرانسه درین سیمینار گرد آمده بودند . منظور ازین گردهم آیی و ملاقات دانشمندان بایکدیگر، معرفت با فزیک اتومی، تئینیک سرعت عمل در کلینیک‌های عملیه‌های تازه مجادله علیه سرطان بوده است . تلاش‌های موقر متخصصین علوم کیمیا و فزیک و طبیبان بخاطر رهایی بشر از چنگ امراض جانکس و مدعیان امریست انسانی و در خور ستایش، که اینک مبتلایان سرطان امیدواری به آینده، آینده‌ای که مرض شان درمان خواهد یافت ، می‌اندیشند .

هم فزیکدانان هم هنر همیشه

کمین کرده بود . گرچه مسابقات تلویزیونی مزبور در ۱۹۶۲ انجام پذیرفت لکن با وجود کار های علمی «زرمی نیگین» کتون صد آهنگ خوب دارد که موضوعات و محتوی آهنگ‌ها و کمپوز‌های او رزمی، حماسی و دراماتیکی بوده است . اشعار و آهنگ‌های وی بیشتر مورد توجه همگان قرار میگيرد وی



زرمی نیگین با گیتارش در حال هنرنمایی

شام‌ها با گیتار خود روی سن ظاهر میشود و همراه آن با آن پنجه‌های ظریفش ماهرانه روی تارهای گیتار به وبالا میدوند . آواز گیرایش شور و شغف خاصی به نوای گیتار او میدهد و چه مشکست باور کردن این مطلب . مذکور صبح ناشام چه مشقات و خستگی‌هایی را که در مرکز علمی کسار خود متقبل شده است منظور ما (زرمی - نیگین) یکتان از فزیکدانان وارد و جبره دست است، مردیکه روی مالیکول‌های سفید تخم مصروف گشته و مطالعاتی انجام داد و چند ساعت بعد آن بدون آمادگی قلبی در فلم کمیدی (جسم سر نوشت) آوازخواند

که کمپوزشر آن از (میکائیل تازی فردی) بود. این فزیکدان که در کیمیا نیز وارد است در ساعات فراغت از کار های مربوطه به شعبه اختصاصی اش یعنی فزیک ، کمپوز مینماید . آواز خوان مذکور با گیتار خود و آواز خود در رادیو، تلویزیون و تالار ها ظنین می‌اندازد با آنهم پیروزی او قان حد است ، که از محصلان گرفته تاجیولو جست و کارگران معدن ، آهنگ‌بایش را منحیت آهنگ روز زمزمه میدارند . وی خودش می‌گوید که قبل از آنکه آواز بخواند و در محافل هنری راهش را بساز نماید، يك فزیکدان بوده است که در مکتب، اود فزیک بیشتر از هر چیز لیاقتش را توانسته بود بشکل قابل توجهی تبارز دهد، گیتار را فقط در مکتب فرا گرفت و خود به تنهایی به کمپوز اشعار دست یازید . وی خودش را درین راه بیشتر مدیون شرایط بهتر گوارای کشورش میداند چه در یترو همین شرایط مساعد بود که «زرمی» در مسابقات تلویزیونی (هلو، ما) استعداد های شگوفان را سرانغ وشگوفاتر میسازیم) يك پیروزی غیرمنتظره در برابر او

دوگرام وزن داشت پس از چند دقیقه دفعتاً صد برابر بزرگ و سنگین میگردد. بدین تازگی ها محققین و پژوهشگران نباتی یکنوع سماری را کشف و مطالعه کرده اند که هر کدام آن در حدود هفت کیلو گرام وزن و ۸۰ سانتی متر ارتفاع داشت که قطر کلاه آن ۴۶ سانتی متر محاسبه گردید و تنها ساقه آن ۲۲ سانتی متر اندازه شد. یک شاخه دیگر از نوع سماری سنگی بنام سماری ناکی شناخته شده است که زود رشد میکند. سماری های ناکی فقط چهارونیم سانتی متر قد میداشته باشد که البته در نوع خود نظر بشکل ظاهری فرق فاحشی از ساختمان سایر سماری ها



این هم از جمله سماری های شفا بخش است

داشته و زیاد جالب میباشد، سماری های مذکور دارای انرژی فوق العاده زیاد بوده و اما زود فاسد شده، در روز سوم و چهارم چیدن از خوردن می افتد. «سماری شگوفه یی» که دارای کلاه سرخ میباشد از سایر انواع سماری ها بسادگی فرق میگردد اما اگر شخص آنرا از قسمت زیر کلاه آن قطع نماید،

حصه قطع شده کبود نمیشد. یکنوع دیگر که بانوع سماری «شگوفه یی» شباهت نزدیک دارد، برگهای تازه سبزه کنارش می روید و به اسرع وقت یعنی در ظرف یکدقیقه دفعتاً

چنان نفو میکند که هر دانه آنرا به شکل میتوان در یک سبد گنجایید. سماری عجیبی که کلاه سرخ و قسمت پائین کلاه و یا عباره ساقه آن دارای رنگ زرد یا پسته یی میباشد نظر به نظریه محققین نوع مذکور گرچه زهر آکین نمیشد، لکن صرف کردن آن نیز مطلوب

نیست. باری در نزدیک سرایشی یک کوه که با درختان خوش، کاج احاطه گردیده و کوه مذکور را همین درختان سبز با جنگل

سمت دیگر مرتبط میساخت. گرچه گرمک، خرس و خوک جنگلی آنجا زیاد بود، با وصف آن برای تماشا و ملاحظه سماری های متعدد و انواع آن بی حد و حصر ذوقزده شده بسو دم

در جنگل گرچه بادلهره به پیش گام میزد با یکنوع سماری دیگر برخورد، سماری که غیر از سماری سنگی، ناکی مسکه دار و ریگی که بیش از دو کیلو گرام وزن داشت این نوع سماری نظر به تحقیقاتی که نسبت به آن بعمل آمده، میتوان آنرا سماری شفا بخش خواند بدین مفهوم که این سماری در شفا بخشیدن بیماری از امراض و گرداندن سلامتی مریضان یقین معجزه میکند. سماری بقیه در صفحه ۴۸

بعضی از انواع آن. من که سماری های فراوان را با انواع آن بلد بودم، کنجکاوی من تحریک گردید تا بدانم شمار انواع این خسو را که به چند میرسد. بسو جب آخرین تحقیقات در مورد چگونگی، مزه، مواد و مقدار نوع، سماری را لازمست قبل از همه یاد آور شد که تا کنون دانشمندان بیش از (۸۰۰۰۰) نوع سماری را شناخته اند که با تاسف باید متوجه گردید که فقط مقداری کمی از اینهمه انواع آن قابل استفاده و خوردنست، تقریباً دوصد نوع آن. در حالیکه از جمله این دوصد نوع محض (۱۵-۴۰) نوع خالص قابل استفاده بوده و متباقی دارای مواد است

که امکانات مسموم ساختن صرف کننده را دارا می باشد در تشخیص سماری های مورد نیاز از ملاحظه کامل کار گرفت چه سماری ها دارای تلایم خاص و مشخص میباشند. یکنوع سماری که بنام «سماری سنگی» موسوم است که نسبتاً قوی و از جمله انواع سماری های طرف استفاده، بحساب می آید. بعلاوه بهترین نوع سماری هاراکه بایستی چید بعلاوه سماری سنگی.



از نوع سماری های بال دار

سماری های نوع محرک، سماری سرخ و سماری مسکه دار نیز دارای مواد بهترین نسبت به سایر اقسام سماری ها میباشد.

همچنان نوع دیگر از سماری ها، بنام «سماری بالدار» نیز در قطار سماری های مفید می آید. محقق مذکور میگوید: حین چیدن سماری، یکی از دوستانم که بقول خودش تمامی انواع سماری ها را میتوانست از هم تفکیک بدارد در آن محلیکه تاجش کار میکرد سماری بود بدینیکه چشمها از دیدنش خیرگی میکرد بمن مشوره داد که فقط چند دانه و محدود سماری ها را از جمله آنهمه سماری ها بردارم و بس. دوستم در

مورد شناخت سماری ها برایم تشریحات داده گفت مثلاً کدام نوع سماری اگر دارای چگونگی کلاهک باشد و چگونگی روئیده باشد قابل استفاده است و کدامش برخلاف زهر آکین و مسموم کننده میباشد. من در اواخر نوبت در ریگستانی به یکنوع سماری برخورد که بسان سنگ سخت بود و با کوبیدن انگشت صدا میداد بی بردم که حتماً سماری سنگی است که دفعتاً روئیده و سر میزند. این نوع سماری که در ابتداء یعنی لحظه سر زدن فقط



عنبرینه جوان در یکی از لابراتوارهای فزیک.

است زیاد دوست دارد اکثر اوقاتش را با طرفداران هنرش باشد. گرچه خودش بدین عقیده است که صدای او زیاد دل انگیز نیست لکن دیگران درین مورد که صدای نا هنجاری دارد همراهش هم عقیده نیستند. در همین تازگی ها این فزیکدان

صاحب نام اشعار کمیدی سرود و آهنگهای را در قید فوت در آورد. کنسرت او سرو - صدایی در میان خواستاران صدای گرایش ایجاد کرد. او میخواست به کمک علم فزیک احساسات علاقمندان هنرش را سر تعشی گردانیده، تحریک بدارد. از نگاه او فزیک و موزیک دو علمی اند که هر دو به انسان وسایل خوشی می آفریند.

میخواهد هر کجایی رنج دیده و مستعدیده است بایست به کمک او شتافت، برای او شعر گفت، پس شعر او شعر زمانست، او که از طبیعت الهام میگردد، برخوردار از یک جهانی کامل بوده و بیشتر از اشعار یفگیینی یفشکو، میخائیل ز فیلوف،

ز فیلوف، یونامورتیس، جوزف اوتکین وایلینا ایرنیورگ خوشش می آید. وی طرفدار آست که ادراک و احساسات انسان میشود از طریق موسیقی و شعر خوب بسایرین انتقال یابد. او با این نظریه جوامعی را که آنجا که طبقات وجود دارد تلویز نیز بصراحت چشم میخورد. او که مرد مریض و شوخی

بموجب تحقیقات گسترده یی بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد

دانشمندی افندی که در یکی از یادداشت هایش متذکر گردیده بود: یکی از صد هادردی که به جان بعضاً لانه میکند وجه درد جانگاهی است این درد از نزدیکی و عطر ناخوشا یند سماری ها ناشی میشود البته در اثر نزدیکی



سماری شفا بخش

بموجب تحقیقات گسترده یی، بیش از هشتاد هزار نوع سماری وجود دارد.

اینکه سماری چگونه خوراکی است وجه مفاد و مضاری در خود نهفته دارد در زمینه، یکی از آنالیکه بخوردن سماری میل فراوان دارد با ارتباط بموضوع فوق یکی از جمع کننده های سماری ها، خاطراتش را چنین خلاصه میکند: هنگامیکه تعطیلات تابستانی ام را باید سپری میکردم بدو هکده پدری رفتم، شفق

تازه دمیده بود و من با سیدی راهی جنگل شدم تا سماری جمع کرده باشم، تاجنگل دو کیلو متر راه بود، راهی را که من پیش گرفته بودم، راه یک مزرعه بود که به یک باغلاق کوچک منتهی میگشت و اما در سمت دیگر، گویسی کلبه و سبزه های گوناگون فرش شده بودند که استقامت آن فرحت انگیز بود در حین جمع آوری سماری در حالیکه بشکلا رنیز می اندیشیدم بیاد گرفته های سماری شفا بخش



فضا نوردان در لباس فضا نوری شان دیده میشوند

تر جمه از احمد شاه

ریکار دبو دو باش در فضای کیهانی

همه چیز ها ما نند همیشه بود مانند چند ین پرواز های کیهانی گذر شده و در ضمن همه چیز ها غیر عادی بود . هنوز دو کیهان - نورد اتحاد شوروی و لا - دیمیر لیا خوف ووالری ریو میهن در زمین بود ند اطلاع یافتند که به یک سفر دور و دراز به فضای کیهانی میروند . قبل از این ها ریکاردو مدامت پر واز در فضای کیهانی یکصد و چهل شبانه روز بود . در شام بیست و پنج فبروری سال جاری سفینه فضا ی (سیوز - سیودو) با دو کیهان نوردان لیاخوف وریو مین به مدار پر آمد . هنوز قبل از عزیمت به فضای کیهانی این نکته تثبیت گردیده بود که در استیشن تحقیقاتی (سلاوت شمش) یعنی در جاییکه دو کیهان نورد نیز به تحقیقات ادامه می دادند یکعده نقایص جدی موجود است . سر نوشت کار های تحقیقاتی دو - کیهان نورد واستیشن «سلاوت شمش» مربوط به مو فقیئت کیهان - نوردان متذکره در قسمت اصلاح نقایص استیشن مذکور بود . این دو کیهان نورد باید یکی از مخزن های مخرو قا تی دستگاه مو تور استیشن را متوقف می ساختند و آنرا از مایعات مضره تصفیه می ساختند .

لیا خوف وریو مین این وظیفه را به بنسبار مو فقا نه به پایان رسانیدند . هفته اول ماندپر واز های سابق کیهان نوردان روز های سخت را سپری کردند زیر ازود تر خسته میشدند و احساس درد های شدید میکردند ضرور بود تا تحمل کنند اما در پهلوی مشکلات کار ها بطور عجیبی پیش می رفت . دا کتران در دستگاه رهبری زمین از این نکته به تعجب شدند و وقتیکه در روز سوم پر واز لیا خوف وریو - مین پیشنهاد کردند تا در تقسیم اوقات روز مره آنها ورزشی گنجانیده شود قبل از اینها این نوع پیشنهادات بعد از روز پنجم به دستگاه رهبری مخا بره می شد . ماه اول پرواز را در ترمیم استیشن سپری کردند . کیهان - نوردان سیستم انتر ژیک استیشن آلات را غرض از قباط را دیو بی و تلویزیونی ، لباس کیهانی را غرض کار در خارج در استیشن تجدید کردند حتی شش ها و را نیز سر از نو ساختند . قبل از پرواز لیا خوف وریو مین استیشن (سلاوت شمش) یکنیم سال به کار خود ادامه داده بود ، شش دسته کیهان نوردان به آنجا سفر کرده بودند . بعد از پرواز لیاخوف وریو -

یومین استیشن «سلاوت شمش» در طول شش ماه سه سفینه با ربر ویک سفینه بیدون پیلوت (سیوز - سیوچهار) رانیز پذیرفت از پیان و بادرنگ که در سفینه کاشته بودند استفاده میکردند اگر چه در سفینه همه چیز ها خوبتر نمی روئید مگر باز هم در وقت صرف طعام تا انداز از آن استفا ده میکردند . لیا خوف وریو - مین با دستگاه رهبری در زمین رابطه ثابت داشتند و از سفینه اطلاعات تلویزیونی ارا نه میکردند . در اواخر ماه دوم سفر اطلاعات تاز - یو نی در زمین در تلویزیون ظاهر شد . درین دو ماه اطلاعات تلویزیونی تنها به یک جهت یعنی از حاشیه (عرشه) سفینه فضایی به زمین داده میشد و ارتباط تلویزیونی دو طرفه نظیر به یک سلسله علل تخنیکی برقرار نکرده بودند . از جانب دیگر این نکته برای آنها نیز مهم بود که نه تنها با اقارب خود ارتباط مخا بروی بگیرند بلکه باید آنها را ببینند . درین مدت دستگاه رهبری زمین توانست که یک سلسله اطلاعات را به شکل گرافیکی واشکال به آنها برساند این کار از اصراف وقت جلوگیری نمود و از طرف دیگر ارتباط مذکور را بین زمین و فضا آسانتر ساخت . هنوز یکنیم ماه را در فضا سپری نکرده بودند که به استقبال همپانان باید آمده میشدند . سفینه فضایی سیوز سیو سه به رهبری فضا نورد اتحاد شوروی نیکلای رو کوف - یشتیکوف و فضا نورد بلغاریا یی کیور کیا ایوا نو ف نزد آنها فرستاده شد . متاسفانه در فضا همیشه تمام کار ها مو فقا نه صورت نمی گیرند زیرا نظر به عللی سیوز سیو سه نتوانست به سلاوت شمش ملحق شود و دو باره بر زمین برگشت در نتیجه یکتعداد تجارب را که سیوز سیو سه باید انجام میدادید و شلیا خوف وریو مین اقتصاد تعداد تجارب به حدی رسید که حتی محاسبه آنها مشکل است . این دو کیهان نورد در طول مدت اقامت خود در سفینه بطور منظم از زمین عکس برداری میکردند زیرا امروز بدون نقشه برداری کیهانی جیو لو جست ها ، کار گران زراعت ، طراحان ساختما نهایی بز رگت های دو تخنیکی کار های خود را بطور مو فقا نه پیش برده نمیتوانند نقشه های که برای آنها ترتیب می شود چند سال بعد مجددا نقشه برداری میشود . در طول مدت اقامت خود کیهان نوردان به مایعی گران ، کشتی را نان کمک های صه جا نه میکردند و اطلاعات بسیار ارزنده را به آنها میدادند . برای تحقیقات اتمو سفیر زمین و عکس - برداری ذخایر طبیعی زمین کیهان - نوردان از کمره عکاسی استفاده می کردند که قبلا در استیشن سلاوت شمش موجود بود و تو سط علمای بلغار یا طرح ریزی شده بود . لیاخوف وریو مین در ین پرواز در عرض استیشن برای اولین مرتبه در جهان رادیو تلسکوپ را نصب کردند که بقیه در صفحه ۴۶



فضا نوردان در حال صرف میوه جات دیده می شوند

اوقیانوس اطلس وساحات انگلیند جدید
مشاهده شده به سرعت سی میل فی ساعت
سرعت داشته خسارات ناشی از وقوع چنین
حوادث ناگوار که در بعضی قسمت های از
چپان گذارش یافته شکل انسانی را بخود
اختیار نموده است چنانچه طوفان که در سال

۱۹۰۰ در ایالات متحده امریکا بوقوع پیوست
منجر به نابودی شش هزار نفر گردیده است .

طوفان سالهای ۱۹۵۵ تنها در شهر نیویارک
ایالات متحده منجر به قتل دوهزار نفر گردیده
و اضافه از هفتصد میلیون دلار خساره مالی در
بیکر اقتصاد ملی آن کشور وارد نمود اما
طوفانیکه در سال ۱۹۷۲ در آن کشور بوقوع
پیوست در مدت دوازده ساعت ۱۱۷ نفر را
به قتل رسانیده و در حدود سه بلیون دلار
خساره مالی وارد نمود .

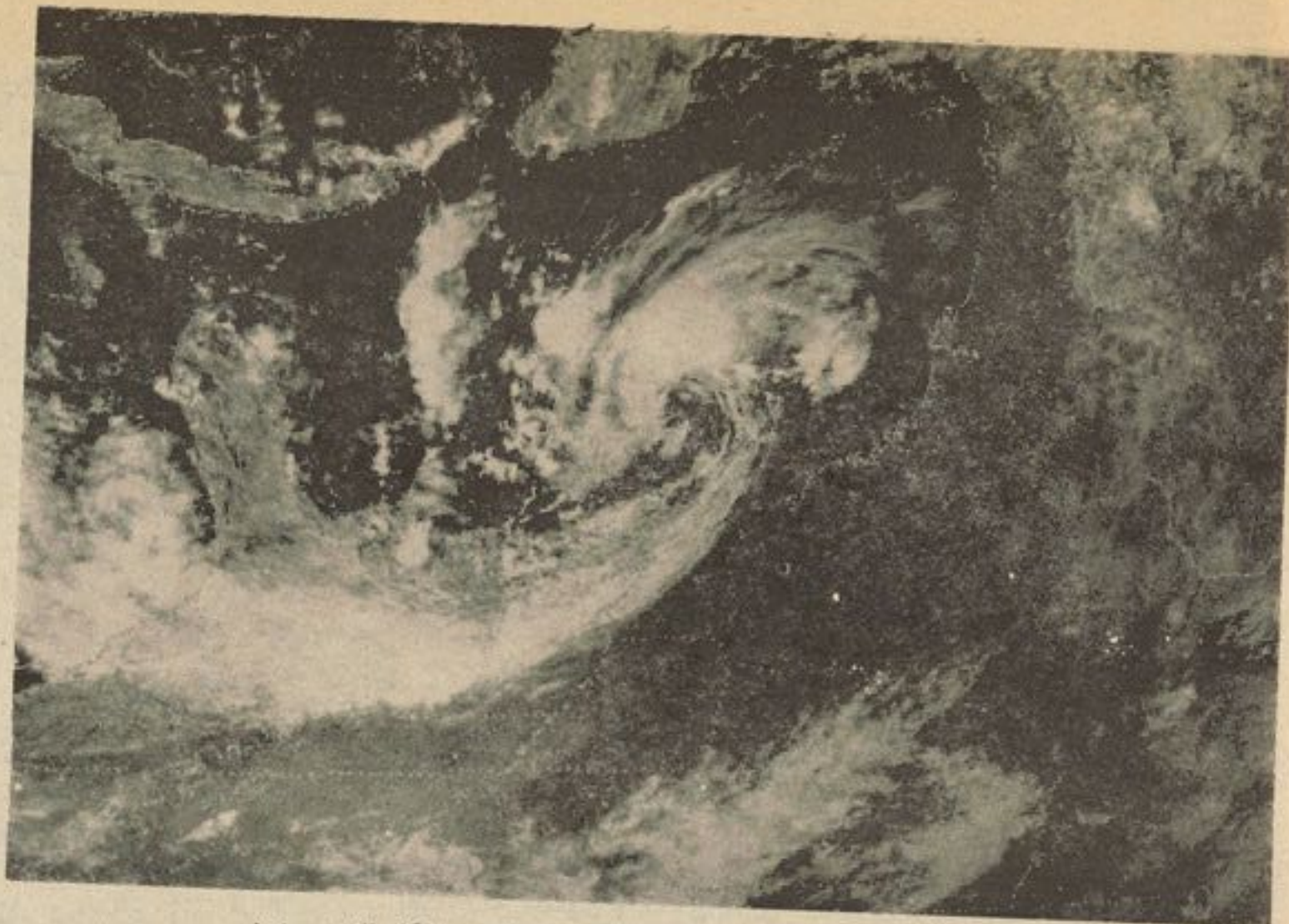
حوادث سال ۱۳۵۷ در کشور افغانستان
که بارندگی های شدید را در قبال داشت در
اکثر ولایات ضربات کوبنده و مدھشی را به
دببال داشت که کمتر نظیر آن را می توان
در چندین دهه های گذشته جستجو نمود

درین سیلاب در حدود ۱۲۰ نفر یکماری
کشیده شد و در حدود ۷۱۲۵ فامیل به مشکل
بی سر پناهی و آواره گی مبتلا شدند .

نظریه احصائیه و ارقام که در دست است
گفته میشود که این طوفان مدھشی در حدود
۹۳۰۲۲ جریب زمین را کاملاً از بین برد و
خسارات مالی و جانی نیز با آن همراه بوده
که در حدود (۱۷۳۳۴۷۶۲۲۵) افغانی مجموعاً
خسارات آن را میتوان ارزیابی نمود .

امروز دانش بشری به چنان مقام رسیده
است که بخوبی وبه آسانی میتواند وقوع
چنین حوادث ناگوار و تباہ کن را پیش بینی
نموده و آلات و وسایل دقیق تخنیک که قدرت
پیش بینی دقیق حالات اقلیمی را در بدترین
شرایط دارد بواسطه زحمات و تلاش های
خستگی نا پذیر دانشمندان بوجود آمده و
میتواند زندگی مصون تری را برای انسانها
تدارک نماید .

طوفان ها امروز آن چنان عامل کشنده و
خطر ناک که در گذشته شمرده می شد به
بقیه در صفحه ۴۹



چند وند اوقیانوس ها باعث ایجاد طوفان ها و حین حالات در خشک هادیده میشود

ترجمه ج. آمنگر

چگونه مبارزه با حوادث حیات آدمیزاد را مصونیت می بخشد

سرعت طوفان ها که شدت آن زیاد بوده در
حدود ۳۰۰ میل نیز تاکنون اندازه گیری شده
است توأم با این سرعت ممکن است گرد و
غبار و دمه به قطر چندین میل فضا را
پوشاند .
بعضی از طوفان ها که در قسمت های

سایبان اندیشه های عبادت از آنها را در
ذهنیت انسانی آن زمان ایجاد نمود .
اما هر قدر از زندگی آدمیزاد در روی
زمین میگذشت نیرو های مولده رشد و تکامل
می نمود همای رشد و تکامل نیرو های مولد
شعور و افکار آدمیزاد نیز در پروسه رشد
و تکامل ملی طریق نموده تا به تدریج انسانها
توانستند وسایل جهت جلو گیری از ضربات
کوبنده طوفانها ایجاد و مصونیت برای خود
واحضای شان ایجاد نمایند .

امروز دانشمندان و متخصصین اقلیم شناسی
توانسته اند وقوع چنین طوفانها سیلاب ها
و غیره را که امروز به اصطلاحات علمی بنام
سایکلون ها - هریکن و غیره یاد میشود
پیش بینی نموده و از وقوع آن قبلاً اطلاعات
لازم را در اختیار جامعه بشری قرار بدهد
تا به اساس آن بتواند قبلاً در جساهای
مصون بود و پناهی اختیار نمایند و مواضع
و محل را که در آینده مورد حملات و تهدید
طوفانها قرار میگیرد به مردم معرفی نموده تا
از اعمار منازل رها نشی در آنجا خود داری
و اجتناب بعمل آرند .

طوفانها یکی از خطر ناک ترین حوادث
است که خسارات مالی و جانی را به جامعه
بشری بوجود می آورد سرعت طوفان و گردباد
ها که تا کنون اندازه گیری شده در حدود
۷۴ میل فی ساعت و زیاد تر از آن است و هم

از زمانیکه آدمیزاد در روی زمین اساس
زندگی را گذاشتند از همان آوان آنها دچار
مشکلات و تکالیف زیاد بودند و این تکالیف
زیاد تر از ناحیه طوفان ها ، سیلاب های
مدھش و سایر آفات طبیعی و سماوی بود، در
آن زمان که سطح زندگی نازل بوده و همین
محدودیت های محیطی و جغرافیای در تعیین
شعور و افکار اجتماعی نقش مهم داشته زیرا
هر قدر زیر بنای زندگی مادی پهن و وسعت
داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار
داشته باشد به همان اندازه شعور و افکار
اجتماعی نیز همای آن رشد و تکامل می نماید .
روی همین لحاظ بوده که در گذشته ها

با وجود محدودیت های زیر بنای مادی زندگی
افکار آدمیزاد نیز رشد کافی نه نموده و
نمی توانستند علل و موجبات ایجاد و پیدایش
طوفانها گرد بادها ، رعد و برق و غیره را در
یابند بنا برین از وجود آن ترس و هراس
داشتند و برای جلو گیری از آن دست به
تضرع ، توبه و استغفار می زدند تا به این طریق
توانسته باشند نیرو های مدھش و خطر ناک
را که به اساس قانونمندی های درونی
علی پدیده ها وقوع آن جبری و ناگزیر بوده
مطیع و آرام سازند همین نیرو های مادی
و ترس از آنها بوده که بعد ها با گذشت



مأمورین نجات در کمک آسیب دیدگان رسیده اند

در عو ضن اینکه تر جمه آلهما نسی
اشن را تکمیل کند برای دو ساعت
پهلوی میز پکون نشست و قشش را
تلف کرد .

ار کار دی ایوا نو ویچ هیچگاه
شکا یت نمی کرد، این حقیقت است
اما نیکیتا همیشه مواظبت می بود.
ما در شن در وقت نا شتا گفت که
شب هنگام سر های بسیار شد ید
بود و مجرای بیلر آب را یخ زده
بود و قتیکه نیکیتا میخواست بیرون
برود با ید رو پو شن عسکری اش
را بر تن کند اما نیکیتا گفت :

«صا دقا نه می گو یم که بسیار
گر می است.»

«لطفا رو پو شن را بر تن کن.»
این سخن را ما در شن بر زبان
آورد .

«این رو پوش رخسارم را
فشار مید هد و مرا خفک میکند.
مادر ! این رو پوش مرا بر یز شن
گرفتار میسازد .»

مادر به ار کا دی ایوا نو ویچ و
نیکیتا دید و قتیکه گپ می زد آوا-
زشن لر زان بود .

«تو باین حدنا فرمان هستی که
نمی دانم بکه می مانی.»

ار کا دی ایوا نو ویچ گفت :
«بیایه بدرس های خود شروع
کنیم.» دست هایش را طوری می
مالید که گو یی خوشی بزر گتری
از حل مسا یل ریاضی - دکنه کردن
ضرب المثل ها و یا سخنانی که آدم
را بخواب ببرد (خسته کن - مترجم)
وجود ندارد .

نیکیتا در اطاق سفید بزر گت
بیکار که نقشه دو نصف کره در
دیوار شن آویخته بود پهلوی یکت
میز که باداغ های رنگ و تصویرهای
عریان پوش شده بود نشست و
ارکادی ایوا نو ویچ کتاب ریاضی
را کشود .

«تا کجا خوانده ایم؟» با قندی
گفت . بایک پنسل نوک تیز
پرا بلم درسی را نشان داد .

«تاجری چند متر تکه آبی را فی
متر سه رو بل و ۶۴ کو پک و یکت
اندازه تکه سیاه را.» بخوان نیکیتا.
همزمان بان ، طور معمول ، اوراجع
تاجر کتاب ریاضی اش تصور می
کرد . او دریک بالا پوش گرد آلود
دراز در نظر شن می آمد که رنگت
پریده و تر شرو بود - یک مرد
سنگین ، مدور و خا موش ، دو کان

حتی گرد نشن بشو ید . بعد از ین
ار کا دی ایوا نو ویچ از شا نسه
ها پیش گرفته او را بطرف اطاق
نان به ما ر شن برد ، ما در شن که
لبا س خاکی پشمی بر تن داشت
کنار سما وار نشسته بود در حالیکه
روی نیکیتا را در دست ها یشس
گرفته بود با چشمان رو شن و در-
خشان بطرف او دید او را بوسید .
«نیکیتا، آیا خوب خوابیدی؟» بعد او
به ار کا دی ایوا نو ویچ دست دراز
کرد .

«خواب خودت چطور بود ؟ ارکادی
ایوا نو ویچ ؟» او با دلجو یی
پر سید :

«بروت های سر خشن خندیده
پهلوی میز نشست به چا یشن شیر
ریخت ، پار چه قندی را در دست

اهدای به پسر نیکیتا الکسی
ایوویچ تو لستوی با عشق عمیق
موتلف

حو یلی دا خل شود و از حو یلی
تا در یا، جائیکه توده های برف در
کنار نشیب انباشته شده بود یک
سنگ انداز فاصله بود . نیکیتا
از بستر شن بر خاست و با نوک
پنجه هایش در چار گو شه خا نه
که آفتاب آنرا گرم کرده بود حر کت
کرد . در همین هنگام در باز شد و یک
کله با عینک ، ابرو های سرخ و پر-
جسته و ریش سرخ تیز نما یان
گشت . کله چشمک زد و گفت :
«تو دزد کوچک ، از خواب بر-
خاستی»

ار کا دی - ایوا نو و یچ
آدمیکه ریش سرخ داشت معلم
خصوصی نیکیتا بود - ار کا دی
ایوا نو و یچ از شام گذشته در
تجسس بود و صبحگاهان عمدا وقت

الکسی تو لستوی

طفولیت نیکیتا

یک

صبح

آفتابی

مترجم : دکتر خدایداد بشرمل

گرفته میان دندانهای سفید شن
قرار داد و از پشت عینک ها یشن به
طرف نیکیتا چشمک زد .

طور ساده اگر گفته شود ارکادی
ایوا نو ویچ غیر قا بل تحمل بود : او
همیشه سر خوش بود ، پیوسته
چشمک میزد ، هیچگاه چیزی را
روشن نمیگفت بلکه همواره جملات
مر موزی استعمال میکرد و شخص را
به تشو یش میگذاشت طور مثال
وقتیکه مادر بسیار ساده پرسید
که خوابش چطور بود ؟ او جواب
داد : (اگر منظور خواب باشد ، بد
نبود ، خوب خوابیدم) از همین جمله
باید فهمید ه شود اما نیکیتا می
خواست از نا شتا بگر یزد و به
در یا گو شن دهد . دیروز نیکیتا

تراز خواب بر خاست ، ار کار دی
ایوانو ویچ یک آدم خوشیار و زیرک
بود او با طاق نیکیتا در حا-
لیکه خنده معنی داری در چهره اش
نمایان شد و به طرف کلکین رفت ،
به آئینه تنفس کرد و قتیکه یخ
آن آب و آئینه صاف شد عینک
های یشن را مرتب نموده از کلکین
بطرف حو یلی نگاه کرد .

«در آنجا نزد یک در» او گفت :
«یک تخته بر فی مقبوس ایستاده»
نیکیتا چیزی نگفت و تنها کمی تر-
شروی کرد . او مجبور شد لب-
س ببو شد ، دندان های یشن را پاک
کند و رو یشن را با گو شها یشو

زما نیکه نیکیتا بیدار شد آهی
کشید و چشمانش را باز کرد ، از
سطح یخ زده کلکین ، از بالا ستاره
ستاره ها بیکه طور عجیب رنگت
شده و از بین شاخ و برگها بیکه
به نمونه غریبی نقشه شده بود ند
شعاع آفتاب می تابید . در دا خل
اطاق : اشعه خورشید ما نند
برف سفید می درخشید . انعکاس
شعاع آفتاب از دست شو یی بر
دیوار در حال لر زه بنظر می خورد .
با کشودن چشمانش بیدار وی
آمد که شام گذشته (پکون نجار)
برایش گفته بود :

«ما لامن رنگش خوا هم کردو
بالایش آب خوا هم ریخت و قتیکه
صبح از خواب بر خاستی می توانی
نی روی آن بالا شوی و بر وی»

شام گذشته پکون با سا س
خوا هشن جدی نیکیتا یک تخته
برفی برا یشن ساخته بود ، تخته
چنین ساخته شده بود : در حالیکه
پکون در وسط جای ترا شن کردن
پهلوی میز کار نجار در گاراج
ایستاده بود دو تخته و چار پا یه
ترا شید ، کنار های عمده تخته
پائینی طوری اوریب ترا شیده شد
بود که در برف فرو نرود ، پا یه ها
نهایت نازک ساخته شده بود ، در
تخته با لایی دو فرو رفتگی برای
پایه ها وجود داشت تا را ننده خود
را محکم کرده بتوانند . تخته پایینی
با کود گاو رنگ شده و آب بر آن
ریخته می شد و در بیرون در هرای
سرد گذاشته میشد تا آنرا یخ
بز ند ، این عمل سه بار تکرار شد
بر تخته بالایی یک ریسمان نصب
شده بود تا تخته برفی توسط آن
کشش شود و در حال را ندن سمت
حرکت آن در اختیار راننده قرار
گیرد .

تخته برفی با ید حالا آماده و
نزدیک در استاده باشد «پکون
چنین یک آدمی بود ، او می گفت
اگر من چیزی را وعده کنم ، کلام
با اندازه قانون راسخ خواهد بود
و آنرا انجام خواهم داد»

نیکیتا در کنار بسترش نشست
و گوش داد ، خا نه خاموش بود
هیچکس هنوز از خواب بیدار نشده
بود . اگر او لباس های یشن را در
ظرف یکد قیقه می توانست ببو شد
بدون اینکه رو یشن را بشو ید
و دندانهای یشن را بر س کند ، قادر
خوا هد بود از دروازه عقبی به

نگاهی به اوضاع...

بین المللی راه زانو درآورد

ارتجاع عرب وداعیه فلسطین :

امپریالیسم و انحصارات ممالک پیشرفته کاپیتالیستی از دیر زمانی برای غارت منابع

سرشار نفتی ممالک عربی، و برای تسلط و نفوذ اقتصادی و سیاسی خود بالای این ممالک

و نگهداشتن آنها در مدار کاپیتالیستی، دولت تجاوزکار اسرائیل را موظف تطبیق اعمال

خود قرار داده است. ولی در سالهای اخیر در اثر تعمیق و توسعه مبارزه سازمان آزادی-

بخش فلسطین امپریالیسم برای کشتادن ممالک عربی در پروسه ضد فلسطین و ضد حل عادلانه

معضله شرقیانه مساعی زیادی بعمل آوردند. ارتجاع عرب در قلم نخستین رژیم سادات

بعد از مرگ جمال عبدالناصر فقید، علاقمندی خاص برای جلب کمک ها و مساعدت های

نظامی و اقتصادی امپریالیسم از خود نشان داد. و در های اقتصادی خود را بی مهابا بروی

جبهه گران استعماری گشود. ارتجاع عرب باز دارند های که با امپریالیسم داشتند به

نحو از آنها از مساعی برای حل عادلانه داعیه فلسطین و ویرایم های منطقه شرقیانه سرباز

زدند. و در صدر همه آنها رژیم سادات قرار گرفت. ارتجاع عرب با مبارزات آزادی خواهی

و روحیه انقلابی سازمان آزادی فلسطین کینه می ورزند. و اغلب از کمک های مالی با آنها

ایمانی ورزند. ارتجاع مصر در مقابل اشاعه این شعار اسرائیل که «اسرائیل بزرگ از یوفرات-

الی نیل» هم عکس العمل از خود نشان ندادند. این شعار را سادات شخصا هنگام مذاکرات

ماه نومبر سال (۱۹۷۷) خود نیز تماشاً نموده بود. بعد از این تاریخ رژیم سادات همواره

تقاضای کمک های نظامی و اقتصادی اسارت بار را از ممالک غربی و امپریالیستی می نماید.

چنانچه قرا نوشته مجله «افریقا و آسیای امروز» رژیم سادات از ممالک غربی بیست

میلیارد دالر قرضه را تقاضا نموده است. جاکر متشی رژیم سادات در استان

امپریالیسم و صهیونیسم اسرائیل بحدی ارتقا نموده است که رژیم وی وظیفه پاسبانی

منافع امپریالیسم رادر منطقه شرقیانه و حتی قاره افریقا بعهده گرفته است هم اکنون قوای

مصری در بیش از ده کشور افریقایی مداخله نظامی می نمایند. رژیم سادات همچنان برای

تشویق ممالک دیگر عربی در سازش های جداگانه با اسرائیل نیز مبادرت می ورزد.

در اثر تعقیب پالیسی درهای باز مصر میزان انفلاسیون درین کشور پانزده فیصد

افزایش نموده است. وضع سیاسی درین کشور آشفته بوده و بحران اقتصادی شدید ی دامنگیر جا معه

مصری باشد. بموجامیر فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد. همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیسم

در نهمین مجمع عمومی موسسه ملل متحد که در بیست و دوم نومبر سال (۱۹۷۴)

صورت گرفت. احترام به حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین بدست خود شان و از آزادی

ملی خلق عرب فلسطین دفاع بعمل آمد. فیصله نامه ای مجمع پیرامون داعیه فلسطین

بزرگتری موفقیت بین المللی سازمان رهایی بخش فلسطین بشمار می رود.

بعد از این تاریخ پرستیژ بین المللی سازمان آزادی فلسطین (پ، ل، او) بطور روزافزونی به سطح عالی روبه فزونی نهاد.

همچنان یک کمیته بررسی تامین حقوق مسلم خلق فلسطین در چوکات موسسه ملل متحد

تاسیس گردید. سهم گیری نمایندگان موسسه آزادی فلسطین در فعالیت های موسسه ملل متحد

وارگان های آن اکنون به معیار قبول و پشتیبانی خلق های سراسر جهان ارتقا نموده

است. نمایندگی های این سازمان در بیش از صد کشور جهان تاسیس گردیده است.

ستراتژی صهیونیسم اسرائیل ادامه اشغال مناطق عربی، لبنان، سوریه و حتی تمام

شبه جزیره عرب رادر بر دارد. چنانچه اسرائیل هم اکنون برای تحقق این مقاصد

شوم خود، اوضاع رادر جنوب لبنان فوق العاده وخیم ساخته است. و این کشور را به کمک

ارتجاع سیاه لبنان و تجزیه طلبان این کشور به کانون جنگ و تیرد قوای متخاصم بدل

نموده است. قوای بحری هوایی و زمینی اسرائیل که با انواع سلاح مدرن و عصری

مجهز می باشد همواره به کمپ های مهاجرین فلسطین و قصبان جنوب لبنان کلوله باری می نمایند

صهیونیسم اسرائیل همچنان خیال واهی نابودی، نهضت مقاومت فلسطین را که

نیرومندترین قدرت ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه شرقیانه بشمار

می شود نیز در سر دارد. درین مورد بیگن اظهار نموده است «که در اسرائیل، جنبش

مقاومت فلسطین را در همه جا، در زمین، در هوا، ویا اقیانوس ازین می برد» این گفته

بیگن می تواند برای امپریالیسم و ارتجاع بین المللی امیدی بیاورند. ولی در واقع

این گفته شکست و نابودی ارتجاع حا که اسرائیل را باز گو می کند. ایجاد حکومت

اسرائیل به ارتباط اسناد تاریخی جز از نقشه شوم امپریالیسم و استعمار چیزی دیگری

نیست. رژیم جنایتکار اسرائیل اگرچه ظاهرا با در دست داشتن آبار خانه های سلاح فراوانی که

امپریالیسم و استعمار سخاوتمندانه آنرا در اختیار آنها قرار داده است قدرتمند به نظر می رسد. ولی در حقیقت پایه های عینی این

رژیم بحد کافی بی ثبات و لرزان می باشد. امواج نیرومند مبارزات سرسختانه خلق

های انقلابی فلسطین سر انجام پیروز خواهد شد. همانطوری که ویتنام قهرمان امپریالیسم

مرتب نمود.

«ام - ام» تمام حیوانات روی زمین مطیع و ساعی اند..... چرا

خنده می کنی؟ نوشتی...؟ ضمنا حالا تفریح کو تا می خوا میسم

داشت. ارکادی ایوا نوویچ در حالیکه لبهایش را روی هم فشار

می داد، انگشت وسطی دستش را که ما نند پتسل معلوم می شد

بحرکت داده و از اطاق در سسی خارج شد، در را هرو با ما می

صحبت کرد: «الکساندرا ایوا نیتفنا، آیا نامه داریم؟»

نیکیتا حدس زد که او - از که انتظار نامه را داشت - اما فرصت

زیاد نبود - نیکیتا یک جا کت کوتا پو ست گو سفندی را بر تن

کرد، بوت های نمادی و کلاهش را پوشید، وروپوش را پشت

الماری انداخت تا از نظر پنهان شود و بطرف دالان دوید ..

توده برف .. حویلی پهناور از برف نرم و سفید و براق پوشیده بود و جای

پای های عمیق آبی رنگ انسان ها ورد پله های متعدد سک ها در آن

هشامده می شد - هوا تند و بسیار سرد بود. بینی اش را غفلت می داد

در خسارش را مانند سوزن نیش می زد - گاراج، چتری ها و طوپله

و کلاه های سفید سنگینی پوشیده بودند و به زمین نزدیک معلوم می

شدند که گواهی از میان برف روئیده اند - رد پا ها نیکه

از راندن قایق های برقی ما نده بود مانند دو تریشه شیشه بامتداد

تمام حیاط بنظر می رسید - نیکیتا از دالان از راه زینه ها نیکه

آواز می کردند پائین شد - درپائین یک تخته برقی کاملاً نو از چوب

کاج ایستاده بود و یک حلقه ریسمانی که از الیاف نپا تی ساخته

شده هم بالای ایش قرار داشت. نیکیتا بطرف آن دید، محکم ساخته

شده بود، آن را امتحان کرد تا با سانی فلغزد - تخته برقی را بالای

شانه انداخت، بیل را هم که فکر می کرد بدرش می خورد با

خود گرفت و بتمام طول باغ تا نزدیک بند دوید. در آنجا درختان

بزرگ بید ایستاده بودند همه شبم یخ زده پوشیده شده بودند و ساخته های شان طوری معلوم

شد که از برف ساخته شده باشد. ناتمام

مانند یک معازه تاریک بود، بالای یک اطاق هموار غبار آلود دو پا رچه تکه گذاشته شده بود - تاجر دستش رادر راز کرده، تکه هارا از اطاق برداشت و با نگاه آرام بطرف نیکیتا دید.

خوب نیکیتا، چرا اینقدر فکر میکنی؟ ارکادی ایوا نوویچ پرسید:

بصورت مجموع تاجر ۱۸ متر تکه فروخت. چند متر تکه آبی و چند

متر تکه سیاه فروخته خوا هد بود؟ نیکیتا عصبانی شد، تا جگر

ساکت و دو پا رچه تکه در دیوار ناپدید و در گرد و غبار بالای هم

انباشته شد... ارکادی ایوانوویچ گفت - ای - ای - ای. و به توضیح

پرداخت، اعدادی را با پتسل به سرعت نوشت ضرب و تقسیم کرد

و با خود تکرار میکرد، «ده بریک»، «ده برده» - به نیکیتا چنین معلوم

می شد که در جریان ضربه ایمن «ده بریک»، یا (ده برده) از کاغذ

به کله او و مغزش را تکان داد طوریکه دیگر فرا مو شش

نخوا هد کرد و یک احساس بسیار ناخوش آیندی بوجود آورده. آفتاب

بیکه برده کلکین در سخا نه که توسط یخ با هم وصل شده بودند می

تابید - همیشه او را صدا می زد: «بیا بدریا»، بالا خزه درس ریاضی

به پایان رسید و املا شروع شد. ارکاد ایوانوویچ بامتداد دیوار

بالا و پائین قدم می زد بایک آواز مخصوص خواب آلود، آوازی که

همچسب برای سخن زدن بکار نمی بردند املا گفتن پرداخت -

تمام حیوانات روی زمین دایم در مشقت هستند و کار می کنند -

شاگرد مطیع و ساعی بسود... نیکیتا در حالیکه نوک زبانش را

بیرون آورده بود به نوشتن آغاز کرد، قلم بر روی کاغذ کش شد

و ترشح کرد. ناگهان آواز بستن دروازه بلند

شد و او صدای تماس بوت ها را با یخ می توانست از راهرو بشنود -

ارکاد ایوانو و یچ کتایش را پائین آورد کرد و گوش داد، آوازش می

می از نزدیکی هاشنیده می شد... - پوسته را آوردی؟

نیکیتا سرش را بطرف کتاب تمرینش فرو برد، و خند اش

را خفه می ساخت. او به آواز یکنواخت تکرار می کرد. «ساعی

و مطیع» «مساعی را نوشته ام». ارکادی ایوانوویچ عینکها یش را

از زمانیکه بساط ترور و اختناق را اعمال امپریالیزم در کشور ما گسترده بودند در چنان لحظات فضای شادی و سرور در همه اطراف و اکناف در شهر ها و دهات افغانستان مگردیده در کلبه های زحمتکش و بیچاره گان آوای (غم) و اندوه - نجوا و بیقراری طنین داشت - در فابریکه ها و کشتزارها کارگران و دهقانان و تمامی زحمتکش و وطنپرستان در هر کجایی که بودند تعجب - تعجب - توهین روانه زندان و اعدام می شدند - استادان مکاتب و پوهنتو نهاد دانشمندان دکتوران و پرفیسوران بابی حرمتی به باس تیل بلچرخ کشانده می شدند خلاصه هر آنکه سر وطنپرستی و تعالی مبین و آزادی انسان داشت در ردیف کسانی قرار میگرفت که بنوبه یکی پی

و برای آخرین بار دست ساطور بدستان در هوا قطع شد و خوشبختانه عده ای از زحمتکش و وطنپرستان از خشم آن دژخیمان نجات یافتند که این آزاد شدگان از جنگال مرگ کسانی بودند که افرایشان فاتحه آنها را خوانده در مرگ شان اشک تومیدی ریخته بودند ، چه در کشتار گاه بلچرخ هر که را میبردند دیگر هیچ امیدی به زنده بودن او نبود سازمان ترور این ستمگران درست همانند باند تروریستی امیر عبدالرحمن (پادشاه ظالم) بود که در آن روز کاران بنام (نام گیرگ) یاد می شد نام گیرگ یاسازمان تروریستی امیر عبدالرحمن چنان رواج داشت که شب هنگام درب بیچاره ای رابه امر امیر میکوبیدند و آنرا به زندان برده به سیاه چاه

کریمداد *

نجات از جنگال

دژ خیمان طاغوت مشرب

دیگر با ساطور جلادان نابود می شدند.

در چنان روزگاران غم آلود که گمانشگان امپریالیزم (باند فاشیستی امین) مذبوحانه تلاش داشتند که انقلاب شکوهمند نور و ازسیر اصولی و اصلی آن به بیراهه بکشند ، یکبار دیگر آن همه غم و اندوه ، آنهمه رنج و محنت ، آنهمه نجوا و فریاد های کودکان ، زنان ، مادران

پدران ، دانشمندان ، مبارزین و تمامی زحمتکش بهم گره خورده و چون گرز کوبنده ای فرق بی مغز سردار ستم راجان پاشان ساخت که امروز خنجره امپریالیزم در مرگش نوحه سرایی دارد *

همانداختند زنده بگور نموده ، تیل داغ ، واسکت بریدن و نشتر زدن چشم ها و غیره ظلم ها و اعمال ضد کرامت انسانی را رواج دادند . امیر حفیظ خان نیز باند تروریستی داشت که مرکز اداره آنرا شخصا بنام (کام) نامگذاری نموده بود و گمانته های امین هم درین باند آن ددغستانی بودند که شبانگاه در حالی نشه چون گرگان درنده در منزل شخصی افراد به درو دیوار بام حویلی و اتاقهای آن حمله نموده بدون کوچکترین احساس مسوولیت بالای آن فامیل قیامتی را برپای کردند آن ددغستان آدم صورت که با تفنگچه و ماشیندار ارباب خود مسلح می بودند منزل مذکوره را تلاشی میکردند و اجناس قیمتی

و با ارزش آن منزل رابه سرقت برده و بالاخره هر که از افراد آن منزل در جنگ ایشان می افتاد اکثر آنها (بچرم) و طنپرستی ، بشکل وحشیانه با دست و چشم بسته بصوب نامعلومی کشانده می شد ندو این همانند سازمان (نام گیرگ) امیر عبدالرحمن بود که هیچ کسی را این جرئت نبود که افلا بپرسد که آن بیچاره رابه کجا می برند ، و گناهی چیست؟

به این صورت با کمال جرئت میتوان این باند فاشیستی راپک باند سیاه وحشی تنگ زمان نامید زیرا چه وحشت و ستمگریایی نبود که از آنها سر نزد به آبرو ، حیثیت و شرافت مردم بازی کردند از کشته ها پشته ها ساختند کشتند ، بستند ، برق دادند ، سوختانند ، ناخن کشیدند ، پنجه دست و پا را قطع کردند و حتی زنده بگور نمودند .

امیر حفیظ الله خان امین مبتکر و حامی باند فاشیستی و تروریستی مخصوص تیپ خودش (فاشیست انقلابی نما) در افغانستان که برای سالیان متدای توانسته بود خود را به لباس مردم جازده سخن پرانی و پروپی نماید برای اولین بار پس از قیام مسلحانه ششم جدی اعمال ضد مردمی و ضد انسانی او بشکل آفتابی افشاء شد . گر چه ازین امیر نابکار و مرد فریبکار و این فیودال خونخوار عناصر روشنفکر و مترقی جامعه مانناخت قبلی هم داشته و هم دارند تنها و تنها چند نفر اعضای فامیل او و وابسته های باند اوشان لفاظی و پروپی این فاشل عزاران و طنپرست را تانید و برایش کف می زدند و بس : چه روشنفکران انقلابی ما آگاهانه و برویت استاد و مدارک میدانستند که امین از نگاه سیاسی هم تربیه یافته دامان ننگین قدرت بزرگ امپریالیزم است و این وفاداریه امپریالیزم از همان دوره تحصیل خویش توانسته بود که موفقانه فعالیت سیاه سیاسی اش را پیش

برد و حتی در مراکز امپریالیزم جهانی توانسته بود که به کرسی ریاست اتحادیه محصلین دربار نماید . و این مستند ریاست به کسانی داده می شد که او عضو سازمان سیاه (سی سی ای) می بود و این بهترین دلیل وابستگی این فاشیست با محافل امپریالیستی میباشد .

در داخل کشور نیز این امیر نابکار دژخیم صفت که با عوام فریبی مختص بخودش زمام امور را بدست گرفت عملا به اثبات رساند که او یک فاشیست و سر دسته تروریستان بوده زدوبندش ربا محافل امپریالیستی ما هرانه حفظ نموده بود . این گفته ها روی سخن نیست بلکه حقایقی است که داغهای قلوب هر هموطن مادفتری

از بس رویدادها میباشد در دوره سیاه همین امیر امین بود که بهترین جوانان و طنپرست در زندانها و مخفیگاهها انباشته شده بشکل وحشیانه

مجازات و به صورت دستجمعی کشتار شدند . شهرها ، قریه ها ، منازل ساختمانها بمباردمان ویران و با خاک و خون کودکان ، جوانان و پیر مردان بی دفاع یکسان شد و اجساد بهترین و طنپرستان بی گور و بی نشان در گودالها و خند قبا پرتاب شد . و امروز هیچ کسی نیست که در نابودی این باند جنایتکار خوش نمده باشد چرا که هیچ فامیلی سراغ نمیشود که به نحوی از آنحاء داغی از ظلم و ستم این باند رانیده باشند .

آنطوریکه امیر حفیظ الله امین بطور کل قهرمان ترور و آدمکشی ، دزدی و ویرانگری بود . بهمان ترتیب والا حضرت سردار اسد الله امین نیز قومانده باند تروریستان مشخص رابه عهده داشت که مردم ستمکش اعم از دهقانان ، کارگران مزدوران ، جوانی ها ، کراچی رانها ، کپنه فروشان دختران ، پسران ، اطفال و بزرگسالان ، ملاها ، روحانیون محصلین و معلمین را مورد تعقیب تحقیق توهین ، اذیت ، شکنجه و انواع ستم قرار داده و بالاخره پس از مدتی در حالیکه مست می بودند در صحن زندان و یاد ر پو لیگون آنها ربا تفنگچه و ماشیندار خود بقتل میرساندند .

رو به پرفته والا حضرت عبدالله امین که در طول عمرش بسوی علم و معرفت ، اخلاق و شرافت یک نگاه هم نکرده و چون (امیر بزرگ) عقده بی دانشی داشت با چنین بی حیثیتی به امر همان برادر مهربان و بزرگوارش والی والیان سمت شمال مقرر شد این بی فهم و جاهل فکر میکرد که حکمروایی یعنی آدمکشی ، چورو چاول ، کشتار های دستجمعی و شهر سوژی میباشد بهمین اساس ستم عبدالله امین بدل هر یک از هموطنان ما بخصوص در سمت شمال چون لاله های صحراداغی گذاشته فراموش نشدنی چه این مرد نابکار بهترین جوانان و نو جوانان را کشته خانه های ایشان را حریق نموده کودکان معصوم و خانم و مادر و پدر شان را در زندان می کشیدند ، شهر ها و قریه ها را یکجا با انسانها ، حیوانات اهلی اشجار و غله چات آن با پرتاب بم ها و اعمال تروریستی خود حریق و نابود میکردند .

در آن فضای اختناق و ترور که هر وطنپرست را روانه زندان می نمودند و گاهگاهی که در زندان جایی برای زندانی نمی بود بدستور شخص والا حضرت عبدالله امین دستهای زندانی ها را بسته نموده آنها رابه دریای امو به دریای کوچکه پرتاب میکردند . بهمین ترتیب هر عضوای ستم

باند سیاه به نوبه خود بالای مردم ظلم و ستم نموده بیرحمانه کشتار کردند این یک واقعیت انکار ناپذیر است که هر فردی از افراد افغانستان در شمال و جنوب در شرق و غرب به نحوی از آنحاء مورد ضرب و آزار باند ترور و ارباب ستم قرار گرفته بودند . خوشبختانه که آن باند جنایتکار به سر نوشتی که باید مبتلا می شدند و خواست مردم مایود دچار شدند .

افتخار به مردم و طنپرست و مبارزین انقلابی افغانستان که دشمنان بشریت و وطن خود را از مسیر انقلابی شان چون پرگاهی نابود ساختند .

! من اجله اعطى باب له



بر گردا ننده نصیر ابو ی

از منا بع خار جی

جراحی روانی شیوه خطرناک باباز تاب امیدوار کننده!

مندی انسان به فرد مقا بلش نیز
افزایش می یابد. در عین حال
انسان امروزی محکوم به سرخوردگی
دکمی و تصادمات روزمره عا طفی اند،
زیرا در طول دوره زندگی نیازمندی
عاطفی افراد غیر از ضا کننده است.
پس چنین حالت یعنی کثرت نیاز-
مندی های زیاد و روان پر سشی ها و
اضطرابات و انواع واقسام آن اس-
می برای اختلالات روانی پلا-
ریزی می کنند.

دا کتر کوردل معتقد است مغز
یک انسان امروزی مجبور است آنقدر

مغز انسان که از ده میلیارد سلول سا خته شده بز رگتر ین معما ی
آفر ینش است.

با جرا حی مغز میتوان جنا یتکاران و معتا دان را معا لجه کرد.

با این شیوه جلو گیری از خسو نت های جنسی امکان پذ یر است.

هم اکنون با جرا حی روا نی هوش، حافظه و استعداد های گونا گون
افراد رادستگاری میکنند.

سرعت و شتاب زندگی مدرن، واضطرابات های درونی و دهها عامل
تحول سریع جامعه بشری که دیگر مغز، انسان امروزی را در
باعث میشود هر روز فشار بیشتری
بر مغز وارد آید بر خورد های
نا مطلوب و نا راحت کننده، دلهره
فور مول پیچیده در هم می تند نیاز-

مطالعات را در خود جفا
از آن استفا ده بکند که برای همه
افراد یک نسل قبل دشوار رمی
نمود. سنگینی در مغز و حافظه یکی
از زیاد تا حتی های عصر ما
است و در سرا سر جهان ملیونها
نفر از سنگینی بارفکری و خستگی
های روحی و دماغی رنج میبرند
آنچنان که در بالا گفته آمد خطر-
اتی که در کمین مغز انسان خوا بیده
اند سخت نگران کننده اند. بنس-
مغز انسان برای اینکه خود را با
شرایط نو تطبیق دهد تحت فشار
قرار میگیرد و از طرف دیگر شیوه
های نو جراحی روا نی نیز ممکنست
بهتر ین یا بدترین شیوه با شد. بهر
حال نگران کننده اند.

مغز انسان به ما نند یک خا-
برقی است با ده میلیارد سلول که
مهم ترین عضو بدن است پروفیسور
سرجان الیکلز دانشمند آسترلیایی
و برنده جایزه نوبل می گو ید:
اگر قشر خارجی مغز گسترده شود
صفحه ی بدست می آید با طول

پنجاه سانتی متر، سه ملی متر
ضخامت سلول عصبی نشینگاه
همه تجربیات در سرا سر طول
زندگی هستند با احساسات عوا-
طف، ادراکات خاطرات و عکس العمل
های ما، اندیشه های ما همه و همه
از همین ده میلیارد سلول سرچشمه
می گیرند در جهان هیچ پدیده

وجود ندارد که پیچیده تر از قشر
خارجی مغز باشد در زبان علمی
این سلول ها را نیو رون گو یند
هر نیو رون میتواند با سلول های
همجوار خود پنجاه هزار را بطه برفی

ایجاد کند مغز مادر هر لحظه هزاران
اطلاعات را به شکل امواج برقی
دریافت می کند. سرچشمه
علامات و سنگنال ها مواد کیمیایی
هسته که در سلول ها مغزی پخش
شده اند اطلاعات در یافت شده
به حسب نوع آنها حافظه ما را
تشکیل میدهند (به تازگی کشف
شده است که حافظه ما ختمان-
لیکولی دارد) بر رسی و مطالعه
مغز بوسیله میکرو الکترون نشان
داده است که در مغز، برای کنترل

اعمال ما مراکز بخصوص وجود دارد
مرکزگر سنجی، عاطفی و تشنگی،

یا دهانی میکردند ، نه يك اصل علمی اما بعدا آزمایشات عکس مناسقه را ثابت ساخت.

در دهه پنجاه دو فکتور (عامل) عمده تداوی کیمیا یی واستفا ده از الکترولشاك باعث پیش رفت وسیله فوق گردید زیرا تا ثیرات جانیسی ومخالفت های زیاد حلقه های علمی بیشتر از پیش سده پیشرفت

بقیه در صفحه ۴۶

سر زبانها بنشانده اما به یقین اساس این روش در سال ۱۹۳۵ گذارده شد. در گردهم آیی دانشمندان بین المللی که در هما نسال منعقد گردید. اساسات آن برای نخستین بار توسط داکتر کار لیل ودا کتر جان فو لتن باز گو گردید و یکی بعد دیگری چاقوی جراحی را روی انساج دماغ خوا با نیدند. دراوایل ازین طریق به عنوان يك فنا نتری

بقیه صفحه ۲۱

نگاهی به اوضاع...

در زدوبند واتحاد نامقدس باهم تشریک مساعی می نمایند بحث صورت گرفت. نمایندگان حلقه های سیاسی مترقی اروپای غربی نیز پلان های امپریالیزم رادر قبال داعیه عرب وتامم پرابلم های ناشی از تشنجات بین اعراب واسرائیل. را مورد تگوشش قرار دادند. اهمیت این کنفرانس با حضور یاسر عرفات رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین وبنایه های پرتحرکوی بیشتر گردید.

یاسر عرفات رهبر خلق فلسطین بیرامون مبارزات قهرمانانه آزادی خواهی خلق عرب فلسطین سخنرانی نمود. واهمچنان از کمات و پشتیبانی ییدریغ تمام کشور های جامعه سوسیالیستی و بخصوص از مساعی اتحاد شوروی برای حل عادلانه شرق میانه اظهار خرسندی نمود.

تمام شرکت کنندگان این کنفرانس قاطعانه اعلام نمودند که با ید تمام قسوی اشغالگر اسرائیل بدون قیدو شرطی از مناطق اشغالی که در سال (۱۹۷۶) متصرف نموده است خارج شوند و حقوق طبیعی و مسلم فلسطین را یعنی بر تشکیل نمودن دولت آزاد فلسطین مورد احترام قرار دهد.

در ین کنفرانس به آئنده از کشور های که تا هنوز موسسه آزادی فلسطین را به رسمیت نشناخته اند خاطر نشان گردید تا هر چه زودتر این موسسه را به رسمیت بشناسند. در خلاصه تحلیل وبررسی اوضاع سیاسی در منطقه شرق میانه این نتیجه گیری حاصل خواهد شد که پرابلم های شرق میانه مسئله فلسطین در صورتی میتواند عادلانه حل گردد که همه جوانب ذی علاقه بشمول نماینده سازمان رهایی بخش فلسطین به اساس فیصله نامه های موسسه ملل متحد عمل نمایند. زدوبند ها و معاهدات که در خفای خلق عرب وبدون اشتراك موسسه آزادی فلسطین صورت گیرد جعلی وسطحی خواهد بود. ودر امر صلح هیچگونه تأثیری مثبت نخواهد نمود.

حل عادلانه مسئله شرق میانه قدم بزرگتری خواهد بود در راه تعمیم دینات وامنیت بین المللی.

به اساس نوشته لوموند چاپ پاریس عرصه زندگی کارگران، دهقانان و غیره طبقات پایین وزحمتکش پیوسته تنگتر می گردد.

سازش های مصر واسرائیل مورد نفرت همه جهان مترقی قرار گرفت. و متجمله پروسه ضد سازش های خائنانه مصر در کنفرانس ماه مارچ بغداد که به اشتراك (۱۸) کشور عربی انعقاد یافت بخوبی تجلی نمود. از مواد برجسته وفیصله نامه این کنفرانس که به اتفاق تمام اعضای شرکت کننده به استثنای سوماتی وعمان بتصویب رسید مواد آتی را می توان ذکر نمود.

۱- وضع تغذیرات اقتصادی با حکومت موجوده مصر.

۲- قطع روابط دیپلماتیک با حکومت مصر.

۳- اخراج مصر از عضویت کانگرس جهانی اسلامی.

۴- اخراج مصر از تمام سازمان ها واتحادیه های منطقه ای عربی.

۵- قطع صدور نفت به مصر.

همچنان در اجلاسیه سوم کانگرس خلقهای عرب که در ماه می ۱۹۷۹ در عدن به اشتراك هفتاد حزب وسازمان های سیاسی ویکصدو چهل و دو اتحادیه کارگری وسازمان های زنان وغیره سازمان های اجتماعی از هفده کشور عربی انعقاد یافت به وضاحت اعلام نمود. که آنها بر ضد سازش های مصر واسرائیل مبارزه خواهد نمود آنها ضرورت تحکیم همکاری خود را باتمام ممالک مترقی وبطور اعم با کلیه کشور های جامعه سوسیالیستی تاکید نمودند.

کنفرانس لزبن وخواست عادلانه فلسطین: در آغاز ماه نومبر سال ۱۹۷۹ در لزبن مرکز پرتگال کنفرانس تساند وهیستگی با خلق فلسطین انعقاد یافت. در ین کنفرانس اعلام گردید که اسرائیل حالت وخشناکی را برای کلیه خلقهای شرق میانه وبخصوص خلق فلسطین ایجاد می نماید. سخن گویان این کنفرانس تاکید نمودند که معاهده نام نهاد کمپ دیوید وسازش های خرابکارانه مصر و اسرائیل حقوق انسانی وملی مردمان عرب فلسطین را زیر پا می نماید. و پالیسی صهیونیستی اسرائیل عمده ترین تهدید کننده صلح ودینات در منطقه شرق میانه وسراسر جهان پنداشته می شود. همچنان در ین کنفرانس بیرامون ستراتیژی های امپریالیزم ارتجاع عرب وار تجاع حاکم اسرائیل که حال

بیمار فرو می کنند. وچند نسبیج را می برند. اما عملا معلوم شد که این بهبود یا فتکان به انسا نهایی تبدیل شد ند گیسج وبسی ارا ده تغییرات روانی آنها چنان شد ید بود که حتی نزد یکان شان به شناخت آنها مو فق نشدند. اما امروز شکل تکان مل یا فته تری از جراحی روانی مغز در آلمان امریکا از آزما یشگاه ها به شفا خانه هاراه یافته است با این شیوه جراحی بعضی از صفات خشنونت آمیز وانحرافات جنسی بیمار را از بین می برند. يك کمیسون جهانی شامل پروفیسوران بین المللی مامور بر رسی درباره این مسند جراحی شد. اعضای این کمیسون صریحا اعلام داشتند

که میتر سبند در مورد اینگو نه جراحی افراد بشود واز ین روش استفاده های غیر انسانی نمایند با این هم رئیس کمیسون دا کتر رایان اعلام داشت: جراحی روانی مغز تا حال به بیماران زیادی کمک کرده بدون اینکه هو شن وفرا ست آنها از بین برود ویا به زندگی عاطفی شان لطمه وارد شود. از سال ۱۹۷۰ به اینسو جراحی روانی بیشتر فت زیادی کرده است اما جراحان بخش مغز سعی می کنند

که برای عمل خود حدود قاطعی تعیین وبرای آن جامعه ی قانونی در بر کنند تا کار به افراط نکشد. ها کسلی متفکر بزرگ پیش بینی کرده بود که اگر این شیوه از آزما یشگاه های علمی به جا معه سرایت کند. جامعه انسانی دچار سقوط خواهد شد.

این بحث ومناقشات علمی، انتقاد وطر قدا ری، طی سالیان دراز ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ کنگره جهانی عصب شناسی ادامه

تحقیق کنترل عادات روانی را تا سال ۱۹۸۴ اعلام کرد ند. یعنی این کنگره در مرحله اول شیوه را تا سال ۱۹۸۴ وفوق آن بوسیله جراحان مغز تضمین نمود. ودست اندر کاران وکارشناسان آزما یشگاه را صلاحیت قا

نون داد ومطابق بق به اجرا آت این کنگره پیا ده ساختن عمل روی بیماران روانی ز کدانیان و اطفال قبول گردید. واین وسیله همانندی که پیشگو یی میشد میر فت تاداغ ترین موضوع علمی روز را بر

مرکز خوشونت، مرکز غرایس جنسی وبالاخره مرکز روانی. درین اواخر مرکز درد ولدت نیز تشخیص شده اند وحتى دانشمندان توانایی آنها دا شته اند تا با وسایل برقی در مرکز اخیر الذکر را به تحریک بیاورند وبطور مصنوعی ایجاد درد ولدت نمایند. مهمترین پدیده مغز ما حافظه است وچنین به نظر میرسد که ضبط خاطرات دیدنی ها وشنیدنی های عمل پیوشیمی است که بکمک برخی از مواد ساخته شده از مغز انجام می پذیرد. تنها شاک میتوانند این دستگاه پیچیده را ازهم بپاشند. شاک های روحی نیز می تواند کار حافظه را دچار اختلال ودگرگونی نماید. «زیگموند فروید» ثابت ساخت که حافظه برخی از خاطرات تحمل نا پسند بر خود را به صورت خودی بدست فراموشی می سپارد وهم ثابت ساخت که ضمیره نا آگاه شخص خاطرات را طرد میکند. امار واحصائیه های یونسکو در مورد افراد یکه از درد گیری های روحی رنج می برند جالب است طی خبر آخر ین اموسسه تعداد کسانی را که در حال حاضر به کار های علمی وفکری مشغول اند نود فیصد وانمود کرده است.

کار شناسان اعلام کرده اند که کشف اسرار مغز انسان البته باعث درمان ومعالجه بسیاری از بیماری هادر سال های دو هزار وفوق آن خواهد بود. اما آنچه مسلم است شاید انسانها بحدافرا طی به جراحی روانی رو ببرند وبا دادن الکترولشاك هاویا دهها وسیله دیگر مغز انسا نها را تغییر دهند. دانشمندان نبا ید به استفا ده های احتمالی از کشفیات خود شان بیندیشند زیرا از هر پیشرفت یا کشف علمی ممکنست روزی به قصد غیر اخلاقی استفاده بشود. اما این وحشت از آینده نبا ید مانع کار مردانشمندان

باشد. جراحی روانی از هنگامی پدید آمد که يك داکتر پرتگالی بنام آگاس لوئیز شیوه معالجه مخصوص را برای بیماران روانی پیشنهاد کرد این شیوه لوبو تو می نام دارد. مطابق این اصل برخی از انساج را که از ناحیه پیشانی (محل تفکر) به سوی مغز می روند قطع می نمایند. ظاهرا عمل ساده هم است. نیشتری را در سر

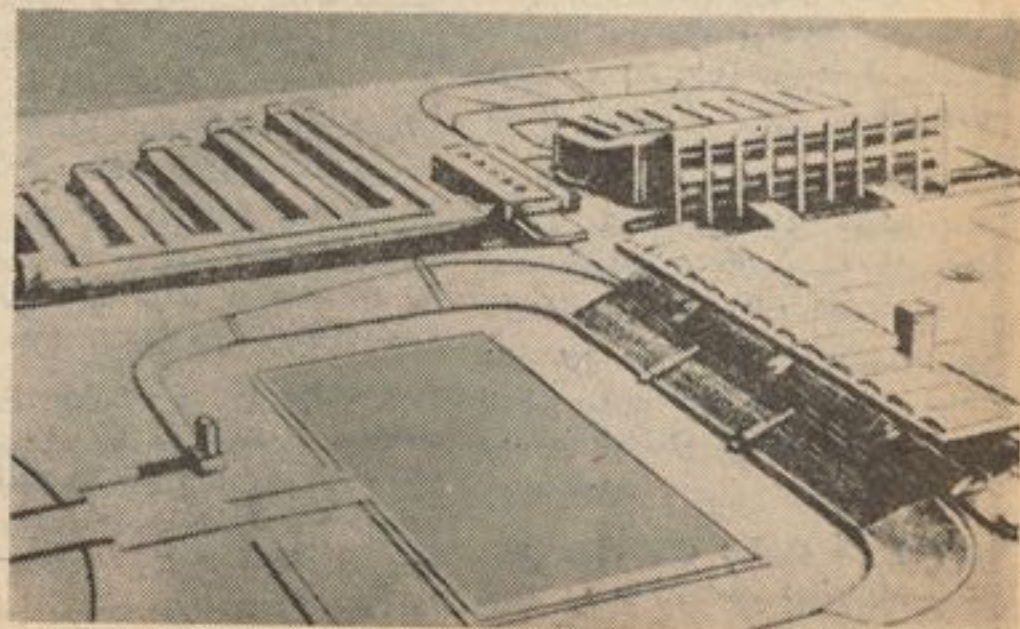
پلان اعمار شهری برای اسب سواران



مشق و تمرین های ورزشی در ستنده یو می که برای المپیا ۱۹۸۰
سا خته شده است .

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی يك ستنده یوم بوده زیرا مردم به
که در آن در سال ۱۹۸۰ مسا بقیه آسا نی میتوانند از هر نقطه شهر
او المپیا جهانی دایر میگردد شهری به آن جا رسیدگی نموده و هم
برای اسب سو ران و مسا بقیه اسب در پهلوی منا ظر طبیعی خو شس
دوا نی در منطقه بیستا که در حد ود آب و هوای قرار دارد . این ستنده یوم
بیست و شش کیلو متری مرکز در حدود چهل و پنج هکتار زمین
قرار دارد در نظر گرفته شده را در بر میگردد .

است .
اما مهند سین در مورد تعیین مو فق شد ند تا توا زن میان عمارت
مو قعیت ستنده یوم مذکور چهار های بلند و زمین های هموار بو جود
تردید و سر درگمی های می باشند آورند . خشت پخته و چوب موا دی
اما عده به این نظر اند که این است که روی سا ختمان ستنده یوم را
منطقه محل منا سب برای اعمار با آن اعمار نموده اند که رنگ نمای

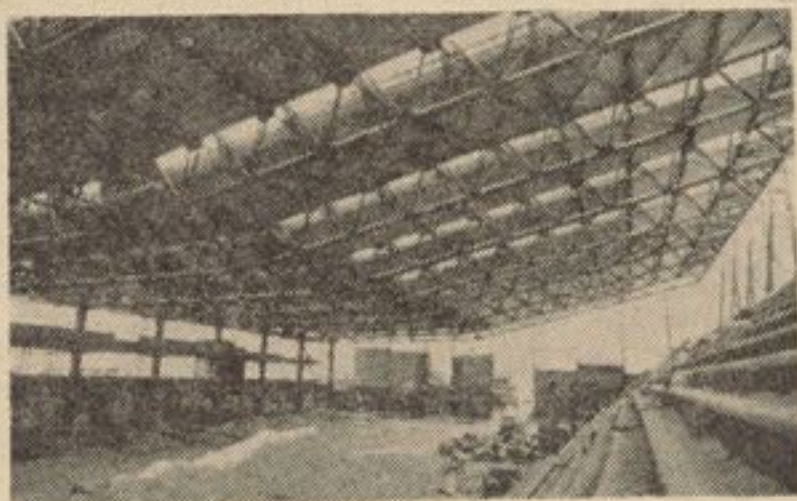


مودل ونمو نه سا ختمان ستنده یوم ورزشی برای اسب سوا ری در منطقه
بیستا .

خار جی ستنده یوم مذکور با رنگ طبیعی طبیعت همگونی را وانمود می
سا زد . عمده ترین قسمت این ستنده یوم را محل جست و خیز و تمرین
تشکیل مید هد در حدود دوازده هزار چوکی در روی زمین سا خته شده
که در سه قطار قرار دا رند هر قطار آن نود تا یکصد و پنجاه متر می
با شند .

قسمت های درو نی ستنده یوم میدان مسابقه در حدود یک هزار و هشتصد متر بطور مدور بوده و بیست
متر فرا خنا دارد که در درون حلقه های دو شس محل برای تمرین
و آما دگی برای مسا بقیه در نظر گرفته شده است .

همچنان در ین جا محل برای تعداد زیاد مردم بدون داخل شدن
در ستنده یوم مذکور میتوانند وجود دارد هر يك از ین طویله ها
از نقاط دور از مرا تع و زمین های گنجا یشس نگهداری چهل اسب
هموار نیز مسا بقیه را تماشا نمایند . را می داشته باشد طویله ها دارای
در ستنده یوم مذکور دو محل مرکز گرمی نور و روشنی کافی و



يك ستنده یوم سقف دار برای مسابقه اسب دوا نی در اتحاد شوروی

برای پوشیدن و تبدیل کا لا وجود دارد یکی از ین محل ها که سر کشاده بوده دا رای یک هزار و پنجصد

چو کی بوده و دیگری آن دا رای دو هزار چو کی است این محل که دارای دو هزار چو کی است سقف آن کا ملا پوشیده است و طوری دیزا ین و طرح ریزی گردیده که اشعه سقف آن در هجده متری طرف دگر تا بیده و قسمت با لا یی را در تبدیل هوای آزاد کمک میکند .

بقیه در صفحه ۵۰

باشتر اک در روز نامه ها و مجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

شرح اشتراک روزنامه ها
و مجلات در خارج کشور:

وجه اشتراک روزنامه حقیقت-
انقلاب نور، انیس، هیواد و کابل-
نیو تایمز در خارج کشور، هوایی
صد دالر و زمینی سی دالر.

برای محصلین، هوایی هفتادوپنج
دالر، زمینی بیست و سه دالر.
وجه اشتراک مجله ژوندون در
خارج کشور هوایی صد دالر، زمینی
سی دالر برای محصلین، هوایی
هفتادوپنج دالر، زمینی بیست و سه
دالر وجه اشتراک مجله کمکیانوانیس
در خارج کشور، هوایی پنجاه دالر،
زمینی بیست و پنج دالر.

وجه اشتراک مجلات پکتیا، کندهار،
ننگرهار، بلخ، کهول، آواز، فرهنگ
خلق، هنر، کتاب، کوشانی و
جرايد یو لډوز، گوراش و سوب
در خارج کشور هوایی پانزده دالر،
زمینی پنج دالر برای محصلین،
هوایی دوازده دالر و زمینی چهار
دالر.

وجه اشتراک مجله آریانا در خارج
کشور، هوایی دوازده دالر، زمینی
پنج دالر برای محصلین، هوایی نه
دالر، زمینی چهار دالر.

مدیریت عمومی توزیع روزنامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسایل
بیشتر و جدی تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخرین
اطلاعات روز و داغ ترین حوادث روز
را بشما برساند و مجلات و جرايد
محبوب خانواده ها را در مو قعش
برای آگاهی و سرگرمی تان تقدیم
کند.

وقت گرانبهاست، از زود ترین
فرصت استفاده نمایید تا کلکسیون
تان از آغاز مرتب باشد. زیرا با ختم
سال جاری میعاد اشتراک پایان
میابد.

مرجع اشتراک:

مدیریت عمومی توزیع روزنامه ها
و مجلات.

در بدل یکصد افغانی و اگر شاگرد
و محصل باشد در بدل هفتادوپنج
افغانی یکسال روزنامه در خدمت
شما است.

کابل نیو تایمز:

اگر روزنامه کابل نیو تایمز
را انتخاب کنید در
هر نقطه کشور که باشید با پرداخت
یکهزار و شصت افغانی و اگر شاگرد
و محصل هستید با ارائه تصدیق و
پرداخت دوصد و پنجاه افغانی-
یکسال شما مشترک ما هستید.

مجلات و جرايد ما نیز حسب زیر
یکسال در خدمت شما خواهد بود:
مجله ژوندون:

سالانه پنجم افغانی برای متعلمین
و محصلین با ارائه تصدیق چهار-
صد افغانی.

کمکیانوانیس:

سالانه یکصد و بیست و پنج افغانی.
مجلات پکتیا، کندهار، ننگرهار،
بلخ، کهول، آواز، فرهنگ خلق،
هنر، کتاب، کوشانی و جرايد
یولدوز، گوراش و سوب در داخل
کشور سالانه شصت افغانی برای
متعلمین و محصلین با ارائه تصدیق
چهل و پنج افغانی.

مجله آریانا بزبان انگلیسی:

سالانه یکصد و شصت
افغانی برای متعلمین و محصلین با
ارائه تصدیق یکصد و سی افغانی.
شما میتوانید در مرکز همه روزه از
اول تا آخر حوت به مدیریت عمومی
توزیع روزنامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتی، انصاری و ات
مراجعه و اشتراک نمایید و یا وجه
اشتراک تا فرا از مرکز و ولایات
بحساب (۶۰۰۱) و ارداد
دولت تحویل و اویز آنرا مستقیماً
عنوانی مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات انصاری و ات
کابل بفرستید.

اطلاعات و کلتور بافرور یختن مرز
تفاوت وجه اشتراک شهر و ده در
خدمت بیشتر علاقمندان روزنامه ها
جرايد و مجلات است.

بخطرات اینکه در سال نو کلیه
روزنامه ها، جرايد و مجلات بتوانند
دروازه های تمام مشترکین را صرف
نظر از شهری و روستایی یکسان
بگویند، مدیریت عمومی توزیع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراک
علاقمندان را در کلیه نقاط کشور
یکسان میپذیرد.

دوستداران روزنامه ها، جرايد
و مجلات:

شما که بر قلل شامخ و بر برف
زندگی میکنید و یا در دشت های
گسترده و وسیع حیات بسر
میدید....

شما که در کابل هستید و یا در
دره های پرخم و پیچ میتوانید با
پرداخت وجه اشتراک یکسان در
جمله مشترکین روزنامه ها، جرايد
و مجلات ما باشید از داغ ترین
رویدادها، خبرها، حوادث آگاهی
بیابید و ساعت ها سرگرم شوید.

روزنامه حقیقت انقلاب نور:

اگر خواهان روزنامه حقیقت
انقلاب نور میباشید در هر جای
کشور که هستید در بدل دو صد
افغانی و اگر شاگرد و یا محصل
باشید با ارائه تصدیق در بدل ۱۵۰
افغانی یکسال بشما روزنامه
میفرستیم.

انیس:

اگر انیس میخواهید در
هر گوشه میهن که باشید با پرداخت
دو صد و بیست افغانی و اگر
شاگرد و محصل هستید با پرداخت
یکصد و پنجاه و پنج افغانی یکسال
روزنامه رسان در منزل شما را
میکوبد.

هیواد:

اگر روزنامه هیواد را
بخواهید در هر کنار وطن که هستید



انجیلا وفا نثار

زن و شناخت مسوولیت هایش در فامیل

مادری به اطفالش رسیدگی و
همنانی مینماید، بهمان کیف و کان
در قسمت تر بیه طفل ویا تهیه غذا

همانطوریکه مردان در مقابل
فامیل و اجتماع خود مسوولیت
های دارند و شناخت مسوولیت های
شان باعث خوشبختی و سعادت آنها
میکردد. زنان نیز درحالی که نسبت
به مردان حقوق مساوی دارند، در
مقابل خانواده و اجتماع مکلفیت
های قابل شناخت دارند که
به شناخت و ایفای وظایف خویش
میتوانند از بسی مشکلات و ناسازگاری
های فامیل بکاهند.

بطور مثال: اگر خانمی با وجود
داشتن مصروفیت رسمی روزانه
در محیط کارش کمتر در امور منزل
سهم و علاقه گرفته و منتظر آن
باشد تا پسر، دختر ویا شوهرش
هفت ساعت در دفتر کار مینماید،
دیگر از همه کارهای منزل معاف
است، واضح است که، وظایف
خود را آنطوریکه لازم است نشناخت
خته، شوهر ویا دیگر اعضای فامیل
بخاطر گذشتی که دارند، شاید
بعضی کارهای محوله او را تا اندازه
انجام دهند ویا شاید نتوانند قسمتی
که لازم است به ترتیب و انسجام
امور منزل سپیم گردد.

زیرا یک مرد نمی تواند، طوریکه

موفق باشد. با وجودیکه مرد
در این قبیل کارها مبادرت ورزد
باز هم نتیجه مطلوب نخواهد گرفت
ودیری نمیکرد که از زندگی خسته
شده و نارضایتی از خود نشان
میدهد.

برای جلوگیری از خلق شدن
چنین روحیه، در صورتیکه مردوزن
هر دو با داشتن هدف واحد و
خلوص نیت در کارهای منزل سهم
بگیرند. ممکنست نتیجه ایمن
اتحاد بسیار عالی و سودمند باشد.
در بادی امر با وجودیکه آنها
خوشبخت شده و بدون مشکلات
زندگی مینمایند، در آیه زندگی
نیز اتحاد نظر عمل و همکاری
متقابل آنها باعث جلوگیری از نارضایتی
ها و مشاجرات گردد. یساره
و هیچگاه ضرورت احساس نمی
شود که برای حل مشکلات فامیلی
شان شخص دیگر از اقارب میانجی
شده و فرو گذاشت هر یک را بر
شمرد و بعدا به آنها بگوید که در آن
قسمت کی ملامت و مقصر است؟

از این چه بهتر خواهد بود، قبل
از آنکه موضوعات خورد وریزه
خانوادگی کسب و خا مت نموده
به درازا بکشد، خانم و شوهرش
بیک نگرش همه جانبه، مساوی
موضوعاتی را که نزد آنها لاینحل و
مغشوش است، بررسی نموده

چه از اثر همین موضوعات پیش
یا افتاده و نا چیز خانوادگی،
کشاکشها بحدی میرسد که
بصورت حتم با یکدیگر از شوهر
جدا شده و اطفال شان که به
تر بیه و غمخوار می باشد ضرورت
دارند بی سرپرست مانده و در
نتیجه هر دو با عالمی از پشیمانی
و مایوسیت حیات پسر پیرند.
به مصداق این گفته با یک نگرش
شش سطحی اوراق دو سیه های
بررسی موضوعات فامیلی نشان می
دهد که در بعضی فامیلها موضوعات
بسیار نا چیز که اصلا با لای
انها حساب نمی شده آنقدر کسب
و خا مت کرده تا سبب از هم پاشی
کا نون گرم فامیل و جدا شدن شوهر
از خانم گردد یساره.

پس بهتر است، آنقدر زود
و مردانیکه به این امر کمتر رقی
میکذارند با شناخت وظایف و مو
قف خود ها جلو تمام این گونه
سو تفاهات و بی اعتنائی هار
گرفته و نگذارند که باین فرو
گذاشت ها، بر علا و خود شان
اطفال آنها نیز پریشان شده و از
محبت و لطف مادرانه و پدرانه
محروم گردند.

عبدالله «محب حیرت»

ترجمه و نگارش

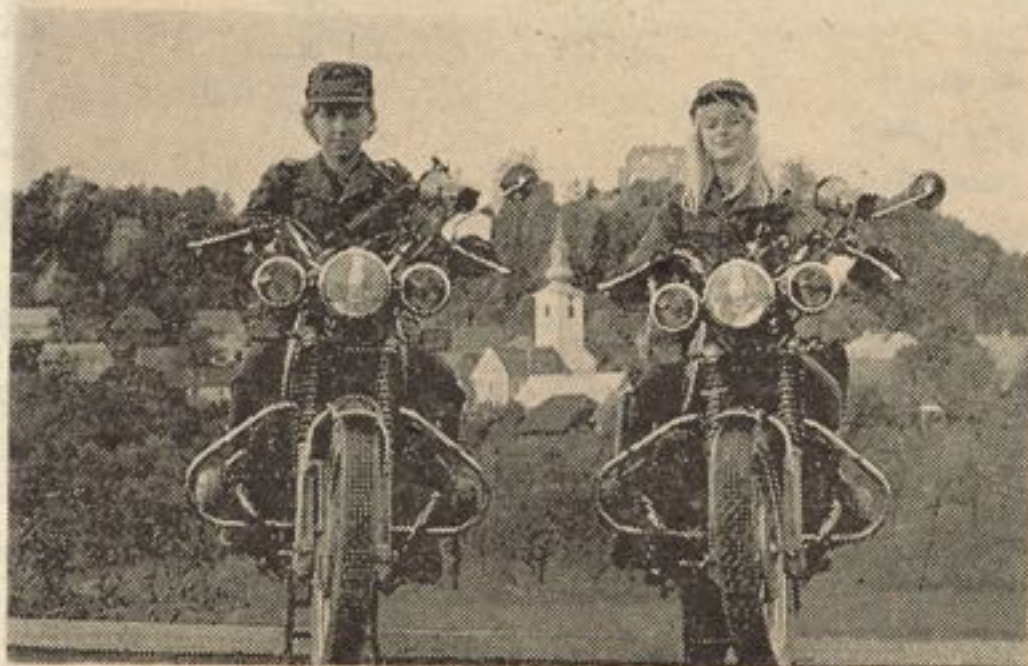
زنان یوگوسلاویا و سهمگیری شان در امور دفاع ملی!

نخست بایست یادآورد شد که جمهوری
فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا بعد از جنگ
عمومی دوم جهانی، بتاریخ ۲۹ ماه
نوامبر ۱۹۴۵ در ردیف کشورهای مستقل
گیتی عرض وجود کرد و در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵
مجموعه وسیع ملل متحد شده و تاریخ سرویکم
جنوری ۱۹۴۶ تاسیس فدراسیون مردم
یوگوسلاویا سروسامان گرفت و بحیث یک
کشور آزاد غیر متسلک تحت زعامت مارشال
جوزف بروز تیتو بسوی پیشرفت های گوناگونی
طور پیگیر گامزن شده و بوقیتهای مطلوبی
نایل آمده است که مظاهر آن در هر گوشه
و کران آن سرزمین بخوبی پیداست.

قبل از توصل به آنچه پیر و زیبا و حصول
آزادی کامل، مبارزات دلیرانه و رهایی بخش
باشندگان حریت طلب این کشور در مقابل

تجاوزات آلمان هتلری و نیروهای تبهکار و
یرحم فاشیزم، صفحات تاریخ از خود گذرایی
ملل آزادیخواه و با شهامت اروپای جنوب
شرقی را پر رنگ و زیب ساخته است.

البته در بهلوی سایر انکشافات آنجا، مساله
تأمین تساوی حقوق زن و مرد هم مورد نظر
بوده است که یکی از آنجمله سهمگیری
زنان در امور نظامی و دفاع ملی میهن شان



دوتن از دختران وطنپرست یوگوسلاویا مربوط به گروه پارتیزانان
هنگام تمرینات به سواری موتورسایکل.



عسکر دوشیزه‌یی از دسته های پارتیزانی بالیاس وساز ویرگ ستر واخنا



دسته از دوشیزگان سر سپرده پارتیزانی که بخاطر آموزش عملی و نظری تعلیمات عسکری در دشت و دهن به تمرین و مشق می پردازند .

گروه بزرگی از دستجات زنان مبارز مربوط به بنالیون و قشون معروف «یوهورجی» طوری تربیت و تنظیم شده بودند که عملیات شان بر روی زمین و شهرت لیکوی نظامی آن قشون میافزود. طی جنگهای این دوره (۱۹۴۰-۱۹۴۱) بیست و هشت هزار زن پارتیزان مقتول و چهل هزار زن جنگجو مجروح شدند. آن عده زنان و دوشیزگانی که جان سلامت بردند، دوهزار تن شان بمقام افسری و آذری رسیدند و نزدیک آنان بهایترین منامب و القصاب نظامی و دارندگان نشان قهرمانان ملی نایل گردیدند.

مارشال تیتو قوماندان عالی جبهه آنزان در انای وقوع یکی از وقایع رزمی و قش گفت: «من بختیار و مقتدرم که قومالده و رهبری چنان قشون سر سپرده را در برابر دشمنان مهاجم بعهده دارم که شمار بزرگ آنرا زنان در بر گرفته است، لذا من گفتم میتوانم که آنان با روحیه شجاعت و قهرمانی خویش درین مجادله بخاطر اجدای دشمن نقش و سهم بیشتر و قابل ملاحظه داشته اند، بنحویکه آنان در مقامهای پیشرو و مقدم قرار دارند، از آنرو این انگیزه افتخار آمیز و آیهخته باغور ملی مردم یوگوسلاویا بر سر مرده میشود که ایشان چنین دخترانی دارند.....»

بعد از پایان جنگ، شمار ثابت و معینی از زنان مبارز ورزمنده، بمقصد انجام خدمات نظامی در قوای مردم یوگوسلاویا، بحیث کارمند و محاسب، نرس و دکور طب، بدون مقید شدن یا ملبس مسردیدن با یونیفرم و مخفی نظامی، وظایف محوله شانرا ادا می دادند. بدین ترتیب در یوگوسلاویا زنان خدمات نظامی را بصورت اجباری در جبهه عهده دار نمیشوند اما زنان مستعد یکه جسم و روحا در مواقع ضرورت برای اجرای وظایف مورد نظر در ساحه دفاع ملی و دفاع از وطن آماده فداکاری و سپهگیری میشوند، یادا و طلب میگردند بشمول طبقه ذکور (مردان) بطور عموم از سنین شانزده تا شصت و پنجساله، اعضای چنین نیرویی را مشکل میسازند و وارد صحنه عملیات رزمی میگردند.

فعلا در قشون یوگوسلاویا، دکتر مریم «روزایا» بحیث یک جنرال زن ورزیده از طبقه نموان مصروف خدمت گذار است که هنگام جنگ دکور پارتیزانان همین خود بود و در قبال ارزیابی و قدردانی از کارگزاریهای متداومش توانست تا در سال ۱۹۷۳ بمقام و رتبه «میر جنرال» نایل شود. وی در عین حال پروفیسور اکادمی طبی نظامی در بلگراد بوده و تاحال بیش از شصت اثر علمی او بر اعتبار و شخصیت علمی اش افزوده است.

همچنان چندین زن و دوشیزه دیگر بصفت کلونل در اکادمی طبی عسکری و سایر انستیتوهای اختصاصی بلگراد و سایر ایالات و شهر های یوگوسلاویا شامل خدمت اند. به تعقیب روشها، سنن و طرز العملهای جنگ پارتیزانی و تداوم معانی رفتار و شیوه های بازمانده نسل کهن و پیشین، کلیه واحد های زنان و گروههای رزمی نسل معاصر نموان بشکل پیشرفته آن در یوگوسلاویا تاسیس گردیده و فعال است. بطور مثال

بقیه در صفحه ۴۹

میباشد که محتوای این بحث، صحنه و صحنه از آن دگرگونیهای مرقی را بصورت نمونه بیانگر میتواند شد.

تاریخ ۲۵ می ۱۹۴۴ دستهای سر بازان آلمان در شهر کوچک «دروار» واقع ایالت یوسنیان (یوسنی) سرانیر شده و بمقصد عملیات دستگیری و از بین بردن بزرگترین سران و رهبران نیروی آزادیخواه یوگوسلاویا دست به اقدامات شدیدی زدند، چنانچه مارشال تیتو را زندانی ساختند. درین وقت گروه های متعدد و بیشماری از پارتیزانان کشور با قوای مهاجم سخت در آویختند، بنحویکه ساحه جنگهای پارتیزانی بهرگز و کنار یوگوسلاویا قدم بقدم گسترش یافت. پارتیزانان با یک عدد تانک کوچک و وسایط محدود دستداشته میکوشیدند تا در قبال مبارزه متداوم و پیگیری بردشمن متجساز ضربات سنگین و مرگباری را وارد آورند، هنگام با عملیات تدافعی پارتیزانان و تهاجم دشمن، سر بازان آلمانی طی یک لحظه کوتاه موفق شدند تا در نقطه درجه پیشروی تانک که محل دید و تشخیص تانکران است، برده را بکشند و سر بازان داخل تانک را از مشاهده و قصد ماحول شان محروم کنند. بدین ترتیب یگان و وسیله نقلیه پارتیزانان در عالم ناپیایی و محیط درمانده حرکت کتان بجلو میرفت تا اینکه بدیوار محکم سنگی یی تصادم کرد و از حرکت بازماند. درین اثنا یکتن زن سر بازان مهاجم آمادگی گرفت تا نارنجکی را که بکنوع آن محترقه و مخرب است از روزنه تانک بداخل آن پرتاب کند و بدین وسیله آنرا با سر تانک پارتیزانی اش از بین ببرد ولی همزمان با چنین رویدادی، یکتن جوان یوگوسلاوی که مترصد و مراقب آن صحنه بود، خردا از میان یک گسروب اسیران و طهرست که بدست سر بازان مهاجم افتاده بودند، برق آسا کشیده و بسست تانک یاد شده پیشرفت و با شجاعت و تهور حیرت آوری بارجه افتاده پیشروی نقطه دید تانک را پس زد و آنرا روی زمین پرتاب کرد ولی درازای این عملیه و طهرستانه، یکسر لطیفش در برخورد با فیر های مسلسل عاشیندار دشمن تکه تکه و سوراخ سوراخ شد و تانک پارتیزانان دو باره عملیات تدافعی و محاروبی خود را از سر گرفت.

بافر فداکاری ییغله «میکابوسنیک» آن دوشیزه شجاع استی در درید قهرمانان ملی کشور یوگوسلاویا اعلام شد و یاد بود و ی دیگر همزمانی بزرگداشتی بعمل آمد. همچنان موصوفه قش هیرویین رادر فلم مستندی بنام «اوپا زدهم بود» موقفانه بازی کرده که بر شهرت قهرمانیش افزوده است.

در انای جنگ آزادیبخش ملی که از سال ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در یوگوسلاویا تحقق پذیرفت، در حدود یکصد هزار زن بحیث پارتیزان علیه مهاجمان سهم گرفتند و از خود عملیات فوق العاده را بر ضد دشمن تبارز دادند. آنان رزمندگان و جنگجویان، کمیساران سیاسی، پرستاران و نرسمان و آمران بررسی امور معالجه زخمیان و تدای مجروحان درمانده بودند که لمح از تداوم وظایف مقدس شان باز نشستند. بدین ترتیب از زمره یکبزار و هشتاد تن رزمندگان «چهارمین دسته متشکل پرولتاریان» بتعداد دو صد نفر شان زن بودند. در «سلوونیا»

راضی و متیقن شدند که تجارت ما بحالت عادی جریان خواهد داشت. تبلیغاتی که در قسمت کیفیت و جنسیت قره قل افغانی به عمل آمد بالای کمپنی های خریدار و فروشنده تاثیر فوق العاده نمود.

پرسیدم سالانه چه تعداد پوست در مارکیت های بین المللی عرضه می گردد و مشتریان پوست های افغانی کدام ممالک اند؟

گفت: مجموعاً در حدود هشت میلیون پوست در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد. مشتریان و مصرف کنندگان پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاتلندی در قدم دوم قرار دارند.

گفت: لطفاً بگویید که امسال یعنی ۱۳۵۸ و تسع قره قل از نگاه تجارت و بازاریابی چطور بود؟

پوست افغانی را آلمان فدرال، ایتالیا، فرانسه و امریکای شمالی تشکیل میدهد که بریتانیا و ممالک اسکاتلندی در قدم دوم قرار دارند.

پوست قره قل افغانی در بازار های بین المللی



دو شیزه افغانی با کلاه و بالا پوش زیبای قره قل

از رئیس انستیتوت قره قل پرسیدم که مهمترین صنایع تولید کننده قره قل کدام کشورها اند؟

در پاسخ گفت: افغانستان، اتحاد شوروی و افریقای جنوبی در تمام دنیا سه منبع تولید کننده پوست قره قل می باشند که در بازار های بین المللی پوست قره قل عرضه می کنند. بصورت عمومی تعداد پوست ای که در مارکیت های بین المللی سالانه عرضه می گردد چهار میلیون از افریقای جنوبی، سه میلیون از اتحاد شوروی و یک میلیون و سه صد هزار از افغانستان میباشد.

پوست قره قل افغانی برتری و امتیازیکه دارد اینست که پوست کبود قسمت زیستاد تولیدات را تشکیل میدهد که با داشتن رنگ طبیعی و گلپای مقبول و بی نظیر خریداران از مد افتاده بود. مخصوصاً در مسالهای ۱۹۶۷ و ۶۸ قیمت پوست قره قل بحری پایین آمده بود که حتی یکتعداد تاجران و روشکست نموده بود و در جمله پوست باب ارزاترین آن پوست قره قل بود در حالیکه چند سال قبل قیمت منک و پوست قره قل یک برابر بود مگر فیلا قیمت پوست قره قل چهل فیصد قیمت پوست منک را تشکیل میدهد.

در طول امسال مادر پنج لیلام که سه آن در لندن و دوی آن در لینگراد شوروی صورت گرفت مجموعاً یک میلیون و سه صد هزار جلد پوست عرضه نمودیم که محصول آن به بیست و هشت میلیون دالر رسید.

عوامل بلندرفتن قیمت پوست قره قل در بازار های بین المللی چه می باشد؟

بقیه در صفحه ۵۱

در هشتاد و چهارمین لیلام قره قل افغانی که در لینگراد اتحاد شوروی به تاریخ ۲۴ جنوری آغاز و مدت پنج روز دوام نمود مجموعاً (۸۶۷۸۶) جلد پوست قره قل به قیمت مجموعی یک میلیون و ششصد و پنجاه و دو هزار دالر امریکایی بفروش رسیده.

مایرامون موضوع فوق با رئیس انستیتوت قره قل، عبدالنیز پایاکه چندی قبل جهت تنظیم و رسیدگی امور لیلام پوست قره قل افغانی به لینگراد رفته بود مصاحبه ای بعمل آورده ایم که جهت معلومات بیشتر برای خوانندگان مجله زوندون تقدیم می گردد.

وی در جواب سوالی گفت: مطلب مهم و باارزش در قسمت لیلام پوست قره قل اینست که امسال هر اندازه پوست تازه که در مارکیت های بین المللی عرضه شد بفروش رسیده البته با قیمت های مناسبی که از نگاه تجارت تقریباً بی سابقه می باشد. در لیلام لینگراد (۴۸۵۳۵) جلد پوست کبود (۳۵۹۲۱) جلد پوست سیاه و (۲۳۴۲۲) جلد پوست تفر کبود و سیاه شامل بود که صرف یک هزار و دویست و شش جلد از فروش باقی مانده است. در سابق اتفاق می افتاد که یکتعداد پوست از یک لیلام تا لیلام دیگر باقی می ماند و حتی دو باره به کابل آورده می شد. مگر در لیلامهای اخیر طوری مارکیت را آماده ساختیم که پوست تازه ارسال گردد و همه بفروش برسد.

وی افزود: رژیم جدید افغانستان که چشم دشمنان ماراکو و نموده بالای مؤسسات تجاری که با افغانستان ارتباط داشتند تاثیر سوء نموده بود که خوشبختانه در مفاهمه ای که در لیلام لندن با آنها صورت گرفت کاملاً



ز شب رفتگان یاد کن!

این پارچه منظوم خواست قربانیان را انعکاس میدهد که زیر ساطور امین چلاد، جان سپردند. مطلع از سیمین بهیبا نیست. بخاطر تهریفیکه در مطلع آورده ام از شاعره بلند پایه آن پوزش میطلبم.

« ز شب رفتگان یاد کن شبی آرمیدی اگر
سلامی هم از مارسان بهیجی رسیدی اگر »
یکی شمع روشن بیاد رفیقان بیصبر
ازین گور تاریک شبها رهیدی اگر
غم مرگ ما را شاید فراموش کردن
بدو گشت سپیدان گریبان دریدی اگر
بیروز نوری درین تیره صحرای وحشت
بسر چشمه نو و فردا رسیدی اگر
به انسان آگاه فردا بگو راز ما را
ازین نره غولان و حتی جهیدی اگر
بیاد عزیزان بنوش آذرین جام تلخی
گهی بیاد تلخ مردی کشیدی اگر
بتوفان تن و قوشه بهار چون مرغ توفان
ازین لاشخواران مملخ پریدی اگر
بیاد آر ما کشتگان جدلهای خو این
سختهای پیکار خو این شنیدی اگر
بیاد آر شبهای مرگ آور آرمسون را
ازین میل خونین قاتل پریدی اگر
بیاد آر شیدایی خفته در خاک ما را
گل سرخ و حتی کجایی شنیدی اگر !
سلیمان لایق
۱۳۵۸/۳/۱۰



عالم و عابد

صاحبدلی به مدرسه آمد ز خانقاه
بتکست عهد صحبت اهل طریق را
گنتم میان عالم و عابد چه فرق بود
تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدرمی بردموج
وین جهد می کند که رهاند غریق را
سعدی



۱۳۵۱: به قربانیان فاشیزم

درس و گد آن شهید

صد بار آن پرنده غمناک
زین غصه گاه گوشه قلبم
روسوی آن طلیعه بیدار
اندوه بال و پرزدن آموخت
• • •
باقلب گرم فاجعه رادیدم
تودر شط شقاوت خونین

سحریق نام

اما

« ما انبوه کرگسان تماشا »
درس و گد آن شهید عزیز ، آن غرور پاک
آن دشت آفتابی پر گل

— تنها گریستیم

• • •

گفتند :

قلب هزار ماهی مرجانی
درباره های زنده گی افسرد
اکنون به سایه در شب آن هول
هول عظیم فترت

دیگر چه اعتباری ؟

• • •

نام شما عزیز تران ، دانم
چون مرده ریگ هستی همراهان
« ثبت است بر جریده عالم »

اما

داغ جبین آن که ترا گشت
یا استخوان هستی ما را

بشکست

در بولگون فاجعه تاریخ
تاریخ رنج، اشک، مصیبت
هواره تیره است و سیا هست
• • •

اکنون تو نیستی که بینی
ملت به سوک یاد تو در خونت

در اشکهای آینه میبینم
تصویر توبه خانه هر چشم
در قلب هر شرافت معصوم
— گلگونست

در جستجوی گور تو هممین

د رناکجای این شب تاریک
— گل بگذارم ؟

زیرا .

حتا .

با سنگ ایستاده خالی
دیوان بی شرافت ، بدنام
نام ترا چو قامت آن دار

— سوی اوج

برپا نکرده اند

رویین

شهیدانو ورونو

ما چی دعا در ته کو له
یا می حق خبره کړ له
سترگو اوښکه تویو له
زړه کی مینه پاریدله

چی زندان ته به در تلمه
په سرو سترگو ژپیدمه
گو نکه خوله به در ید مه
له یخنی به ریپد مه

په ژپا وی خو یندی میندی
ور سره دکا لو پنهلی
بری وهلی یی ملنهلی
ډکی پرو خنی کندي

په کو رو نو تل به
ما شو مان یی ډارول به
هم بکسو نه یی ماتول به
دغلو پشان یی وږل به

ما به ته خنی غو بنسلی
دوی به سترگی برغولی
او ویل به یی فرار دی
زړه دی ولی بړی پرهاردی

نه یی رحم و په زړو کی
نه یی پوهه وه مغزو کی
هسی خوشی شان وحشیانو
بس زموږ غوښو لیوان و

دوی ته ښه چوکی موټرو
هم ولاپورته نو کر و
خوله پوهی نا خبر و
د ټولنی په ضرر و

دخمو دجمود دوره وه
عجیبه شان ننداره وه
توره شپه وه توره شپه
خو نړی شان سلسله وه

زما ورو ښو شهیدا نو
په ریښتنی مینا نو
«افغا نیار» درنه قربان شه
با غیر ته افغا نا نو

ظا لما نو ډا ر ولم
په بر چو به یی وهلم

خوانخوار انو ټیل وهلم
په بر چو به یی وهلم

تاته یی کله پرېښولم
په بر چو به یی وهلم

په ټیلو به یی ویستلم
په بر چو به یی وهلم

پدی شان یی غو لو لم
په بر چو به یی وهلم

شپه او ورځ به خور یدلم
په بر چو به یی وهلم

تل غمو نو کړو لم
په بر چو به یی وهلم

دشپی کله ویدیدلم
په بر چو به یی وهلم

کار نامی به مو تل لولم
ولولی به مو تل لولم
«در محمد افغا نیار»

حانه رعیت

غافلې را شنیدم که خانه رعیت خراب کردی
تاخرانه سلطان آباد کند بی خبر از قول
حکیمان که گفته اند :
هر که خلق خدای عزوجل را بیازارد تادلی
پدست آرد، خداوند تعالی، همان خلق را
پرو گمارد تا دمار از روزگارش برآرد .

آتش سوزان نکند با سپند
آنچه کند دود دل مستمند

سر جمله حیوانات گو یند که شیرست
واذل جانوران خرو با تفاق خربار بر به که شیر
مردم در .

ممکین خر اگر چه بی تمیزست
چون یار همی برد عزیزست
گاووان و خران یار برادر
به ز آدمیان مردم آزار

باز آمدیم بحکایت وزیرغافل . ملک را
ذمائم اخلاق او بقراین معلوم شد . در شکنجه
کشید و با انواع عقوبت بکشت .

حاصل نشود رضای سلطان
تا خاطر بند گمان نجو یی
خواهی که خدای بر تو بخشد
با خلق خدای کن تکویی

آورده اند که یکی از ستم دیدگان بر
سر او بگذشت و در حال تباه او تأمل کرد
و گفت :

نه هر که قوت بازوی منصبی دارد
بسلطنت بخورد مال مردمان بگراف
توان به خلق فرو بردن استخوان درشت
ولی شکم بندد چون بگیرد اندر نای

نماید متمکار بد روزگار
بما ند برو لعنت پایدار

سعدی



دولوستونکویه اته خلوینتمه گنه کی دشتق

زړه تر عنوان لاندی شعر دخوان شاعر

«منگر وال» شعر دی

از گلستان

برچیده

ایم

ازاین بعد، هر چند گاهی وزمانی یابیوسته
ودایم ، سیر و گشتی به دیوانهای اشعار
بزرگان ادب و شعر می کنیم و خوشه های
از خرمن پرفیض آن بر میگیریم و به شما
نوقمندان شعر و ادب پیشکش مینماییم .

اینبار گلستان اوراق ذرین سعدی را به توری
گرفتیم و صفحه گلهای سرخ را با مقالات او
که بی مقالات او، بقولش، «هفت کشور نمیکند»
انجمنی، آذین می بندیم که از سوی نشان
ونامی و تجدید یادی باشد از ابر مردان
میدان شعر و ادب .. و از جانبی برانگیخته
فکر خوانندگان این صفحه به مکاشفه
و مراقبه در ادب و فرهنگ پربار ما ...



بنیاد ظلم

آورده اند که نوشیروان عادل رادر
شکارگاهی مید کباب کردند و نمک نبود .
غلامی پروستارفت تا نمک آرد . نو شیروان
گفت : نمک به قیمت پستان تا رسمی نشود
وده خراب نگردد . گفتند : ازین قدر چه خلل
آید ؟ گفت : بنیاد ظلم در جهان اول اندکی
بوده است هر که آمد برو مزیدی کرده
تا بدین غایت رسیده .

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آورد غلامان او درخت از بیخ
پنج بیغه که سلطان ستم روا دارد
زندد لشکریانش هزار مرغ بیخ
سعدی

یادونه :

و نیز همه اضافه گی ها و جریانات بعدی باین
تهداب ها علاوه می شود تا لیر این کار ها
و شیوه ای که آنها به سلوک انسانی تعبیر
می گردند طور قابل ملاحظه به تهداب های
ارتباط و بستگی دارند که توسط فامیل گذارده
شده اند . همین است علتی که می گویند
فامیل ، نه کمتر از هسته های فعال اجتماعی
اندازه جوهر ایدئولوژیکی و فکری جامعه را
تعیین می نماید . این در داخل فامیل است
که روابط خاص در حیات انسان به میان می
آید و در آن صورت وقتی که خود مابوالدین
مبدل گردیم می توانیم از برخورد و تماس
خوب خویش با دیگران به حیث یک ایده آل
عالی آگاهی حاصل نماییم . بلی اطفال در
حیات اجتماعی نقش ارزنده و مهمی دارند و از
سبب دخیل بودن آنها در سیستم مناسبات
انسانی این بخش جوان نوع بشر - بسز گمان
خود را در موفقیت قرار می دهند که در آنها
ملکان عالی انسانی بوجود آمده و شخصیت
صالح خود را در جامعه حفظ می نمایند .

(پایان)



مواظبت طفل عمدتا با یداز طرف والدین صورت گیرد .

و روانی پرورش دهند و باین صورت می توانند
به پیروزی و موفقیت نایل شوند .

باید متذکر شد که فامیل از نگاه کار و
مسایل اجتماعی یکی از اساسی ترین هسته
هاست و این یک تهدابی است که در رشد و
ارتقای اجتماعی نقش مؤثر حیاتی دارد .
غفلت درین ساحه جز علم تناسب و ایجاد
تضاد ها در رشد جامعه چیزی به بار نمی
آرد . آری این فامیل است که تهداب اصلی
شخصیت ها را گذاشته و برخورد او را در برابر
دنیای ماحولش تعیین و تثبیت می دارد .

میر نعمت الله فاروق استاد اداره انستیتوت صنعت

وظایف و مسوولیت های والدین و معلمان در رشد ذهنی و اخلاقی اطفال

طوری که همه میدانند اطفال در صنف
سر مشق قرار دادن معلم خود البته نه
به علت ترس و انضباط خشک و خالی افراد
دقیق و قابل اعتماد میشوند معلمین که حتی
در مورد تاخیر صفتش ساکت و آرام است
معلمی است که برای اداره صنف از همکاری
و تعاون شاگردان خود استفاده
میکند و با آنها رفتار دو ستانه دارد
معلم برای ایجاد چنین روحیه در شاگردان
دانش خود با آنها همکاری میکند و خود
را با آنها وابسته نشان میدهد پس معلمان
شاگردان نیز رفتار معلم خود را مورد

تقدیر قرار میدهند . ما نمیتوانیم چنین
روحیه را در تمام شاگردان یک نسبت
به وجود بیاوریم بعضی از آنها تما یسل
بیشتر به همکاری دارند و عده به علت
تجارب بدی که از اقتدار و تسلط بزرگان
داشته اند مایل به همکاری نبوده و دا یم
تولید مزاحمت میشود .

در مدارس موقعیت های مناسبی برای
نشان دادن رعایت حال دیگران به
کودکان وجود دارد و جو دیت دسیلین
مدارس خود نمونه با رزی است در بعضی

مترجم : «دیلان شرمل»

نویسنده : یوری ریوریکوف

مواظبت جسمی و روانی طفل

در عصر ما تربیه طفل به مراتب نظریه زمان
های گذشته ، که عمدتا کودک از نظر جسمی
مواظبت می شد مشکل تر است . در مراحل
اولیه حیات بشری بخش روانی طفل منسل جنبه
تکامل خود بخودی را داشت .

ضرورت اینکه نموی فکری و دماغی طفل
باید در همزمانی و مواظبت شود در زمان مابیشتر
احساس می گردد . این حادثه تربیه طفل
را هنوز هم مشکل تری سازد . مخصوصا با
انقلاب علمی و تکنیکی پیشرفته و آرزو هاییکه
این انقلاب بوالدین در تربیه طفل ایجاد میکند .
اکثر والدین برای چنین فعالیتی آماده نیستند ،

فقدان دانش درین ساحه یک مشکل حاد
اجتماعی است - دکتر ها مشاهده نموده اند
که در حدود پنجاه فیصد والدینی که
فارغ التحصیل پوهنتون هستند نمی دانند
چطور باید زندگانی طفل مرتب شود . در
ساحات تربیه اخلاقی ، ذکاوی و روانی حالت

هنوز بدتر ازینهاست . چنین غفلت غیر قابل
تحمل است ، چه مابه کار همیشگی و فعالیت
وسعی نیاز داریم تا کلتور اصیل تربیوی
که با اساس دست آورد های جدید علوم
بنیاد گذارده شده باشد جای کلتور کهنه
را بگیرد .

در نتیجه انقلاب علمی و تکنیکی در تیوری
و عمل تربیه طفل تغییرات جذری بوجود آمده
در شرایط مدنیت امروز که به تربیه روانی
و عصبی بیشتر از مواظبت جسمی نیاز احساس
میشود - باید در نموی اطفال یک برخورد

کاملا جدیدی صورت گیرد ، بالخاصه با اساس
ضرورتیکه انقلاب علمی و تکنیکی به میان
آورده باید کودکان رشد همه جانبه نمایند .
از همین دلیل است که تنویر علمی وسیله
بسیار مهمی است در بهر ساختن تمام
شرایط فامیلی و اجتماعی ساختن بیشتر هر
نسل جدید - باید تدابیر وسیع و متین به
پیمانه سراسر ملی برای چنین تنویر اتخاذ
شود و همین اصل باید در پروگرام درسی
مکاتب ثانوی منعکس شده و برای والدین
جوان هم کورس های آموزش و تدابیر مشابه
اتخاذ گردد .

مواظبت دقیق و درست والدین از طفل
نه تنها به توجه جسمی بلکه به مقدار قابل
ملاحظه توجه دماغی و روانی نیاز دارد - قابل
تأسف است که بیشتر والدین تنها در بخش
جسمی نموی اطفال مانند غذا خوردن ، شستن
لباس و سایر خدمات همانند توجه خود را مبدل
میدارند . و جنبه تعلیمی آن را به مسجد ،

مکتب ، کودکانستان منحصر می دانند و از نقش
پراهمیت و با ارزش خود درین بخش اطلاعی
ندارند . آنها پدر بودن و مادر بودن را یک
کار شاق و یک بار خسته کن دانسته و خود را
نوکر اطفال خود تصور می نمایند . آنها
همچنان یک اسلحه لیرومندی رشد خودی را
نیز از دست داده مخصوصا رشد اخلاقی
و انسانی و این لیروی خلاقه را ضایع مینمایند .
اما نشو و نما ی مثبت و صحیح کودکان
باین کار نیاز دارد که والدین برای تربیه
خود بذل مساعی نموده و کیفیت پدر بودن
یا مادر بودن را در خود از نظر اخلاقی ، ذکاوی



کودکان در اطراف مربی شان خود را خرسند می کنند

افراط پیموده شود از صورت یک و پندیده خود خارج می شود. احساس مسئولیت در دختر و پسر فوق العاده و ظیفه شناسی که به علت ترس از کثیف کردن لباس ها و یا شکستن اشیاء با زیاده روی می شود. او انداختن ریسه دلت می خواهد با زیاده کند خیلی زیاد رشد کرده است و رشد فوق العاده احساس مسئولیت در چنین کودک به علت تاکید آن توسط اطرافیان است و امتیازی که از ارتکاب اشتباهات کوچک خیلی راحت می شود - کمالات به خاطر مطالب فوق العاده جزئی و بی اهمیت متحمل زحمات فراوان می شود در همین قماش اند. بعضی از کودکان نیز هستند که واقعا وظیفه دشواری دارند اینها کودکانی هستند که علل پدر و مادر خود را از دست داده اند و در نتیجه غفلت و نادانی بزرگتر اینچنین تصور میکنند که با نیمی در زندگی مسئولیت پدر و مادر فوت شده را بدوش بکشند برای اینکه بتوانیم تشخیص دهیم که آیا واقعا احساس مسئولیت فوق العاده مانع بازی و سازگاری کودک است یا نیمی این احساس مسئولیت را در سایر موارد و کارهای که کودک انجام میدهد مشاهده می نمایم بعضی از کودکان دارای احساس مسئولیت فوق العاده هستند ولی در عین حال خیلی هم خودمآیی و برحرا رت و اهل بگو و بخند هستند یک عده دیگری از کودکان که حاضر نیستند بار هیچگونه مسئولیت را بدوش بکشند یا از انجام انتظارات دیگران ناراضی اند و یا از آنچه از خود توقع دارند چندان را نمی بینند.

به ایجاد احساس مسئولیت در کودکان کمک کنند این امر هم در مورد کودکان خود سال و هم کودکان بزرگسال صدق میکند. در این دوره که ما آنرا (دوره اصلاح) می نامیم اگر متوجه شدیم که کودک علاقه زیادی به فعالیت دارد باید نیمی به او فرصت بیشتری داد که در این مورد «اصلاح» وقت بیشتری صرف آن فعالیت کند، بگذارید با اینکار کودک احساس کند که شما با توجه به علاقه زیادی دارید. بگذارید کودک که حتی موقعیکه در خانه نیستید به فکر او می باشد بعداً به تدوین شمس می تواند با احساس علم مسئولیت فرزندانش خود مبارزه کرده و او راه تدوین را دار به قبول مسئولیت بیشتری بنماید شما بتدریج می توانید به فرزندتان یاد دهید که چگونه مسئولیت را بر عهده بگیرد و با نظم بار بیاورد یا سایر کارهایی که شما فکر میکنید فرزندتان با آن احتیاج دارد فراموشی را از تقطیع کودک در چنین مواردی با نیمی به شدت خود داری شود و نیمی بعضی وقتها برپا ساختن جشن به خاطر کودک میتواند به پیشرفت او کمک نماید ممکن است منظور از این جشن این باشد که به کودک اجازه دهیم یک روز قدرت انتخاب غذای مورد علاقه را پیدا نماید و یا اینکه یک شب به پروگرام تلویزیونی که مورد علاقه او است توجه خاص به آن مبذول دارید.

آیا ممکنست کودکی دارای احساس مسئولیت فوق العاده باشد؟ هر صفتی هر قدر هم پسندیده و مطلوب باشد شکی نیست که اگر در آن را

دارند پس او ممکنست که در جلب توجه پدر و مادر بخود که به آن احتیاج دارد خسته - نا امید شده است و یا اینکه به علت اشتباهات واقعی یا غیر آن خود را متضرر بداند.

ممکنست کودک در شرایط مخصوصی کاملاً غیر مسئول باشد ولی در وضع دیگر، دارای احساس مسئولیت نماید همینقدر که فرستاده کودک کی از لحاظ جسمی ضعیف باشد دیگر کوشش برای مسئول بار آوردن او چندان مشرب نخواهد بود.

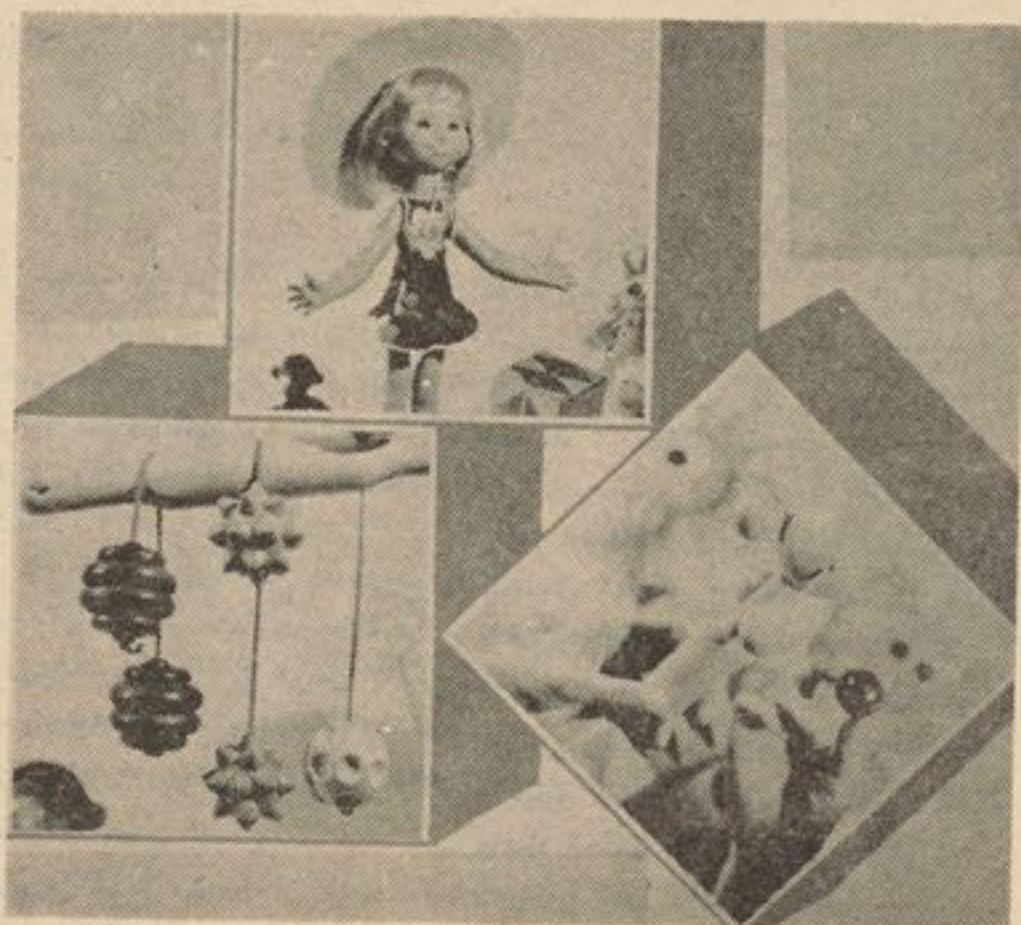
آیا مسئول بودن طفل میتواند به تنهایی ناشی از عقب افتادگی او باشد؟ آیا بجز این راه راههای دیگری برای شناسایی عقب ماندگی کودکان در دست است؟ اگر کودک علاوه بر غیر قابل اعتماد بودن - خونسرد و بی علاقه و بی حال نیز باشد و یا دائماً با دیگران دعوا کند یا نتواند با دیگران کنار بیاید یا از چیزهای معمولی ترس داشته باشد اشکال چنین کودک کی علت روانی عمیق دارد. مراجعه به مشاورین اطفال در مورد اینگونه کودکان لازم و ضروری است حال اگر عدم مسئولیت کودک کی علامتی غیر از آنچه گفته شد داشته باشد به نظر

میرسد که کودک به رشد خود به طو و رشایت بخش ادامه میدهد. و در اینصورت کمکهای اولیه معلمین یا والدین کافی به نظر میرسد اگر نتیجه مثبتی از روشهایی که قبلاً متذکر شدیم حاصل نشد ما میتوانیم با مطالعه وضع عمومی کودک قلمهای موثری در این راه بر داریم. صحبت در تنهایی با پدر و مادر، انجام دادن بعضی کارها از روی تفنن میتوانند

از مدارس متوسطه مدبران و امری پس حتی یا را از این دایره فراختر نهاده اند آنها چند دقیقه قبل از اینکه مدارس تعطیل میشود چند نفر از شاگردان خود را به کلاسها و یا به دهن دروازه مکتب می فرستند تا آنها به اطفال کلاسها در پوشیدن لباسهایش کمک کنند و یا اینکه در دهن دروازه مکتب اطفال خود را به والدینشان سپرده و یا از مسیر ترافیک آنها را عبور دهند. چریان این عمل شاگردان بزرگسال را موقع میدهند تا دوا طلبانه و به نوبت در انجام آن سهیم شوند و علاوه بر پاک نگه داشتن صنوف و واحدهای بازی مرتب ساختن کتابخانه - کار کردن در سالن غذاخوری - اینها همگی به ایجاد حس مسئولیت و اعتماد بودن و کار دانی کودکان کمک فراوان میکند.

این نکات متذکره بیانگران روشی است که در مقابل کودکان که احساس مسئولیت نمینماید میباید پس سوال مطرح بحث قرار میگیرد که با کودک که در خود احساس مسئولیت نمیکند چگونه باید رفتار شود. وقتی که کودکی علیالغیر غم سعی و کوشش دیگران حاضر نیست وظیفه خود را انجام دهد ما با نیمی فوراً تشخیص دهیم آیا عدم انجام وظیفه این کودک ناشی از توقع زیاد ما است یا نه چون گاهی شده است که یک کودک غیر مسئول را با کودک فوق العاده کار دانی و قابل اعتماد مقایسه میکنیم.

غیر مسئول بودن دائمی کودک در بعضی مواقع ممکنست ناشی از اوضاع و احوال خاص باشد و یا اینکه ممکنست کودک غیر مسئول فکر کند که پدر و مادرش به او در آن و خواهران او توجه بیشتری



چند نمونه از بازیچه های تجربی که توسط انستیتوت بازیچه هادر اتحاد شوروی پیشنهاد شده اند

A black and white photograph showing a woman in the foreground, wearing a light-colored headscarf and a dark, patterned garment. She is holding a young child, who is looking towards the camera. The child is wearing a light-colored, possibly striped, garment. In the background, another person is partially visible, wearing a light-colored, ribbed garment. The overall tone is somber and documentary.

9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99 100 101 102 103 104 105 106 107 108 109 110 111 112 113 114 115 116 117 118 119 120 121 122 123 124 125 126 127 128 129 130 131 132 133 134 135 136 137 138 139 140 141 142 143 144 145 146 147 148 149 150 151 152 153 154 155 156 157 158 159 160 161 162 163 164 165 166 167 168 169 170 171 172 173 174 175 176 177 178 179 180 181 182 183 184 185 186 187 188 189 190 191 192 193 194 195 196 197 198 199 200 201 202 203 204 205 206 207 208 209 210 211 212 213 214 215 216 217 218 219 220 221 222 223 224 225 226 227 228 229 230 231 232 233 234 235 236 237 238 239 240 241 242 243 244 245 246 247 248 249 250 251 252 253 254 255 256 257 258 259 260 261 262 263 264 265 266 267 268 269 270 271 272 273 274 275 276 277 278 279 280 281 282 283 284 285 286 287 288 289 290 291 292 293 294 295 296 297 298 299 300 301 302 303 304 305 306 307 308 309 310 311 312 313 314 315 316 317 318 319 320 321 322 323 324 325 326 327 328 329 330 331 332 333 334 335 336 337 338 339 340 341 342 343 344 345 346 347 348 349 350 351 352 353 354 355 356 357 358 359 360 361 362 363 364 365 366 367 368 369 370 371 372 373 374 375 376 377 378 379 380 381 382 383 384 385 386 387 388 389 390 391 392 393 394 395 396 397 398 399 400 401 402 403 404 405 406 407 408 409 410 411 412 413 414 415 416 417 418 419 420 421 422 423 424 425 426 427 428 429 430 431 432 433 434 435 436 437 438 439 440 441 442 443 444 445 446 447 448 449 450 451 452 453 454 455 456 457 458 459 460 461 462 463 464 465 466 467 468 469 470 471 472 473 474 475 476 477 478 479 480 481 482 483 484 485 486 487 488 489 490 491 492 493 494 495 496 497 498 499 500 501 502 503 504 505 506 507 508 509 510 511 512 513 514 515 516 517 518 519 520 521 522 523 524 525 526 527 528 529 530 531 532 533 534 535 536 537 538 539 540 541 542 543 544 545 546 547 548 549 550 551 552 553 554 555 556 557 558 559 560 561 562 563 564 565 566 567 568 569 570 571 572 573 574 575 576 577 578 579 580 581 582 583 584 585 586 587 588 589 590 591 592 593 594 595 596 597 598 599 600 601 602 603 604 605 606 607 608 609 610 611 612 613 614 615 616 617 618 619 620 621 622 623 624 625 626 627 628 629 630 631 632 633 634 635 636 637 638 639 640 641 642 643 644 645 646 647 648 649 650 651 652 653 654 655 656 657 658 659 660 661 662 663 664 665 666 667 668 669 670 671 672 673 674 675 676 677 678 679 680 681 682 683 684 685 686 687 688 689 690 691 692 693 694 695 696 697 698 699 700 701 702 703 704 705 706 707 708 709 710 711 712 713 714 715 716 717 718 719 720 721 722 723 724 725 726 727 728 729 730 731 732 733 734 735 736 737 738 739 740 741 742 743 744 745 746 747 748 749 750 751 752 753 754 755 756 757 758 759 760 761 762 763 764 765 766 767 768 769 770 771 772 773 774 775 776 777 778 779 780 781 782 783 784 785 786 787 788 789 790 791 792 793 794 795 796 797 798 799 800 801 802 803 804 805 806 807 808 809 810 811 812 813 814 815 816 817 818 819 820 821 822 823 824 825 826 827 828 829 830 831 832 833 834 835 836 837 838 839 840 841 842 843 844 845 846 847 848 849 850 851 852 853 854 855 856 857 858 859 860 861 862 863 864 865 866 867 868 869 870 871 872 873 874 875 876 877 878 879 880 881 882 883 884 885 886 887 888 889 890 891 892 893 894 895 896 897 898 899 900 901 902 903 904 905 906 907 908 909 910 911 912 913 914 915 916 917 918 919 920 921 922 923 924 925 926 927 928 929 930 931 932 933 934 935 936 937 938 939 940 941 942 943 944 945 946 947 948 949 950 951 952 953 954 955 956 957 958 959 960 961 962 963 964 965 966 967 968 969 970 971 972 973 974 975 976 977 978 979 980 981 982 983 984 985 986 987 988 989 990 991 992 993 994 995 996 997 998 999 1000 1001 1002 1003 1004 1005 1006 1007 1008 1009 1010 1011 1012 1013 1014 1015 1016 1017 1018 1019 1020 1021 1022 1023 1024 1025 1026 1027 1028 1029 1030 1031 1032 1033 1034 1035 1036 1037 1038 1039 1040 1041 1042 1043 10

۳۶

(مجموع ا لعراض) است و عموماً و سخت میشود . بالاخره به اثر در دهات دیده شده و اطفال را مصاب میسازد که بالاتر از يك سال عمر دارند . و عوامل ذیل باعث بر وجود آمدن آن میگردد .

۱- دادن شیر مادر بصورت دوا مدار ولی غیر کافی و ضمیمه ساختن بعضی از غذا های غیر پروتینی عادی و معمولی خانواده گاهی به اندازه ناکافی و غیر متوازن درسم و روا جهای نامناسب بعضی از فایده ها که از غذا های مفید حیوانی و نباتی مثلاً: گوشت شیر ، تخم ، میوه جات ، حبوبات و غیره تنها کاهلان فامیل حلق استفا ده دارند . و به اطفال شان یا اینکه هیچ نمیدهند و یا اینکه بمقدار جزئی و غیر مکفی میدهند . استعمال مقادیر زیاد غله جات که حاوی مقادیر زیاد مواد قندی اند . گذشتن دادن امراض تب دار مانند : ملاریا ، توبرکلوز ، سرخکان ، سیاه سرفه و غیره که احتیاج روز مره عضویت را بغذا های متنوع زیاد میسازند . - وضع نامناسب اقتصادی و اجتماعی : بیسواد دی ، غربت والدین اقتصاد خراب و عدم توانایی خرید غذا های متنوع و مفید . - حفظ الصحه خراب غذا و استعمال غلط طرق پخت و پز و غیره .

و اعراض این مرض عبارت از تاخر و از بین رفتن نشو و نما ، ازیمای (پندیده گی) ، ضیاع عضلات و تجمع شحوم در تحت الجلد تغییرات روحی و عقلی ، کسالت و سستی ، تغییرات موهای نازک ، باریک ، صاف بیرنگ سست و جلا دار میگردد . و از بین رفتن رنگ جلد ، تغلس جلدی جروحات مختلفه جلدی ، و جه مهتابی مانند (که سبب آن معلوم نیست) کبد ضخاموی و شحمی ، طحال ضخاموی ، کم خونی و اعراض و علایم کمبود ویتا مین های مختلفه میباشند :

ب: ویتا مین ها :

۱- کمبود ویتا مین (آ) : از فقدان ویتا مین (آ) بر علاوه توقف نشو و نما بطور مقدم شب کوری ظهور نموده و به تعقیب آن کمره عین خشک شده و به کوری تمام منجر میگردد . همچنان در اکثر فقدان این ویتا مین حجات اپتیل در اکثر نقاط عضویت تقلص نموده

جوانان تشوشات عمیق تشکله عظام رونما میگردد که زیاده تر در نهایات و نقاط نشو ونمای عظام تصادف مینماید .

۲- کمبود ویتا مین (دی) : در اطفال استخوان ها نرم شده و مقاومت خود را از دست میدهند بالاخره تغییر شکل اختیار می نمایند . در نزد کاهلین سبب تلین عظام و نرم شدن استخوانها که مترافق با اوستیوپوروز (تخلخل غیر طبیعی استخوان بعلم عدم توانایی استیوپلاستها در ته نشستن در متریکس استخوان) ظهور میکند . همچنین نشو ونمای

۳- کمبود ویتا مین (ب یک) : از فقدان این ویتا مین عوارضی بر وجود میآیند که تحت عنوان بری بری یاد میشوند ، ضعف ، بی اشتها یی ، باختن وزن ، تشوشات



سوء تغذی اطفال را باین روز می نشاند:

دندان ها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشود . ۳- کمبود ویتا مین سی :- از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند . درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سریره نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیرها به التهاب دچار شده و متورم میشوند . دندانها مقاومت شان را از دست داده و بزودی تخریب میشوند . در نزد اطفال و نوزادان ها به تاخیر افتاده مقاومت خود را از دست داده و بزودی فرسوده میشود . ۳- کمبود ویتا مین سی :- از قدیم دانسته شده بود که کسانیکه از میوه و سبزیجات تازه محروم میشوند به مرض سکار بوت مصاب میشوند . درین مرض به تعقیب متضرر گردیدن اندوتیل سریره نرف به اشکال مختلف در اکثر نقاط عضویت دیده شده بیرها به التهاب دچار شده و متورم میشوند .

۵- کمبود نیا سین :- از اثر فقدان این ویتا مین یک دسته عوارض که معمولاً در جلد جهاز

عضمی و سیستم عصبی تظا هر مینماید و تحت نام پلاگرا مطالعه میگردد . بر وجود میآیند که عبارتند از بر وجود آمدن یک نوع احمرار و اذیمای در نواحی مکشوفه جلد که معروض به اشعه افتاب میباشند ، خشک و تفلصی شدن جلد و تظا هر یک نوع تفرحات در نواحی فوق الذکر ، عدم اشتها ، تنقیص اسید یسی معدوی ، قبضیت و اسهالات ، بی خوابی ، خستگی سر چرخشی ، سر دردی ، تشوشات عقلی که بالاخره منجر به دیوانگی میگردد .

۶- کمبود ویتا مین (ب یک) :- از اثر فقدان این ویتا مین یک کم خونی خبیث بوجود میآید که درین کم خونی لوحه خون تغییر نموده و مقدار هموگلوبین نور مال خون تنقیص مینماید . بر علاوه اعراض و تشوشات عضمی و عصبی نیز در نزد این مرض یضان دیده میشود .

ج: کمبود مواد معدنی :-

۱- کمبود آهن : کم خونی ناشی از کمبود آهن بوجود میآید . ۲- کمبود مواد ایودیسن دار: جاغور اند یمیک (در مورد بیماری گفته میشود که کم و بیش پیوسته در یک محل وجود داشته باشد) ۳- امراض ناشی از افسراط و تقریط فلورین .

در صورت تقریط : کرم خورده گی دندانها را سبب واز همین باعث است در مناطقی که آبهای شان از مقدار کافی فلورین فقیر اند دندانهای اطفال پیشتر کرم خورده گی میداشته باشند . - در صورت افسراط : فلوروزیس بوجود میآید .

۴- کمبود کلسیم و فاسفورس : در اثر کمبود وقلت این دو منرال استیو مالا سی (نرمی استخوان بالغ بعلمت اهکی شدن ناقص و جذب اضافی کلسیم و فاسفورس از آن) و استیو-پورس (تخلخل غیر طبیعی استخوان) بوجود میآید .

حال که معلومات کم و بیش راجع به سوء تغذی کسب نموده ایم بهتر است تا نخست نکات چند راجع به اسباب و عوامل سوء تغذی ارا نه نموده و بعد از آن تدابیر لازم وقایوی را تحت بررسی قرار دهیم .

بقیه در ص ۴۸

١٠٠
 ١٠١
 ١٠٢
 ١٠٣
 ١٠٤
 ١٠٥
 ١٠٦
 ١٠٧
 ١٠٨
 ١٠٩
 ١١٠
 ١١١
 ١١٢
 ١١٣
 ١١٤
 ١١٥
 ١١٦
 ١١٧
 ١١٨
 ١١٩
 ١٢٠

2 (p. 71)

1900 1 20 100 100

... ..

[illegible]

اگر کودک نتواند از پدر و مادر و معلم خود پاسخ مثبت و معقول که بتواند او را قانع سازد بشنود، این سوال ها در آینده برای او عقده های تولید خواهد کرد که شاید تا آخر عمر او را در رنج و عذاب قرار دهد. بنا پاسخ به سوال کودک آنهم بشکلی که کودک را قانع و مطمئن بسازد از جمله وظایف اساسی و مهم برای والدین جوان و معلمان جوان است.

آزاد گذاشتن کودک در بعضی از مسائل زندگی البته تحت نظر والدین و معلمان به کودک موقع خواهد داد تا در زمینه های مختلفی زندگی بخود متکی گردد و در آینده این اتکاء بخود، او را جوان با کفایت و برومند بار خواهد آورد.

پس ای جوانان، شما که مسؤولیت بزرگ پدری و مادری را بدوش دارید با کودک خویش طوری رفتار نمایید که شایسته اوست.

اگر به آینده او می اندیشید، و اگر می خواهید که فرزندتان جوان آزاد، با دانش و معقول بار آید از حالا به تربیه او کوشش بعمل آورید و این کار را یک بازیچه نه پندارید و نباید آینده او را به تقدیر و سرنوشت بگذارید.

و برداشت او از وطن و مردمش معقول و مثبت باشد.

مادر فهمیده و معلم آگاه و پدر دور اندیش همیشه به این اندیشه اند که چگونه طفل را تربیت کنند تا فرد صالح بار آیند.

در عکس شما مادر جوانی را مشاهده میکنید که چطور مشکل و پرابلم کودک را بر رسی میکند و او را در کارش یاری میدهد. این طرز پیشی آمد به کودک موقع میدهد تا آزادانه مشکلات خود را به پدر و مادر و معلمش در میان نهد و از سوال خویش که برایش ارزشی خاصی دارد نهراسد.

متأسفانه بعضی از پدران و مادران خلاف پرنسیپ های قبول شده امروزی با اطفال و کودکان رفتار می نمایند.

مثلاً بعضی از این پدر و مادران خستگی های روزمره ناشی از کار را بهانه قرار داده هینکه طفل و یا کودک شان از آنها سوالی در موارد مختلفی می نمایند والدین به فکر شده او را از سوال کردن باز میدارند در حالیکه این طرز پیشی آمد مخالف طرز تربیت امروزی است.

نباشند. در این شکی نیست که هر جوان چه دختر باشد یا پسر آرزو دارد که جوان مورد علاقه اش واجد چنان شرایطی باشد که اومی خواهد.

اما این مشکل است که انسان تمامی صفات دلخواه خود را در وجود یک شخص بیابد. هیچگاه انسانی یافت نخواهد شد که تمام صفات خوب در وجود او نهفته باشد. پس با این ترتیب جوانان در این قسمت باید یک کمی گذشت داشته باشند و زیاد سخت گیر نباشند و مخصوصاً دختران.

خوشبختی و بدبختی آینده را هیچکس نمیتواند پیش بینی نماید و به همین ترتیب هیچکس قادر نیست که آینده را تصمیم کند پس جوانان ماکه واجد شرایط ازدواج اند و می خواهند آرزو دارند زندگی مشترک خانوادگی را بسازند از یک سلسله مسائل کوچک صرف نظر کنند و به بحث و خوشبختی خویش پشت بپازنند.

در آینده بعضی ناراحتی های خلق گردد که باعث بدبختی دو جوان گردد. خوب اگر این سخن را بپذیریم و باید هم قبولش کنیم تکلیف این همه جوان که آماده برای ساختن یک زندگی مشترک خانوادگی اند چه میشود؟

آیا بگذارند همینطور روز ها و سالها به مطالعه در این زمینه بگذرد؟ در این جای شکی نیست که تحقیق و مطالعه در هر زمینه، معقول و خالی از فایده نیست اما در بعضی مسائل نباید مانند ازدواج زیاد وسواس و دلوایی نشان داد.

زیرا آینده راهیچکسی قدر نیست پیشبینی نماید و اگر قرار باشد که روی بعضی مسائل خرد و ریزه زیاد پیچیده شود پس هرگز موفق به تشکیل خانواده نخواهیم شد. امروز که زمینه های بهتری زندگی برای جوانان ما از هر وقت دیگر مهیا گردیده است و میتوان با خیال راحت زندگی مستقل و بدون تشویش را بسازند باید جوانان ما آنقدر خردمند گیر در این مسائل حیاتی

نوشته شیرمحمد «هاج»

جوانان و راه و رسم

زندگی جدید

دادند و به قدرت چابراه آنان خط بطلان کشیده شد. امروز خلق مآقوده های هنر آفرین مادر تحت درفش انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت عنا و یمن مختلف تحقیر نمیشوند. پیروزی انقلاب زنجیر شکن، گذشته از اینکه به آنها به بی عدالتی ها و تعصبات قومی و لسانی خاتمه داد در بارور شدن استعداد های خلاق خلق و جوانان ما نیز توجه بس عظیم دارد.

امروز دولت انقلابی ماتحت پروگرام های انکشافی و اقتصادی که بزودی ممکنه در معرض اجرا گذارده میشود، باروحیه انقلابی از انرژی سرشار آنان استفاده می نماید و به زودی جامعه را اعمار خواهد کرد که در آن هیچ نوع مشکلی سراغ نگردد.

جوانان کشور انقلابی ماکه با اتکاء بر ایمان و وجدانی که دارند و با ابتکارات و پیکار

انقلابی در تحقق بخشیدن ارمانهای توده های ملیونی رنجبران، زحمتکشان هنگام با دولت انقلابی و مردمی خویش برای بلند بردن سطح تولیدات و امحای کامل بیسوادی کار می نمایند، در تهیه و ترتیب ضروریات همه جانبه خلق خویش نیز مصروف کار و پیکار انقلابی اند. پس با درک این واقعیت میتوان گفت: جوانان امروز از هرگاه آماده خدمت به مردم بوده و با در نظر داشت راه و رسم زندگی جدید برای توسازی جامعه خویش گام بر میدارند و به صفت انسان ایده آل، مبارز طوریکه از آنان آرزو می رود در پیکار با نابرابری ها، بی عدالتی ها در سنگر نبرد قرار دارند.

در این عصر جدید که نیرو های مترقی راه تکامل را می بیند و در جریان آن عناصر ارتجاعی راه زوال را می بیند وظایف و مسؤولیت افراد جامعه خاصاً جوانان انقلابی بس سترگ است.

در افغانستان انقلابی با در نظر داشت شرایط اجتماعی و اقتصادی و بنابه خواست تاریخ تحول عمیق کیفی و بنیادی در حیات خلق ما وارد شد و به همان اندازه وظایف و مسؤولیت جوانان عاراضگین تر ساخته است. جوانان با نیروی سرشار و انرژی پر توان در تحکیم حفظ و نگهداشت انقلاب ثور رول بسزا ایفا می نمایند. پس باید با جرأت اظهار نمایم که: جوانان انقلابی ماکه مجهز با دانش و پیکار انقلابی اند، و با درک خصوصیت های طبقاتی، به صفت انسان نیرومند و انقلابی کار و پیکار می نمایند.

زیرا بعد از پیروزی انقلاب نظر آفرین ثور جامعه عقب نگه داشته شده ما تحولات عمیق در همه شئون حیات خلق ما رونما گردید، حقوق انسانی ایشان عاده شد جوانان ما نیز از قید محرومیت ها رهایی یافتند. در گذشته ها خصوصاً در زمان فرمانروائی خاندان فاسد نادری، خلق ما در زیر شلاق چابراه آنان جان می سپردند و حتی آنان جزئی ترین ارزشی هم در برابر شخصیت آنان و حیات خلقی های رنج دیده ما قابل نبودند.

ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب نظر مند ثور خلق ما از آن بدبختی ها نجات یافتند و با آنها به بی عدالتی ها و تعصبات گذشته خاتمه

مسؤولیت پدر و مادر در برابر کودک



اما یک چیز که همیشه مدنظر بوده و همه دانشمندان بدان متفق القول اند اینکه کودک باید مطابق به محیط و زندگی مردمی تربیت گردد. این امر می رساند که باید هر پدر و مادر و هر معلم جوان و فهمیده کودک را طوری تربیه نماید که برای وطنش و برای مردمش مفید باشد. یعنی تربیت او طوری باشد که کودک در آینده چون به جوان برومند بدل خواهد شد از محیطش بیگانه نباشد.

هر پدر و مادری حق دارد فرزندش را تربیه نماید، اما چه نوع تربیتی؟

این سوال برای آینده کودک که مرد و زن فردا خواهد بود خیلی ها با اهمیت است. تربیت کودک از طرف والدینش یک مساله حیاتی برای کودک شمرده میشود، و اولین خشت های زندگی او را میسازد.

در مورد تربیت درست و معقول کودک امروز جروب بحث های مختلفی بین دانشمندان و متخصصین امور تربیت کودک صورت گرفته

این ستاره را می‌شناسید؟



به این چهره جذاب خوب متوجه گردید آیا
میدانید که او کیست ؟ واز کدام کشور جهان
است ؟ اگر موفق به شناختنش شدید برای آن
چند جلد کتاب جایزه می‌دهیم .

این چشم هاز کیست ؟



این چشم های زیبا را که بدون صاحبش
جای نموده مربوط یکی از زیبا تر یں
ستارگان سینمایی میباشد خوب اگر به شناختن
آن موفق گردید اسم آنرا برای ما بنویسید.

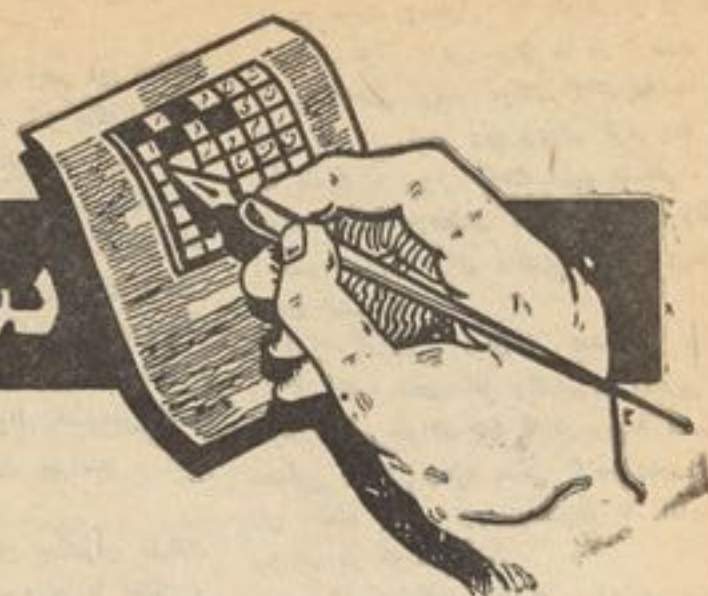
این عکس چیست؟



چه فکر میکنید آیا کدام تبه‌است ویا کدام
حصه از پوست کجا لو اما بدانید که
هیچیک ازین ها نبوده بلکه مربوط چیزی
دیگری است اگر به شناختن آن موفق شدید
باید تنها اسم او را با اسم لکه های سیاه‌ایکه
بروی آن معلوم میشود برای ما بنویسید .
زوندون

سرگرمی ها و مسابقات

تیه و تنظیم از صالح محمد کپسار

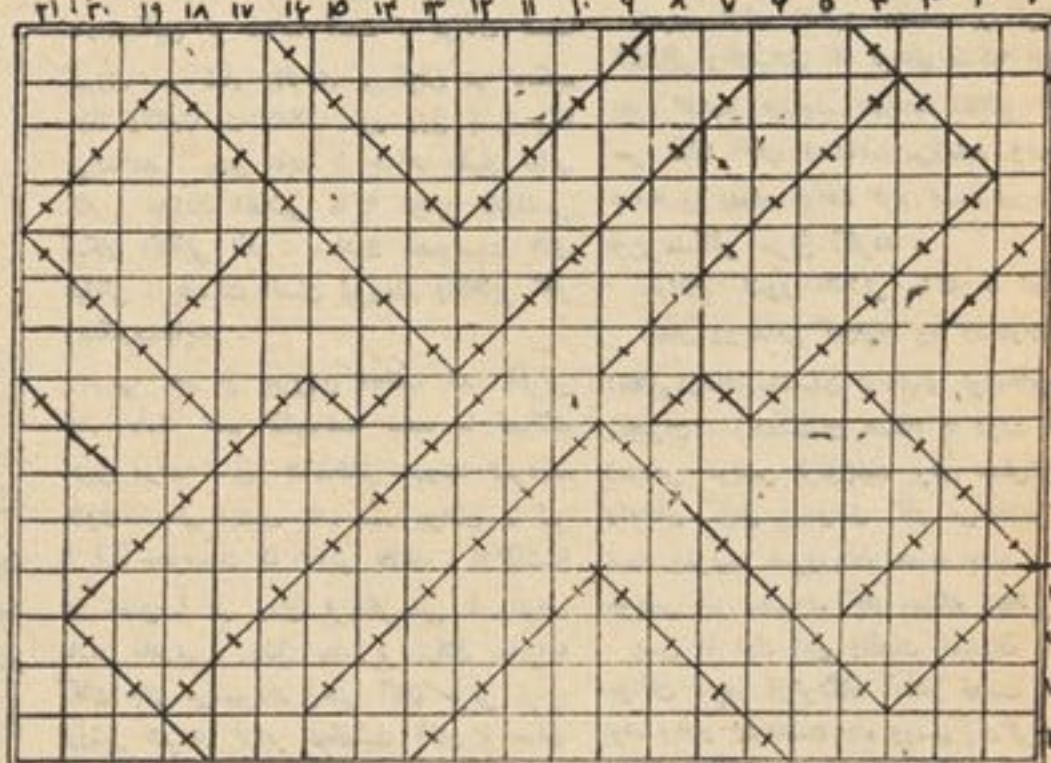


جدول کلمات متقاطع

افقی :-

از آن طرف ناز است ، ۱۱- صحرا به زبان
پشتو . از ولایات باستانی کشور ما ، فریب به
زبان پشتو ، سیب به پشتو ، از فلزات ، ۱۲- برگ
آلماکمل ، میسوزد ، ضمیمه پشتو ، در مقابل این مرض
مجادله بزرگ آغاز شده است ، از آلات دهقانی ،
۱۳- بارخ ، خون است ، گنگ نشده ، ایستگاه
پشتو ، چست نشده ، کندوی آرد ، چهره ، ۱۴-
مادر عرب ، دروازه بزبان عوام ، دوده حاصل
آن ، لام کوتاه ضمیر اشاره ، بیدار سیده ، ۱۵-
معشوقه یوسف ، بسیار مشکل است ، مساوی
به دو صد لیتر است ، آتش پراکنده -
عمودی :-

۱- جدید نیست ، تحریری نیست ، از پرندگان ،
۲- باده لوده است ، آرت ، و بای نا تمام نصف
پارچه ململ ، ۳- خوب نیست ، کمک ، چهره
۴- از جویات ، در حال دین - ۵- نه میشوند ،
برادر به پشتو ، عاشق شیرین ، داغ نشده ،
۶- ردیف اخلاق ، میدان بوکس ، در چایجوش
۲۱ ۲۰ ۱۹ ۱۸ ۱۷ ۱۶ ۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



طرح از :- ملکه سلیمیا نخیل از لیسه سیدنور محمد شاه مینه .

یادآوری :- به علاقمندان و همکاران این صفحه مزه می‌دهیم که هرگاه تا اخیر سال
جاری ، جدولی به مناسبت سال نو با محتوای ارزنده طرح و به ما بفرستند به بهتر یں
آن جایزه می‌دهیم وبقیه آنرا به نوبت با اسم و فوتوی طراح بجا می‌سازیم .

پیدا نمایند ؟

ح	ز	د	ج	ب	ا
۱	+	●	✱	●	■
۲	■	○	✱	△	✱
۳	✱	△	+	○	■
۴	△	●	✱	★	○
۵	△	■	●	△	○
۶	○	+	○	○	✱
۷	■	●	★	●	■
۸	★	○	+	○	△
۹	✱	●	△	●	✱
۱۰	●	△	■	✱	○
۱۱	+	✱	●	△	○
۱۲	✱	■	○	+	○

درین جدول که دارای ۹۶ خانه میباشد دایره های سیاه و سفید و مربع ، گل ، ستاره ، علامه مثبت مثلث گنجاییده شده اما درین همین جدول در یکی از خانه ها برترتیب یک دایره سیاه است که بالای آن یک مثلث سفید و در پایین آن یک دایره سفید موجود میباشد آنرا پیدا و برای ما بنویسید .

چه کاره است ؟



هرکس که در یکی از دوائر کار میکند اسباب و اشیای میز و کارش از وظیفه او نمایندگی میکنند ما هم این تابلو را که در این چاپ نمودیم اطاق کاریک نفر را نشان میدهد آیا میتوانید بگوئید که این شخص چه وظیفه را بدوش دارد.

کدام مخترعین ؟

۱- اودر سال ۱۷۰۱ در اوپسالا (سوئد) دنیا آمد و در سال ۱۷۴۴ در استکهلم از دنیا رفت او که حرارت سنج را ساخت و پیش از آن که این آله اختراع گردد مردم تا قرن شانزدهم حد سر مارا در یک زیر زمین و حدیگر مارا در آفتاب تابستان یا بدن یک انسان تب

دار معین میکردند و بعد ها فارنهایت و رسومور درجه بندی آله درجه حرارت را در حال یخ شدن آب و در حال بخار آب جوش درجه بندی نمود اود در سال ۱۷۴۲ درجه حرارت صدقستی (سانتریگراد) را درست نموده است .

حالا بنگارید که این مخترع کی بود ؟



۲- این شخص که در سال ۱۷۶۵ متولد شد و در سال ۱۸۳۹ از دنیا رفت . اولین فابریکه نساجی را ساخت پیش از آن تکه های قیمتی زیاد بود و مردم متوجه گردیدند که نمیتوانند ازین پارچه های قیمت دار استفاده نمایند و پنبه که زیاد میباشد چرا پارچه های ارزان قیمت نسازند همان بود که با کمک یک کارگر که دو زندان بود دستگاه نساجی را اختراع و بسکار انداخت حالا بگوئید این دو نفر کی ها بودند ؟

بی پروایی

ما این تابلو را که از یک صحنه بالت است چاپ نمودیم درین جافقلمی را ببینید که گریه را سر داده ولی آن دو بایک دنیا نشاط و بی خبری در عالم رقص خود فرو رفته اند ما به این صحنه عنوانی بی پروایی را گذاشته ایم ولی نمیدانیم که شباهت این صحنه کدام نوع عنوان را انتخاب میکند ما برای کسانی که بهترین عنوان را به این صحنه انتخاب کرد جایزه می دهیم و فوتوی شانرا را نیز در همین صحنه چاپ میکنم .



این اثر از کدام نویسنده است ؟

کردم که این يك شهر است همه كوجه ها خلوت و همه در ها باز بود هیچ موجود جاندار از كوجه ها نمیگذشت هیچكس در اتاقها راه نمیرفت و كسی در بانها گردش نمیگرد اما پشت هر زاویه دیوار پشت هر در پشت هر درخت مردی ایستاده بود كه مطلقا ساكت بود هیچ جادو نفر دیده نمیشدند كه نزدیک بهم باشند . این مردان بانگاه دنبالم میکردند از شهر بیرون رفتیم و در صحرا راه افتادم پس از مدتی كمی سرگرداندم و دیدم كه گروهی دنبالم میآیند همه مردانی را كه در شهر دیده بودم بین این جمعیت شناختم سرهای عجیبی داشتند شتابی در رفتار شان به نظرم نمی رسید اما از من تندتر راه میرفتند كترین صدا از راه رفتنشان شنیده میشد در يك لحظه این جمعیت به من رسید و احاطه ام كرد چهره این مردان به رنگ خاك بود .

آنگاه اولین مردی كه در شهر دیده و از وی پرسشهای كرده بودم به من گفت كه ما میروید مگر نمیدانید كه مدتی است كه مرده پید دهان كشودم تا جوابی گویم و مشاهده كردم كه هیچكس پیرامون من نیست مادلن بیدار شد احساس كرد كه از سر مایخ كرده است بادی كه چون باد صبحگاهان سرد بود دولنگه پنجره را كه باز مانده بود تكان میداد آتش بخاری خاموش شده بود و شمع نزدیک به خاموش شدن بود هنوز شب تاریك بود از جابر خاست سوی پنجره رفت باز هم ستاره بی بر آسمان دیده نمیشد از پنجره اتاقش حیاطخانه و كوجه نمایان بود هماندم صدایی خشك و سخت ناگهان از وی زمین برخاست و چشم او را فرود آورد زیر پنجره دو ستاره سرخ كه روشنائیشان به وضع غریبی در ظلمت دراز و كوتاه میشد به نظرش رسید چون نیمی از فكرش هنوز در تاریکی رویا غوطه و ر بود با خود اندیشید عجیب دیگر چیزی از آنها در آسمان نیست حالا دیگر روی زمینند آنگاه آشفتگی افكارش بر طرف شد صدای تازه ای شبیه به صدای نخستین بیداریش را كامل كرد با دقت تگزیست و دانست كه این دو ستاره دو چراغ يك حركت است در روشنائی این چراغها توانست شكل در شكه را تشخیص دهد این يك تك اسبه دو چرخه بود كه به اسبی سفید بسته شده بود صدایی كه قبل از گوشش رسیده بود صدای ضربات پای اسب روی سنگفرش كوجه بود . مادلن با خود گفت این در شكه چیست این کیست كه صبح به این زودی آمده است . هماندم كسی در اتاق رابه آهستگی كویید .

ما حصه از كتاب يك نویسنده مشهور جهان را برای شما شرح میدهم از شما میخواهیم تا اسم كتاب و اسم نویسنده آنرا برای ما بنویسید . در صحرای بودم صحرایی بزرگ و حزن انگیز كه گیاهی در آن نبود نمی توانستم بفهم كه شب است یا روز گردش می كردیم با برادرم برادر سالهای كودكیم برادری كه باید باو بگویم كه مركز در فكرش نیست و تقریبا هیچگاه به یادش نمیآورم . صحبت می كردیم و بارها هكدران مصادف میشدیم از يك زن حرف میزدیم كه در روزگار گذشته همایه مان بود و مادر آن كوجه منزل داشت جلوی پنجره اتاقش كه همیشه باز بود كار می كرد . در صحرا درختی نبود . مردی را دیدم كه از نزدیک ما میگذرد این مردی بود سراپا برهنه همرنگ خاكستری و سوار بر اسبی بود به رنگ خاك این مرد مو بر سر نداشت جمجمه اش نمایان بود و بر جمجمه اش رنگ های دیده میشد چوبی به دست داشت كه مانند ساقه مو نرم و مثل آهن سنگین بود این سوار از جلوما گذشت و چیزی بهما نگفت :

برادرم به من گفت از راه پایین برویم اینجا يك جاده كود افتاده بود كه بته خاری و بركت علفی در آن نبود همه جاو آسمان نیز به رنگ خاك بود پس از چند قدم دیگر وقتی كه حرف میزدیم كسی به من جواب نگفت متوجه شدم كه دیگر برادرم همراهی نیست به دهكده بی كه در آن نزدیکی دیدم وارد شدم فكر می كردم كه آنجا باید رومئویل باشد .

(رومئویل چرا ؟)

اولین كوجه كه من داخل آن شدم خلوت بود به كوجه دیگر رفتم پشت زاویه ای كه از دیوار های این دو كوجه ساخته میشد مردی كنار دیوار ایستاده بود پیش رفتیم و از وی پرسیدم :

اینجا كجاست من كجا هستم او هم جوابی به من نداد .

اینجا كجاست من كجا هستم جوابی به من نداد دیدم كه در خانه ای باز است درون شدم اتاق اول خالی بوده اتاق دوم رفتم پشت در این اتاق مردی كنار دیوار ایستاده بود از این مرد پرسیدم این خانه از کیست من كجا هستم او هم جوابی به من نداد .

خانه يك باغ داشت از خانه بیرون رفتم و وارد باغ شدم باغ خلوت بود پشت اولین درخت مردی ایستاده دیدم به این مرد گفتم این باغ از کیست من كجا هستم مرد جوابی نداد در دهكده سر مردان ماندم و ناگهان مشاهده

میرزا آقا

قسمت دوم

البته نمیدانی که چطور همای گیلان
آب نوشیده میشود. به لب جوی برو
دست های خود را بر زمین پهن کن
سرت را
سای خود را بر زمین بمان. سرت را
پایان کن و مثل گاو و آب بنوش.
بیچاره گاو نیست زیرا جل اسباب است.
چشمان قدیم از غضب و خشم مثل آتش
شد و خودش صدا زد:
صاحب... صاحب...
فقط جل را بشوید با شد. و چندین
نفر باهم خندیدند.
ما مور گفت:

آقایان... خاموش باشید حاکم
صاحب به قهر میشود. اگر غافلان تا سرا
شنید خشمگین و از اطاق پر آمده و بر همه
ما و شما غضب میگرداند.
خوب... تو از کجاستی؟
آقایان اینجا یک دفتر است یا یک
بازار؟ قدیم جیغ زد و این سوا را
پر سید.

ساو هو... ببینید وزیر جل اسب.
من یک تبه آزاد هستم و برای یک
شکایت اینجا آمده ام.
در مقامی این گفته قدیم، کما لیکه
در برنده ایستاده بودند گفتند ما را غو
کنید. ما شما را نمی شناسیم. آقای
جل اسب پوش و همه شان بقا بل قدیم
صف زدند یکی از آن میان گفت:
راه بدهید باقای عا لیقدر تبه
آزاد!!

تبه آزاد برای یک شکایت و حمت
آمدن تا اینجا را متقبل شده اند!!!
قدیم یک قدم بجای دروازه پیش آمد
اما خود را با زمین مردم محصور یافت.
یکی از آن جمله چنین گفت: ما هیچ
فکر نمی کردیم که یک با دار جدید بخیر

اینجا تشریف آورده اند آقایان! قدیم
بجای بلند جیغ زد که حاکم صدای او را
در داخل اطاق خود شنید. ما مور دفتر
رانزد خود را طلب کرد ولی خودش فوراً
و بدون معطل شدن برای آمدن ما مور داخل اطاق
بیرون پر آمده به همه حضار نظر خشم
آلود انداخته پرسید:
ایقدر غافل برای چیست؟

عنا لیقدر! یک نفر دیوانه پیدا شده!
- کو؟ در کجا؟
- اینجا حاضر و تیار است.
قدیم به پریشانی و بدبختی خود
فکر کنان ایستاده بود و وقتی شنید او
را دیوانه معرفی میکنند سر یسار کرد:
دیوانه کیست؟ مرا دیوانه میگویند؟
سر دار حاکم چای او قدیم پر داشتو
به شدت پرسید: چه میخواهی، دیوانه؟
- آب میخواهم، سر دار!
وقتی قدیم این جمله را گفت از چارطرف
او صدای زهر خند و استهزا بلند گردید
چند نفر گفتند:
- دیوانه... بیچاره جوی با این طول و
عرض را اینجا دیده نمیتواند.
- مرا متدیوانه است.

سردار امر کردند: او را بگیرد و ببرید
اگر نجا و نا آرامی میکرد بسته اش
کنید، را سا به دیوانه خانه شهر. بلی
او دیوانه است و باید همه نجا باشد.
باشنیدن این امر سردار حاکم
رنگ از رخسار قدیم پرید و پریده بریده
گفت: چه... چه... چه بعدا احسا سر کرد
که یک پره کوه بر سرش افتاد. با صدای
لرزان و شکسته نا لید: سر دار صاحب
رحم کنید. من آب میخواهم. دیوانه
نیستم. با دار من دیوانه نیستم. من قدیم
اعظم او غلی هستم.
حاکم با زبانی نزدیک شد. خوب بسرو
صورت او دید و گفت را ستی دیوانه
شده.

او را به دار المجانین ببرید.
حاکم بعد از این امر بد فتر خود را خل
گر دید. ما مور به محافظ گفت که قدیم
را ببر. قدیم مقا و مت و وزید. لیکن
اشراف و زمین داران همه یک یک قیله دادند
و قدیم بیچاره را از زین پا یان را دلد
قدیم یک سکه نقره بی بکف دست محافظی
که او را بیرون میکشید رساند و احسا س
کرد که محافظ از او دست برد داشت. قدیم
فورا به جستجوی اداره میرزا کمال بیگ
بر آمد.

تمام بدش درد داشت. راه رفتن برایش
مشکل بود. اما از راه روان پر سید
پرسید: جای مقصد خود را یافت که
یک نفر از قریه خودش نزدیک دروازه آن
ایستاده بود. با خوشحالی صدا کرد:
- هی غلام علی!! سلام علیکم و سپس
دوید و او را به بغل گرفت غلام علی که
خودش پیشه دهقان داشت و داغهای جیجک
روی او را فرا گرفته بود، در حالیکه
عریضه خود را قات کرد و به جیب خود
می گذاشت از دروازه یک دفتر بیرون میبرد.
آمد قدیم روی خود را بر وی ریش دراز
غلام علی چسبیده و با صدای لرزان اضافه
نمود: اوه غلام علی! اگر بدانی که من
چقدر بد بخت هستم. تصور میکنم یک
سال شده که از خانه پر آمده ام. معطل
من باشی، کار خود را زود خلاص میکنم
و بده هر دو یکجا میرویم خانه.

قدیم بغدا قسم که قاطر خود را به
کار و اسرای مانده ام. میروم که ببینم
بجای خود است یا نه!

کارت را زود خلاص کن. هما نجا یا
با هم خانه میرویم. من منتظر ت میباشم.
غلام علی اینرا گفت و روان شد. قدیم مثل
طفلی که راه خود را گم کرده باشد عقب او صدا
زد:

غلام علی ترا بغدا قسم که بی من نروی.
- نمیروم، خاطرت جمع باشد.
قدیم تا وقتی غلام علی را تعقیب نمود
که در یک کج گردشی از نظر غایب شد
و پس از آن به اداره مهر را کمال بیگ
داخل گردید. دید که میرزا کمال بیگ
شصت های خود را به جیب دو طرفه اسکت
گرفته و روی فرش خشت دفتر از پس
سو با ن سود واز آن سو با پینو قدیم
میزند. همینکه قدیم را دید پرسید:
- اوه رفیق... بیایا... چه خبر خوش
داری؟

صاحب... من بر عکس خبر های خبر
خراب دارم.

- چرا؟ چه واقع شد؟
- هما بطور که گفته بودید، آنها سخن
مرا نفهمیدند... نه تنها سخن مرا نفهمیدند
بلکه مرا دیوانه هم گفتند.
در کج دفتر یک میز مانده شده بود.
میرزا کمال بیگ بعد از این صحبت مختصر
طرف میز رفته به عقب آن دور خورده یک
دست خود را روی میز ماند و دست دیگر
خود را به سرب می و طاس خود گذاشت.
نیده و علاوه نمود:

- بلی... عارضی با ید عریضه تقدیم
کند. حرف ما و شما مردم دهات را کمی
درک نمی کند. فقط عریضه میخوانند و

شما با ید عریضه بدهید
وقتی که عریضه دادید، آن وقت
آنها خوانده نمی توانند و اگر با صد زحمت
بخوانند معنای آنرا فهمیده نمی توانند
و زبانی می پرسند.

ولی بهر حال هیچ عارضی با ید بدو ن
عریضه تحریری بد و ایر برود و وقتیکه
رفت با ید عریضه تحریری با خود داشته
باشد.

سراست میگوئی برادر! اگر غمهای
عارضین کم میبودن مانند جوبخشش
و لاغری زرد و زار نمیشد.

اوسینه خود بخارید و قدیم سر خود
شور داد و بعد گفت:

صاحب همینطور است، همینطور است
اگر آدم های مثل شما نمی بود، من
نمیدانم که احوال ما غرب ها و بیچاره ها
چطور میشد؟

مرغها چشم ما را و حیوانات جسم ما را
می خوردند.

- راست میگوئی برادر! اگر آدم
تنها بفکر خود باشد، زندگیش آسان
میشود. مثلاً برای ت قصه کنم. یک نفر،
درین نزدیکی یک غره دارد. همین غره
سو ام از اینجا. از من میخواهد که همراهش
شریک باشم. برای من میگوید تو آدم
فهمیده استی! همین حساب و کتاب برآزیر
نظر بگیر و کار آبرابکن، من مثل بر سر گهای
خران برای ت پول میدهم. اما من برای ت

گفتم که اگر من همراهی تو شر یک شوم
برادران غریب و غمگین عارضین من چه
خواهند کرد؟ کی عریضه شاه را خواهد
نوشتند. وقتیکه عریضه نزد حاکم میرود،
اول باید به کتاب ثبت قید گردد.

قدیم پرسید: به کتاب ثبت؟
رفیق من، تو چه فکر میکنی؟
به کتاب ثبت رسمی اباز آنرا مدیریت
به دو سیه میماند. که نوشته و نشان
نمایی در آن چاپ شده. عریضه را که
در میان دوسیه میماند باز خودی
آنرا نزد حاکم میبرد. دوسیه را بدست عارضی
داده و هر دو پیش حاکم خود را خم میکنند
میبینی که احوال عارضی را از چه قرار
است؟

قدیم از شدت آنچه بر او واقع شده بود
هر لحظه درد زیاد تر حس میکرد. دیگر کتاب
ایستادن نیاورد. پهلوی دروازه روی
زمین اطاق نشست و سر خود را برای
تصدیق گفته های میرزا کمال بیگ نشور
میداد. یکبار گفت: خدا به آدم های
فهمیده مثل تو صحت و سلامت نصیب
کند. قصه منم ازین قرار بود. حالا عریضه
من روی میز سر دار حاکم صاحب افتاده
و عکس ترا هم که در دیوار نصب است
از همان بالا بر عریضه من مینگرد. اما
اگر از دست خود همین آدم کلان عرض
کنم چه میشود؟

کمال بیگ دست خود را به عقب گوش
خود قرار داده پرسید:

مطلب چیست، من حرفت را نمیفهمم؟
یعنی گفتم که اگر از دست همین سردار
حاکم صاحب عرض کنم و شکایت کنم
چه نتیجه خواهد داد؟

چه شکایت داری از حاکم؟

تمام جانم و تنم از دست شان درد
میکند. تمام افکارم شده غلو تا مرا
دیوانه هم گفتند.

با شنیدن این مطلب میرزا کمال بیگ
بشت میز و سر چوکی خود نشست، آرنج
خود را بالای میز و پنجه خود را بالای مشت
خود مانده پرسید: همین بعد عریضه
ات؟

که میخواستی بنویسی و بمقامات بالا
بدی؟

بلای صاحب من با دیدن دیروز آنرا برای
تو نمیگفتم.

میرزا کمال بیگ از چوکی خود بر
خاسته گفت: حالا هر چه را بمن بگو.
قدیم هم خواست که ایستاده شده
حرف بزند اما میرزا کمال بیگ علاوه کرد:
همانطور نشسته حرف بزن... آزاد استی
اینجا دفتر سرکاری نیست.

قدیم چار زانو روی فرش اطاق
نشست. رویش از شدت درد تغییر رنگ
میداد و بار دیگر تمام قصه خود را از سر تا آخر
میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
میرزا کمال بیگ شرح داد و وقت گذشت خود را تمام
کر دستان از خشم می لرزید که صدایش
تغییر و با لرزش عجیبی علاوه کرد:

بلای میرزا صاحب... بخود با شاه
بزرگ بنویس. آقا، صاحب، عریضه

مرا بنویس و در آن علاوه کن که آیامن
قدیم اعظم او غلی تبعه آزاد او هستم یا
نیستم؟

همه چیزهای را که برایت گفتم نوشته
کن... به پادشاه بنویس که قانون های
او را در مورد ماکسی تطبیق نمیکند.
اولی اگر من تمام این داستان را بنویسم
، پوره یک ناول خواهد شد.

برادر ناول چیزی را میگویند که
نویننده از خود بیافد، قصه من چه ناول
دارد، همه چیزهای که برایت گفتم راستی
و حقیقت است. بخدا قسم میخورم که هر
حرفی را سنی است. یک کلمه دروغ نگفته
ام. همه را بنویس. همانطور که است
بنویس.

میرزا کمال بیگ یک ورق کاغذ خط دار
را از روی میز خود کشیده و یک قلم راهم
بدست گرفت. قدیم باز گردن باریک
و استخوانی خود را در حالیکه رگهای
آبی رنگ آن ورم کرده و بر خاسته بود
پیش آورده و گفت:

بنویس آقا جان. بحضور پادشاه، من
دیوانه نیستم. و بنویس که من قدیم
عظیم او غلی، رعیت صادق تان می باشم
و بنویس که من برای پنبه خود آب
میخواهم. زمین من خشکیده و بدون آب
مانده و از بی آبی ترک ترک شده. هر چه
را که میدانی بنویس، نوشته کن که...
بلی آقا هر چه را خبر داری بنویس، همان
طور که من میگویم بنویس، از رویه حاکم
اینجا هم بنویس، ترس، هیچ و هم
و خوف را بدست جای نده. من جواب
ده هستم. هر چه واقع شد من جواب
میدهم.

میرزا کمال بیگ ناگهان جیغ زد:
اما او برادر خط مرا همه میشناسند.
مرا به کشتن لده.

ترس، من جواب ده هستم من جواب
میگویم. هر چه را من گفتم همان طور
بنویس.

چرت خود را خراب نکنی. من جواب
این نوشته را میدهم. تو همان طور یک
من میخواهم بنویس.

میرزا کمال بیگ برای قدیم عریضه
نوشت. به عنوان همان عالیترین مقام
نوشت. اما تنهادر باره ضرورت او به
آب جهت کشت پنبه اش نوشت. دیگر چیزی
ها را ننوشت. با کاغذ جذاب، نوشته
های خود را خشک کرد. عریضه را بسته
یک گوشه میز مانده و دیوانه را به
طرف قدیم پیش آورده و گفت:

شصت خود را اینجا بچسبان.

من سر خود را می چسبانم. تونیا
انگشت مرا میگوئی. اینرا گفته انگشت
خود را برنگ زد و بعد به قوت زیاد بر
کاغذ چسبانید.

میرزا کمال بیگ، یقین داری که هر
چه را برایت گفته ام نوشته ای؟
بلای. همه چیز را نوشته ام.

و عنوان آن را بنام خود پادشاه نوشته
ای؟

بلای.
در باره رویه حاکم این جا هم نوشتی؟

میرزا کمال بیگ حسب عادت پشت گوش
خود را خاریده عریضه را قات کرد و اضافه
نمود.

هر چه ضرورت لازم بود نوشتم. حالا
بر خیز و این عریضه را بگیر و را سا
برو به دفتر پست و بنام خود پادشاه به
پسته بپرداز.

میرزا کمال بیگ پا کت را سرش نمود
و نشانی دفتر پسته را به قدیم فهمانید
که از کدام جا و کدام راه با نجا برود.
قدیم کاغذ را گرفت و یک نوت را هم
از جیب خود کشیده و بر میز گذاشت و
جانب میرزا کمال بیگ دیده علاوه نمود:
به راستی شما حامی عریضه دارها
هستید. همه عارضان دعای سر تا ندا
میکند.

قدیم رفت جانب پسته خانه، بز و دی
آنرا یافت. کاغذ خود را به هر کلمه
و غره پیش کنان از آنجا پرسید که
چطور آنرا به شاه برساند. پالیده با لیده
غرفه مربوط را یافت و گفت:

عریضه پدر با شاه... گفته و دست
خود را پیش کرد تا کاغذ را بدهد.
به خود شاه؟ پس بگو که در عریضه
خود چه نوشته ای؟

اگر میخواستم تو مطلب مرا بفهمی
عریضه را در پاکت نمی انداختم و سرش
نمیگذاشتم.

و قتی بدست خود پادشاه برسد مطلب
را خودش میفهمد.

چنین جوابی آنهم از جانب یک دهقان
ساده میرزای پسته خانه را متعجب ساخت.
و گفت:

چرا مثل سر که ترش هستی؟
من وقت گفتگو ندا ندارم. پول را
بگیر.

ولی پادش آمد که باید بدخلقی نکند
و بهتر است قبر خود را بوشاند و باز
گفت.

او برادر جان... میرزا صاحب...
قربان... لطفاً تو چه کن که همین عریضه
من اینجا ره در راه گم نشود و محفوظ بماند
همان جایی که نوشته ام برسد.

کاتب پسته خانه طرف قدیم دیده
و پرسید: دفعتاً اینطور تغییر کردی
سر که به یکبارگی آب شد!
از سبب آب است که من مثل سر که
شده ام.

آب باتوجه کرده؟

اینک برادر جان... بگیر مکتوب و
عریضه مرا... لطفاً بگیر و رسید بده و
آنرا بزودی به نزد پادشاه بفرست... هر
قدر زود که میتوانی. من کدام وقت
دیگر نزد تو میایم و تمام گپ و سخن
را برایت نقل میکنم.

اوه... آدم سخن خود را از رفیق خود
پنهان میکند؟

آدم رفیق را در وقت ننگ سستی می
شناسد. عریضه مرا بگیر. تو چه
کن که پادشاه برسد. هر قدر زود که میتوانی
آن وقت باز من میفهمم که تو رفیق من هستی

کاتب عریضه را بد فتر ثبت کرد. پول
پسته را از قدیم گرفت و رسید رجستری
را داد.

قدیم با و گفت: اگر عریضه من گم
شد باز من میمانم و تو!

یک عارض دیگر که در عقب او ایستاده
بود بی صبرانه او را بادست خود متوجه
ساخت که زود از غرفه دور شود تا
نوبت با و برسد که نزدیک غرفه بیايد
قدیم زود جای خود را با داد اگر چه

قهر شد اما چیزی نگفت. قدیم از پسته
خانه جانب جایگاه روانه شد. تمام کار
و اسرای را پالید تا غلام علی را بیايد
همراهی او به قریه برود. اما غلام علی
بنظر نیامد.

چند قرص نان خرید. آنها را به

جیب هاوزیر بغل های کرتی خود جابجا
نمود و جانب خانه خود روا نه شد.

زمین دار بزرگ ده قهر شده بود که
قدیم چرا به شهر رفته و چرا شکایت
کرده. هر صبح و شام میراب را نزد خود
خواسته و سر او غضب میشد و میگفت:
بغضب خدا شوی... نمک من ترا بشیر
ماند... چرا کار او را نساختی... چرا
تکشی که از غش خلاص می شدیم.
با دار جان بخدا قسم که ما فکرم
کردیم آنقدر زده بودیمش که نفسش باید
بر آمده می بود.

سباز نقش او را روی زمین ماندی و
رفتی؟

این از بی احتیاطی ما بود. ما با دید
او را در پهلوی جوی گور میگردیم.

اما تو این کار را نکردی. ماندی
که زنده شود و برود شهر و عرض کند
ما مور پولیس فقط بها نه میخواهد. یک

تولی بهره سرمن روانه خواهد کرد تا
یک هفته پوره آب و نان برایشان بدیم
بعد از او باز نوبت حاکم میرسد که بیاید
و من با دیدن چاره او را کنم. یک هفته این

کار دوام میکند. باز نوبت نایب الحکومه
صاحب میرسد. و من باز باید پیش او
جار غول نما بسم. آخر برای چه؟ صرف
برای اینکه یک دهقان از دست سر هتنگ

آغاشکایت دارد. هر آدم بی سروبی پای
حالا برای ما چاه میکند!! وزیر پای
ما آب میراند! حال یک دهقان مثل قدیم
هم شروع کرده.

وفیل هم نمیتواند بمقابل او ایستادگی
کند. و گناه این همه بگردن کیست؟

گناه تو، میراب احق لوده... پروت های
خود را مثل دم خر کلان کردی و گردنت
از جاقی بندیدی. کرتی بالا با تو ن
دوزیت، کنان جانت شود!!

با دار جان قسم میخورم که قصور من
را میگردم. تو باش که یک دفعه پس
اینجا بیاید. زنده بگوش میکنم.

بعد از اینکه رفت به شهر شکایت

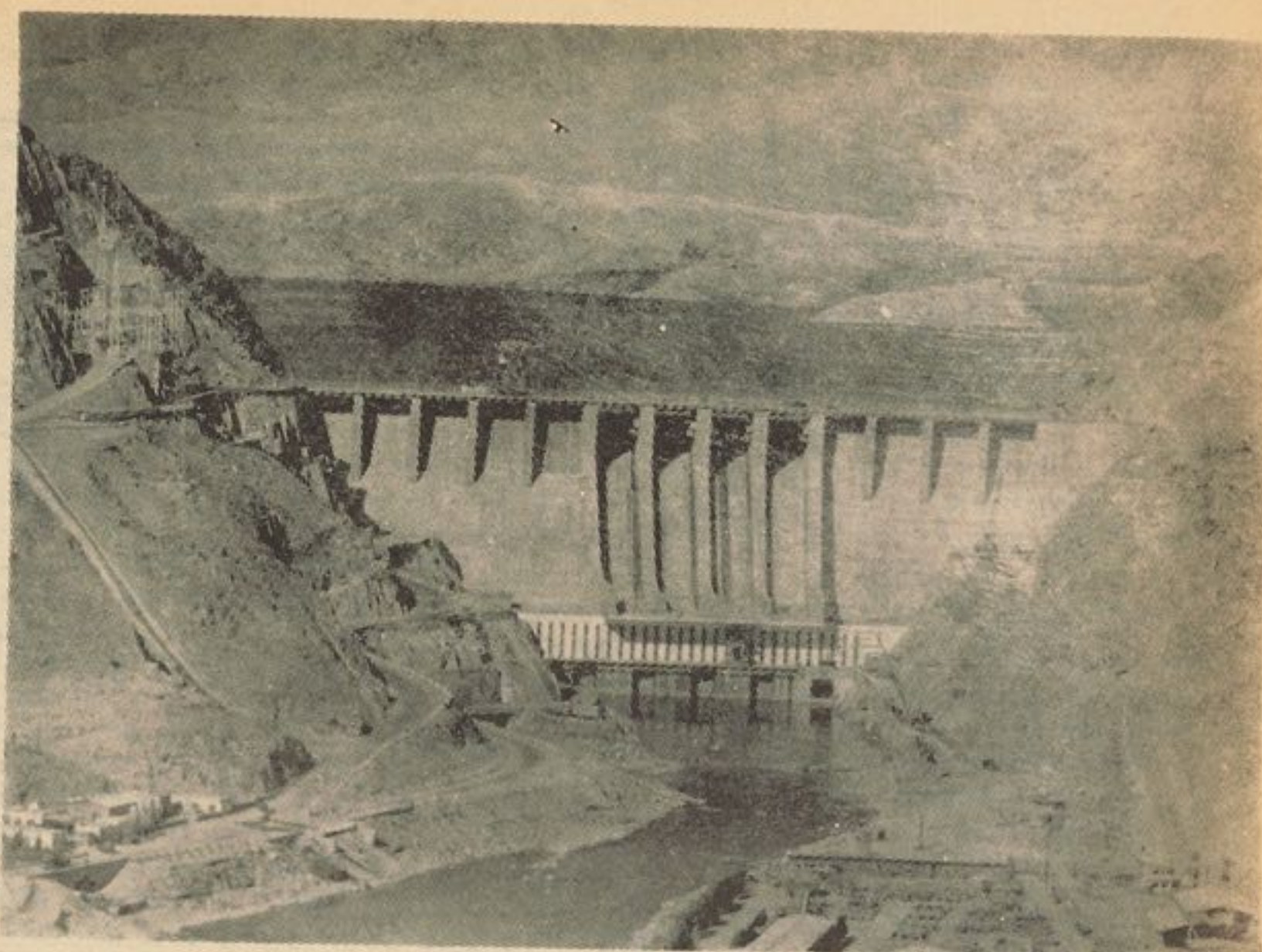
کرد و عریضه داد. تو میخواهی به آن
ما مور پولیس که پدرش را کشته بود باز
فرست برسد که از من انتقام بگیرد.
تالام

خادتر و بفرنجتر گردد، نمی توانست بشکل
فایده کننده حل گردد مگر آنکه جنگلهای
خا نما نموز پو قوع نمی یوست و یا در
آینده از بروز آن جلوگیری شود و صلح
بایداد سرامر دنیا را فرا گیرد و آن زمانی
میسر شده میتواند که جهان عا تا بسع
یک نظم جدید اقتصادی و سیاسی باشد
که دموکراسی واقعی بنفع کارگران،
زحمتکشان و سایر طبقات تحت ستم
پر تو افکن گر دیده و بشر دست بدست
هم داده در جامعه ای شگوفان و فارغ
از استثمار زنده گی با همی اش را ادامه
دهد .

زیرا با تعمیم دموکراسی واقعی که از
طرف کارگران و زحمتکشان بنیان یابد
منابع انرژی طور عا دلالت در خدمت انسان
قرار میگیرند و با برکت علم و تکنولوژی
عصری و بکار برد اندیشه خلاق و دورانداز
طبقه کارگر خلق های دور انسا که در
کنج و کنار این کره خاکی بصورت پرا-
گنده زنده گی میکنند ، منابع جدید انرژی
کشف و مورد استفاده همگانی قرار میگیرند
که بدون تردید اندیشه و نگرانی سرسام
آور ناشی از کمبود انرژی و بحران آن در
آینده بر طرف میگردد .

جنگلات ، مواد نفتی ، ذغال سنگ انرژی
برقی اتم و آفتاب یا این بزرگترین
منبع انرژی درجهان ، در روشنی صلح
و همزیستی مما لمت آمیز طوری در خدمت
انسان قرار خواهند گرفت که از عرجین
رشد سریع جوامع عقب مانده صورت می
پذیرد که با بخش و گسترش اندیشه متری
و آید یولوژی دورانداز طبقه کارگر
خلق های بیامی خیزند و طراح برنامه های
انکشافی خود می شوند و با بکار برد
نیروی خلاق و زوال ناپذیر خویش بدون
تشویش و نگرانی ای که امروز از ناحیه
مواد سوخت و جهات دیگر ناشی از اقدامات
سوء امپریالیزم متوجه آنها میباشد، زندگی
با همی شان ادامه میدهند و با در خدمت
انسان قرار دادن انرژی اتم و آفتاب، بر
بحران انرژی و مشکلات ناشی از آن در
آینده خاتمه میدهند .

با یاد گفت که نام استفاده صلح آمیز
از انرژی اتمی جوامع بشری را از
بحران انرژی در آینده نجات میدهد ،
مشروط بر آنکه دست امپریالیزم جهانی
از سر خلق های تحت ستم کوتاه گردد
و کاههای ظلم و ستم استثمارگر اندر
پیش پای زحمتکشان و واژگون گردد و
جوربی حدو حصر امروز امپریالیزم جهان
که بر خلق های تحت ستم جرمانه دارد
بر طرف شده و بخواسته های قانونی
زحمتکشان سرامر جهان پاسخ مثبت داده
شود ، صلح دایمی درجهان برقرار میگردد
که در روشنی صلح و زندگی با همی
ابناء بشری نتوانند از منابع انرژی به
صورت عا دلالت استفاده نمایند .



نمایی از سر بند برق نفلو (یکی از منابع مهم انرژی)

مشکل بحران انرژی در جهان

...

آفتاب به حیث بزرگترین

منبع انرژی

قسمت دوم

کرد که تعداد کثیری از انسانهای دیگر اصلا
از چگونگی انرژی آفتاب، انرژی اتم و
شکل استفاده از آنها اطلاعی نداشتند .

بهر صورت کمبود انرژی طوری که امروز
فوق العاده محسوس است و منابع آن
روبا تمام است نگرانی زیادی ازین ناحیه
متوجه جوامع بشری گردیده است .

بالا رفتن فی بیرل قیمت نفت در هر سال
و پایداری نفت مواد سوخت چون ذغال
سنگ و چوب سوخت که تنها با عث درد
سر برای کشورهای صنعتی جهان گردیده
است بلکه با عث اندیشه و نگرانی قاطبه

سر نشینان این کره خاکی، میباشد
که با ید جهان ما در روشنی صلح علاج
واقع را قبل از وقوع بنماید و بجای
مصارف نظا می و پولهای مصرف شده در
مسابقات تسلیحاتی در راه سرسبزی
جهان ، کشف منابع انرژی جدید
زیر زمینی و عمومیت دادن استفاده از
انرژی اتمی و انرژی آفتاب بنماید تا

باجا گرفتن اندیشه مترقی دوسپاد انسانهای
تحت ستم و پیروزی انقلابات
دموکراتیک درجهان و جهان شمول شدن
حکومت های پروتاریا و سرنگونی دولت
های امپریالیستی جنگ طلب ، بدون شک
استفاده از انرژی اتمی بدست خود کار-
گران پیروز مند عمومیت پیدا میکند و انسان
بالنده و دور انداز اتم را بصورت واقعی
در خدمت انسان قرار میدهد و سرنگوله
های ذروی را که جهت کشتار انسانهای
قد بر افراشته برای کسب حقوق انسانی
شان رهبری شده اند ، برای همیشه نابود
میسازند و افق های تاریک انسانهای
تحت ستم را با نور ناشی از انرژی اتمی،
نورانی میگردانند .

در جهان سرمایه داری استفاده از مظاهر
جدید زنده گی عا لی شکل طبقاتی داشته
که با ادامه نظام سرمایه داری ادامه
میداشته باشد و ازین سبب استفاده از
انرژی آفتاب نیز در جهان کپیته لیستری جنبه
طبقه ای خواهد داشت و تعداد محدودی از
نوع بشر در حالی از آن استفاده خواهند

خوا بچند ساعت با ید طول
بکشند ؟ آیا اشخا صی هستند که
بکلی نمی خوا بند ؟ برای خواب
نورم منا سب و معین مو جو نیست
و همچنان اشخا صی هستند که در
صحت و سلامتی زندگی نمی
کنند .

از تجارب چندین ساله در قسمت
مریضان مبتلا به بیخوابی نتیجه
ذیل بدست می آید ، آنها یکسره
از بیخوابی شکایت دارند در حقیقت
خواب هستند ، بهتر است در این
مورد از گفتار روان شناس معروف
فرا نسوی پیروی یاد آوری شود
(شخصی هیچگاه نه می خوا بد که
همیشه خواب است این نوع اشخا-
صی برای مدت کم خواب میکنند اما
بعد از هر چند ساعت).

اشخا صی هستند که بطور مثال
کم می خوابند . پتر اول ، ناپلیون ،
شیلر فقط پنج ساعت در شبانه
روز اما ادیسن دوالی سه ساعت در
شبانه روز می خوابید . تعداد زیاد
مردم در یک شبانه روز در حدود
شش ساعت می خوابند اما
مشخصات جسمانی آنها به حالت
بهتر آن باقی می ماند . در عین
زمان اشخا صی یافست می
شوند که مدت خواب مکمل آنها تا
۱۹ الی ده ساعت طول کشیده و بعد
از آن خود را آرام حس می کنند .

طبق ارقام معلوم ویدست آمده
در بسیاری مما لك انكشاف یاف-
فته دو سوم قسمت مردم از خواب
خراب خود شکایت دارند . در اتحاد
شوروی در شهر مسکو تحت يك
پروگرام معین از شش هزار نفر
درین قسمت پرسش بعمل آمد .

قسمتیکه معلوم شده در حدود چهل-
وپنج فیصد آنها از خواب خراب
خود شکایت داشتند . در این جمله
بسیار و يك فیصد آن خواب خراب و
چهارده فیصد اشخا صی هستند که
از خواب عمیق خود رضا یت دا-
رند اما مداومت آن کوتاه است .
(این نوع اشخا صی را کم خواب می
نامند) و ده فیصد آنرا اشخا صی
تشکیل داده که زیاد خواب میکنند
اما نه چند آن عمیق . گروپ اشخا-
صی کم خواب را معمولا متعلمین و
محصلین تشکیل می دهند .

گروپی که از خواب خراب خود
شکایت میکنند معمولا دارای
سن اضافی از چهل سال مسمی
باشند . این اشخا صی به زحمت می

ترجمه : س. احمد

تدابیر عمده در قسمت خواب و صحت

خواب بند در شب چند مرتبه بیدار
میشوند و خواب های خطرناک می
بینند و معمولا از نا سلامتی ارگان
های داخلی و یا از ترسیدن ، عادات
تلقین شده ، خرابی مزاج و خستگی
شدید رنج میبرند . حسب معمول
از دوا های خواب آورو مسکن استفاده
می کنند .

طبق نتایج تحقیقات اضافه تر
از همه کارکنان و سایر حمل و نقل
(ترا نسپورت) از خواب خود رضا-
یت داشته اما زندهای که در خانه
مصرف امور منزل اند و کسدام
مصرفیت دیگری ندارند و متقاعدین
یعنی ما مورینکه مدت کار آن به
انجام میرسد و تقاعد می نمایند
از خواب ناراضی می باشند .

کارگرانی که با آلات اهترازی ،
غالبات و مواد شیمیایی سروکار
دارند موقعیت وسطی را در بین
دو کتگوری فوق دارند . اشخا صی
در رشته های که جنبه فکری و روحی
داشته باشند بسیار بیخوابی می
کشند .

قسمتیکه در یکی از موسسات
پرسش صورت گرفت فقط نژده
فیصد کارکنان فکری از خواب خود
رضا یت داشتند . علت این حادثه
کارهای شدید فکری ، نپسودن
خستگی جسمی و از دیاد معلومات و
اطلاعات است . در جمله کسانی که
از خواب خراب خود شکایت دارند
زنهای قسمت اعظم آنها را تشکیل
میدهد . يك خصوصیت با ید تذکر
داده شود از سابق این نکته معلوم
است که انسان در قسمت خواب بوس
خود بطور عینی قضاوت کرده نه
می تواند . پرسوئل طبی و اشخا-
صی نزدیک با کسانی که صبح از

خواب بیدار میشوند و از خواب
خراب خود شکایت می نمایند
از خواب عمیق آنها که گاهی با
خروپف نیز همراه می باشد شبانه-
دت می دهند .

در تحقیقات متعدد دی با لای مر-
یضا نی که از خواب خراب خود
شکایت داشتند حقیقت فوق به
اثبات رسیده است بطور مثال اغلبا
این نوع مریضان را قبل از خواب
يك صفحه کاغذ و قلم می دهند تا
در هر نو بت بیداری خود با لای
صفحه کاغذ يك خط بکشند معمولا
دید شده است که صفحه کاغذ
بدون کدام خط به حالت اولی
خود باقی مانده است .

در يك قسمت تحقیقات حتی تو-
سط آلات ولوازم مخصوص حرکات
مریض در زمان خواب تثبیت گرد-
یده و دیده شده است که در يك وقت
معین به حالت آرام باقی مانده
این حالت در وقت بیداری هیچگاه
به نظر نه می خورد .

علت چیست ؟ ممکن است مریض
بطور شعوری خود را در این مورد
تلقین می کنند و فکر می کنند که
خواب خراب دارند ؟

قسمتیکه معلوم است این طور
صورت نمی گیرد زیرا نخست
اینکه شخصی ، شب در مدت بیداری
تصور می کند که وقت دیر تر
میگذرد . دوم اینکه بعضی از اشکال
فعالیتهای روحی را که در خواب می
بینند مانند بیداری فکر میکنند .
سوم اینکه حالتی موجود است که
در صورت آن موجودیت خواب نفی
میگردد . تعداد زیادی از سوا لها
زمانی حل گردید که علما به ثبت

عینی فعالیت مغز انسان در زمان
خواب رجوع کردند . از تحقیقات
مذکور نتایج ذیل بدست آمد :
اشخا صی وجود ندارند که بدون
خواب زندگی کنند . بدین لحاظ در
حال حاضر استعمال اصطلاح بی-
خوابی ، درست نیست . این لفظ
از نقطه نظر ما عیت خود نیز
صحیح نبوده زیرا از سوی دیگر
شرایط ناگوار روحی را بار می
آورد حتی اشخا صی که از خواب
کردن بکلی انکار می کنند مدت
خواب آنها به بیست و چهار دقیقه
می رسد در حالی که نورم این-
اشخا صی ۵-۱ دقیقه می باشد .

در این مورد اشخا صی را که
خواب خراب داشته باشند بطور
میتوان کمک کرد ؟
در این قسمت بهتر است از
استعمال دوا های متعدد پرهیز شود
و در عوض رژیم استراحت ، کار
و تغذیه بطور مناسب تعیین شود .
در این قسمت انتخاب کار از اهمیت
بسیاری برخوردار می شود . بدست-
نیست که در اینجا نکته چند از آما-
دگی برای خواب سخن گفته شود
تمام وقت بیداری در حقیقت مقدمه
چینی برای خواب است . در این-
مورد باید به عادات مقرر از احتیاط
کارگر فته شود . يك شخص بعد
از تقریبی پنج خوربتر خواب می
کند .

بعضی هازمانی که گرسنه باشند خواب
کرده نمی تواند اما برعکس بعضی
ها را این کار مانع نمی شود . بصورت
عموم بهتر است که قبل از خواب
کمی تفریح شود و از خوردن غذایی
قبل از خواب خود داری شود حمام
گرم بگیرد . اما عادات در این قسمت
از هر نوع توصیه ها مهم تر است .
بطور مثال تعداد زیادی عادت
دارند قبل از خواب مطالعه می کنند .
داکتران چشم اظهار نظر می کنند
که این کار اثرات منفی بار آورده و
مضر است . اما اگر در صورت
خلاف رفتاری از این کار خواب برهم
زده شود بهتر است تا آنرا ادامه
داد . علت برهم خوردن خواب بطور
ثابت اختلال سلسله اعصاب می
باشد . اگر چه مبارزه با این اختلال
کار یست بس مشکل اما میتوان آنرا
مغلوب نمود .

بقیه در صفحه ۴۹

جراحی روانی...

واقعه میشد در دهه شصت و بعد از آن جراحی روانی به طرز نو شکل گرفت همگام با تکنولوژی معاصر روش های نوین و تو می ابتدا می متروک و بجای آن عملیه های منجمد سازی ، انساج ، مداوا با مدارکی صوت و نصب الکتروود ها بمیان آمد.

نتایج بعدی نشان داد که هر سال چهار صد الی پنجصد فرد بیمار احتیاج به عمل روی میز جراحی قرار میگیرند. طریقه های گفته شده شامل فرو ریزی وانهدام يك عده انساج بخصوص مغز بوده تا عادت غیر نور مال و غیر قابل مهار در اداره آیند .

با آنکه قدم های مثبت برای شکل گیری بهتر این طرز العمل صورت می گرفت گروهی از جراحان مغز رد دست شما نرا آهسته ساختند و عمل را محدود واعلام داشتند که در بسی واقعات نادر منحنی آخر-ین در مان میتوان دست به چنین کاری زد به عنوان مثال در واقعات پیلپسی میتوان این جراحی را به خدمت گرفت اما اولین اعتراض بر مسئله توسط داکتر پتر بر ژن روانکاو امریکایی صورت گرفت. وی را قاتل ضمیر و روان خوانداز دیدگاه داکتر بر ژن هدف واقعی جراحی جز ضعیف ساختن ، تغییر در شخصیت و منش ، آرام ساختن بی لزوم شخص عمل سر کوب سا-ختن احساسات وعواطف چیز دیگری نیست ضمنا او خطرات احتمالی را بیشتر انگشت گذاشت وعلاوه کرد چون نتایج این اصل ناباز گرداست کاری است بسی خطر ناک ، ازسوی دیگر :

۱- جراحی روانی در انسانها به پیروی از شیوه جراحی حیوانی صورت میگیرد . که نتایج خوبی به دنبال ندارد .

۲- جراحی روانی مداخله مستقیم به شخصیت ، عادت و منش - دارد .

حال که کم و بیش از مخالفان عمل گفتیم ، ببینیم مدافعان در مورد چه گفتنی دارند و چگونه دلیل میاورند: دانشمندان جان دو نلی روان نشنا-

س امر یکی در داغترین روز های انتشار خبر اعلام داشت که عمل روز بروز به شکل بهتر حاضر می شود . وجهان طبابت نمیتوانند از موجودیت و همگانی آن انکار نماید. داکتر ویلیارد گایلین به پیشرفت این طریقه حتم دارد به نظر او با اندکی تعدیل ودست کاری میتوان موفق شد به نظر او رد عکس العمل های منفی روانی که با این وسیله

تحت کنترل در می روند تا ثیرات گروهی داشته و نصب الکترودها رانایز مند است با آنها فایده های آن نسبت به زیان های آن پیشی میگیرد . نظر به گفته های بالا بیمار میداند که شیوه جراحی

بقیه صفحه ۱۸

ریکار د بودو...

از آن غرض تحقیقات سطح زمین استقا ده های زیاد بعمل آوردند. دراوقاتی که کار آنها رو به اختتام بود معلوم شد که آنتن رادیو تلسکوپ از استیشن سا لوت شش جدا نمی شود. اگر آنتن به حالت خود گذاشته میشد استیشن مذکور نظر به پلان معین خود کار را پیش برده نمیتوانست . برای اینکه آنتن از استیشن علیحده میشد ضرورت افتاد تا کیهان نوردان به فضای آزاد بیرون آیند . سا بق کیهان-نوردان به فضای آزاد در روز های اول پرواز خود می بر آمدند یعنی

وقتیکه دارای نیروی کافی بودند اما این دو کیهان نورد مجبور شدند تا در روز ۱۲۷ کار خود به فضای آزاد بیرون آیند اگرچه از نقطه نظر داکتر ها این عمل امکان پذیر بود. بالاخره به تارینخ پا نزده اگست در مرا حل اختتام کار خود این عملیه رانیز به پایان رسانیدند و علاوه به ابتکار خود تحقیقات اضافی را نیز انجام دادند منجمد طرا حان استیشن میخواستند بداند که در دریچه های استیشن چرا کمی تا ریکی ایجاد شده بود. ریومین

تغییری در شخصیت او وارد نخواهد کرد که این عمده ترین تیوری روانی خود وحمل) است مر یضان رو حی که به اصول های دیگر درمائی تن در نمیدهند این تداوی را به عنوان آخرین راه در مورد می دانند .

نظریه آینده :- سالیان آینده دو هزار و فوق آن هر چه بیشتر باز تاب فشار ها یش را بر مغز ما وارد خواهد کرد و بیماری های روانی و روان جسمی را در دنیای طب بخش خواهد کرد که امروز آن نامی نیست . بهر حال اگر در گیری های روحی وخستگی روز بروز زیاد میشود ومغز ما را تسخیر می کند،

گسترش وتحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عوا مل بیماری را در تقلا خواهد بود !

کسترش وتحقیقات علمی نیز روز بروز برای مهار نهایی آن میکوشد بهر حال سال های دوهزار ما را بیاد قصه های علمی خواهد انداخت که انسان چگونگی برای نجاتش از عوا مل بیماری را در تقلا خواهد بود !

تو سطل دستمال کاغذی مخصوص در پیچه را پاک کرد و دستمال را با محتویات آن به زمین باخود آورد . ریومین ولیا خوف يك ساعت و بیست و سه دقیقه در فضای آزاد سپری کرد و سه روز بعد سپوز سی و چهار در منطقه معینه به بسیار نرمی پا نین آمد . به این ترتیب ریومین ولیا خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را در فضا سپری کرد و تا هنوز این رقم ریکارد جهانی در قسمت بودو باقی در فضای کیهانی میباشد اما هدف در این قسمت از قایم نمودن ریکارد نیست بلکه هدف این است تا دانسته شود که بودو با شش زیاد وطویل کدام خطرات را بار می آورد . علما این مسایل را بطور مو فقا نه حل مینمایند و وسایل حفظ ما تقدم را برای مبارزه با تمام ناگواری ها طرح میکنند . این نکته هم اتفاق نیست که مدت اقامت در فضا روز بروز طولتر میشود بطور مثال یوری روما ننکو و گیورگی گرچکو نود و شش شبانه روز و ولادیمیر کوالو نوک و الکساندر ایوانچنکوف یکصد و چهل شبانه روز را در فضا سپری کردند و حال ریومین ولیا-خوف یکصد و هفتاد و پنج شبانه روز را بلند بردن با لتر تمب مدت ساخت

۱- این اصول در آینده در صورت رت هدایت گروهی جراحان باید صورت گیرد بدینگونه عمل وسیله کمیته ها بر رسی گردد . موافقت مر یض با عمل در زمینه در صدر مسئله است .

۲- این وسیله بیشتر با لای بیمارانی روانی وزندانان و اطفال تطبیق خواهد شد .

پژوهش های نو در زمینه و پیاده نمایی آن در مسئله از نگاه کادر های حقوقی و اصول های جامعه قابل قبول است و کمیته اچ ای- ویلیو همه امور مربوط را کنترل می کند.

جراحی روانی بدون شک به حیث يك بعد قابل بحث و در عین حال جنبه ای در روان شناسی مدرن باقی خواهد ماند .

فردا نوبدی است با دست آورد های نو شش در جهان دانستنی ...

اقامت در فضای کیهانی آینده بشریت را تشکیل میدهد به این ترتیب این سفر دور و دراز فضایی نیز خاتمه یافت . حال علما از تحقیقات و تجارب اجرا شده آنها نتیجه گیری می نمایند اما سا لوت شش هنوز هم به کار خود ادامه میدهد . این استیشن برای اولین مرتبه دو سال قبل به فضا پر تاب شد تا حان هفده سفینه با او ملحق شده علاوه تا شش سفینه بار بر مواد محروقاتی نیز به استیشن سا لوت شش سفر کرده اند. اضافه ترازیکیسال کیهان-نوردان در آن کار کرده و تا هنوز چهارده نفر به آنجا سفر کرده اند . اساس گذار سفینه های فضایی اتحاد شوروی تسلیا لکو-فسکی آرزو داشت تا در فضا شهرها ایجاد شوند ، دستگاهای سا خنه شوند که مواد قیمت بهارا که در زمین ناممکن است بدست آیند استیشن های برق فضایی ایجاد شوند تا از انرژی آفتاب به این ترتیب در زمین استقا ده شود. پر-واز آخری وقتیکه نشان داد انسان میتواند برای مدت زیاد در فضا باقی بماند و در حالت بی وزنی زندگی میکند در آینده نزد يك آرزو های تسلیا لکو فسکی را بر آورده خواهد ساخت .

پرستاران مربوط در قسمت کمک با مریض، ثبت تاریخ مریض و وقایع مربوط به او با داکتر مربوطه همکاری نموده و حتی در قسمت معاینه آنها نیز تلاش فعالیت به خرج میدهند. در بعضی حالات مهم که پرستار و معاینه پزشک نتواند کاری را انجام دهد با دکتور مربوط ارتباط برقرار میسازد و در مورد مشکل موجود از داکتر و متخصصین مشوره طبی و هدایت های لازم را می خواهد در نقاطی که از مراکز صحتی کاملاً بعید بوده تماس مستقیم نتوانند صورت گیرد در چنین حالتی از طریق امواج را دیویی و مفاهیم تیلیفونی حل مطلب می نمایند و حتی از طریق مفاهیم تلوویزیونی و را دیویی بعضی عملیات مهم طبی را در همین امبولانس ها انجام داده اند.

یکی از دانشمندان گفته است که آنچه که باید یک پزشک انجام دهد منوط به عملیات و جراحی می باشد و مریض نبوده بلکه آنچه که عمده تر او میتواند انجام دهد مشوره طبی و هدایت های لازم است که چگونه مردم میتواند کمک های عاجل و اولیه را حین بروز حادثات ناگوار خود بخود انجام دهند و نتوانسته باشند تا رسیدن به مراکز صحتی حیات شانرا تضمین نمایند.

اضلاع متحده خدمات صحتی عاجل از طریق هلیکوپتر صورت می گیرد این کار توانسته است که در حدود پنجاه فیصد خطر مرگ را از بین ببرد.

یکی از متخصصین مربوطه گفته است از زمانیکه سیستم عاجل صحتی روی دست گرفته شده در بسا واقعات عاجل رسیدگی آن صورت گرفته و در حدود اضافی از هشتصد حملات قلبی مریضان به صورت فوری تدابیر و علاج گردیده و این بزرگترین موفقیت است که آدمیزاد تاکنون در مورد بدست آورده است.

متخصصین مربوط اظهار نظر نموده اند که امبولانس های سیار و هلیکوپتر های مربوط کاملاً با آلات و ادوات صحتی مجهز بوده تقریباً شباهت نزدیکی به یک شفاخانه میداشته باشد که در آن امراض گونه گون تدابیر میگردد. در امریکا در چنین موسسات صحتی عاجل اکنون اضافه از یکمیزان ششصد متخصص طبی و یکصد مکتب صحتی موجود است که پرسونل مورد نیاز تربیه و تعلیم می دهند.

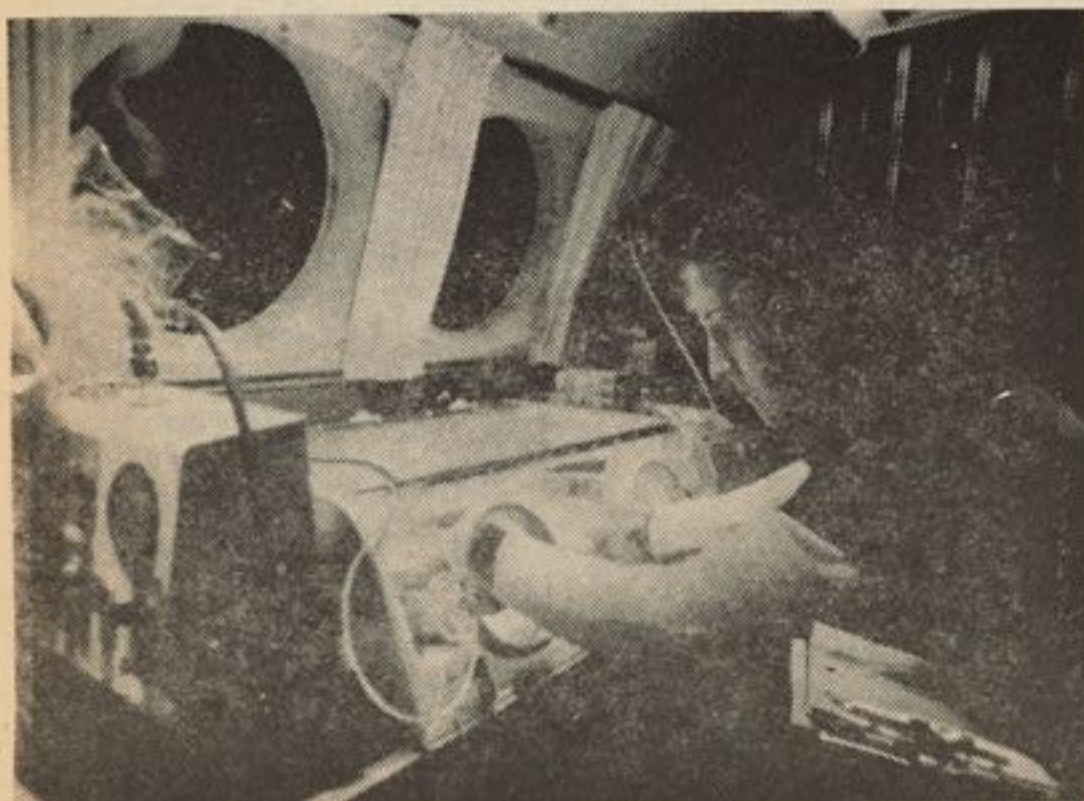
در هر یکی از امبولانس ها و هلیکوپتر ها داکتر معاینه و داکتر و نرسها وجود دارند که نرسو



صحنه ای از خدمات عاجل صحتی که در امبولانس هلیکوپتر در جهان امروزی جهت حفظ حیات بشری انجام می یابد.

مترجم: حفیظ الله عا دی

ساینس در راه مبارزه با مصائب ناگوار در جامعه بشری



یکی از عملیات طبی بدو خلیکو پتر

در این اواخر در شهر های مزدحم که در آنها تعداد زیاد مردم زندگی میکنند و رسیدن از یک نقطه به نقطه دیگر وقت زیادی را در بر میگیرد و این امر حین بروز مصائب و حادثات ناگوار چون حادثات ترافیکی، حریق و غیره مشکلات را بارمی آورد و رسیدن تا مراکز صحتی قرار دهند چنانچه در بسا نقاط

جلوگیری از سوءتغذی

۱- ازدیاد و تکثیر نفوس در ممالک روبه انکشاف :

تولدات بی در پی و نبودن فاصله معین و لازم بین دو طفل ایستادگی تکثیر نفوس را سبب میشود .

۲- قلت و کمبود مواد غذایی از اثر زراعت و فلاحت غیر کافی .

۳- تقسیم و توزیع نامناسب مواد غذایی بتمامی افراد جامعه

۴- عوامل اقتصادی و اجتماعی :

عده از باعث فقر و بیچاره گسی قادر بخريد مواد غذایی او لیسه نیستند . و بعضی ها نظر به کلتور و عنعنات در مقابل بعضی غذا ها تعصب دارند . یا اینکه بنا بر نداشتن معلومات کافی تغذی نمیتوانند مواد غذایی مفید را انتخاب نمایند . یعنی غربت غفلت و بیسوادی اسباب عمده سوء تغذی اند .

عوامل مریضی :

بی اشتهاپی ، قیات ، اسهالات ، عمل هضم و جذب غیر طبیعی ، اخات سیروز کبد (که از مواد غذایی جذب شده استفاده نمیشوند) ، امراض خبیثه ، تب ، سرماخوردگی ، سوختگی ، کسور عظام ، دیابت (از باعث اطراح گلو کوز از طریق ادرار) . سند روم نفرو تیک زیرا باعث اطراح پرو تین از طریق بولی میشود) عبارت از امراضی اند که باعث سوء تغذی میشوند .

۵- ضرورت زیاد بمواد غذایی :

مثلا در زمان حاملگی و شیردهی ، کار زیاد و شاته خصوصاً در هنگام سرما که در ینصورت ممکن غذا های عادی تکافو نکنند . عوامل که باعث تنقیص حاصلات زراعتی میشوند :

تنقیص قوه بشری در پرو سه تولید مواد غذایی ، خرابی وضع زمین از نظر زراعت خشکسالی ها و کمبود آب خصوصاً در موسم

کشت ، زراعت یک نواخت و زرع یکتعداد مواد غذایی غیر ضروری تبدیل نمودن زمینهای زراعتی به چراگاه ها قلبه نمودن خراب و غیر فنی زمین زراعتی ، آتش سوزی زمینهای زراعتی ، امراض نباتی ، موجودیت حشرات پرانه گان و

جونده گان که بها صلات زراعتی ضرر میرسانند و استفاد ده ادویه جات ضد حشرات نباتی بصورت غیر فنی عبارت از عواملی اند که باعث تنقیص حاصلات زراعتی شده و بصورت غیر مستقیم در بوجود آوردن سوء تغذی رول بسزا دارند .

جنگ و جدال و بحرانات گوناگون :

زیرا از یک طرف کار در مزارع صورت نمیگیرد و از جانب دیگر از باعث ایجاد مشکلات انتقالی و ترا نسپورتی مواد غذایی بصورت صحیح بدسترس مردم قرار نمیگیرد .

صعود نرخها و احتکار مواد غذایی .

نبودن کار و عدم استخدام :

مردم بیکار در اثر برهم و در هم بودن توازن اقتصادی شان نمیتوانند غذا های مفید و لازم را خریداری نمایند به اینتر تیب اعضای فامیل شان با لخاصه مادران و اطفال که گروه حساس فامیل شان را تشکیل میدهند از همه او لتر مصاب سوء تغذی می شوند .

یکعده از فامیل ها که پولدار و قادر بخريد ، هرگونه مواد غذایی ضروری و مفید اند . بدون در نظر داشت صحت و سلامت شان جهت کسب پرستیژ شخصی و فامیلی غذا های غیر ضروری و غیر پرو تینی شیرینی دار مانند بیسکوت ، کیک ، کلهج ، شیرینی باب و غیره را که عاری از اکثر مواد تغذی و ضروری اند بیشتر تحت استفاد ه قرار داده یا اینکه همیشه برنج را بصورت یک نواخت صرف مینمایند و خود را از غذا های ضروری و اصلی محروم گردانیده به اینتر تیب بدست خود صحت و حیات خود و فامیل خود را بمخاطره میندازند . همچنان بعضی از مادران جهت کسب پرستیژ بدون در نظر داشت صحت اطفال شان عوض شیر خود به اطفال خود شیر بودری تو سط بوتل یا جو شک میدهند (اگر نظر به عللی مادران مجبور میشوند

که

اطفال شان را شیر بودری بدهند با ید اولاً شیر رادر گیلانس و یا کدام ظرف دیگر تهیه نموده و بعد توسط قاشق به طفل شان بدهند .

در نتیجه تجارب و تحقیقات علمی ثابت شده که شیر مادر بهترین غذا برای طفل بوده و اگر شیر چو شک جای شیر مادر را بگیرد بر صحت طفل اثرات نا گوار دارد . زیرا از یک طرف طفل بمقا دیر زیاد شیر ضرورت داشته در حالیکه شیر بودری گران بها بوده و اکثر و الیدین مقدار ضرر و زی شیر را خریداری نموده نمیتوانند . و از طرف دیگر عدم مراعات حفظ الصحوی سمانیکه شیر در آن تهیه میگردد و نشو و نمای میکروبیهای گوناگون در شیر مو صوف اولاً باعث ایجاد امراض انتانی و بعداً باعث سوء تغذی طفل میگردد . که به اینتر تیب در صورت استفاد ه از شیر بودری بر علاوه گر سنگی اثنا نات نیز در تشدید سوء تغذی رول عمده بازی میکنند .

اشتها رات و اعلا نات زیاد در مورد یک عده مواد غذایی غیر مفید و بی ارزش تجارتی توجه مردم را جلب وایشان را بر ابراه غلط رهنمون نموده و باعث بمیان آمدن سوء تغذی میگردد .

یخت و پز نامناسب و نا تمام مواد غذایی .

یا اینکه باعث عدم هضم و جذب میگردد و یا اینکه در اثر پختن اضافه از حد مواد غذایی قسمت عمده و با ارزش آن تخریب و غیر قابل استفاد ه گردیده و به اینتر تیب راه را بطرف سوء تغذی باز مینماید .

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلوگیری نمود لازم است تا اولتر از همه در پی دریافت عوامل آن طوریکه فوقاً تذکار بعمل آمده شتافت که برای این منظور باید قبل از همه بتال وژی اجتماعی را

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلوگیری نمود لازم است تا اولتر از همه در پی دریافت عوامل آن طوریکه فوقاً تذکار بعمل آمده شتافت که برای این منظور باید قبل از همه بتال وژی اجتماعی را

برای اینکه بتوان از سوء تغذی جلوگیری نمود لازم است تا اولتر از همه در پی دریافت عوامل آن طوریکه فوقاً تذکار بعمل آمده شتافت که برای این منظور باید قبل از همه بتال وژی اجتماعی را

بقیه صفحه ۱۷

بیمو حب

های مذکور یکنوع دیگر سمارق میتواند مریضان مبتلا به سرطان را از شر این مرض مهلك و جانگناه وارهاند و پس از تسدای مداوم در بهبودی زخم ها و کاهش و محو آرمور های سرطانی کمک فراوان بدارد . سمارق های شفا بخش از گسترش و انتشار سرطان در سایر حصص وجود مریض مبتلا

مطالعه نموده و اندازه فیصدی سوء تغذی را باتمامی عوامل موثره آن دریافت و تشخیص نموده و بعد از آن مطابق به علل و اسباب در یافت شده تدا پیرو و قایوی را طرح ریزی و اشخاص مصاب را تداوی نمود .

تدابیر عمده و اساسی وقایوی سوء تغذی :

۱- بهبودی وضع اجتماعی و اقتصادی بصورت عمومی و از بین بردن غفلت ، غربت و بیسوادی که عوامل اساسی و عمده سوء تغذی را تشکیل میدهند .

۲- بهتر ساختن وضع حاصلات زراعتی ، مال داری و غیره .

۳- تاسیس و انکشاف خدمات صحی یا اساسی از نظر کمیت و کیفیت بصورت کلی و همه جانبه ، ۴- تربیه پر سونل طبی داخل سرو یسهای صحی و اشخاص فنی که در ساحه کار میکنند .

۵- تعلیمات تغذی به والدین اطفال ، پخش تعلیمات و تبلیغات تغذی بگرو پهای مختلف مردم :

شامل نمودن این چنین تعلیمات در پرو گرامهای تربیوی معارف و گنجاییدن آنها در نشرات مختلفه کشور از قبیل رادیو ، تلو یز یون روز نامه ها ، مجلات و توزیع پوستر و پامفلتها در بین مردم پیشبرد پرو گرامهای تغذی تطبیقی و عام فهم نمودن تعلیمات تغذی .

۶- ترویج استفاد ه از مواد غذایی مفید متنوع و ارزان قیمت .

۷- گسترش و انکشاف فعالیت های تغذی بمنظور تطبیق تدابیر موثر تر در جلو گیری امراض مختلفه و توزیع غذا های پاک و صحی .

۸- فاصله بین دو حمل باید مطابق به اساسات (پلان خانوادگی) صورت گیرد تا ولاد تهای پی در پی مساله سوء تغذی را در فامیل ها بار نیارود .

به سرطان نیز جلو گیری میدارد . عده از کارمندان یک فابریکه مشروب سازی مدعی است که از یکنوع سمارق الکحول و نوشابه های الکحولی استحصا ل داشته است . پس سمارق اینک میتواند بجای الکحول نیز کار بدهد ، از یتر و در جهت شناخت نسوخت و خواص بیوژیکی و طبی سمارق ها مطالعات همه جانبه ای ادایه دارد . بسیاری از انواع سمارق های زهر آگین اکنون مورد استعمال زیادی در بخش های مختلفی از علوم طبی دارد .

تدابیر عمدہ...

یکی از طرق مبارزه ضد اختلال معالجه طبی است است زیرا در حال حاضر طبابت از وسایلی بهره‌مند است که ابلاهی محیط دماغی تا اثر مثبت داده رد میکند.

به این ترتیب معالجه بیخوابی بطریق طبی و روانی صورت گرفته میتواند. اغلباً به معالجه روانی روز پیشرو داده میشود در ضمن قسمت اعظم معالجه مربوط به خودمریض نیز می‌باشد.

اگر علت بیخوابی عوامل خارجی بطور مگال غافل‌جا ده، ترانسپورت شمرده شود اثرات منفی باز می‌آورد. معمولاً اشخاصی که در محیط پر شور می‌کنند بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد از مدت کوتاهی عادت گرفته و بعد به بسیار راحت می‌خوابند و اگر محیط بکلی آرام باشد این اشخاص خود را آرام حس می‌کنند. اگر بطور مثال علت بیخوابی عوامل خارجی شمرده شود گرچه در اول چندان مهم به نظر نمی‌رسد چندی بعد شکل عامل اصلی به خود می‌گیرد و چون که تمام افکار متوجه عامل خارجی میشود همیشه باعث اختلال خواب میشود.

بقیه صفحه ۱۹

چگونه مبارزه با حوادث

حاضر اضافه تر از پا نزده فیصد نفوس جهان در زمان خواب ازدواهای خواب آور استفا ده می‌کنند. اما اگر دواهای مذکور مدت زیاد استعمال شود بالاخره شکل عادت را بخود گرفته و بی‌الخره شخص مجبور میشود تا هر روز آن استفاده نماید زیرا بدون آن هیچ خواب کرده نه می‌تواند.

اگر از استعمال آن در این وقت نپن‌ناوخ قست‌بخ عتقند آه صرت صرف‌ظس شود فشار روحی زیاد را بار می‌آورد. دواهای خواب آور معمولاً رژیم خواب را بکلی تغییر می‌دهد. قسمتی که تثبیت شده است بعد از نود دقیقه خواب مرحله خواب سریع ایجاد شده و تقریباً ده دقیقه ادامه می‌یابد در طول شب مشخص چهار الی شش این نوع مرحله را میگذراند و در اوقات صبح مرحله خواب سریع سی تا چهل دقیقه طول میکشد. تجارب طبی نشان داده است که استعمال مشروبات الکولی این مرحله خواب سریع را که برای انسان ضرور است برهم زده و به تدریج قلت آن حس شده و بالاخره سیستم کار رشته‌های عصبی را برهم میزند. بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های بدین ترتیب اگر از تو صیه‌های فوق استفاده شود ممکن است به صحت و سلامت انسان کمک لازم نماید. لغز و زلزل اشک ریز لازم بنماید.



گروبی از واحدهای دفاع ملی یوگوسلاویا که هنگام مقابله علیه تجاوز دشمن، داوطلبانه سپاه می‌گیرند.

بقیه صفحه ۲۹

زنان یوگوسلاویا

انگیزه بیشتر در رشد شخصیت نظامی زنان و تقویت حس شهادت آنان تأثیر مثبت و موثر دارد. بطور مثال: پیغله «سوزاناکو فلزویک» که چهارده سال عمر داشته و یکی از اعضای فعال دسته کثافتان و پیگردان (مربوط به سازمان کوچک موسسه سکوت یا پیش آهنگی شهر «پوزا ریواک» واقع ایالت «سربیا» بوده و اخیراً به لقب و عنوان «سر افتخار» «پارتیزان کشف» یا «کشف پارتیزان» مفتخر و موفق گردیده است، ضمن مصاحبه به خبر نگار مجله ما هانه «ریویو» چاپ بلگراد گفته است:

«آنچه که بیش از همه با مشکلات بیشتر آرا جستجو و دستیاب کردم، عبارت از جنبه عملی مهارت کار، هنگام آزمائش و وظیفه محوله و بحث قاصد پارتیزانی بود که در قبال صبر و متانت خود را بدان مقدار ساختم. چنانچه یکروز تمام اوقات خود را بدون صرف غذا در جنگل هولناکی مخفیانه و دور از انتظار و تکسایوی پاسداران و پاسبانان طوری گذراندم که آنان گاهی بشکل دسته جمعی و زمانی بطور پراکنده در جستجوی من بودند. نامرا در یابند ولی موفق نشدند. در آنحال پس از یکسلسله عملیات تجربتی خفیه توانستم پنهانی از دیدگاه و نقطه چشم انداز شان خود را چنان بهدق مطلوب برسانم که از دست شان کاری ساخته نشد. تا اینکه خاموشانه ولی سرعت و مهارت برای طولانی روان شدم که پاسداران حتی رده قدم‌ها و راه پای مرا هم پیدا کرده نتوانستند. هنگامیکه با فراست، مواظبت و هشیاری عمیق راهپیمایی میکردم، کلیه آنهمه پیامهایی محوله و سپرده شده را بخاطر می‌آوردم که از رهگذر يك عملیه آزمائشی بین تقسیم و محول گردیده بود....»

در اخیر قابل تذکر است که علاوه بر پوهنخی‌های اختصاصی نظامی در یوگوسلاویا در افراد درسی همه پوهنتونهای غیر نظامی آلتشور، مفسون تعلیم عسکری نیز در جهت معلومات عمومی محصلان شامل است که شاگردان محتوای آرا باو لعل و اشتیاق تمام می‌آموزند.

در «سلوونی» که هنگام جنگ دسته زنان پارتیزان سرامری کشور نقش فعالی را در جبهه علیه دشمن بازی می‌کردند، امروز از بنایای نظام مذکور یکدسته بزرگی از دوشیزگان جوان و صاحب انرژی و مستعد در جهت دستیابی بر وسایط جنگی ضد تانک تعلیم و تربیه اساسی را فرا گرفته‌اند. بطوریکه آنان حین بروز کدام حادثه جنگی، میتوانند با استعمال بمب و نارنجکهای دستی تانکهای دشمن را از بین ببرند. این گروه دختران در اصطلاح عوام بنام «پروانه‌ها» شهرت داشته و از یکتعداد شاگردان فارغ مکاتب عالی و ثانوی و کارگران جوان مرکب و متشکل میباشند که واحد های کوچکتر آنان در هر منطقه حساس یوگوسلاویا موجود بوده و هنگام تجاوز مخاصمانه دشمن خاک، چون موروملخ یا پسان مگمان زهرناک بر سر و روی شان میریزند و با سمپاشی و کاربرد نارنجکها در امجای آنان دلیرانه دست بکار میشوند.

برای نیل در جهت بسط و انکشاف مزید امور آموزش و فراهم آوری تسهیلات بیشتر هیات و کار مندان تعلیم و تربیه نظامی زنان بشکل منظمتر و پیشرفته تر آن، موضوع مفردات کلی مربوط به مجموع مسائل دفاع ملی کشور، فاکولته (پوهنخی) مجهزی بنام «کل دفاع ملی» مورد توجه قرار گرفت و نخستین بخش اساسی آن بسال ۱۹۷۵ در بلگراد بنیاد گذاری شد. همچنان مطابق پروگرام منظم و مرتب، نوع چنین پوهنخی بی در دیگر مراکز پوهنتونهای یوگوسلاویا نیز رویکار آمد و فعلاً در طریق آموزش عسکری دوشیزگان زنان جوان دست بکار شد. بنحویکه این تجویز به استقبال پر حرارت زنان و دختران مواجهه گردید و شمار ثبت نام درین رشته یک معیار مطلوب و اطمینان بخشی ارتقا کرد.

باید متذکر شد که قسمت زیاد امور دفاع ملی بشکل آموزش عملی آن، خارج از حیطه پوهنخی و آموزشگاه نیز دنبال میشود و این

بوده طوفان امواج بحری را تحلیل و ارزیابی می‌نماید سیستم اطلاعاتی یکی از عمده ترین کاری است که میتواند بزود ترین فرصت منطقه تحت خطر جدی را از تهلکه دهشت طوفان ها نجات دهد در صورت که چنین سیستم دقیق وجود نداشته باشد هر گونه احصایه و ارقام و یا پیش بینی در مورد به شکست مواجه میگردد.

گرچه ساکنین يك منطقه که بهر اورد حمله طوفانهای بحری وبری قرار گرفته اند تجارب در زمینه اندوخته اند که چگونه در وقت وزماتش میتوانند در رهایی و نجات شان تلاش و اقدام نمایند اما از آنجائیکه باشندگان جدید در منطقه ممکن است وارد گردند به این لحاظ کار به دشواری مواجه میگردد بنابراین ملحقولاست که دانشمندان تأسیس اداره مبارزه بر ضد حوادث را که دارای پرسونل فنی متجرب و سیستم اطلاعاتی و پیش بینی دقیق اوضاع جوی باشد تأکید می‌نمایند.

نمی‌آیند آنچه که طوفان ها تر گذشته های دور تاریخی حتی در چندین دهه قبل خسارات را بوجود می‌آورد امروز فاقد آن قدرت و توان اند زیرا دانشمندان در گوشه و کنار جهان در صدد آن هستند تا وسایل و ادارات مجهز را تأسیس نمایند که قادر باشند پلانهای وقایعی و مبارزه با حوادث ناگوار را داشته باشند یکی از موسسات فعالی که تاکنون وجود دارد در ایالات متحده امریکا است که با وسایل مجهز از قبیل اقمار مصنوعی به فاصله هزار ها میل در فضا ناظر پیش بینی حوادث و مخابره آن در کره ارض و به اداره مربوط می‌باشد.

موسسه مذکور دارای هلیکوپتر و طیارات اند که میتوانند طوفان ها و هر یکن هارایمورت متواتر تعقیب نموده و وقوع آن را بزود ترین فرصت در منطقه معینه اطلاع دهد هم چنان تعداد زیاد کشتی های بحری نیز روی این منظور در عمق و سطوح ابجار در گشت و گذار

عیار نمودن...

بین السیارات طرز استفا ده از زمان تعطیل چندان مسئله مهم و عمده نبوده ، چیز یکه عضویت را میا زارد . از یک طرف کاهش یکنواخت وزن بوده و از جانب دیگر زما نیکه کیهان نوردان به سطح سیاره مریم و یامدار سیاره زهره بر سندن دیگر هیچ وقت برای استراحت شان نخواهد داشتند . مگر از دیاد وزن بسان کاهش وزن معکوس گردیدن عادت خواب و بیداری را سبب گردیده و هم باعث ایجاد ناهم آهنگی نیل خواهد گردید . آیا میتوان معضله اخیر را حل نمود ؟

دو کتورس . س . ستیا نو فا (ماستر طب) در مونو گرافش معضلات مهم بیو ریتمو لوزی کیهان (مقاله جالبی را تحت عنوان (معلومات و ارزش انرژی بیست و چهار ساعته) بر شته تحریر در آورده است . بگمان دانشمندان ساینس هر شخص بطور انفرادی و مداوم روز مره یک مقدار معین و مشخص انرژی را مصرف نموده و هم یک اندازه معین و مشخص معلومات را کسب مینماید . ظاهرا این یکی از قوانین اساسی است که ساختمان وظیفوی و ریتمو لوزیک عضویت را رهبری میکند . و از همین باعث انحرفات از حالت نور مال در هر دو جهت ریتم خواب و بیداری را معکوس میسازد .

اگر نظیر اینگونه وقایع در حین یک پرواز طولانی اشکار گردید باید سیکل شبانه روزی با افزایش دوره بیداری (دوره جریان اطلاعات خواب بحال نور مال نگهداشته و هزینه انرژی) در حالیکه زمان خواب بحال نور مال نگهداشته شود طولانی تر گردد . البته بطور طبیعی بار عضویت افزایش خواهد یافت .

ما دامیکه وقت کار شاقه آمد باید سیکل شبانه روزی با تبدیل و کاهش دادن دوره بیداری در حالیکه زمان خواب و استراحت بحال نور مالش نگهداشته شود کوتاه گردد . که بلا شك این عمل مانع تحمیل بار اضافی بسالی عضویت خواهد شد .

از نظر تخنیک اجرای این چنین عملیات هیچ مشکلاتی ندارد :

بر یود شبانه روزی زمینی و زمان سنجیابیک سیستم مصنوعی که میتواند به بسیار ساده گی به یک سیکل شبانه روزی تعدیل یابد تعویض خواهد شد .

مگر شاید خواننده گرامی پرسد که او با تکنالوزی باید چه کند ؟ در آغاز مقاله تذکر داده شده بود که انسان نمیتواند خود را بایر یود های طولیل یا کوتاه تطابق دهد . و این شامل انحرفات اساسی از نمونه های عادی شبانه روزی (که چهار شش و دزاده ساعت دولم میکنند) میباشد .

عضویت انسان میتواند خود را فقط به انحرفات کوتاه (که یک یا دو ساعت دوام کند) توافق دهد . ضمنا اگر اشخاص انفرادی کاملا از تحت تاثیرات خارجی

بقیه صفحه ۲۶

پلان اعمار شهری

جبهائی است بلکه محل تجمع و گرد هم آیی هزاران هزار چهره های ور زشی جهان ما شمرده میشود که در رابطه و نزد یک شدن آنها وشنا سایی یکدیگر نقش بزرگ را ایفای نماید او علاوه میکند که چنین گرد هم آیی ها هر قدر یکه زیاد تر صورت گیرد به همان پیمان میتوان در رفع کدورت ها و درک های نا در ست مردم از یک دگر قدم برداشته و این امر در

بقیه صفحه ۱۱

باج

نوی وخت داسی خو بنی وزیر ولی چی دمحمد عمر کو چی په شان دیر نور غم لړلی کو چیان د داسی بد بختیو څخه خلاص شول چی تصور یی نشو کو لای .

داسی انقلاب راغی چی دخوازانو مینه پکی وه د زړه سواندو څپو نغمی بلبلانو و غږو لی په چمن کی سرو گلا نو داسی میلی جوړی کړی چی نندارو نه یی هر چا گټه اخسته . دشرق خلانده دیوی دیری تیاری خونی رو ښانه کړی .

ده مخ پاتی

د مسلمانانو...

داسلامی هیوادو نو سپو رت مینانو زیاتی آسا نتیا وی برا بری کړی؟ هو ولی نه! ددی له پاره چی سړ کال داوړی په مو سوم کی دالمپیک نړیوا لو لوبو په وخت کی د اسلامی هیوادونو ور زشکا را نو او سپو رتی تیمو نو ته زیاتی آسانتیا وی برا بری شوی وی د شوروی اتحاد داسلامی بورده خوا همدا اوس یو لړ پلانو ښه طرح او تر اجرا لاندی نیول شوی دی . ددغو پلانو نو له مخی دتو لو غو اسلامی هیوادو سپو رت-

مینانو ته چی د ۱۹۸۰ کال دالمپیک په نړیوا لو لوبو کی دبر خسی اخستلو له پاره شو روی اتحاد ته سفر کوی بلنه ور کو له کیبری چی دمسکو په جوما تو نو او اسلامی مرکز و نوسر بیره دتاشکند ، دوشنبه بخارا او دغه راز د هغه هیواد دنور و ښارونو په جوماتونو کی اسلامی لمونځ ادا کاندی .

له دی کبله چی دمسکو د ۱۹۸۰

کال دالمپیک نړیوا لی لوبی دروژی دمبار کی میاشتی نیکمرغه ور خو سره سمون خوری دشو روی اتحاد دمسلمانانو دبورده خوا ددغه

مبار کی میاشتی د مذهبی مرا سمو دتر سره کو لو دپاره ضروری پرو-

گرامونه او تد بیرونه تر اجرا لاندی نیول کیږی . ددغه پرو گرامونو په تطبیق او عملی کو لوسره هر مسلمان

ور زشکار او سپور تمین کولای شی چی دالمپیک دنړیوا لو لوبو په ورخو کی روژه ونیسی او خپل مذهبی مرا سم په خای کاندی .

اعظم لاکبر ددغه اختصاصی مرکی په پای کی هیله غږ گنده کړه چی دنړی ټول مسلمانان دسولی او نړیوال امنیت دپینگښت په برخه کی دهیڅ ډول مر ستو او همکاریو څخه ډډه ونه کړی .

تجربید شونده هر کدام شان (بر نامه) خاص مربوط بخود شان که نمایش میدهند ، پر یود شبانه روزی یکی شان بیست و سه ساعته از دیگر شان بیست و پنج یا بیست و شش ساعته و ... دریافت خواهد شد .

بعباره دیگر هر شخص بصورت انفرادی برای خود یک ریتم انرژی (ریتم طبیعی او از تحت تاثیر محیط زمین خاکی ازاد است) خاص دارد .

در فضای خارجی در داخل کشتی فضای دور از سطح زمین ریتم انرژی کیهان نور دان با محیط ما حول شان (در فضای خارجی) به بسیار خوبی توافق نماید مگر اینکه سیکل شبانه روزی مصنوعی کمک شان کند .

استحکام پای های دو لتي - صلح وتر قی وشکو فانی جا معه بشری سهم از زنده بجا خواهد گذاشت او اظهار نظر نموده که بعد از ختم هر یک از مسا بقه گفته میشود که درین جا در حدود بیش از هفتصد الی هشتصد اسب برای کسانیکه مشتاق اسب سواری باشد وجود خواهد داشت او هم چنان میگوید که درینجا محل مناسب برای آب بازی - جمنا ستیک نیز بوده و کسانیکه علاقه تام به آموختن انواع گونه گون ورزش داشته باشند میتوانند تحت رهنمایی مشا ورین به آموزش آن بپردازند .

محمد عمر کو چی هم دخمکی خواند شو . دکور خواند شو دعزت خواند شو . بالاخره داسی ژوند یی پیدا کړ چی دتیرو زړو خاطر و لپاره پکی خای نه و . هو دا دثور انقلاب و . دا هغه ویاړ لی انقلاب دی چی د دیرو بسی وز لانو لپاره پکی د ژوند خو اړه زیری پرا ته دی .

هو ، اوس کوچیان ، خوښی کوی . اتیو نه کوی ، میلی جوړوی ، هو ، کوچیان ، هو هغه سر گر دانه کوچیان چی کور یی نه در لود ، په سرو او تو دو کی لوی شوی کوچیان چی تیرو زړو مناسباً تو رېرو لی وو .

(پای)

- استیتوت قره قل يك موسسه غیر
انسانی می باشد که جهت انکشاف تجارت
قره قل فعالیت می نماید .
وی افزود : تمام فعالیت های مربوط به
پوست قره قل به استثنای خرید پوست تحت
رهنمایی و کنترل این موسسه صورت میگیرد.
مثلا رهنمایی آتش دادن، سورت، عدل بندی
انتقال بمارکیت های بین المللی ، عرضه
وفروش در لیلامها، بازار یابی، تبلیغات
در خارج بخاطر بلند بردن شهرت پوست
افغانی .

این استیتوت پوست تاجر انفرادی رامثل
يك اتحادیه جمع ودر حقیقت يك خدمت
به تمام کسانیکه با پوست سرو کار دارند
از جوان گرفته تا فرد آخر .

همچنان برای نشان دادن پوست افغانستان
ما از طریق مجلات و پامفلت ها تبلیغات و تشرات
هم می نمایم .

کار عمده امسال استیتوت قره قل این بود
که پنجاه و هفت هزار جلد پوست تجارتی انفرادی
راندیک بارتی بزرگ مخلوط و بنام انترسورت
بمارکیت لندن عرضه نمودیم .

نظریه انترسورت از چندین سال پیش نهاد
شده بود مگر در زمینه گام عملی نهاده نشده
بود . و ما توانستیم در ۱۳۵۸ تاجار را قانع
بسازییم و البته پول پوست هر نفره تنها سب
کیفیت پوست آن داده شد که تاجار از نتایج
آن راضی بوده و امیدواریم درین راه سال
آینده قدم فراتر بگذاریم و پوست بیشتر
انترسورت نمایم .



رئیس استیتوت قره قل، هنگامیکه در مورد لیلامهای لندن و لیننگراده معلومات میدهد .

دلیله صفحه ۳۰

پوست قره قل افغانی...

بوده و از ساینس و تکنالوجی در زمینه استفاده
بعمل می آید مگر در کشور ما تریه گوسفند
قره قل به شکل عنعنوی آن وجود دارد ،
مالدار بصورت عنعنوی و تجربه از اجساد
آموخته اند که چگونه گوسفند تریه و
جنسیت عالی و خوب بگیرند و ناگفته نماند که
جنسیت قره قل مانعاً و کم نظیر هم میباشد.
در آخر از عبدانیس پایا خواستیم تا مختصر
معلوماتی در باره فعالیت های این استیتوت
برای ما بدهد .

آینده هم از نگاه تجارت پوست سال خوبی
خواهد بود و امید ما بتوانیم صادرات پوست
را انکشاف دهیم ، یکزمانی افغانستان به
ملیون پوست قره قل عرضه می کرد .

عوامل پایین آمدن قیمت پوست قره قل
چه می باشد ؟

- چیزیکه همیشه قیمت پوست را تهدید
می نماید تغییرات مد و فیشن، بحران
اراضی وضع جوی و غیره عوامل می باشند،
خوشبختانه امسال در اثر بر فباری های اخیر
گوسفندان از ناحیه کم آبی و خشکسالی
آسیبی نخواهد دید .

از رئیس استیتوت خواستیم تا بگویند که
مناطق تولید کننده پوست قره قل کدام
قسمت افغانستان می باشد و هم تریه گوسفند
قره قل در اتحاد شوروی و آفریقای جنوبی
و کشور عزیز ما چگونه صورت می گیرد ؟
وی چنین اظهار معلومات نموده گفت :

ولایت بلخ، فاریاب، قندز، سه ننگسان
و ولایت بادغیس مناطق تولید کننده پوست
قره قل می باشند که در صفحات شمال کشور
موقعیت دارند .

در قسمت تریه گوسفند قره قل در اتحاد
شوروی و آفریقای جنوبی با ید گفت که
تولیدات پوست قره قل در آن ممالک میکائیزه

- کمپنی های بزرگ که با پوست قره قل
سروکار دارند از عدسیت ها، شاپهای کلان
و دیگر منابع خواستند تا با ابتکارات و طرح
های جدید پوست قره قل را دوباره مد کنند،
به اصلاح بازی با قره قل را آغاز نمودند
از پوست مذکور انواع مختلف کلاه، بالاپوش،
کرتی، واسکت بافرم و دیزاین های مختلف
استفاده کردند و مخلوط آن با جرم و جیمیر
بیشتر مورد پسند قرار گرفت .

در نهایتگاه فرانکفورت که اکثراً ترند
مارکیت در آنجا نشان داده می شود پوست
قره قل خوب نمایش داده شد و در اتحاد
شوروی هم پوست مذکور را خوب نمایش
دادند که بعد از نمایشات فوق پوست دوباره
مورد توجه مردم قرار گرفته و مخصوصاً خانها
به طرف آن رجوع کردند ناگفته نماند که
اغلب پوست های گل کلان مورد پسند واقع
شد که بطور طبیعی بفتح قره قل افغانی تمام
می شود ، که مظهر آن در لیلام ماه می
معلوم شد و در لیلامهای بعدی قیمت قره قل
شروع به بلند رفتن نمود که البته برای
تجارت کشور مفید واقع گردید زیرا تمام
پوست هاییکه جمع آوری و به معرض لیسلام
گذاشته شده بود بفروش رسید .

فعلاً از وضع مارکیت پیداست که سال



صحنه یی از لیلام قره قل در اروپا .

زندگی های رنگارنگ جهان

چهار نفر دانشمند و چهار نفر دوست

هادر آلمان باقی ماندند . پوست کارت ها و عکس هایی که از این چهار نفر دانشمند رفیق بهجامانده نشان میدهد که این چهار نفر رفیق علاوه بر مشغولیت های علمی به گردش و کوه نوردی نیز علاقه فراوان داشته اند .

البرت انشتین در اختراع بمب اتم کار های مهم انجام داد . او بخاطری بم اتم را اختراع کرد که بتواند آزادی را صیانت کند نه این که از آن جهت کشتار دسته جمعی استفاده نمایند . «هان» و «میت لیر» با کشف انقسام هسته ها دچار اختلال دماغی گردیدند . «لیو» در سال ۱۹۱۴ - انشتین در سال ۱۹۲۲ و «هان لیو» در سال ۱۹۱۴ بدریافت جایزه نوبل موفق گردیدند .

از سال ۱۹۱۹ الی ۱۹۳۳ این چهار نفر دانشمند و یا چهار نفر دوست عضویت اکادمی علمی برلین را داشتند . اسناد - شواهد و مدارک تاریخی زیادی در مورد اینکه این چهار نفر رفیق علمی میخواستند وقت فراغت شانرا باهم یکجا سپری نمایند نیز موجود است . این چهار نفر بودند که آینده آلمان را به صراحت پیش بینی میکردند که آلمان از حالت امپراطوری خارج شده بیک رژیم جمهوری مبدل شده وبالاخره بسوی جا معه سوسیالستی هدایت خواهد شد .

البرت انشتین در سال ۱۹۳۳ از آلمان خارج شد . رفیق او «میتز» بعد در سال ۱۹۳۸ «اتوهان» و «لیو» باوجود مشکلات و سختی

ها تحقیقات و تئوری های علمی او زنده است وبرعبنای همان تئوری ها خصوصاً تئوری نسبیت او است که تکامل علوم بی سابقه تر شده وانقلاب عظیم و چشمگیری در جهان بوجود آمده همان طوریکه البرت انشتین تئوری نسبیت را بی ریزی نمود .

هینگونه «ماکس لیو» ثابت نمود که اشعه اکس را می توان از کرسنل ها عبور داد همچنان «اتوهان» ثابت کرد که اتم های ماده یورانیوم را می توان از همدیگر جدا نمود .

درین او آخر یاد بود از چار نفر دانشمند شهیر جهان که خدمات بزرگ و چشمگیری در عالم بشریت نموده اند صورت گرفت . هرچهار این دانشمندان در طفولیت و حتی در دوران جوانی و اکادمیک باهم رفیق ودوستان صمیمی بوده اند .

«لیزمیتز» در ماه نوامبر ۱۸۷۸ ، «اتوهان» در ماه مارچ ۱۸۷۹ ، «البرت انشتین» در مارچ ۱۸۷۹ و «مکس لیو» در اکتوبر ۱۸۷۹ چشم به جهان گشودند تاکنون نوآوری ها و اختراعاتیکه در کشور های جهان صورت گرفته اکثراً مدیون تلاش وفعالیت های علمی همین چهار دانشمند بوده است .

البرت انشتین نسبت به خدمات علمی و اکادمیک خود فقط بکشور خوش یعنی زادگاهش تعلق نگرفت بلکه بیشتر بیک شخصیت علمی بین المللی محبوب میگردد همه کشور ها مخصوصاً دانشمندان و دانش پژوهان هر کدام صرف نظر ازینکه از کجا هستند وبه کدام کشور تعلق دارند البرت را از خود میدانستند . همین نظر ها باعث شد که سوسیالمت های ناسیونالست به البرت سخت حمله نموده حتی تقاضای این را نمودند که کارت هویت هشتیری وتبعه بودن او را از او سلب نمایند .

باوجود اینکه مدتها است که آنها خصوصاً انشتین دیگر درین جهان نیست اما اندیشه



چهار نفر دانشمند علوم و چهار نفر رفیق ودوستان صمیمی جهان

موزه های موتور دار

کند . بعباره دیگر لازم است تادین قسمت تجارب صورت بگیرد . به احتمال قوی برای اولین مرتبه سپورت مین ها موزه ها را مورد آزمایش قرار خواهند داد . این موزه ها در کجا مورد استعمال قرار خواهد گرفت ؟

اول اینکه شبان میتواند به بسیار سهولت گله رمة خود را اداره کند . جیودیز پست ها نیز ممکن است به این موزه ها نیاز پیدا کنند . اما پسته رسان دهاتی ؟ سیاحین ؟ مشکل است تمام جوانب استعمال موزه های «میک» نیزه شده را پیش بینی کرد زیرا ممکن است با در نظر داشت مختلف انواع مختلف آت را تهیه کرد ومورد استعمال قرار داد ..



کیلومتر دوش صورت گرفته میتواند . جالب اینست که درین مدت فقط هفتاد گرام مواد سوخت را بمصرف میرساند .

طبق اظهار متخصصین این دوش پرش سه کام ویدوش قبل از پریدن را که به بسیار آهستگی از آن قلمبرداری شده باشد بخاطر ما می آورد . طول «قدم» به سه متر وارتفاع پرش آن نظر به سطح از (۲۵) سانتی متر تجاوز نمیکند . این نکته نیز ضرور است تا بگو میخانیک ها واطباء نظریه خود را درین مورد ارائه کنند . هنوز قبل

اگر این موزه ها پوشیده شود انسان بطور مثال میتواند ساعت ها به دوش پردازد و حتی از موزه ها عقب نماند . علت اینست که موزه های مذکور باموتور ها مجهز میباشند . موتورها هادر قسمت ساق ها وصل اند و در قسمت پاشنه کمپریسور نصب است به کمک کمپریسور مذکور ساندلر های موتور هوا گرفته وتوسط مخلوط داغ چارج میشود . درین اله منحیث محروقات بنزین کار گرفته میشود واما موزه خود بالای بالشت کوچک تکان دهنده محکم است .

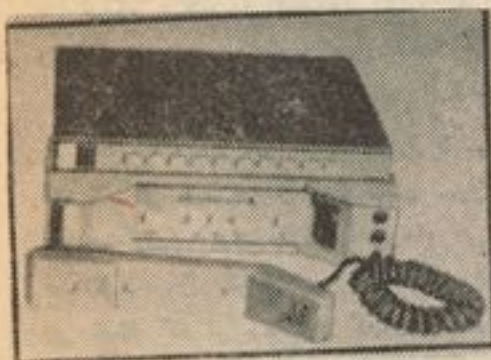
بالین موزه ها در یک ساعت (۲۵-۲۲)

عصری ترین وسيله ارتباط

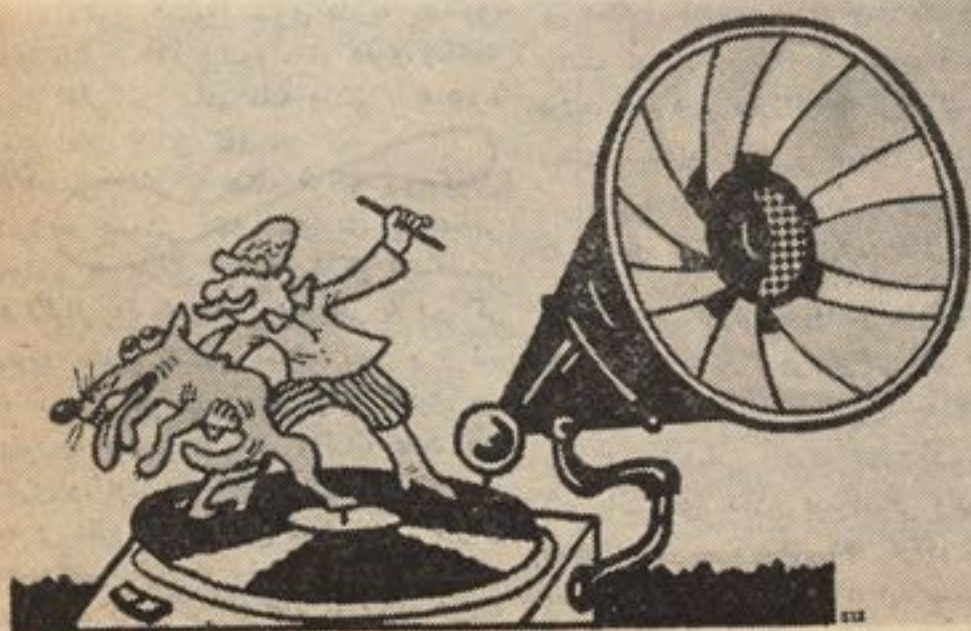
متخصصین اتحاد شوروی سیستم ارتباط رادیو تیلیفونی را درین اواخر طرح ریزی کرده اند .

این آله که بنام «التای زم» یاد میشود در زمان بازی های المپیک در مسکو بکار انداخته خواهد شد . این دستگاه بطور کلی از آلات نیم هادی ساخته شده و وزن آن ناچیز میباشد . دستگاه ارتباطی مذکور در قوه حرارت، پروت مورد آزمایش قرار گرفت و امتحان خوبی داد همچنین در مقابل اهتزازات نیز دارای مقاومت بلند میباشد . وسیله ارتباطی مذکور پروژه های سورتی شهر مسکو و دیگر شهر ها را باهم مرتبط میسازد .

بالا مذکور میتوان از موبوتنره تیلیفون مورد ضرورت را دایر نمود و حل مشکل کرد حتی از داخل موبوتنر باشهر دیگر می توان در تماس شد . تا آغاز بازی های المپیک مسکو در حدود (۱۵۰۰) عدد این نوع دستگاه ها بکار انداخته خواهد شد .



را همراهی میکند . همینکه موسیقی را خاموش کردند دیدند که گرمک در یک فاصله نهمه وزوزه میکند . گرمک تا حدی در زوزه کشیدن غرق بود که نگهبانان به بسیار آسانی و بیادون سلاح آنرا دستگیر کردند و بعد به باغ وحش لنینگراد آنرا انتقال دادند . در مکتوبی که بدین مناسبت به آمریت باغ وحش لنینگراد فرستادند چنین تذکر رفته بود : «تنگو را بسیار دوست میدارد .»



صحنه‌یی از دستگیری گرمک توسط موسیقی خاص ثبت شده درکست

ریل هوایی

در ریل های هوایی جدید پیچ و تاب های تازه ای داده شده و مسیر های پیچ در پیچ و مغلق اشخاصی را که در ریل های هوایی سوار شده‌اند می چرخاند و واژگون حرکت میدهد . ریل های هوایی جدید بری تفریح طلبان وسیله جالبی شده است و جای وسایل قدیمی را که در آنها امکان سقوط و شکستن استخوانها بود گرفته است .

این وسیله مرکب است از یک ریل سرباز با کمر بند های که روی شانه نصب میشود . بعد از آن چندین ریل هوایی ساخته شده است ولی نخستین ریل هوایی در شهر کلنوریا ساخته شده که سی و پنج متر ارتفاع دارد و طول مسیر آن یک کیلو متر است و در پایان راه از یک دایره ۲۶۰ درجه ای عمودی عبور میکند .

ترجمه رازق‌علیمی



گرگ و رقص تانگو

گرگی بود که یکی از ساوخور های بلو روسی اتحاد شوروی را بستوه آورده بود . بعضی اوقات بالای گله حمله میکرد که در چرا گاه میچریدند . هر چند که کوششی میکردند گرمک را دستگیر کنند درنده از آنها جان به سلامت میبرد و موفق به فرار میشد ، حتی هر بار صید را نیز با خود میبرد . مردم طریق دیگر را در پیش گرفتند و در کست عف عف سنگها را ثبت کردند اما گرمک بزودی این راز را درک کرد هر چند فرار می‌کرد در عقب خود سنگ رانمی‌دید .

در یکی از شبها نگهبانان گله حیوانات برای اینکه وقت را خوش سپری کرده باشند کست بابت تانگو را می‌شنیدند . یکی از نگهبانان طوری حس کرد که کسی موسیقی

جلوگیری از پیشرفت سرطان

ایک تیم علمی تحت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید . آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با موثر ترین

یک تیم علمی تحت رهنمایی پروفیسور گلو وینسکی در انستیتوت بیولوژی مولیکول

در اکادمی علوم بلغاریا ماده جدیدی را ترکیب کرده است که میتواند از نمو و رشد سرطان جلوگیری نماید . آزمایش لابراتواری نشان میدهد که بعضی از این مواد از رشد تومورها جلوگیری کرده چنانچه هشتاد تا صد فیصد نتیجه مثبت این آزمایش دانشمندان را به این امر امیدوار نموده است که این ماده جدید با موثر ترین

قدم جدید در ساحه جراحی

تاریخچه طب از ماقبل تاریخ آغاز شده و از آن زمان تا امروز این علم سیر تکامل خود را طی میکند و فعلا این علم در اثر کار و زحمات خستگی ناپذیر دانشمندان به پیشرفت های غیر قابل تصور نایل گردیده است .

در اینجا یک نظر مختصر به سیر تکامل علم طب در قسمت جراحی می اندازیم :

در جریان قرن نوزدهم باستور اظهار نمود که اجسام غیر مری زنده باعث انتقال امراض میشوند و بعد از آن جوزیف لیستر به اکثر عاقلانند که اگر میخواهید مریضتان بعد از عملیات زنده بماند باید از همه اولتر دستهای

خوش و سامان جراحی را خوب شسته و تعیم نمائید . با گذشت زمان و در اثر کار و کوشش زیاد علما دستگاه های جراحی را بوجود آوردند که قادر به دو باره فعال ساختن بعضی از اعضای بدن و تبدیل نمودن اعضای بدن یک شخص به شخص دیگر می باشند .

از جمله مهم ترین این دستگاه های یک دستگاه الکترونی است که قادر به ساختن گرده مصنوعی و تبدیل نمودن گرده یک شخص به شخص دیگر میباشد . همچنان این دستگاه الکترونی قادر است که در اتنای عملیات قلب و شش و طیفه قلب و شش را برای انسان انجام دهد .

امروز متخصصین جراحی موفق گردیده‌اند که بعضی از اعضای سالم یک انسان مرده را به یک شخص زنده انتقال دهند و فعلا انتقال قرنیه چشم یک مرده به شخص کور به موفقیت انجام شده و اکنون دکتران جراحی تلاش دارند که قلب را هم بشکل چشم و مرده از یک شخصی به شخص دیگر انتقال دهند .

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

زه په پريشاني سره خپلو نويو ملگرو ته گورم . لنډ او سرطاس سړی ماته ښه نږدی شوی دی . داسې ښکاري چې کميسار او خوی يې هم پدغو خبرو اړو کې او دهغې نتيجې په برخه کې مينه او ونډه لري . کارخانه لرونکی خپلو خبرو ته داسې ادامه ورکوي :

- ډير ساده کار دی ښاغلي، زه چې دلته راغلی يم د موضوع پرتولو خواو باندي مي ښه سوچ کړی دی او هغه مي ښه غږېدلې او په وروستۍ پړاو کې دې نتيجې ته رسېدلې يم چې بايد خپله فابريکه دهيلو دقورمې او دالوتونکو دکانسرو دجوړولو لپاره په کار واچوم . ستا سو نظريه پدې هکله څه شي دي؟ دجوړولو هېوکې لرونکي کانسرو دجوړولو دستور العملونه خورا ډير دي . هغه ښاغلي چې گوري (سرطاس سړی) خواته اشاره کوي ديوې مغازې مديريت چې هلته خوراکی شيان پلورل کېږي او ټاکل شويدي چې پدغه کار کې زما سره گډون وکړي . زه تاسو ته پيشنهاد کوم چې د فابريکې دفتري رئيس په توگه ماسره کار وکړي .

اوس نوښايې اقرار وکړم چې ديوچورليوني سره مخامخ يم، په ډېره سوالو سترگوسره ورته گورم . نور دوستان يې هم حيران او هک پک دي .

- هوکې، مونږ کولی شو چې دالوتونکو کانسرو جوړ کړو . البته دغوږيو سره له ډيرو غوږيو سره . زه گمان کوم چې مونږ پدې توگه کولای شو چې د امريکا ليانو په غير داسې خواږه جوړ کړو چې بيا پخولو ته اړنه وي اودغه کار زمونږ په هيواد کې ساري نلري . زما هيله داده چې دفرانسې د پخلۍ ټول شاهکارونه په يوه قوطي کې ځای کړو او بازار ته يې وپاندي کړو .

زه دکوټي دمسوول سړی دپاره پلمه خپل نوی ملگري څخه بيليرم ، خو هغوی زماڅخه ژمنه اخلي چې بياهم هلته ورشم ، په ډيره مينه خدای پاماني کړو .

دداسې خلکو په هکله غرتگه سوچ کولای شو؟ په ښېوښي اخته شوی دی يا دتعمومي حواسو په اختلال ؟ ددغو خلکو دوضعۍ څرنگوالي دتوجه وده ، دوی چې په بهر کې دلوړو مقاماتو څښتن وودلته به يې و ز ل و او بياو خلکو تبديل شوي دي . دوی چې پخوا په پرتمين او آرام ژوندانه عادت پيدا کړي و، اوس په ويجاړ حالت ژوند کوي او په بې دفاع خلکو تبديل شوي دي . د دوی داردوگاه دقانون له مخې په اعدام محکوم شوی دی . زه چې هرکله ددوی له څنگه څخه تيريرم راته غبرگوي او زه هم ورته سلام ورکوم اوځویې اهميت خبرونه هم ورته ورکوم

خوتل يوه بېلایه جوړوم چې دکښناسمتوڅخه ځان وژغورم .

دغو څلورو تنو ته بهر ته د خط ليکولواچازه ورکړ شوی دی او دوی اوس دفرانسې څخه دخپلو ليکونو خواب ته منتظر دي . يوه شپه خبررسېږي چې دپوليسو کميسار ته يو غټ پاکت رسېدلی دی، دغه سړی په اردوگاه کې لومړی سړی دی چې دېر څخه ورته يو پاکت رسېدلی دی . زه هغه شپه ملاقات ته يې ورغلم ځکه ډاډيرم چې سوچ ولکړي چې زه ورڅخه کوم شي غواړم ، سبا سهار کله چې دڅنگ څخه يې تيرېدم هغه خپله راته غږ وکړ دتود روغېر څخه وروسته په غمجن غږ راته وويل :

- وحشتناکه ده، ښاغلي، ډيره وحشتناکه، همدانې شپه زما پاکت يې غلا کړی دی . ملگري يې چې هماغه کارخانه لرونکی سړی دی ورته دلداري ورکوي :

- غصه مه کوه زما لپاره به زياته اندازه کانسرو وليږي ... زښته زياته خودغه کانسرو هيڅکله وله رسيد، خواته ورځي وروسته دغه بنديان دواړه مړه شول .

ناروغ بنديان دورځي له خوا اجازه لري چې متراح ته دتللو لپاره دروغتون څخه ووځي مستراح هغه لوی او بې دروازی انبار ته ورته ده چې په پوخت کې دوه سوه کسان کولای شي څنگ په څنگ کښي او خپل ضرورت رفع کړي . مستراح ته دتگ په وخت کې هيڅوک کالی نشي اغوستی . بايد ديو ليکر او ټپيان سره سړی هلته لاېشي . دغه ورځني وتل داپريکې ټينگولو لپاره يواځنی وسيله ده . موږ پدې توگه

کولای شو چې دنورو بلاکونو له ملگرو سره وگورو . زه هره ورځ په يوه ټاکلي ځای کې دملگري ((دیده)) سره گورم . او په فرانسه کې د ((دیده)) سره ښه آشنایي درلود، هغه دپټو عبارزاتو په ترڅ کې په سختي سره ټپي شوی ؤ او سره له دې چې ډير ناروغ اوضعیف دی دخپل روحي قدرت سره پدې بريالی شوی چې دبندېخاني شکنجې اودجلادانو دکړاوونو په وړاندي مقاومت وکړي .

دغه داوسپنې کارگر چې يوځلی هم دخپلې وضعې څخه شکايت ندي کړی، په خبر مه بلاک کې دسلمانې په توگه گمارل شويدي، ښه چانس دی، دآش يوه اضافي ونډه ورته رسېږي . پرسيږه پردې هغه کولای شي چې بطلون اوکرتي واغوندی او بايد دسپار له تربگاه پورې دبنديانو سر اوږده وڅړي . تصميم نيسم چې د((دیده)) په ملگر تيا

دفرانسويانو په منځ کې دورورگلولی (د غليم سره دښمني) سازمان منځ راوړم ، ددغه سازمان مسوول به هغه وي . داڅکه چې هغه دخپلې دندې په اساس تل دبنديانو په منځ کې وي . د بندېخاني دنورو برخو سره دغه داپريکې دټينگولو مسوول به هماغه اسپانوي وي کوم چې هر سهار د ((توني)) له خوا ماته ليزدول کېږي . وروسته بيا دروغتون په هر بلوک کې يو ملگري ټاکل کېږي چې دغه سره په تماس کې وي اودغه ملگري هم يو بل ملگري دمرستيال په توگه وټاکي ترڅو چې دروغتون څخه دوتلو په صورت کې دهغه دندې سر ته ورسوي .

دتوني دليکونو څخه يو هيرم چې په اردوگاه کې هم زمونږ دتکيلاتو مستي ټينگيږي . خواته فرانسويانو چې دېر څخه خواږه لاس ته راوړي ، دغه ژمنه يې کړې دی چې ددغو شيانو يوه برخه دناروغوبنديانو لپاره بېل کړي . نور څو تنه چې کار نه کوي اويابه سپکو کسانو گمارل شوي دي هم ځنې وختونه دنوږې ټوټې په ناروغانو ته وليږي . پدې توگه کېدای شي چې په اولي کې دوه ځلي دخوړو وډه غوټه ناروغانو ته وليږي . له بده مرغه ضعيف ناروغان دومره زيات دي چې نشو کولای دغه لېرشاته خواږه د ټولو ترمنځ ووېشونو ځکه تر ټولو نه ډير او ناروغان لټو او هغوی ته يې ورکړو .

دهغو گذارشاتو له مخې چې هره ورځ دټاک مسولين ((دیده)) ته ورکوي تصميم نيسو چې دفرانسويانو دوضعې دڅرنگوالي په هکله يو رپوټ جوړکړو، وروسته بيا دهغه رپوټ له مخې دخواږه هغه غوټې چې لاس ته راځي دهغه کميسيون له خوا ووېشل شي .

دخوړڅو په اوږدو کې دغو ټولو کارونو ته ترتيب ورکړ شو . ((توني)) هڅو ونکې ليکونه ماته راليزي . هره ورځ گڼ شمير نور فرانسويان زمونږ دورورگلولی دغه سازمان سره يوځای کېږي . دورورگلولی دسازمان لپاره مبارزه موزته يوه پرتمينه مبارزه ده ، داڅکه چې دبشري افرادو ژغورنه ده د مرگ څخه . يوه شپه ((دیده)) دلومړی ځل لپاره هغه غوټه چې زما دټاک لپاره تخصيص ورکړ شوی ؤ ماته راکړ . دهغو څلورو کسانو څخه چې بايد ددغه خواږه څخه گټه واخلي يو فرانسوي سړی هم دی چې ((ژروم)) نومېږي، موزدهغه په لټولو پيل کړو ورو ورو دکټونو دڅنگ څخه تيريرم او دنوموړي ناروغ نوم تکراروم او بالاخره هغه په پوتياره گوت کې پيدا کوم . يوه ښه يې ماته ده له همدې کبله نشي کولای چې دکټ څخه ښکته شي . زه خپل دهغه ديو وطنوال په توگه ورپېژنم اوغوټه دخپل کفيسه څخه پام او هغه ته

وړاندي کوم :

- واخله داستا ده . هغه ملگري چې په اردوگاه کې دی دغه خواږه يې دتا لپاره ليزلی دی اودتعمومي دورورگلولی دسازمان په واسطه يې ماته را کړی دی چې تاته ورسوم . - ته ډاډه يې چې دغه غوټه يې ماته ليزلی دی ؟

- مگر ستانوم ((ژروم)) ندي ؟ مگر هېکې په اردوگاه کې ((واو)) نه نومېدی ؟ - هوکې .

- ښه وروسته ستا مال دی . ما اشتباه نده کړی .

سړی غوټه خپل سينه باندي ږدي خو د خلاصولو جرأت يې نلري . او وروسته بيا جرأت کوي او غوټه پرانيږي . پنځه ټوټه ټوټې او درې ټوټې قندپه هغې کې وه .

- اوه ! منته هلکانو . دانو ډيره فداکاری ده ... ډيره ...

- داخبرې پرېږده . ترڅو چې زه دلته يم دپرستن لاندې هغه وخوره .

ځکه چې امکان در څخه يې غلا کړی . - ته هم لږ تر لږه يوه مړی خو واخله .

((ژروم)) خپل مخ گرځوي او دستر گو څخه يوه قطره اوبښکې پر مخکې لويږي .

- که وپو هيري چې څومره خو شحاه نوم ... که وپو هيري ... که وپو هيري ...

او دغه سړی چې بير ته دژوندون خواته ځي دژبا او خدا په حال کې خپله ټوټې خوړي . زه پداسې حال کې چې ورته گورم، زياته خو شحاه لي احسا سوم .

اوس ښځې دا امکان شته چې دمرگ څخه دملگرو ژغورنه پيل کړو .

((ژوندون ته بيرته مستبد ل)) - نوم دی څه دی ؟

- سره

دکوم ځای اوسيدونکی يې ؟

دومورانتن

- څو کلن يې ؟

- ډير ش کلن .

سولی ونيول شوی ؟

- ددی يو ښتني خواب دی ډيره اوږده ده . څه فرق کوي مگر مونږ ډيروخت نلرو !

- ښه ده ، ...

هغه کس چې په پورتنۍ ډول ور سره په غږ پيدا پيل کوم او اوس زما دوروستنۍ يو ښتني د خواب لپاره ځان چمتو کوي

خوښيې مخکې زما دچير کټ په څنگ کې بستر شوی دی . هغه ديو بل يوگړي سلاوي قيدي سره چې ټول ځان يې بلسټري په يوه چير کټ کې پروت دی . هر څلور وېشت ساعته وروسته دغه يوه ټوټه پلسټر سوري ، سوري کېږي او بد بوی ورڅخه جگيږي . له ليکه مرغه پدغه وخت کې هغه يې دکټي لپاره وېدی او مونږ کولای شو چې په هو سا خاطر يو بل سره وغږيرو

زماهم چيرکټ (هغه سړی چې زما سره په يوه چيرکټ کې دی) ماته خپل شاپوولۍ او وېده ده .

- ښه رنه ، ته وويلې چې ؟

- هوکې ، ترټولو نه پومي ښا يې وپوهيږي چې ده يو فصل جوړونکی يم . پلار مې -

آهنگرو او همدا اوس هم سره له دې چې ډير ژوندي تکره ده . هغه دجگړې دخلورو

منته

سر

ش

ټولو نو په اوږدو کې د جگړې په ډگر کې،
نو مړه دوتنه وایم چې هغه د (پو شا نو)
سره کوم په اړیکه نلري، لیکه می مړشوی
دی خو زه لاس ته اوسه دهغه سپین وینا ن
په یاد لرم د ۱۸۷۵ کال په جگړو کې یی
گډون کړی و. زه هم په کال ۱۹۴۰ جگړې
نه داخل شوم، په حقیقت کې زه یواځې هلته
لږم خو نشو کولای چې ورپاڼې د جگړې
نوم کېږدو. زه ددی لپاره چې دغلیم له
خوا بندي شوم، پس له دی نه چې فرانسوی
لږتونه ماتې وکړې خپل کورته لږم او پخپل
پلرنی کار باندې بوخت شوم. دا هم باید
دوتنه ووايم چې زه دخپل پلار او مور سره
یوځای او سپرم.

کو چنیا نلری ؟

سولی، یو څلور کلن ځوی لرم. زما کار
ځای زما دپلار کار ځای و، بیا یی اقرار
وکړم ددی لپاره چې زما ته نارینه یی حوصله
دی، با ید سړی ځان دهغوی څخه لیری
وسا نی، یوه ورځ زما یو همکار چې
دبریتانیا متخصص وراځی اوزما څخه
یی وغوښتل چې ورسره یو ځای مبارزه
وکړم. زما کار هم داو هغه وسلې چې
داتگلستان څخه را تلل واخلم او وسا تم.
دا کومه نېټه وه ؟

گمان کو م چې ۱۹۴۳ کال دډبروری
بیا شت و.

ښه، تا خپل همکار ته څه وویل ؟
ما ورته وویل چې اوس لا دهغه غوښتنه
نیم، خو بیا یی چې دخپل پلار او مور
سره وغږیږم. او وروسته بیا پداسی حال
کې چې می دروازی ښه وتړل دخپل پلار
سره پدی هکله وغږیږم. ښه می به
زېږېدل وکړه موری هم همداسی پلار می
چې تل په ډیرو سختو شرايطو کې مقاومت
اوسره سینه شینې راته وویل!

باید لاس شي خوه، اوکه زه هم زوږنه
وای درسره تلم.

اوویده کیدلو په وخت کې یی زه ښکلی
کړم. دغه کار په کال کې یواځې دوه دری
ځلې سر ته رسیدله. خوږه فکر کو م چې
دغې خبرې تا ته په زړه پورې نه وی ؟
برعکس وروږه، وغږیږه.

ډیر ښه ازموږ کار ډیره اوږده شوه
دری ورځې وروسته زما ملگری چې (روژه)
نو میده را غی او راته وویل چې په یسوه
آزما یشی کار کې گډون وکړم.

څنگه ؟ آزمایشی جریان ؟
حدادی دوتنه وایم، کله چې شپه شوه
موږ په یوه گډه ندي موټر کې دښار څخه
بهر لاړو. ما هغه سړی ته پېژاندل کو م
چې دمو تر پر چلو باندی تاست و، خو
وروسته پوه شوم چې هغه د (روژه) رئیس و
ددیر شو کیلو متر وږه شاوخوا کې وا ټن
مو وواوه، ټاکل شوی و چې دبر بښنا یو
برج وچا و دوو. دمو تر چلو تکی، موټر کې
منتظر پاتی کیده یعنی زموږ د عملیات دتر

سره کیدو پوری د روژه رئیس انتظار ایستل.
زموږ کار ډیره اوږده نشوه. چا ووتلکی

مواد مو دتو موږی برج لاندی کښینیږو داو
او ر مو ورته واچول او و تېښیدو. کله
چې برج چا و دیده موږ دپېښې له ځا یه
ډیر لیری وو.

ښه کار و، آیا ستا مو دکار وسایل
لر نه و ؟

اوه، هیڅکله، تر څو چې موزده غوښته
چا و وتلکی مو پهواک لرل.

زه دهغه برج په هلکه سوچ کو م چې
بیا یی دپا ریس په سیمه کې دور اتکا ری
لومړی پېښه وه. هغه داسی یو برج و چې
(تامپ) په سیمه کې ډیر ستر برج و. زموږ
دوه ډله ملگری په دری کمپزه تو گه پدی
هکله سلا مشوری یی کولی. هیڅ چاودونکی

مواد یی نه درلودل، یواځې د او سپنی د
تراشولو سامان یی درلودل دناچاری له
مخې یی دبرج دستو په غوڅو لو بیل
وکړل. پداسی حال کې چې د دغو دوو ډلو
څخه یوه ډله په کار بوخت و بله ډله بهر
(څارنه) کوله.

ددی لپاره چې دا ځای دسړک په غاږه
کې و او همدا راز ډیر کورونه او مغا زی
ورته نږدی وی، زموږ ملگری ټوله شپه
پدغه کار بوخت و او هیله مند و چې د
ستو دغو ځینو سره سم به برج ونړیږی
خو ددوی هیله تر سره نشوه ځکه سره له
دی چې ټولی ستی یی غوڅی کړی لا هم

برج پخپل ځای ولاړ او سره له دی چې
هغه شپه سخت با دلگیده خو کومه بله
پېښه منځ ته را نغله، سبا سهار چې آلمانیان
دگرمی لپاره راغلل ددهغه کار څخه خبر شول
او دبرج ستی یی بیرته جوړ کړل. زموږ
شیر تڼه ملگری دغه کار با ندی سرو ته
ایښی و خو دسا مان د نشتوالی له کبله

بریا یی نه شول. ددهدغی یی اغیزی
فعا لیت له امله، (رومن) ته وویل چې د
چا و وتکو موادو دلاسی ته راو ډلو به

هکله سوچ وکړی. هغه اته ورځې وروسته
ماته احوال راکړ چې سل کیلو گرامه
(دینامیت) چاودونکی مواد یی تېښه
کړی دی او په مخصوص پټ ځای کې یی
ایښی دی. ددهغه دینا میت لپاره خپله

(رومن) اقدام کړی و ځنی مجبور شوی و چې
د (سن - له - مارتن) اټبار ته چې ښه
بکتی بلد و لاړ شی داتبار سا ټولکی وکړی

او داتبار په موجودی لاس پوری کړی. دلته
باید اعتراف وشي چې خپله ساتو لکی هم
مقاومت نه و کړی. وروسته بیا قتیلی
او دارو ته اړ وو. ددهغه کار لپاره یو بل
ملگری د (لوار) اټبار تر نظر لاندی نیوه او
په وروستی پړاو کې دملگرو له خوا لو مړی
بله وچا ووتل شوه پدغه کار کې لږته
ملگری گډون کړی وو. دغه فعا لیست د
۱۹۴۱ کال دمی دلو مړی ورځې دجشن سره
سمون شو و.

په هر صورت اوس راځو د (رله) کیسې
نه چې داسی ادامه ورکړه و

کله چې بیر ته کورته ستون شوم دپېښې
شې نه دری ساعته تېره شوی وه. ښه
می ځای ستلی ټپه او دپلار او مور دکو نسی
خراغ هم بل و. پلار می په بیره را څخه
پوښتنه وکړه چې دکار نتیجه څنگه وه ؟
او وروسته بیا زړ خا نی ته لاړ او سو-
پوتل شراب یی راوړ. دکورنی ټول غړی
خو ښی او خو شحال ښکاره یدل.

څه ښه خلک !

څه دی وویل ؟

هیڅ ادامه ورکړه.

وروسته بیا دکار ښه بدلون ومو ندله
زه نور دبرجونو دنړولو لپاره نه تسلیم
په تیره بیا دهما څه یو ځلی ته پر ته ما
هیڅکله دکو مښی په چا ووتو او لاس پوری
نه کړه. موږ یواځې دښار ته بهر تلو ترڅو
هغه وسلې چې دالو لکی څخه موږ ته اچول
کیدل تر لاسه کړو.

تاسو ته ډیرا شوت سره هم وسلې
اچولی ؟

هوکی هره شپه چې آسمان شین و ما
ویل چې اوس به (روژه) راشی. او هغه
هم را ته، او موږ پخپلو با یښکلو نو
سپړیدو او دلسونه تر شلو کیلو متر و
پوری دښار ته بهر تلو.

تاسی یواځې دوه کسه واست ؟

نه نور خلک هم وو. موږ په تل بڼه
ټا کلی ځای کې پتخه یا څلور کسه وو. ما
ټول پېژانده څکه چې هلکان به ز مو ډډ
کو څی خلک وو. دهغوی په منځ کې یسوه
تنه یوه لاری مو تر هم در لوده او دهما څه
سړی و چې وسلې یی ځای ته رسول...

(رله) ماته دوسلی دتو یلوو لږتوالی
شرح را کوی.

تا سو ددغو وسلو سره څه چا ری سرته
رسول ؟

زه پدی هکله څه نه پوهیدم ځکه چې
موږ دغه وسلې دیو کیلو ال کور ته وپاړاو
هر ورو په نور کمان دغه وسلې کو م بل
پت ځای ته وپل. خو هغه شی با ندی چې
زه ښه پوهیدم ماته چې موږ د ۱۹۴۳ کال
دژوږی په میاشت کې وټول شو. دوسلی
اکثره پت ځایونه دآلمانانو له خوا کشف
شوی وو.

نو پدی رنگه دا ټولې وسلې هیڅ په درخونه
خو ؟
هیڅ!

ستاسو رئیس څولو ؟

زموږ د سیمې رئیس (روژه) وه. خو
دهغه پور ته هماغه سړی و چې موږ یی
دمو تر سره بله ور سلاوه. ددهغه سړی نه
پر ته یوه ښه هم وه چې کار کوله، خو
ما یوه ځلی هغه ولید او هغه هم یوه شپه
وه چې یو ملگری ډیرا شوت سره ښکته
کیدله، هغه ښه دغه ملگری په موټر

کې کینا وه او را هی شوه. زه یوا ځسې
دومره پوهیدم چې هغه یوه انگلیسی ښه

وه خو بیا یی چې کومه مهمه دنده یی در-
لودله د اڅکه چې په ډیره آسرا نه تو گه
غږ یدله او ستر گډی هیڅ ډاږنه درلودلی.
ستا سو په سیمه کې کمو لیستان هم
و ؟

هوکی و، خو موږ حق نه در لودل چې له
هغوی سره اړیکې ټینگی کړو.
او ته سو چ نه کوی چې دهغو وسلو
یوه برخه هغوی ته ور کړای وای ؟

زه کا ملا موافق وم، ځکه زه پوهیدم
چې هغوی به دغی وسلې په کار رواجوی.
خو پدغه هکله تصمیم نیول زموږ دحق
نه و.

گوره (رله)، یواځې هغه وخت غلیم
باندی بریالیتوب امکان لری چې ته
او دتا په څیر نور جنگیا لی خلک سره لاس
پو کړی.

(رله) پس له دغه خبرو اترو څخه ما
سره ملگری شو. هره ورځ دخپل دژوند
سیمې، دکور، ښځې او کوچنیانو په
هکله غږ یدل. زه او س پوهیدم چې
ددوی دژوندی په څه کسې یوه او دسپنی
څخه جوړ شوی گل شته چې خپله رله
هغه جوړ کړی دی.

زه اوس ښه پوهیدم چې دبالښت ترڅنگ

بی یو وې خراغ شته دسړ وکونو د خرا غونو
په څیر. زه اوس پوهیدم چې ښځه یسی
شر میلی او ډیره خوږه ده. زه او س دهغه
په کور کې ښه بلد یم. پلار او مور یی

هم پیژنم، مینه وال، گاونډیان اوان
د دهغه دژوندنا نه ډیری وېی ټکی با ندی
ښه پوهیدم. (رله) یو نجیب، ساده او
ژوندانه ته امید وار کار گردی، هغه په
عین حال کې چمتو دی چې دخپل هیواد په
لار کې خپل خون ځان چار کړی. (رله) ما
باندی ډیر گران دی.

نن سهار پخپل ورځنی لیک کې (تو نی)
ماته ډیر مهم خبرونه در لودل. (رو بر)
چې پتخه میا شتی مخکی زموږ ته ییل
شوی و بیرته اردو گاه ته راغی. هغه یی
پاریس ته یوو لی وه تر څو چې د گشتا یو
په وړاندی یو ځل بیا ورڅخه استنطاق وکړی
هغه یو سلو پولس ورځی د (فرن) به چل
کې کوته قللی وه. اوس هغه دقرنطینه په
برخه کې په اولسم نمبر بلوک کې سا تل
کیدی. ډیر ډگر شوی دی خو (تو نی)
کو لی شی چې هغه ته به ور څی کی یسوه
ډوډی ور سوی.

بل خبر داده چې کو لی شو دهغه په
واسطه بندیان دمر گ څخه وژغورو. لیننگراد
بېخی خپلواک شوی دی. داپوه هدیه ده
ستا لین ته د مور پو څ دپنځه ویشتی
کالیزی په ویاړ. زما په څنگ کې یو
فرانسوی پروت دی چې ددهغه خبر پوهاندی
بی تفاوت ښکاری، خو (رله) خو شحالیری
(نوریا)

فعالیت‌های

گرام مجوز و پیشنه‌ها ذات کشور های عضو پیمان وارسا همیشه روی متحدید و کاهش سلاحهای نظامی و بخصوص متحدید و جلو گیری از تولید سلاح هر گبار اتو می بوده و طبعاً این موضع گیری و اتخاذ چنین مو قفی از طرف پیمان وارسا در حقیقت به منظور خلع سلاح عام و تام میباشد . اما امپریالیسم جپانی به هیچوجه حاضر نیست تا در برابر این پیشنهاد کشورهای اعضای پیمان وارسا موا فقت نشان دهد و با استفا ده از حیل ووسایل گوناگون در صدد آنست تا کشور های آسیای بی را بخصوص ص به انبار خانه اسلحه تبدیل نموده و از این انبار ها برای اعمال مقاصد واهداف شوم خویش استفاده نموده و با استفا ده از چنین وسایل، سایه شوم و نکبت بار خویش را گسترده و این کشورهارا مورد غارتگری قرار داده و تمام هستی ما دی و معنری- آنرا چور وچپا ول نموده است این دیگر به همگان معلوم است و ضرورت امپریالیسم جپانی و در وارسا آن امپریالیسم امریکا تجا و زکار است و با خدعه و فریب و نیرنگهای گوناگون و رنگارنگ نمی تواند توجه اذهان عامه را از بحران داخلی امپریالیسم پسوی دیگری معطوف دارد .

امپریالیسم از آنجا نیکه در عرصه های مختلفه مبارزه اجتماعی موا جبهه شکست های مر گباری گردیده و به عقب نشینی های

در قبال جنبش نجات بخش خلقهای زحمتکش خود امریکا مجبور میگردد، اکنون که امپریالیسم در حالت نزاع است، با وجود آنها تلاشهای مذموبانه ای را سر می دهد، اینجا و آنجا و در گوشه و کنار مختلف جهان دست به کودتا های ارتجاعی و ضد انقلابی زده و در صدد آن برآمده تا حکومت دست نشانداده و گوش بفرمان خویش را بقدرت رساند، با فرستادن نمایندگان و دست پرور دگان و غلامان حلقه بگوش خویش در آرزوی پوچ و خالم ایجاد موا نع در قبال مسیر پیروزمند پرو سه انقلابی برآمده و باجاذبان نمایندگان سر سپرده و سو گند خورده خویش در صدد آنست تا حکومت ملی و دموکراتیک، حکومت خلقی و مردمی را که جدیدا در این کشور ها عرض اندام نموده از درون منفجر سازد اما دیگر این آرزوی خویش را امپریالیسم امریکا از جمله درافغانستان انقلابی با خود بگوربرد. ارتجاع جپانی به سر دمداری امپریالیسم ایالات متحده این واقعت سر سخت را نمی خواهد بپذیرد که او و مخر بینش در جهان محکوم به شکست اند و در هیچ عرصه زندگی اجتماعی برد با آنها نیست، دوران و عصر ما، عصر فرو ریختن شیرازه امپریالیسم، عصر پیروزی های پی اندر پیی خلقها و مو فقیتهای بیشمار جنبش طبقه کارگر در کشور های سرما-

یداری، عصر رشد روز افزون نیرو های صلح و عدالت اجتماعی و... در این دوران و عصر که عصر ترقی و تکامل شگوفان و سر یع السیر جوامع بشری و عصر انقلابات کارگری و آزادی بخش نام گرفته است، جریانات حوادث و تعقیب پرو سه انقلابی جپانی خود می رساند که شکست استعمار یسار تجاع و امپریالیسم امریست حتمی و قطعی و هیچ قدرت و نیرویی در عرصه مناسبات سیاسی جهان قادر نیست تا از این شکست و فتنای حتمی جلو گیری نماید.

در اثر پیروزی های پی اندر پی پرو سه انقلابی جپانی و عقب نشینی ها و شکست های فاحشی که نصیب امپریالیسم وارتجاع جپانی گردیده و میگردد بیش از پیش توا زن قوا بنفع نیرو های هوا خواه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی تغییر نموده و هم چنان روز تار و زوبیش از پیش این توازن قوا بنفع متر قیت و جهان انسانیت تغییر خواهد نمود. این سلسله تغییرات عینی بوده تشکیل کاملا مستقل از ذهن و شعور آدمی تکیه بر می زند یرد، جهان در مجموع و بشکل یک کل در تغییر و تبدل دائمی است، این پرو سه پیدایش و دانه نشینی پدیده های نو و مرگ و فساد ی پدیده و فاکت قانونی ذاتی و عینی تکامل است. از جمله فعالیت های خرابکار امپریالیسم امریکا یکی هم عدم شرکت و تحریم با ژیمپای المپیک ۱۹۸۰ در مسکو است، این عمل امریکا بخودی خویشا حد شکست و به اصطلاح احتجاج امریکا بر ضد

چندان و با عظمت و با بهت بیسابقه و همراه با متحدین وفادار خویش بر ضد نیرو های امپریالیستی همچنان می رزمند و در این رزمگاه پیروزی قطعی و حتمی همراه با این خلقهای ستمدیده زحمتکش بوده و دشمنان نش و هر آنکسی که بر ضد ارا ده رزمنده توده های ستمدیده زحمت کش قرار گیرد مرگ و فتنای آن حتمی است. بیا نید با نیروی اتحاد و همبستگی بر ضد امپریالیسم جپانی و در وارسا آن بر ضد امپریالیسم امریکا مجاهدت پیگیر نماییم و افتخارات بزرگی را برای ما در وطن گما یی نموده و زندگی شرافتمندانه و آبرو مندانه ای را برای خلقهای زحمتکش وطن خویش افغانستان عزیز سازمان بخشیم پیروزی از آن ماست، از آن خلقهای ستمدیده و زحمتکش افغانستان عزیز است

دیگر از دیاد این گاز در سطح میباشد. تأثیر از دیاد کاربن دای اکساید بالای اقلیم چیست؟ اگر چه اسناد تاریخی عینی بر اینکه کاربن دای اکساید باعث گرمی آتوسفر زمین میگردد موجود نیست اما سائنس دانان معتقدند که گرمی آتوسفر زمین در سال ۲۰۵۰ به اندازه گرمی آن در ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال قبل خواهد بود که در آن زمان قسمت های وسیع دشت های امروزی منطقه حاره شاهد باران های زیاد بود. متخصصین اتحاد شوروی از محاسبات خود چنین نتیجه گیری نموده اند که در سال ۲۰۵۰ درجه حرارت زمین به اندازه ۴ درجه سانتیگراد بلند تر گردیده که در این صورت یخ بند های بحر منجمد شمالی ذوب گردیده و برای نخستین بار بعد از میلیون ها سال در آن آب موجود خواهد آمد البته سطح آب بلند نخواهد گردید ولی ذوب این یخبندان باعث

حتی ذرات گرد و خاک حاصله صنعتی که چند سال قبل بحیث منبع سردی تصویف بشمار میرفت فعلا منحصرتابع مهم تسخیر کره زمین بحساب می آید اما علت عمده گرم شدن سطح زمین کاربن دای اکساید بوده و محتوبات آن به سرعت رو به افزایش میباشد. متخصصین دریافته اند که به اثر انقلاب صنعتی سال ۱۸۶۰ غلظت کاربن دای اکساید از ۲۸۵ حصه در فی میلیون به ۳۱۲ تا ۳۳۰ حصه در فی میلیون رسیده و به ۴۰۰ حصه در فی میلیون در سال ۲۰۰۰ و دو چند آن در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید.

تقلیل جنگلات :

تقریباً نصف اندازه کاربن دای اکساید موجود توسط ابحار و جنگلات جذب گردیده و نصف دیگر آن در سطح زمین باقی میماند. قطع اشجار و جنگلات علت

پیش گوئی

منظم تعقیب ننموده بلکه بعضا دوام بریود آن از ۵۰ تا ۱۰۰ سال وقت را نیز در برسر گرفته است.

با وجود تمام این تحولات علت سردی قسمت های وسیع کره زمین که ۲۳۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ سال دوام نموده آفتاب نبوده بلکه تغییرات جزئی در مدار زمین بوده که باعث دور شدن سیارات از آفتاب و بالتبع سبب کاهش رسیدن حرارت خورشید به زمین گردیده است.

نماینها کاربن دای اکساید، بلکه کاربن کلورو فلور و تاتروس اکساید تا نیر مشا به در گرم ساختن زمین دارد

ورزشکاران افغانی برای مسابقات المپیک ۱۹۸۰ مسکو آمادگی می گیرند

ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری دموکراتیک افغانستان از چندین بدین طرف جهت اشتراك نمودن ورزشکاران افغانی در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ که در تابستان سال آینده در کشور دوست و همسایه بزرگ مائتحد شوروی برگزار می گردد به يك سلسله اقدامات موثر دست زده که در قدم اول انتخاب تیم های ورزشی را روی دست گرفته است چنانکه روز شنبه شش دلو مسابقات آزاد انتخابانی بوکسنگر را در جمنازیم پولی تخنیک کابل با شرکت یکمده ورزشکاران تازه وارد و کمیته کاران آن دایر نمود .

مسابقات مطابق به قوانین و مقررات پیش برده شد شرکت کنندگان از وزن ۴۸ کیلو گرام به بالا رویاروی هم قرار گرفتند و برای اینکه مسابقات طوریکه جوانان آرزومند آن بودند پیش برده شود ریاست ورزش کمیته ای را مرکب از ورزشکاران سابقه دار و اشخاص جبر فیم موظف نمود تا استعداد و اهلیت کاندیدان تیم منتخب را بررسی و نظارت کنند .

مسابقات مطابق پروگرام مرقبه یا در نظر داشت بر مبنای طرح شده طوری بود که هر یک آنها سه بار در برابر هم قرار گرفتند و این روند و بازدید های مدعیان تیم منتخب با حضور یابی هزاران تماشاچی با ابراز احساسات قیق و کرم شان پیش برده شد .

درین مسابقات طوریکه گفته آمدیم چهره های براننده و شناخته شده می این ورزش در بین ورزش دوستان بوکس چهره های تازه کاری درخشیدند که برای بار اول در همچو یک رویداد توجه بیشمار ورزش بکس را به خود معطوف داشت . چنانکه محمد عمر از کلب باغ بالا طی دو دیداری درین مسابقات چنان درخشید مثل که سالهای درازی را در چنین مسابقات با حر یقان مصاف نموده باشد و هکذا فرید احمد از تیم تعلیم و تربیه که شناخت چندان زیاد در بین هواخواهان این ورزش نداشت توانست با حضور یابی اش در ین مسابقات با درخشش عالی و چشمگیر خویش ثابت بکند که از استعداد خوب و قابل انکشاف درین ورزش برخوردار می باشد نامبرده دوبار در حریف خوب

و شناخته شده اش را با حملات سریع مشت های کوبنده از یاد آورده در دیداری نخست محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی را در دیدار دوم سید ظهورالدین از کلب باغ بالا را طی سه روند توانست مغلوب خود کند .

فیض محمد از کلب کارمند چهره دیگری از کاندیدان راه یابی تیم منتخب می این مسابقات توانست با درخشش خوب و چشمگیر نسبت به مسابقات انتخاباتی اسپارککاد مسکو که چند ماه قبل بود و در آن مسابقات مغلوب یکی از حریفان گردید این بار توانست

راحتی راه تیم منتخب باز کند . همچنان عزیزالله عزیز چهره شناخته شده فیضی این مسابقات توانست با ملاحظه به سکستش در مسابقات انتخاباتی اسپارککاد مسکو با پیروزی اش در دو مسابقه راه خویش را به تیم منتخب باز کند . عزیز علی دو مسابقه که انجام داد عبدالسمیع از کلب باغ بالا را با چند حمله سری حسابی و مشت های کوبنده در روند اول ناک اوت نمود . و حریفش که تعادل خود را از دست داده بود نتوانست در رندهای دوم و سوم در برابر حریف خود ظاهر شود .

و همچنان عزیز در دیدار بعدی خود محمدانور از کلب یاران صدیق را طی سه روند با کسب امتیازات قابل ملاحظه توانست بر حریف پیروز گردد .

درین مسابقات علاوه بر شرکت کنندگان که با هم دیدار ها نمودند چهره های دیگری چون عزیزالله اختری محمد حلیم محمد عارف و رستم کارمند چهره های بودند که بدون ظاهر شدن حریف شان در رینگ در سکوی افتخارات بالا رفته کپ های قهرمانی را افتخارانه دریافت نمودند که این پیروزی

بر چون و جبری آنها از طرف تماشاگران با گرمی خاصی استقبال گردید . و قراریکه جدول نتایج انتخاباتی بکس نشان داد :

درو وزن ۴۸ کیلو گرام :

۱- سیدالدین از کلب آریانا حایز مقام اول .

۲- سیدولی از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۵۱ کیلو گرام :

۱- شهاب احمد از کلب عزیز و کیلی حایز مقام اول .

۲- سید محسن از کلب کارمند حایز مقام دوم .

در وزن ۵۴ کیلو گرام :

۱- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام اول .

۲- حمیدالله از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

۳- محمد نعم از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

در وزن ۵۷ کیلو گرام :

۱- سلام ربانی از کلب آریانا حایز مقام اول .

۲- محمد هارون از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۶۰ کیلو گرام :

۱- فیض محمد کارمند از کلب کارمند حایز مقام اول .

۲- شهاب الدین از کلب آریانا حایز مقام دوم .

۳- عبدالخلیل از کلب باغ بالا حایز

مقام سوم :

در وزن ۶۳ کیلو گرام :

۱- صلاح الدین از کلب خراسان حایز مقام اول .

۲- محمد حسن از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

در وزن ۶۷ کیلو گرام :

۱- عزیز احمد اختری از کلب اختری حایز مقام اول .

در وزن ۷۰ کیلو گرام :

۱- عزیز الله عزیز از کلب عزیز حایز مقام اول .

۲- محمد انور از کلب یاران صدیق حایز مقام دوم .

مقام سوم :

در وزن ۷۵ کیلو گرام :

۱- عبدالحمید از کلب نساجی افغان حایز مقام اول .

در وزن ۸۰ کیلو گرام :

۱- فرید احمد از تعلیم و تربیه حایز مقام اول .

۲- سید ظهور الدین از کلب باغ بالا حایز مقام دوم .

۳- محمد کبیر از کلب عزیز و کیلی حایز مقام سوم .

در وزن ۸۰ کیلو گرام به بالا :

۱- محمد عارف از کلب آریانا حایز مقام اول .

مرحله نوین ...

گفت : شاید من از هر کسی دیگر معنی این تحول را بیشتر درک کنم زیرا بیشتر از یکسال را در زندان مخوف پلچرخ سپری کردم ، و دوباره قبل که آزاد گشتم ، میدانم که زندگی چیست و آزادی چه معنی دارد .

– بلی آزادی واقعا زیاست ، و این زیبایی و فرحت را جمهوری دموکراتیک افغانستان پس از مرحله نوین تکامل انقلاب ثوریه داده است من از زندان پلچرخ قصه های زیادی دارم ، قصه غای تلخ و دردناک از ظلم امین و باند جنایتکارش . یکی از این جنایات زندانی کردن صد ها کودک بی نوا بود بلی آنها زندانیان سیاسی بودند در حالیکه من این کودکان بین یک تا هفت سال بود . آه چقدر شرم آور بود آن همه ظلم و وحشیگری .

جوانان که جز سعادت و خوشبختی مردم چیزی نمی خواستند به جرم اینکه آزادی را دوست دارند به زندان افکنده شدند و ایضا که بسیاری از این جوانان ماهر گز از زندان بیرون نشدند ، زیرا بسیاری از آنان در زیر شکنجه های طاقت فرسای باند خون آشام امین نابود گشتند و جان خود را راه آزادی از دست دادند .

باید بگویم که صدای حق و عدالت برای امین و باند وی خوش آیند نبود ، زیرا آنها از عدالت می ترسیدند .

بازی پرسی طبی اطفال و مادران میباشند در اتحاد جماهیر شوروی برای آن دو کشور نیکه در رشته امراض طفل تخصصی حاصل میدارند . انستیتوت های کاملاً مدرن و مجهز با وسایل طبی آماده و همه ساله عده بیشتر از دو کشور جوان شامل این انستیتوت ها گردیده بعداً به فراغت را بدست می آورند و در مرکز طبی مشغول خدمات اجتماعی میگردند .

مردم کشور ما سال بین المللی طفل را به معنی واقعی آن برگزار نمودند ، و تمام فعالیت های مردم ما برای تربیه نسل سالم آینده در خود توجه است . و به همین اساس است که نیروهای طرفدار صلح در سراسر جهان برای امر صلح و امنیت جمعی به صورت خستگی ناپذیر مبارزه مینمایند .

زیرا این صلح است که در تربیه و پرورش اطفال ممد و موثر است و اطفال نیز ضرورت شدید به امر صلح دارند .

دولت وزعامت جدید افغانستان در تلاش این اند که چگونه و چطور میتوانند برای آرامی مردم افغانستان کسه سخت رنج دیده اند مصدر خدمتی گردند و از حق نگذریم که در طول مدت دو ماه کار های بس بزرگی انجام شده است . به عقیده من آزاد شدن زندانیان سیاسی و استرداد چایداد های مردم که به نا حق از یکجمله وطن پرستان مابه زور و جبر گرفته شده بود از کار های مهم و باارزش دولت ماست .

آزادگذاشتن مردم به مناسک مذهبی شان از کارهای دیگر دولت ملی و دموکراتیک ماست که در خور توجه است .

سوال بالا را از یکجمله همکاران دیگر فوضیه امیری نمودم که آنها حرف های همکار شان را قایید میدارند . و در ضمن با یکصد گفتند که آزادی کسه بزرگترین نعمت خداوندی است و هر کس حق دارد آزادزیست نمایند در ظرف همین مدت کمتر از دو ماه از طرف دولت ما بهترین شکل برای مردم داده شد و حقوق فردی و اجتماعی مردم مخصوصاً زنان به بهترین وجهی حمایت میگردد .

• از جوانی به اسم محمد امان در بساره مرحله نوین تکامل انقلاب ثور پرسیدم ، از عدالت می ترسیدند .

بخاطر یک ...

در اتحاد شوروی کمک های اولیه طبی برای مادران و اطفال به کدام معیارات مدنظر است ؟

پرورش مودال عالی و زمینه ای ارتقا دادن به شخصیت طفل مساله جدائناپذیر از صحت مندی طفل می باشد . در اتحاد شوروی سیستم علمی طبی از صحت مندی تمام اطفال و ارسی جدی بعمل می آورد . یعنی مادران و اطفال را با در نظر داشت میتوذهای کاملاً جدید طبی تحت نظارت قرار میدهند و وقتاً فوقتاً آنها را در کلینیک های مربوط تحت بازپرسی طبی قرار میدهند .

در سال (۱۹۷۸) در حدود (۱۲۰۰۰۰) اطفال به پولی کلینیک ها و در حدود یک صد هزار خانم به زایشگاه ها و مراکز صحتی مراجعه نموده اند . به هزاران دو کشور و ورزیده و متخصصین مسول



سلام به همکاران و خوانندگان عزیز!

بعد از دعای سلامتی به حق شما، از اینکه به جوایبی نامه های شما فوق تشدید، بوزش میخوانیم، اشاره شود که چندی قبل جوابیه‌ی از محترم بوهاند محمد با فضل به عبدالمجید ایشی در باب مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نگاشته شد که در همین صفحه جواب به نامه ها به نشر رسید. حال محترم دادعلی نیرو به دنبال برخورد فکری آن دوست نااشنا مقاله نگاشته است که ذیلا میخوانید:

اخیراً در شماره (۴۶) مجله وزین ژوندون، در صفحه اختصاصی «جواب نامه های شما» جوابیه به نشر رسیده بود که نویسنده محترم آن، ضمن رد ایراد یکه قبلاً بروی وارد آمده بوده است، به این اصل نیز تاکید ورزیده است که گو یا انقلاب علمی و فنی زاییده ذهن مخترعین و کا شفین میباشد و آنها نویسنده محترم باورمند میباشد که این انقلاب در قدم اول محصول ذهن و دماغ مخترعین، و در قدم دوم برای رفع مشکلات بشر است و جهت تأمین سعادت آنها نیست. چون نویسنده، در نقش فکر غلو ورزیده و عوامل اصلی و عینی انقلاب ساینس و تکنالوژی را نیز از نظر بعید افکنده است، لذا لازمی به نظر میرسد تا درین خصوص اندکی مکث کنیم.

در روند پیشگر زمان، هر تحول رویدادی که بظهور میرسد بر پایه عملکرد قوانین عینی تکاملی پدیده ها صورت میگیرد، بویژه انقلابات اجتماعی و پیشرفت های جبهه‌مند علمی و تکنالوژی که در عصر ما آهنگ پرطنین و شتابنده آنها در سراسر کره ارض متموج

میباشد، تصادفی نبوده و محصول ذهن این ویا آن رجل سیاسی و ساینسیست نیست. همچنان این سخن مفهوم آنرا ندارد که نگارنده این سطور از نقش افکار رجل سیاسی و محققین علوم طبیعی انکار کرده و چشم پوشی نماید، بلکه قصد آنست که باید در همه زمینه ها، بالاخص در زمینه تناسبات منطقی بین نقش افکار و اختراعات از یک طرف و بین قوانین تکاملی جامعه و درمینیزم زمان از طرف دیگر مدنظر باشد.

پژوهش های تاریخی روشنگر آنست که سطح رشد نیرو های مولده، در هر فرما سیون اقتصادی و اجتماعی، شاخص معیار سیطره انسان بر طبیعت بوده برو فوق اقتضات مادی و معنوی همان فرما سیون تکامل میکند. از جانب دیگر عامل تکامل نیرو های مولده فکر نیست، گرچه انسان جزو فعال و خلاق نیرو های مولده را تشکیل میدهد، اما فکر خود در پروسه تولید و نعمات مادی جامعه تغییر و تحول یافته و تکامل میکند. زیرا منشأ بروز و عامل تکامل دهنده فکر، کار و بویژه کارتولیدی میباشد. بدین مفهوم که انسان به مثابه موجود زیستمند ضرورت به بقای خود دارد، این امر او را تر از همه مقتضای حوا یج اولیه و ضروری نظیر خوراک، پوشاک و سرپناه میباید شد، در حالیکه حوا یج مادی تنها در بر تو کار و فعالیت های تولیدی و خلاق انسان میتواند میسر آید. به همین منوال میدانیم که کار بدون ابزار کار صورت گرفته نمیتواند، اینجاست که انسان جهت تهیه حوا یج اولیه خود به کار و تولید و وسایل تولید نیاز مندمیباشد

معینا در شیوه ای جاد و تهیه وسایل تولید و امر بکار بستن در پرا نیک تولیدی انسان می خواهد که سطح حوا یج را ارتقا دهد. این امر وقتی تحقق می یابد که ابزار کار تکامل داده شود ولی در جریان چنین عملیه ها، انسان نیز خود را از لحاظ ساخت ذهنی و جسمی تغییر میدهد.

در اینجا باید تذکار داد که اگر فکر را منشأ ویا عامل رشد وسایل تولید بدانیم و یا ور مند آن باشیم که فکر عامل و مظهر همه انقلابات در جا معه میباشد، دچار اشتباه جدی شده ایم زیرا این تغییر و تحول شیوه تولید و در کلیت آن تغییر و تحول جا معه است که افکار انسان را تغییر میدهد. غنا می بخشد و همواره در آستانه تکامل قرار میدهد. اینکه بعد از پان دوره قرون وسطی در غرب در زمینه علم و تکنالوژی جهش های شگرفی بوقوع پیوست یک رویداد تصادفی نبود و زاییده ذهن و دماغ این ویا آن مخترع و کاشف و محقق نیست، زیرا در غرب زمانیکه ارکان نظامات کهن فیو دالیزم قرون وسطایی در برابر رشد و جوان لان نیرو های نوین اقتصادی کپی تا لیزم از هم فرو پاشید و محمل های عینی و شرایط مادی و ذهنی را برای رشد و گسترش محیر العقول علم و تکنالوژی فراهم گردانید، همانا انقلابات بورژوازی بود که زمینه راجهت تحقیقات علمی و اختراعات مساعد ساخت یعنی در هر انقلاب اجتماعی زمینه برای رشد و جوان نیرو های مولده توسعه می یابد. اما زمانیکه با انقلابات بورژوازی نظامات مند رس قرون وسطایی در غرب درهم شکستند، باید تولید نیز سریع می شد، وسایل تولید کارگاه ها، موسسات علمی و تکنیکی بمیان می آمدند و پیوسته گسترش می یافت بدین مفهوم که بورژوازی مقتضی ایجاد و توسعه صنایع میباشد در حالیکه ایجاد و توسعه صنایع بدون ماشین و تحقیقات علمی امکان ندارد.

چون همزمان با نضج و تکوین سیستم های اقتصادی کپی تا لیزم در غرب در مراکز شهری، کارگران تجمع یافتند کارگاه ها ایجاد گردید و ضرورت افزایش تولید جداً محسوس گردیده و بدین

ترتیب احتیاجات مادی در پروسه تولید و در امر افزایش محصولات تولید موجب گردید که مینست تحقیقات علمی، اختراعات و اکتشافات بسط و انکشاف یابد. درین عصر (قرن ۱۹) بر اثر کثرت جمعیت و تمرکز آنها در شهر ها و احتیاج به تولید زیاد تر و کامل تر رونق و پیشرفت تحقیقات علمی شروع میشود، زیرا سر و صورت دادن پیشه و هنر کارگاه ها و تولیدات کشا و رزی و صنعتی احتیاج به مطالعات دقیق درباره مزروع، محصولات خام، نباتات و ازدیاد در اندمان کار و غیره... دارد.

اختراعات و اکتشافات که در توسعه علم و تکنالوژی در سده نزد هم تحول شگرف و جرحش کیفی رونما ساخت و با وجودیکه در عرصه تحقیقات علمی علما و نوابغ بظهور پیوست در قدم اول مرهون رشد شیوه تولید و تقاضای زمان و زندگی اجتماعی بود. هرگاه انقلاب در ساینس و تکنالوژی را که در عصر مابدان عنوان انقلاب علمی-فنی داده اند محصول ذهن و دماغ علما و نوابغ بدانیم مفهوم آن را دارد که رجال سیاسی و رجال علمی قادر اند مظهر انقلابات اجتماعی و علمی و فنی گردند مگر حقیقت آنست که شروع تحقیقات علمی ظهور اختراعات و اکتشافات و در نتیجه انقلاب صنعتی در جامعه بورژوازی صورت گرفت که ناشی از ضرورت عینی و تاریخی این جامعه بود طوری که یکی از اندیشمندان برولتا ریا میگفت:

«اگر بعد از اینکه شب تاریک قرون وسطی خاتمه یافت، علوم و دقتاً نیرویی که خواب آن هم دیده نمی شد بمیان آمد، با سرعت معجزه آسا تکامل میکرد. یکبار دیگر این معجزه را مرهون تولید میدانیم، روی فرض اگر انقلاب علمی و فنی را در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما نوابغ و محققین بدانیم. با ید به این پرسش پاسخ بدهیم که چرا این انقلاب در خصوص علم و تکنالوژی در دهلیز های صامت و تاریک قرون وسطی بظهور نه پیوست و یا چرا ماشین در فرما سیون اقتصادی اجتماعی جامعه بردگی نمایان نگردید؟ اگر جواب این پرسش ها بگویم که چون در آنوقت فکر تکامل نکرده بود ویا ذهن علما قدرت اختراع و کشف را نداشت،

تحولات، وسایل علمی و فنی تنها و محض و آنهم در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما، نوابع و محققین باشد.

و قتی که جای ما نو فاکتور را، صنایع بزرگ ماشینی امروز گرفت اگر آنرا مطلقا و یادر قدم اول زاییده ذهن و دماغ انسان بدانیم از تکامل قانونمند نیروها و مولده و از رشد و گسترش قانونمند زمان و زندگی اجتماعی انکار میکنیم زیرا ما نو فالکتور از آن جهت جای خود را به صنایع بزرگ ماشینی داد که ضرورت تولید سرما پداری ایجاد میکرد چنانچه این مطالب راپیشوایان پرولتاریا در سده نهم چنین ارزیابی میکنند «... اما بازارها پیوسته گسترده تر و تقاضاها دمدم فزونتر میشد اینک ما نو فاکتور هم دیگر نمیتوانست تقاضاها را پاسخ گوید. آنگاه بخار و ماشین در صنعت انقلاب ایجاد کردند جای ما نو فاکتور را صنایع بزرگ امروزی... گرفتند» در نتیجه باید گفت که انقلاب علمی و فنی در قدم اول محصول ذهن و دماغ علما و نوابع نیست، بلکه محصول پروسه تولید بورژوازی و ناشی از ضرورت مادی و معنوی این جامعه و بالاخره زاییده زمان معین میباشد که در آن اندیشه و تفکر و تحقیقات علمی نقش ثانوی را بازی میدهد نه درجه اول را.



مدیر مسئول: شیر محمد کاوه

معاون: محمد زمان نیکرای

امر چاپ: علی محمد عثمان زاده

مبتم: نوریه

آدرس: انصاریات

مقابل ریاست مطبع دولتی

تیراژ: ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

تکامل این را و تفکر آدمیان نیست بلکه مبارزه طبقاتی نیز درین خصوص نقش مهمی را بازی میبشد درجه یان مبارزه طبقاتی کارگران بود که بورژوازی به عقب نشینی مواجسه گردیده و در تکامل ابزار تولید و توسعه کارگاه ها و صنایع ماشینی پرداخته اند «تقریباً تمام اختراعات نتیجه مبارزه میان کارگران و صاحبان کارخانه است... بعد از هر اعتصاب نسبتاً مهم یک ماشین جدید ظهور کرده است»

در اینجا با وصف مطالب پیشین چند مثال می آوریم مثلاً فکر کنیم که طرح ساختن سر پناه برای اولین بار چگونه شکل گرفت. آیا طرح ساختن خانه در قدم اول محصول فکر بود یا انعکاس از احتیاج انسان که باید در زمهره خوراک و پوشاک این ضرورت اولیه رانیز داشته باشد تا مصون بماند بهمین ترتیب آیا بعد از پیدایش طرح داشتن یک سر پناه انسان قادر بود که مانند امروز خانه زیبا و مطلوبی را اعمار نماید؟

مسئله جواب منفی است زیرا در -

قدم اول طرح ساختن سر پناه نه محصول ذهن و فکر، بلکه زاییده احتیاج مادی انسان بود بهمین شکل خانه هم یکباره بوسیله قدرت محض فکری آدمیان ساخته نشد، بلکه تدریجاً چنین احتیاج مرفوع گردید ازین مثال به این نتیجه میرسیم که در قدم اول احتیاج مادی و در قدم دوم پراتیک است که در پیدایش و تکامل فکر کمک بهم میرساند. اما باید تاکید کرد که این سخن مفهوم آن را ندارد که ما از نقش فکر انسان انکار کنیم زیرا فکر به نو به خود نیز در تسریع و بهبود پراتیک نقش ایفا میکند. در مثال دوم باید گفت که اختراع و کشف تمام ماشین و وسایل تخنیک کنونی در قدم اول محصول احتیاج به این ماشین و وسایل میباشد که مخترع و کاشف را به تحقیق و پژوهش و امید دارد. مثلاً اگر موجودیت ابحار مانع حمل و نقل نمیکرد دید اصلاً ساختن کشتی مطرح نمی شد ولی اینکه طرح ساختن کشتی در افکار انسان راه یافت، سپس به ساختن آن اقدام به عمل آمد نمیتوان آن را در قدم اول محصول ذهن و دماغ بشر بدانیم، البته در اینجا تاکید بر «قدم اول» است زیرا فکر در ساختن کشتی نقش موثری حایز میباشد مگر مفهوم آنرا ندارد که همه انقلابات

در حالیکه این کار بدون علوم نظیر کیمیا، جیو لوژی، فزیک بیولوژی و غیره امکان نداشت به تغییر دیگر احتیاج به تولید سریع و رشد محصولات تولیدی پایه های ضروری تکامل علوم و تکنولوژی را می سازد «احتیاج به تولید زیاد تر، منجر به توسعه و تکامل علوم نظیر مکانیک فزیک، کیمیا، هیست و غیره میشود و احتیاج شدیدی به پیشرفت های صنعتی، یعنی ضرورت بکار بردن ابزار و وسایل میخانیک باعث میشود که دانشمندان درین ساحه از فزیک شاهد پیشرفت های زیاد تری باشد»

در عصر ما، این عقیده که انقلاب علمی و فنی محصول ذهن و دماغ علما و نوابع میباشد با این نظر که زبده گان رجال زورمند سیاسی شخصیت های بزرگ، سلاطین و امرا را سازنده تاریخ می دانند هم ساز بوده و از لحاظ مبانی فکری و طبقاتی همگون اند که بیشتر نمایندگان ارتجاع و امپریا لیزم بدان باور دارد مثلاً همانطوریکه در نظر نخست از نقش توده ها و از پراتیک انکار بعمل میاید به همان نحودر نظر دوم نیز از نقش خلاق و سازنده توده ها در امر خصلت تاریخ ساز آنان اغماض میگردد. اگر بگویم که چند نابغه عالم و ساینسست نیز پراتیک انجام میدهند، تفکر و تعقل بخرچ می دهند و در فرجامین شیوه تحقیقات اینها است که برخی اختراعات و کشفیات صورت میگیرد از یک جهت درست به نظر میرسد، اما سخن یکجانبه میباشد زیرا «پراتیک دارای خصلت اجتماعی است پراتیک فعالیت این یا آن شخصیت اجتماعی نیست بلکه فعالیت آن توده های مردم فعالیت تمام زحمتهای آن است» درست است که اختراعات و کشفیات تحول شگرفی را در صنایع ماشینی رونما گردانده است اما عاقل محر که وانگیزه اصلی ایکه علما و نوابع در رشته های مختلف به تحقیقات و امیدارد آن احتیاج به تولید بهتر و بالاخره احتیاج به بهتر ساختن و میل زندگی میباشد.

چون پراتیک مبدا معرفت و عاقل نیست اما باید گفت که پراتیک اشکال متنوع دارد که هر یک در امر رشد و تکامل فکرو در امر توسعه علم و تکنالوژی اثر می اندازند مثلاً تنها عمل تولیدی و احتیاج به نیاز مادی موجب

متعاً قبلاً سوال دیگری مطرح میشود که پس عوامل رشد و تکامل فکر چیست؟ نظیر این سوالات زیاد است لذا باید اذعان کرد که این ضرورت زمان و اقتضای شیوه تولید سرما پداری بود که دگرگونی های شگرفی در ساحه علم و تخنیک رونما گردانید چنانچه «همزمان با تولید کپیتالیستی عامل ساینس فیک بار اول آگاهانه به پیمانه یی تکامل کرد، تطبیق گردید و بوجود آمد که ادوار پیشین هیچ درکی از آن نداشت»

از آنجا که فکر در جریان تغییر و تحول شیوه تولید نعمات مادی و در کلیت امر در پروسه زمان و زندگی اجتماعی شکل میگیرد، تحول می یابد و تکامل میکند لذا همه انقلابات، خاصتاً انقلاب علمی و فنی در قدم اول زاییده ذهن و دماغ علما و نوابع نه، بلکه در قدم اول محصول پراتیک تولیدی و بازتابی از ضرورت های عینی زمان میباشد این پراتیک است که تفکر و اندیشه و در مجموع معرفت آدمیان را بوجود آورده و تکامل

مل می بخشد «معرفت خود بر اساس پراتیک و بطور عمده بر اثر تولید مادی پیدا شده است، انسان از همان گام های نخستین موجودیت خود مجبور بود کار کند و وسایل زندگی خود را بدست آورد. او در جریان کار و زحمت با نیروهای طبیعت بر خورد کرد و به تدریج به آنها معرفت یافت. تکامل تولید پیوسته معلومات بیشتر و پیشتری را طلب میکرد. از همان قرون قدیم برای انسان ضرورت اندازه گیری سطح زمین، شمارش افزار کار و محصولات تولید شده پدید آمد. در نتیجه این امر نقطه های معلومات ریاضی بسته شد انسان خانه ساخت جاده و پل ساخت سیستم آبیاری پدید آورده و غیره برای اینها همه دانستن قوانین مکانیک لازم بود بدین ترتیب تحت تأثیر احتیاجات پراتیک استعداد معرفتی انسان رشد یافت علوم پدید آمدند اساس پیدایش علوم اجتماعی نیز پراتیک است»

در جریان رشد نظام کپیتالیسم تحولات و انکشاف میخانیک و ریاضی و علوم دیگر با ارتباط ضرورت های رشد پروسه تولید حمل و نقل، کشتی رانی، تجارت و صنایع ماشینی بمیان آمد و تکامل کرد بهمین نحوه تولید جامعه بورژوازی رشد سریع صنایع ماشینی را طلب میکرد



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library